

عقاید اسلامی در قرآن کریم

جلد هشتم

خداشناسی در قرآن کریم

.....	فصل اول: عهد و میثاق پروردگار با بنی آدم	٤
.....	١-١- فطرت انسان و شناخت خدا	٤
.....	١-٢- اختیار و عدم اجبار در خدا پرستی	٦
.....	١-٣- خلقت و نظام هستی راهی برای خدا شناسی	١٤
.....	فصل دوم: مبحث الوهیت در قرآن کریم	١٦
.....	١-٢-١- اله و معنای آن	١٦
.....	٢-٢- معنای لا اله الا الله	١٩
.....	٢-٣- میرا بودن خداوند از شریک	٣٠
.....	فصل سوم: انواع مخلوقات خدا در قرآن کریم	٤١
.....	١-٣-١- ملائکه	٤١
.....	٢-٣-٢- السموات و الارض و سماء الأرض	٥٣
.....	٣-٣-٣- دواب، جنندگان	٧٢
.....	٣-٣-٤- جن و شیاطین	٧٣
.....	٣-٣-٥- انسان	٨٦
.....	فصل چهارم: مباحث ربوبیت	١٠٦
.....	١-٤-١- رب و معنای آن	١٠٦
.....	٢-٤-٢- رب العالمین و انواع هدایت	١٠٨
.....	٣-٤-٣- انواع هدایت رب العالمی برای اصناف خلق	١١٩
.....	فصل پنجم: برخی از صفات و اسماء رب العالمین	١٣٣
.....	١-٥-١- معنای اسم	١٣٣
.....	٢-٥-٢- معنای رحمان و رحیم	١٣٣
.....	٣-٥-٣- ذوالعرش و «ربّ العرش»	١٣٥
.....	٤-٥-٤- اسماء حسنی الهی	١٤٦
.....	فصل ششم: رب العالمین و پاداش اعمال انسان	١٥٣
.....	١-٦-١- انسان و پاداش کار در دنیا	١٥٣
.....	٢-٦-٢- انسان و پاداش او در آخرت	١٥٧
.....	٣-٦-٣- انسان و پاداش او به هنگام مرگ	١٦٢
.....	٤-٦-٤- انسان و پاداش او در قبر	١٦٤

۱۶۵۶-۵-انسان و پاداش او در محشر.....
۱۷۰۶-۶-انسان و پاداش او در بهشت و جهنم.....
۱۷۴۶-۷-پاداش صبر و شکیبایی.....
۱۷۸۶-۸-پاداش عمل، میراث نسلها.....
۱۸۰۶-۹-شایستگی شفاعت، پاداش برخی اعمال.....
۱۸۳۶-۱۰-تباهی پاداش، کیفر برخی اعمال.....
۱۸۶۶-۱۱-جَنّان در پاداش و کیفر همانند انسانند.....
۱۸۸فصل هفتم:مشیت رب العالمین.....
۱۸۸۷-۱-مشیت در لغت و قران کریم.....
۱۸۹۷-۲-مشیت خدا در رزق و روزی.....
۱۹۱۷-۳-مشیت خدا در هدایت و راهنمایی.....
۱۹۶۷-۴-مشیت الهی در عذاب و رحمت.....

فصل اول: عهد و میثاق پروردگار با بنی آدم

۱-۱- فطرت انسان و شناخت خدا

خدای سبحان بنا بر آن چه در قرآن کریم آمده، از ذریه و نسل آدم پیمان گرفته است، چنان که در سوره اعراف فرموده:

{وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ^ص
قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا
إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾}.

آن گاه که پروردگارت از فرزندان آدم، ذریه و نسلشان را بیرون کشید، و آنان را گواه خودشان گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم. این برای آن بود که در روز قیامت نگویند ما از این مسئله نا آگاه بودیم، یا نگویند پدران ما مشرک شدند و ما نسل بعدی آنانیم، آیا ما را به خاطر آنان هلاک می‌کنی؟!۱

برای تفسیر و شرح این دو آیه به مقدمه زیر نیازمندیم:

هنگامی که نوزاد از رحم مادر جدا شده، و بند نافش که وسیله دریافت غذای او بوده، بریده می‌شود، غریزه گرسنگی او را به تلاش در پی غذا و می‌دارد، پس، می‌گریزد و جیغ می‌کشد و دست و پا می‌زند و آرام نمی‌گیرد تا پستان مادر را بگیرد و شیر را بمکد و از مجرای دهان به معده برساند. این غریزه در آدمی همیشگی است، و او را در طول زندگی، برای یافتن غذا، به تلاش و تحرک وادار می‌دارد.

در این غریزه که ما آن را، تلاش معده در یافتن غذا، می‌نامیم، همه حیوانات با انسان برابرند، و این، اولین غریزه‌ای است که انسان را به سوی کار و تلاش در زندگی می‌راند.

پس از آن که نوزاد بزرگ و بزرگ‌تر و چند ساله می‌شود، غریزه دومی به تدریج در او رشد کرده و در او ان کودکی و ابتدای نوجوانی ظاهر می‌گردد، و نیروی مغزی‌اش را برای دریافت غذای روحی، به تلاش و تکاپو وادار می‌دارد. در این حال، هر چه در اطراف خود می‌بیند توجهش را جلب کرده، و او را به سؤال از پدر و مادر و اطرافیان می‌کشاند تا علت وجود هر پدیده‌ای را بپرسد. برای نمونه، هنگامی که خورشید را در حال غروب می‌بیند از ایشان می‌پرسد: خورشید شبها به کجا می‌رود؟ یا وقتی چشمه آبی را در کوه-

۱ . سوره اعراف، آیات ۱۷۲-۱۷۳.

ساران در حال جوشش و جریان می‌بینند، می‌پرسد: این آبها از کجا می‌آیند؟ یا گاهی که ابرها را در آسمان روان می‌بینند، می‌پرسد: این ابرها به کجا می‌روند؟ و ...

بدین گونه آگاهی‌اش از موجودات را گسترش می‌دهد، و با سؤال‌هایی که از علت و سبب پدیده‌ها و حرکات آنها از پدر و مادر یا افراد بزرگتر از خود می‌کند، نیاز غریزی دوم خود را تأمین می‌نماید. پس این غریزه نیز، انسان را به تلاش برای اشباع اینگونه گرسنگی وامی‌دارد. و این حقیقت همان تلاش و کوشش عقل بشر در راه شناخت و درک معرفت است. او با کاوشگری و بررسی، در پی دستیابی و فهم اسباب و علل وجود پدیده‌هاست، این شیوه برخورد با حوادث و پدیده‌ها، در طول عمر آدمی، با این غریزه گسترش می‌یابد، و او را به کاوش و بررسی در علت پیدایش موجودات کشانده، و در پی یافتن سبب حرکت و ایستایی موجودات روان می‌کند و این تنها راه معرفت شناسی و کسب همه دانش‌های بشری است.

بحث و بررسی و کاوش‌گری انسان در یافتن علت پدیده‌ها، در نهایت او را به شناخت پدید آورنده آنها، یعنی خدای خالق، می‌رساند. و تحقیق و پژوهش او در یافتن علت حرکت و ایستایی موجودات، او را به بنیانگذار نظم و نظام در زندگی فردی و جمعی مخلوقات، رهنمون می‌گردد.

گردش ماه به دور زمین، و زمین به دور خورشید، یا حرکت الکترون در درون اتم به دور هسته خود، به حرکت گلبولهای سرخ و سفید در خون، و دیگر نمونه‌های آشکار نظم و نظام، در حرکت و سکون موجودات، - که نه به شمار آید و نه قابل احصا باشد - این‌ها همه، انسان را در چنین کاوشی به این نتیجه می‌رساند که: پدیده‌ها و موجودات آسمان و زمین، به هر چه میان آن دو است، پروردگار قانون‌گذار و نظم‌آفرینی دارند که زندگی هر یک از آنها را برنامه ریزی و تنظیم فرموده است. و این همان معنای سخن خدای متعال در آیه کریمه سوره اعراب است که می‌فرماید: و اذ اخذ ربک ...

۳. تفسیر آیه

{وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ} یعنی هنگامی که خداوند از هر یک از افراد بنی آدم، ذریه و نسل او را بیرون آورد، و نسل هر پدری از پشت او جدا و خارج شد، {أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ} هر یک از آنان را بر خودش گواه گرفت و از راه فطرت کنجکاو و جستجوگری که به او بخشیده بود تا از سبب پدید آمدن پدیده‌ها و حرکت و سکون موجودات جويا شود، از ایشان پرسید: آیا

من پروردگار شما نیستم؟ و چون همه آنان با عقل فطری خود، در یافته بودند که هر مخلوقی را خالق است و هر نظمی را ناظمی، فریاد بلی و آری سر دادند. این همان غریزه فطری است که انسان را از دیگر مخلوقات ممتاز کرده و بشر به وسیله آن به نتیجه گیری و جمع بندی پرداخته، و آن چه را که دیگر مخلوقات توان درک و دریافتش را ندارند، فرا می‌گیرد. شرح و بیان آن، به یاری خدا، در تفسیر آیه کریمه: {و علم آدم الأسماء كلها} می‌آید.

۲-۱- اختیار و عدم اجبار در خدا پرستی

گفتیم: خداوند رحمان به وسیله همان غریزه‌ای که سرشت آدمیان را بر آن بنا نهاده، آنان را گواه خودشان گرفت و پرسید: آیا من پروردگارتان نیستم؟ آنان هم به زبان فطرت پاسخ دادند: آری گواهی می‌دهیم، پروردگار ما تویی. این همان معنای روایت شده از پیامبر است که فرموده: کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه. ۲ و یمجسانه. ۳ هر نوزادی و بر پایه فطرت [= عقل پژوهش‌گر] به دنیا می‌آید تا آن‌گاه که پدر و مادر، او را منحرف و تابع خود، یعنی یهودی و نصرانی و مجوسی کنند.

یعنی، هر انسانی بر فطرت شناخت ربوبیت، با استنتاج عقلی، به دنیا می‌آید - شرح آن بیاید - و این پدر و مادرند که او را از فطرت سلیمش منحرف کرده، و به دین یهود یا نصرانی یا مجوس - که از دین فطرت روی‌گردان شده، و آیین خدای عزیز را تحریف کرده‌اند - در می‌آورند.

اما این که خداوند آنان را، تنها بر ایمان به «ربوبیت» خویش گواه گرفت، و از گواهی بر «الوهیت» و ایمان به آن، چیزی نپرسید، از آن روست که ایمان به «ربوبیت» و قانون‌گذاری خدا در نظام زندگی مخلوقات، مستلزم ایمان به «الوهیت» و خالق آنان است، در حالی که عکس آن صادق نیست. بیان و توضیح آن در

تفسیر آیه کریمه: {الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى} می‌آید.

آری، خدای متعال آنان را بر خودشان گواه گرفت تا روز قیامت نگویند: ما از این موضوع غافل بودیم، متوجه ربوبیت و پروردگاری تو نبودیم! برهان و دلیلی برای ما نیاوردی، عقول ما را هم که به کمال

۲ . سفینه البحار ماده فطرت.

۳ . صحیح مسلم کتاب قدر، باب معنی کل مولود... و صحیح بخاری کتاب جنایز و کتاب تفسیر و کتاب قدر، سنن ابی داود، کتاب سنت . سنن ترمذی کتاب قدر. موطا مالک، کتاب جنایز و مسند احمد جلد ۲، ص ۲۳۳ و ۲۵۳ و ...

نرساندی تا این «ربوبیت» را در یابیم! نا نگویند: {إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ} پدران پیشین ما مشرک شدند، و ما نسل بعدی آنان بودیم.

یعنی: پدران ما پیش از ما، بر شرک به «الوهیت» و کفر به «ربوبیت» پرورده شدند، و ما در حالی به دنیا آمدیم که چیزی را درک نمی کردیم، و آنان بودند که ما را به سوی مرام خودشان جهت دادند، ما هم در اثر تربیت ایشان، آن گونه که می خواستند، پرورش یافتیم، پس گناه، گناه آنان است؛ و آثار و تبعات آن هم بر ایشان! {أَفَتُمَلِّكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ} آیا ما را به خاطر چیزی که پدران و مادران سبب آن بوده اند، کیفر می دهی؟!

این همان چیزی است که امروزه آن را، «جبر و محیط و اثر آن بر انسان، به ویژه بر کودکان»، می نامند. خدای سبحان می فرماید: شما را چنین سخنی نباید گفت، زیرا، ما شما را به غریزه کاوشگری و علت یا بی مجهز کرده ایم. همان گونه نسل های بعدی همیشه چیزهایی را کشف کرده و می کنند که گذشتگان از آن بی خبر بودند، و آنها را شدیداً انکار و دست نیافتنی می دانستند، مانند: قوه بخار، نیروی الکتریسیته و برق، سرعت نور، گردش ستارگان به دور یکدیگر و دیگر کشفیاتی که شمارش و احصای آنها ناشدنی است. در همه این موارد، بشر با عقل فطری علت یاب خود امکان آن را یافته تا پندار و گفتار گذشتگان را باطل، عقاید آنان را پوچ و کشف جدید خود را به اثبات برساند.

آری، خدای متعال به ما این چنین پاسخ می دهد: به واسطه آن که شما را با غریزه و حسن کنجکاو از علت ها آفریدیم، و عقل ممیز و جدا کنند حق و باطل و شناسای درست و نادرست عطا نمودیم، حجت را بر شما تمام کردیم، پس شما را نسزد که بگویید: «ما این را نمی دانستیم و از آن غافل بودیم»، یا بگویید: «پدران و مادران ما مشرک بودند، و ما از آنان پیروی کردیم، و محیط زندگی بر ما اثر گذاشت».

خداوند، برای ردّ این پندار، و اثبات این که انسان می تواند با محیطی که در آن پرورش یافته و زندگی می کند، به مخالفت برخیزد، در قرآن کریم و مثال آورده و فرموده:

{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِينَ ﴿۶۱﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَخِنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَخِنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِينَ ﴿۶۲﴾}

وَمَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
وَكُتُبِهِ ۖ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ ﴿١٢﴾

خداوند، برای کسانی که کافر شده‌اند، زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند که در حریم نبوت و تحت سرپرستی دو تن از بندگان صالح ما بودند و به آن دو خیانت کردند. و ارتباطشان با این دو پیامبر چیزی از عذابشان نکاست و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند.

و خداوند، برای مؤمنان، زن فرعون را مثال می‌زند، هنگامی که گفت: پروردگارا! خانه‌ای در بهشت نزد خودت برای من بنا کن، و مرا از فرعون و کردارش رهایی ده، و از گروه ستم‌کاران خلاصی بخش.

و نیز، مریم دختر عمران را مثل می‌زند، آن که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در او دمیدیم، و او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از فرمان پذیران تسلیم خدا بود. ع

آسیه زن فرعون در خانواده‌ای کافر و محیطی کفر آلود و کافر پرور زندگی می‌کرد. او زن کسی بود که ادعای «الوهیت» و «ربوبیت» داشت. بنابر این، طبیعی بود که او نیز، به گمان قوم خود، «الیه» و خدای دست دوم به حساب آید و مورد ستایش و تکریم ویژه و پرستش واقع شود. ولی او همه اینها را رد کرد و با شوهر و خانواده و همه مردم مملکتش به مخالفت برخاست، و تنها به پروردگار عالمیان ایمان آورد.

او از فرعون قدرتمند مدعی ربوبیت و کردارش بی‌زاری جُست، و گفت: خدایا! مرا از فرعون و کارهایی که می‌کند رهایی بخش. و مرا از جماعت ستمکار نابخرد، یعنی از قوم خودم خلاصی ده. و در برابر آنها ایستاد و مقاومت کرد تا در راه پروردگار عالمیان به شهادت رسید.

از طرف دیگر، هر یک از دو زن نوح و لوط، با آن که در خانه پیامبرانی بودند که مردم را به اطاعت پروردگار عالمیان فرا می‌خواندند، با این حال، به پروردگار عالم و به شوهرانشان کافر شدند.

مهم‌تر از این دو، در مخالفت با جو محیط، پسر نوح است. آن که خدای متعال در سوره هود، داستان مخالفتش با پدر، در سوار شدن بر کشتی را آورده، و فرموده:

{وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنِي أَرْكَبَ
مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ سَعَاوَى إِلَى جِبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا
عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾}.

کشتی آنان را در میان امواج کوه مانند پیش می‌برد، نوح فرزندش را که در کناری بود ندا داد و گفت: فرزندم! با ما سوار شو و همراه کافران مباش. او گفت: هم اکنون به کوهی پناه می‌برم تا از آب نگهدارم باشد. نوح گفت: امروز نگهدارنده‌ای از امر خدا نیست مگر آن را که او مورد رحمت قرار دهد. در این حال بودند که موج میانشان فاصله شد و فرزند نوح از غرق شدگان بود. ۵

پس، زنان نوح و لوط با شوهرانشان مخالفت کردند، و پسر نوح در حالی که نشانه‌های عذاب الهی و امواج کوه‌پیکر را می‌دید از خواسته پدر سرپیچی کرد و از سوار شدن بر کشتی امتناع ورزید. اینان همه، در راه پیروی از خواسته دل و هوای نفس، این راهها را برگزیدند نه از جبر محیط!

در حالی که زن فرعون در مخالفت با هوای نفس، با شوهر و خانواده و قوم خویش به مبارزه برخاست تا فرمان پروردگارش را پیروی کند. و مریم دختر عمران، که در خانواده‌ای مؤمن زندگی می‌کرد، بر خلاف زن نوح و لوط - کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد. پس جبر محیط و خانواده بی‌معنی است. این خانواده و محیط نیستند که انسان را به کفر و ایمان وا می‌دارند. بلکه تنها، تمایل به عادات و گرایش به پیروی از محیط است که، چون در آدمی پیدا شود، او را از حق منحرف می‌کند، چنان که خدای متعال در هفت مورد از قرآن کریم از آن خبر داده، و فرموده: امت‌های گذشته به پیامبرانشان می‌گفتند: در پرستش و عبادت بت‌ها و ملائکه، از پدرانشان پیروی می‌کنند، مانند داستان ابراهیم * و قوم او که در سوره انبیاء آمده است:

{وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ
الْتِمَاطِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾}

ما پیش از این، ابراهیم را به رشد و کمال خود رساندیم، و به شایستگی اش دانا بودیم، هنگامی که به پدر و قومش گفت: این مجسمه‌ها چیست که شما خود را اسیر و بنده آنها کرده‌اید؟ گفتند: ما پدرانمان را همیشه پرستنده آنها یافته‌ایم.^۶

و در سوره شعراء آمده است:

{ عَلَيْهِمْ وَأَتْلُ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٦﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَافِيَةً ﴿٦٨﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٦٩﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ }

داستان ابراهیم را بر آنان بخوان، هنگامی که به پدر و قومش گفت: چه می‌پرستید؟ گفتند: ما بت‌هایی را می‌پرستیم و خود را وقف پرستش آنها می‌کنیم. ابراهیم گفت: آیا وقتی آنها را می‌خوانید سخنانتان را می‌شنوید؟ آیا نفع و ضرری به شما می‌رسانند؟! گفتند: ما پدرانمان را دیده‌ایم که چنین می‌کنند.^۷ و داستان موسی و فرعونیان در سوره یونس که می‌فرماید:

{ قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ﴿٧٢﴾ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّاءَ وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونُ لَكُمْ أَلِكِبْرِيَاءَ فِي الْأَرْضِ وَمَا خُنُّ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٤﴾ }

موسی گفت: آیا هنگامی که حق به سراغ شما آمد، می‌گویید این سحر است، در حالی که ساحران هرگز رستگار نمی‌شوند؟ گفتند: آیا آمده‌ای تا ما را از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم منصرف گردانی تا بزرگی در زمین برای شما باشد؟ ما هرگز شما را باور نداریم.^۸

یا داستان خاتم انبیاء| با قوم خود که در سوره مائده می‌فرماید:

{ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا ؕ أُولَٰئِكَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٤٤﴾ }

^۶ . سوره انبیاء، آیات ۵۱ - ۵۳ .

^۷ . سوره شعراء، آیات ۶۹ - ۷۴ .

^۸ . سوره یونس، آیات ۷۷ و ۷۸ .

و هر گاه به ایشان گفته شد به سوی آیات خدا و پیامبر| بیایید، گفتند: آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم ما را بس باشد، مگر نه آنست که پدرانشان نه دانشی دارند که بر آن اعتماد کنند و نه راه هدایتی که در آن سلوک نمایند. ۹

و در سوره لقمان فرموده:

{الْمُتَرَوِّا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أُولَٰئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾}.

برخی از مردما، بدون آن که دانشی داشته، یا راهنمایی شده باشند و یا کتاب روشن‌گری فرا رویشان باشد، در باره خدا مجادله می‌کنند. و هر گاه به ایشان گفته شد: از آیات نازله خداوندی پیروی کنید، گفتند: بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم متابعت می‌کنیم. آیا نه آنست که شیطان ایشان را به آتش شعله‌ور و عذاب آن فرا می‌خواند؟ ۱۰

{وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا ۚ أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ ۖ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٢﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ۗ مَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا سَخِرُونَ ﴿١٣﴾ أَمْ ءَاتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ ۖ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿١٤﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّهْتَدُونَ ﴿١٥﴾}.

آنان ملائکه، بندگان خالص خدای رحمان را، ماده پنداشتند. آیا اینان گواه خلقت‌شان بوده‌اند که چنین ادعایی دارند؟ به یقین گواهی ایشان نوشته و از آن پرسیده می‌شوند. و گفتند: اگر خدا می‌خواست ما آنها را نمی‌پرستیدیم. جاهلانه سخن می‌گویند، در این باره هیچ اطلاعی ندارند، فقط گمانه می‌زنند و دروغ می‌بافند. آیا پیش از این کتابی به آنان داده‌ایم و به آن تمسک جست‌ه‌اند؟ خیر، بلکه گفتند: ما پدرانمان را در این

مسیر یک‌پارچه و یک رأی یافتیم، و ما هم در پی آنان راه می‌یابیم. ۱۱

و در آیات بعد، در همان سوره، در داستان امت‌های گذشته آمده است:

۹ . سوره مائده، آیه ۱۰۴.
۱۰ . سوره لقمان، آیات ۲۰ و ۲۱.
۱۱ . سوره زخرف، آیات ۱۹ - ۲۲.

{وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ
 أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ * قُلْ أُولُو جِحْتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ
 ءِ آبَاءُكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
 الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾}.

بدین سان، پیش از تو در هیچ شهر و دیاری بیم دهنده‌ای نفرستادیم جز آن که رفاه‌طلبان مستکبر آن
 گفتند: ما پدرانمان را بر آیین خود متحد و یک‌پارچه یافتیم، و البته که بر مسیر آنان اقتدا می‌کنیم.
 پیامبر! بیم‌دهنده گفت: آیا اگر به چیزی بهتر از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌اید به نزد شما آمده باشم باز
 هم از پدرانمان تقلید می‌کنید؟ گفتند: ما به هر چه برای ما آورده باشید باور نداریم. پس، از آنان انتقام
 کشیدیم، بنگر چگونه است عاقبت تکذیب‌کنندگان! ۱۲

تفسیر آیات

خداوند در آیات گذشته خبر می‌دهد: خلیلش ابراهیم^x از قوم خود پرسید: این مجسمه‌هایی که
 خودتان را وقف عبادت آنها کرده‌اید چیستند؟ آیا وقتی آنان را می‌خوانید سخن شما را می‌شنوند؟ آیا
 نفع و ضرری به شما می‌رسانند؟ گفتند: ما به این مسائل کاری نداریم، ما پدرانمان را بر این روش
 دیده‌ایم و از آنان پیروی می‌کنیم! در جای دیگر، از برخورد موسی^x با فرعونیان حکایت می‌کند که به
 آنان گفت: آیا این آیات حقه خداوندی را سحر می‌نامید؟ فرعونیان گفتند: آمده‌ای که ما را از مسیر
 پدرانمان منحرف نمایی؟!!

خداوند از درگیری خاتم انبیاء[|] با مشرکین قریش نیز خبر داد و فرمود: هر گاه به آنان گفته شد به
 فرمان خدا در آید، گفتند: روش پدران و سیره آنان ما را بس! در جای دیگر می‌فرماید: برخی مردمان،
 به دور از هر گونه اطلاع و دانش یا راهنما و کتاب روشن‌گری، در باره خدا به بحث و جدل می-
 پردازند.

کفار قریش، ملائکه را می‌پرستیدند و آنان را اناث و ماده می‌پنداشتند. خدای سبحان بر سبیل استفهام
 انکاری می‌پرسد: آیا اینان شاهد خلقت ملائکه و انوئیت آنان بوده‌اند؟ یا آن که خداوند کتابی همانند
 تورات و انجیل برایشان فرستاده و این قضیه را در آن آورده است، و اینان با تمسک و استناد به آن
 سخن می‌گویند؟ نه، چنین نگفتند، بلکه گفتند: ما پدرانمان را بر این روش یک‌پارچه و متحد یافتیم و
 بر مسیر آنان راه می‌یابیم.

خدای سبحان نیز، برای تسلی و آرامش خاطر پیامبر خود، و این که این سیره و روش تازگی ندارد و همه امت‌ها با پیامبران‌شان چنین بر خورده‌های جاهلانه و نابخردانه‌ای داشته‌اند، می‌فرماید: ما در هیچ شهر و دیاری پیامبر|بیم‌دهنده‌ای برای ترساندن مردمان نفرستادیم مگر آن که مترفین مستکبر آن دیار گفتند: ما پدرانمان را بر دینی که داریم یک‌دل و یک‌صدا یافته‌ایم و ما هم بر مسیر و راه آنان رفته و به ایشان اقتدا می‌کنیم. پیامبر| فرستاده خدا که برای ترساندن ایشان رفته بود، می‌گفت: آیا اگر چیزی بهتر از روش پدرانتان برای شما آورده باشم باز هم انکار می‌کنید و کفر می‌ورزید؟ آنان گفتند: ما به هر چه شما آورده باشید کافریم!

پس، نتیجه می‌گیریم: عصبیت قومی و گروهی که برخاسته از جهل و نادانی است چنین خواسته‌هایی را در جان انسان می‌نشانند و او را بدان جا می‌کشاند که با فطرت پاک و سلیم خدا دادی‌اش _ که راهنمای او در شناخت خدای خالق و پروردگار پرورش‌گر است _ به ستیز و مخالفت بر می‌خیزد.

فشرده بحث

از آنجا که نفس آدمی کنجکاو و پژوهشگر است، در طول زندگی _ همانند معده حریص و سیری‌ناپذیر خود که در طول حیات غذا می‌جوید _ در جستجوی شناخت و معرفت می‌باشد. پس، هنگامی که جویای علت حرکت در متحرک‌ها و سبب وجود در موجودات می‌گردد، عقل او به این نتیجه و حکم می‌رسد که: هر حرکتی حتماً باید حرکت دهنده داشته باشد، به هر آفریده شده دارای نظم و نظامی که با حساب و دقت و وزانت به وجود آمده باشد، به یقین باید آفریننده خود را دارا باشد. این آفریننده نامش «اله» یعنی خداست.

پس، هیچ کس را نه شاید که در روز قیامت بگوید: انا کنا عن هذا غافلین ما از این مسائل غافل بودیم. یا بگوید: «پدران ما در گذشته شرک آوردند، و ما از نسل ایشان بودیم» _ یعنی انتخاب راه از طرف آنان بوده _ «آیا ما را به خاطر کردار جاهلانه آنان هلاک می‌کنی؟» زیرا، حال ایشان در این باره، حال مردمان در زندگی دنیاست، مردم پیش از کشف نیروی برق و الکتریسیته در تاریکی محض به سر می‌بردند. به خاطر غریزه تحقیق کنجکاوی که در ذات آنان به ودیعت نهاده شده بود، فرزندان‌شان به کشف نیروی برق دست یافتند. دیگر کشفیات بشر هم، در هر دوره و نسلی که گذشتگان به آن دسترسی نداشته‌اند، از این قبیل است. بدین سبب، همان گونه که نسل بشر تاریکی دنیای مادی خود را با تحقیق روشن نمود، می‌توانست تاریکی کفر پدران‌ش را نیز پشت سر گذارده و از نور پیامبران روشنی بجوید. پس، هیچ کس نمی‌تواند بگوید: چون پدران من در تاریکی ظلم و شرک، و تاریکی انکار خالق به سر بردند، من هم به ناچار از آنان پیروی می‌کردم. ناچاری در کار نیست، زیرا، خداوند

رحمان با فرستادن پیامبرانش فرموده: فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿١٣﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

﴿١٣﴾ پس تذکر بده، که تو تنها، تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان مسلط نیستی. ۱۳.

{وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ}.

این ذکر (= یاد آور) را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردمان فرستاده شده، برایشان بیان و روشن

نمایی، و تا اندیشه نمایند. ۱۴

در بحث آینده آنچه را در این جا خلاصه و فشرده آوردیم، به حول و قوه الهی، با شرح و بسط لازم بررسی خواهیم کرد.

۳-۱- خلقت و نظام هستی راهی برای خدا شناسی

هنوز هستند افرادی که می‌گویند: خلقت و نظام هستی تصادفی پدید آمده است. نه مخلوقات را خالق است، نه نظام را نظام دهنده‌ای! خلاصه گفتارشان این است:

این همه موجود بی‌شمار و احصا نشدنی در مجموعه هستی، اتفاقی پدید آمده‌اند. یعنی ذرات و عناصر گوناگون در اندازه‌ها و موقعیت‌های خاص، تصادفی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، تصادفی به مقدار لازم و متناسب با هم ممزوج شده، تصادفی در جو مناسب و ملایم طبع خود قرار گرفته، تصادفی با دیگر عناصر ترکیب شده و یکدیگر را تکمیل کرده‌اند. تصادفی در مدارهای شایسته دور و نزدیک هم جاسازی شده و تصادفی به یک مجموعه بی‌شمار و بی‌کران منظم و حیات آفرین تبدیل شده‌اند؛ تصادف‌های دقیق و حساب شده! در اندازه‌های لازم و شایسته! تا آن جا که عناصر اصلی حیات مانند: اکسیژن و هیدروژن و ... پدیدار، و مایه‌های زیست و زیستن آماده و مهیا گردیده است!!!

برای روشن شدن بیشتر موضوع، و برای آن که ریشه این مغالطه کاری‌ها و پرده پوشی‌ها از بن زده شود، به یاری خدای متعال، مثال زیر را می‌آوریم:

شما اگر ده عدد توپ کوچک یک اندازه را بگیرید و از یک تا ده شماره گذاری نمایید، سپس آنها را در کیسه‌ای بریزید و آن را شدیداً تکان دهید تا کاملاً در هم شده و از ترتیب شماره خارج شوند، پس از آن تصمیم بگیرید بر همان ردیف یک تا ده، آنها را از کیسه بیرون آورید، احتمال بیرون آوردن توپ شماره یک، احتمالی از یک تا ده می‌باشد، یعنی ممکن است در مرتبه اول بیرون بیاید، یا دوم، و یا در مرحله آخر

۱۳ . سورة غاشیه، آیات ۲۱ و ۲۲ .
۱۴ . سورة نحل، آیه ۴۴ .

که دهمین و آخرین است. حال اگر بخواهید شماره‌های یک و دو را به دنبال هم بیرون آورید، نسبت احتمال به یک تا صد می‌رسد، یعنی هم ممکن است در مرحله اول با هم بیرون بیایند، و هم ممکن است شما مجبور باشید یک صد بار این عمل را تکرار کنید تا موفق گردید. اما اگر خواستید شماره‌های یک و دو و سه را به ترتیب دنبال هم آورید، نسبت احتمال در این جا یک تا هزار می‌گردد. یعنی ممکن است شما مجبور باشید یک هزار مرتبه این کار را تکرار نمایید. در مرحله بعد، یعنی بیرون آوردن شماره‌های یک و دو و سه و چهار نسبت اوج می‌گیرد و به رقم یک تا ده هزار می‌رسد. یعنی ممکن است مجبور شوید ده هزار بار تکرار کنید تا خواسته شما تحقق یابد، و همین طور پیش بروید تا جایی که بخواهید همه آن ده عدد توپ شماره‌گذاری شده را به ترتیب شماره‌های یک تا ده بیرون آورید که نسبت احتمال به یک تا ده‌ها میلیون می‌رسد.^{۱۵} این یک روش علمی پذیرفته شده روشن!

حال، اگر دیدگاه علمی چنین است که برای بیرون آوردن تصادفی تنها ده عدد متوالی از یک کیسه، با نظم مورد نظر و ترتیب شماره، این همه تکرار لازم می‌آید، دید علمی در باره ایجاد چنین نظامی که امروزه آن را مشاهده می‌کنیم چه خواهد بود؟! نظم و نظامی که نه تنها مجموعه موجوداتش بی‌شمار و غیر قابل احصایند، بلکه موجودات درون یک موجودش نیز با دید علمی تیز بین و ابزار شناخته شده امروزین، در شمار و احصا نیاید! حال، آیا هیچ ذی شعوری را می‌رسد که بگوید: اینها همه تصادفی پدید آمده‌اند، و برای هر یک از آنها اتفاقاً جزء مناسب آن پدید آمده، و از روی تصادف در کنار جزء دیگر جای گرفته و همین طور، جزئی در کنار جزء دیگر، و بخشی در مسیر بخش آخر، ردیف و همگن و دم‌ساز آمده، و این نظم محیر العقول شگفتی آفرین ایجاد گردیده است!!

خدای عظیم نظم آفرین در سوره حجر می‌فرماید:

{وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ}.

ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم، و آنها را برای بینندگان آراستیم.^{۱۶}

{وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ}.

و زمین را گسترديم؛ و در آن کوه‌های ثابت و استوار نهادیم، و از هر چیز موزون و مناسب، در آن رویاندیم.^{۱۷}

و در سوره بقره می‌فرماید:

^{۱۵} . علم به ایمان دعوت می‌کند تألیف: أ. کریسی موریسون.

A. CRESSY MORRISON

^{۱۶} . سوره حجر، آیه ۱۶.

^{۱۷} . سوره حجر، آیه ۱۹.

{إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
 }.

به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و گردش روز و شب، و در حرکت کشتی بر روی آب به سود مردمان، و آبی که خداوند از آسمان می‌فرستد و زمین را پس از مردن زنده می‌کند، جنبندگان را در آن گسترش می‌دهد و چرخش بادهای و ابرها را شده میان آسمان و زمین، برای صاحبان عقل و اندیشه نشانه‌ها است.^{۱۸}

آری، به خدا سوگند که در آفرینش آسمان و زمین نشانه‌های تدبیر و اندیشه فراوان است. و در نظام همگون و هماهنگ دژهای آسمان و ستاره‌هایش، و در میزان مستحکم و سنجیده گیاهان و رویش آن‌ها، برای انیשמندان و خردمندان نشان قدرت و عظمت و تدبیر و نظم بی‌شمار است، اگر ببیندیشند! ولی افسوس که هوای نفس، انسان عاقل و اندیشمند را از تعقل و اندیشه باز می‌دارد!!!

فصل دوم: مبحث الوهیت در قرآن کریم

۱-۲-اله و معنای آن

اول : معنای اله در کتب لغت

خلاصه آنچه در کتاب‌های لغت پیرامون اله آمده چنین است:

اله بر وزن «کتاب» از ماده آله یأله به معنای عبادت، یعنی: اطاعت خاضعانه است. لفظ اله مانند «کتاب» هم مصدر است و هم مصدر است و هم اسم مفعول؛ پس، همان گونه که «کتاب» به معنای «مکتوب» یعنی «نوشته شده» آمده، اله نیز بع معنای مألوه یعنی «عبادت شده» می‌آید. بنابراین، اله در لغت یعنی:

۱. عبادت و اطاعت خاضعانه. (معنای مصدری)

۲. معبود و مطاع: عبادت شده. (معنای مفعولی)

این معنای اله در لغت بود.

دوم: معنای اله در محاورات و گفت و گوهای مردم عرب زبان

^{۱۸} . سورة بقره، آیه ۱۶۴.

اله در محاورات مردم عرب زلان به دو معنی آمده است:

۱. هنگامی که شخص عرب زبانی از دیگری خبر می‌دهد و می‌گوید: اَلَّه، مقصودش این اسن که او عبادتی را انجام داده است، یعنی برای معبود خودش عبادات دینی مانند: نماز و دعا و قربانی به جای آورده است. و زمانی که می‌گوید اِلْهًا بر وزن کتاباً مقصودش آن معبودی است که عبادت و پرستش می‌شود، و مراسم دینی برای او انجام می‌گیرد، یعنی این هیئت معنای اسم مفعولی دارد، همان گونه که کتاب هم به معنای مکتوب، یعنی نوشته شده، می‌آید. و عرب هر چیزی را که عبادت و پرستش شود، اِلْه می‌گوید که جمع آن اِلْهَةٌ است، خالق و آفریننده باشد یا مخلوق و آفریده، برای او فرقی ندارد، مانند بت‌ها و خورشید و ماه، یا گاوها که مورد پرستش هندوها هستند.

۲. «اله» گاهی به معنای مطاع و پیروی شده می‌آید. مانند آن چه در قرآن کریم آمده است:

{ ۱. اَرَأَيْتَ مَنْ اُتَّخَذَ اِلْهَهُ هَوْنَهُ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ عَلَيْهِ وَكِيْلًا }.

آیا دیدی کسی را که هوای نفس خود را مطاع خود گرفته است؟ آیا تو می‌توانی او را هدایت و راهنمایی کنی؟!^{۱۹}

۲. { اَفَرَأَيْتَ مَنْ اُتَّخَذَ اِلْهَهُ هَوْنَهُ وَاَضَلَّهُ اللهُ عَلٰى عِلْمٍ }.

آیا دیدی کسی را که هوای خود را پیروی می‌کند و خداوند او را دانسته گمراه ساخته است؟!^{۲۰} یعنی هر که از هوای نفس خود پیروی می‌کند، در واقع هوای نفس و خواسته دل را معبود و مطاع خویش گرفته است، چنان که در سوره قصص می‌فرماید: { وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوْنَهُ بِغَيْرِ هُدٰى مِّنَ اللّٰهِ } . آیا گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خود را پیروی کرده و هدایت الهی را نپذیرفته، کسی پیدا می‌شود؟!^{۲۱}

۳. در سوره شعراء سخن فرعون به موسی را می‌آورد که گفت:

{ لِيْنِ اُتَّخَذْتَ اِلْهًا غَيْرِيْ لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوْنِيْنَ }.

اگر اِلْه دیگری جز مرا پیروی کنی تو را زندانی خواهم کرد!^{۲۲}

این که اِلْه را در این آیه، مطاع و پیروی شده، معنی کردیم برای آن است که فرعون و مردم زیر فرمان او معبودهای پرستیدنی خود را داشتند، چنان که خدای سبحان در سوره اعراف از قول آنها آورده است:

۱۹ . سوره فرقان، آیه ۴۳ .
۲۰ . سوره جاثیه، آیه ۲۳ .
۲۱ . سوره قصص، آیه ۵۰ .
۲۲ . سوره شعراء، آیه ۲۹ .

{ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ...^{٢٣} }

اشراف قوم فرعون به او گفتند: آیا موسی و قوم او را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و معبودهای تو را رها سازند؟! ...^{٢٣}

این معبودها که در این جا آمده، همان معبودهای پرستیدنی فرعون و قوم اوست که برای آنها قربانی می‌کردند و مراسم دینی می‌گرفتند.

اما فرعون خودش هم «اله» بود، لکن اله به معنای مطاع و پیروی شونده. اگر چه این احتمال نیز می‌رود که فرعون ادعای «الوهیت» به معنای اول هم داشته است، یعنی خود را معبود پرستیدنی هم می‌دانسته، چنان که از برخی ملت‌ها نقل شده که آنها پادشاهان خود را از نسل «آلهه» خورشید یا غیر آن، می‌دانستند، و برای آنان برخی مراسم عبادی را بر گزار می‌کردند.

اینها معنای «اله» در نزد عرب و غیر عرب از ملت‌های منقرض و باقی است.

سوم: معنای اله در اصطلاح اسلامی

«اله» در مصطلح اسلامی از اسمای حسناى خداوند و به معنای معبود و آفریننده مخلوقات می‌باشد. این واژه گاهی در قرآن کریم، همراه با قرینه‌ای که دلالت بر معنای لغوی دارد، آمده است. مانند:

{ الَّذِينَ تَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ }

آنان که با الله معبود دیگری قرار می‌دهند.^{٢٤}

زیرا، دو کلمه: آخر و مع الله در آیه کریمه، دلیل بر آنند که مقصود از «اله» معنای لغوی آن، یعنی: مطاع و معبود است، یعنی همان که جز الله پیروی و پرستش می‌شود.

«اله» در آیات بسیاری از قرآن کریم، بدون قرینه و مطلق به معنای اصطلاحی‌اش آمده، و «الوهیت» را منحصر و ویژه خدای سبحان می‌کند. ما در بحث آینده مشروح آن را بیان می‌داریم.

جامع‌ترین سخن در معنای «اله» سخنی است که ابن منظور مؤلف کتاب لسان العرب، در ذیل ماده «اله»، از قول ابی الهیثم آورده که گفته است:

خدای عزّ و جلّ فرموده: خداوند هیچ فرزندی نگرفته، و هیچ الهی با او نیست، چه، اگر الهی جز او وجود داشت، هر الهی به مخلوق خود می‌پرداخت.

^{٢٣} . سورة اعراف، آیه ١٢٧.

^{٢٤} . سورة حجر، آیه ٩٦.

یعنی: هیچ کس نمی‌تواند اله باشد مگر آن که معبود بوده، و بتواند برای عبادت کننده خود خالق و رازق و مسلط و مقتدر بر او باشد. و هر کس چنین نباشد اله نیست، بلکه او مخلوق است، اگر چه به ناحق عبادت شده باشد.

۲-۲ معنای لا اله الا الله

معنای اله در قرآن کریم با تدبیر و دقت در آیاتی که در ابطال سخن مشرکین در باره الوهیت آمده روشن می‌گردد، آیاتی که الوهیت را منحصر و ویژه خداوند بلند مرتبه قادر می‌داند، و آیاتی که در باره محاورات و جدال با مشرکین پیرامون اله آمده است. چنان که در آیات زیر مشاهده می‌کنیم:

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ ﴿۲﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿۳﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ﴿۴﴾ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿۵﴾}

ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه‌ای در قرار گاه مطمئن رحم قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه، و علقه را به صورت مضغه، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم؛ پس از آن بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.^{۲۰}

شرح کلمات

۱. سلاله: خالصه و عصاره‌ای که به نرمی و آرامی از چیزی گرفته و بیرون آورده می‌شود. نطفه را از آن رو سلاله نامند که عصاره غذاست و از غذا تولید می‌شود.

۲. نطفه: نطفه همان منی یا آب اندکی که از زن و مرد خارج می‌شود.

۳. قرار: هر محل با ثبات و آرامی را که اشیاء در آن آرام گیرند، یعنی به آرامش برسند، محل قرار یا قرار گاه می‌نامند.

۴. مکین: هر چیز ثابت و غیر متزلزل را که در جای خود استوار باشد، مکین، یعنی جای گرفته و مطمئن گویند.

پس معنای آیه تا این جا این می‌شود که: ما نطفه را در قرار گاه خودش، یعنی در رحم، قرار دادیم.

۵. علقه: خون بسته غلیظ چسبنده را علق، و یک قطعه از آن را علقه گویند.

۶. مُضَغَةٌ: هنگامی که عرب می‌گوید: مَضَغَ اللَّحْمِ، مقصودش این است که گوشت را در دهان جوید و با دندان قطعه قطعه کرد تا فرو برد.

به یک لقمه گوشت قابل جویدن نیز مَضَغَه گویند. بدین خاطر، به جنین جای گرفته در شکم مادر، هنگامی که به اندازه لقمه گوشتی در حدّ جویدن گردد، مَضَغَه گویند. مَضَغَه پس از علقه پدید می‌آید.

۷. اِنشَاء: ایجاد، پدید آوردن و پرورش دادن.

اَنشَأَ الشَّيْءَ، یعنی آن چیز را ایجاد کرد و پرورش داد.
و اَنشَأَ اللهُ الخَلْقَ، یعنی خداوند مخلوقات را آفرید و آنها را پرورش داد.

تفسیر آیات

ما انسان را از عصاره ناب و صافی گل زمین آفریدیم. سپس او را در جایگاه ثابت و آرام بخش وی، یعنی در رحم مادر قرار دادیم، پس از آن، این نطفه را به خون تبدیل کردیم، خونی جامد و غلیظ و بسته و چسبان که به هر چه برسد آویز آن می‌شود، سپس این خون بسته غلیظ را به گوشتی، همانند گوشت جویدنی، مبدل ساختیم، پس آنکه همین تکه گوشت را استخوان نمودیم. سپس همین استخوان را با گوشت پوشاندیم. و در نهایت او را آفرینشی دیگر، شامل اعضاء و روح انسانی، دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است، خدایی که این موجود پیچیده و شگفت‌آور را، در طی مراحل این گونه، آفریده است!

بازگشت به نقطه آغازین

خداوند در سوره مؤمنون پس از آیات ۱۲، ۱۳ و ۱۴.... که بحث آن گذشت، و پس از یادآوری موجوداتی که به نفع انسان و در اختیار و تسخیر او هستند، و پس از بیان انواع مخلوقات خود، می‌فرماید:

{وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَنْقُومِرِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ^ط أَفَلَا تَتَّقُونَ^ح}.
تَتَّقُونَ^ح.

ما نوح را به نزد قومش فرستادیم، او به ایشان گفت: ای قوم من! خدا را عبادت کنید، هیچ الهی جز او برای شما نیست، آیا پروا نمی‌کنید؟!^{۲۶}

سپس به آفرینش امت‌های دیگری که مخلوق خدای عزّ و جلّ بوده‌اند اشاره کرده، و با شرح کافی به بیان انکار و کفر آنان می‌پردازد تا به آیه ۹۱ این سوره می‌رسد و می‌فرماید:

{مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ^ج إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ... }.

خداوند هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده، و هیچ اله دیگری با او نیست، که اگر چنین می‌شد، هر یک از الهان به سوی آفریده‌های خود می‌رفت و به اداره آنها می‌پرداخت، و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند و ...^{۲۷}

ما در این آیات، بارزترین و روشن‌ترین صفت الوهیت را، خالقیت و آفرینش می‌یابیم، و به همین سبب هم می‌بینیم خدای عزوجل مشرکین را استیضاح کرده، و پس از آنکه می‌فرماید: آسمان و زمین و هر چه میان آنهاست را، جز به حق، نیافریدیم،^{۲۸} به پیامبر می‌فرماید: به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر خدا پرستش می‌کنید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا چه شرکتی را آفرینش آسمان‌ها دارند؟!

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَئْتُونِي بِكِتَابٍ مِّنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^{۲۹} و در
سوره رعد می‌فرماید:

{أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ الْخَلْقَ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ}

آیا برای خدا شریکانی قرار داده‌اند که همانند خدا آفریده‌اند و این آفرینش‌ها بر آنان مشتبه شده است؟! بگو: خدا خالق همه چیز است؛ و اوست یگانه پیروز!^{۳۰}
و در سوره نحل می‌فرماید:

{أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ}

آیا کسی که می‌آفریند، مانند کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا متذکر نمی‌شوید؟!^{۳۱}
این معنی، یعنی تکیه و اعتماد بر خالقیت به عنوان بارزترین صفت الوهیت در آیات دیگری مانند: آیه (۲۰) سوره نحل، آیه (۳) سوره فرقان، و آیه (۹) سوره اعراف تکرار می‌گردد.
و در سوره فاطر می‌فرماید:

أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ آتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَاتٍ مِّنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤١﴾

۲۷ . سوره مؤمنون، آیه ۹۱.
۲۸ . سوره احقاف، آیه ۳.
۲۹ . سوره احقاف، آیه ۴.
۳۰ . سوره رعد، آیه ۱۶.
۳۱ . سوره نحل، آیه ۱۷.

به من بنمایید آنها را که خدا می داند از زمین چه آفریده اند آیا برای آنها شرکت و دخالتی در امر آسمانها نیز می باشد؟^{۳۲}

و تمام این آیات، مبارزه و استدلال با مشرکان در مسأله توحید، حول محور یکتایی خالق می گردد. در آیه اوّل خدای متعال از کفار می پرسد: به من نشان دهید، آنها را که جز خدا می خوانید و پرستش می کنید، چه چیز زمین را برای شما آفریده اند؟! و در آیه دوم می فرماید:

آیا بدین سبب برای خدا انباز و شریک قرار دادید که از آنها هم مخلوقاتى همچون آفریده های خدا دیده-اید، و آفرینش خدا با آفرینش دیگران بر شما مشتبه شده و قابل تشخیص نیست؟! و در آیه سوم می پرسد: آیا آنکه می آفریند، و این همه موجودات گونه گون را پدید می آورد، با کسی که چیزی نیافریده و نمی آفریند یکسان است؟

و می فرماید: هیچ اله و معبودی با او نیست. و در آیه دیگری می فرماید:

بگو: خداست خالق همه اشیاء و اوست یگانه پیروز.

قرآن کریم، اینگونه در مقام استدلال با مشرکین برهان می آورد، و به آنان که الهان و معبودان دیگری را عبادت کرده، و آنها را شریک و انباز در عبادت خدای یکتا و یگانه قرار می دهند، می فرماید: آفرینش مخلوقات ویژه خداوند است، و الهان دیگر هیچ قدرتی بر آفرینش ندارند. از این رو است که ما در می یابیم، بارزترین صفت اله، آفرینش است.

این موضوع، در آیات ذیل، به گونه ای روشن تر بیان می گردد، آنجا که می فرماید:

۱. {ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ}.

این است پروردگار شما! «هیچ الهی» جز او نیست؛ آفریننده همه چیز اوست؛ پس او را عبادت کنید.^{۳۳}

۲. {قَالَ يَنْقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ}.

[صالح پیامبر گفت:] ای قوم من! خدا را عبادت کنید، که «الهی» جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید.^{۳۴}

۳. {هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ...}.

آیا «آفریننده ای» جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ «الهی» جز او نیست...^{۳۵}

۴. {وَآتخذوا من دُونِهِ ءَالِهَةً لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ...}.

۳۲ . فاطر / ۴۰

۳۳ . سورة انعام، آية ۱۰۲.

۳۴ . سورة هود، آية ۶۱.

۳۵ . سورة فاطر، آية ۳.

آنان غیر از خداوند «الهانی» برای خود برگزیدند، معبودانی که چیزی نمی‌آفرینند، بلکه خودشان آفریده شده‌اند...^{۳۶}

۵. {يَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٍ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ^ج إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ^ط وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ^ط إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.

ای مردم! مثلی زده شده است، به آن گوش فرا دهید: کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند برای این کار دست به دست هم می‌دهند! و هر گاه مگس چیزی از آنها بریاید، نمی‌توانند آن را باز پس گیرند! طلب کننده و مطلوب، عابد و معبود، هر دو ضعیف و ناتوانند! به راستی، خدا را آن‌گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوی شکست‌ناپذیر است.^{۳۷}

خدای متعال در این موضع از قرآن کریم همه مردمانی را که «الهانی» جز «الله» را می‌خوانند طرف خطاب قرار داده و به آنان می‌فرماید:

به این مثل گوش فرا دهید: آنانی را که به جز خدا می‌خوانید، فراعنه و پادشاهان و زورمندان باشند یا گاوان و بتان و معبودان دیگر، هرگز نمی‌توانند مگسی را بیافرینند. یعنی هیچ یک از این فراعنه گردنکش جبار، و هیچ یک از این گاوهای مورد پرورش یا هر معبود و اله دیگری از معبودان مردم، نمی‌توانند آلوده-ترین و پست‌ترین حشره را بیافرینند حشره‌ای که همه مردم آن را می‌شناسند و در همه جوامع روی زمین پراکنده است، و همه خلق از آن دوری می‌کنند! اینها چگونه معبودانی هستند که هیچ یک از آنها نمی‌توانند مگسی آلوده را بیافرینند، و اگر با هم جمع آیند و یکدیگر را پشتیبانی کنند باز هم قادر بر آفرینش یک نمونه از این حشره بی‌مقدار نیستند؟!

گذشته از آن، اگر همین مگس چیزی را از این معبودهای پنداری ربود، گاوها باشند یا فرعون یا «آلهه» دیگر، قدرت پس گرفتن از او را هم ندارند، مثلاً اگر مگس خون یکی از همین گاوهای مورد پرستش در هند را بمکد، گاو بیچاره نمی‌تواند حق خود، یعنی خون مکیده شده را، پس بگیرد!

^{۳۶} . سورة فرقان، آیه ۳ .
^{۳۷} . سورة حج، آیات ۷۳ و ۷۴ .

وہ کہ چہ ضعیف و ناتوان است این گاو بیچاره معبود بشر! و عاجزتر و ناتوانتر از آن، کسی است کہ از این موجود بیچاره حاجت می‌خواهد! بہ راستی کہ خدا را آن چنان کہ شایسته ذات اقدس اوست نشناختند، خدایی کہ آفریدگار همه مخلوقات، و قوی و قدرتمند و شکست‌ناپذیر است.

بنابر این، آفرینش و همه هستی از آن خدای متعال است و بس. اوست کہ مخلوقات را آفریده و موجودات را بہ وجود آورده، زنده می‌کند و می‌میراند، و مالک ہر چیز اوست. مؤثری جز او در عالم خلقت نیست تا در خوایت خود را بہ سوی او بریم، پس واجب است کہ تنها او را عبادت کنیم و فقط از او حاجت بخواہیم.

آیات زیر نیز، این معنی را توضیح می‌دهد:

۱. { قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ

بِهِ }.

بگو: بہ من پاسخ دهید: اگر خداوند، گوش و چشم شما را بگیرد، و دل‌های شما را مهر کند کہ چیزی را نفہمید، کدامین الہ است، جز اللہ، کہ آنها را بہ شما باز گرداند؟!^{۳۸}

۲. { الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ

ہمان خدایی کہ حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن اوست؛ الہ و معبودی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند }.^{۳۹}

۳. { مَن إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ }.

کدامین الہ و معبودی جز خدا می‌تواند برای شما روشنای بیاورد آیا نمی‌شنوید؟!^{۴۰}

۴. { ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ لَهُ الْمَلِكُ ۖ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِئِن تَصْرَفُونَ }.

این است اللہ، پروردگار شما، حکومت عالم هستی از اوست؛

^{۳۸} . سورة انعام، آية ۴۶.

^{۳۹} . سورة اعراف، آية ۱۵۸.

^{۴۰} . سورة قصص، آية ۷۱.

هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چرا از راه حق منحرف می‌شوید؟!^{۴۱}

۵. {إِلَهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ}.

هیچ الهی جز او نیست، زنده می‌کند و می‌میراند، پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما است.^{۴۲}

۶. {إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا}.

به یقین اله و معبود شما الله است، اله دیگری جز او نیست، علم و دانش او همه چیز را فرا گرفته است.^{۴۳}

۷. {قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَآتَوَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا}.

بگو: اگر آن چنان که می‌گویند با خدا خدایان دیگری بود، در این صورت می‌کوشیدند تا راهی به سوی خداوند صاحب عرش پیدا کنند.^{۴۴}

۸. {وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا}.

آنان غیر از خدا، معبودهای دیگری را برای خود برگزیدند، تا مایه عزتشان باشند.^{۴۵}

۹. {أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا}.

آیا آنان را خدایانی است که می‌توانند در برابر ما از ایشان دفاع کنند؟^{۴۶}

۱۰. {ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

يُنْقِذُونِ}.

۴۱ . سورة زمره آية ، ۶ .
۴۲ . سورة دخان ، آية ۸ .
۴۳ . سورة طه ، آية ۹۸ .
۴۴ . سورة اسراء ، آية ۴۲ .
۴۵ . سورة مريم ، آية ۸۱ .
۴۶ . سورة انبياء ، آية ۴۳ .

آیا غیر از خدا معبودان دیگری را برگزینیم که اگر خدای رحمان بخواهد زیانی به من برساند، شفاعت آنها کمتری سودی برای من ندارد و مرا نجات نخواهد داد؟!^{۴۷}

۱۰. {وَاتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يَنْصَرُونَ}.

آنان غیر از خدا، معبودهای دیگری برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند!^{۴۸}

۱۲. {فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ ءَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ}.

و هنگامی که فرمان مجازات پروردگارت رسید، معبودانی که غیر از خدا می خواندند، آنان را به هیچ وجه یاری نکردند.^{۴۹}

۱۳. وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمَنُ ابْنُ لِي صِرَاحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٦٠﴾ أَسْبَابَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كُذِّبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

و فرعون گفت ای هامان برجی بلند برایم بساز شاید من به اسباب (آفرینش) آسمانها برسم و بر اله موسی مشرف و مطلع شوم و من موسی را دروغ ساز می پندارم^{۵۰}

۱۴. هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۖ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

او است الله آنکه الهی جز او نیست او عالم بر غیب و شهود است.... اوست الله آنکه الهی جز او نیست و او ملک و قدوس و سلام است.^{۵۱}

۴۷ . سورة يس، آية ۲۳ .

۴۸ . سورة يس، آية ۷۴ .

۴۹ . سورة هود، آية ۱۰۱ .

۵۰ . سورة غافر آية ۳۶ و ۳۷ .

۵۱ . سورة حشر آية ۲۲ و ۲۳ .

قرآن کریم بدین گونه صریح و روشن می‌گوید: هر گونه آفرینشی ویژه خدای یگانه است، نزول باران، رویش گیاهان، شفای بیماران، پیروزی بر دشمنان و بر طرف کردن فقر و پریشانی، همه اینها و امثال آن، و هر گونه حرکت و سکون عالم هستی، تنها از جانب خدای متعال است و بس. پس اله حقیقی جهان هستی اوست، در قدرت و شوکت و افعالش بی‌شریک و یگانه است، شبیه و مثل و مانند ندارد: نه کسی را زاده، و نه از کسی زاده شده، کفو و همتا و همانند ندارد، اوست خدای عزیز و مقتدر و یکتا. همان گونه که خود را توصیف کرده و فرموده:

۱. {إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ}.

به یقین خدا، تنها معبود یگانه است، او منزله است که فرزندی داشته باشد.^{۵۲}

۳. {لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ}.

آنان که گفتند: "خداوند یکی از سه خداست" به یقین کافر شدند. هیچ اله و معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد.^{۵۳}

۳. {وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ}.

خداوند فرموده: دو معبود برای خود انتخاب نکنید؛ یقیناً معبود شما همان خدای یگانه است.^{۵۴}

تا این جا روشن شد که الوهیت ویژه و خاص خداوند است. این ویژگی خود سبب می‌شود تا عبادت غیره، همراه با عبادت خدا، ممنوع باشد. پس عبادت هم باید تنها برای خداوند انجام پذیرد، چنان که فرموده:

۱. {إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي}.

من الله هستم؛ معبودی جز من نیست! تنها مرا عبادت کن، و نماز را برای یاد من به پا دار.^{۵۵}

۲. {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ}.

^{۵۲} . سورة نساء، آية ۱۷۱.

^{۵۳} . سورة مائدة، آية ۷۳.

^{۵۴} . سورة نحل، آية ۵۱.

^{۵۵} . سورة طه، آية ۱۴.

ما پیش از تو، هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به او وحی کردیم: معبودی جز من نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید.^{۵۶}

۳. {أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ
ذَاتِ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِلَهُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦﴾
أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَواسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ
حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ
وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِقَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿١٦﴾ أَمَّنْ
يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ
تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٢﴾ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَلِّ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٤﴾}.

آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، و از آسمان برای شما آبی فرستاد که با آن، باغستان‌های سرور انگیز رویانیدیم، باغ‌هایی که شما هرگز قدرت رویاندن درختانش را نداشتید، آیا با این خدا، معبود دیگری هست؟! نه، بلکه آنان گروهی نادانند که از حق روی گردان شده و آفریده را در ردیف آفریدگار قرار می‌دهند!

یا آن که زمین را رام کرد و استقرار بخشید، و در جای جای آن نهرها روان ساخت، و برای آن کوه‌های استوار ایجاد کرد، و میان دو دریا مانعی آفرید، آیا با این خدا، معبود دیگری هست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند!

یا کسی که دعای بیچاره را اجابت می‌کند و گرفتاری را بر طرف می‌سازد، و شما را جان‌نشینان زمین قرار می‌دهد؛ آیا با خدا، معبود دیگری هست؟! خیلی کم متذکر می‌شوید!

یا آن که شما را در تاریخ‌های صحرا و دریا هدایت می‌کند، و کسی که بادها را پیش از نزول رحمتش مزدگانی می‌فرستد؛ آیا با این خدا، معبود دیگری هست؟! بلند است مرتبه خداوندی از آنچه اینان شریک او قرار می‌دهند!

یا آن که آفرینش را آغاز کرد، سپس تجدیدش می‌کند، و آن که از آسمان و زمین روزی‌تان می‌دهد؛ آیا با این خدا، معبود دیگری هست؟! بگو: "دلیل و برهان‌تان را بیاورید اگر راست می‌گویید!"^{۵۷}

۴. أَمِ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٥٨﴾

آیا از زمین اله‌هایی (خدایانی) اختیار کرده‌اند که آن اله‌ها می‌گسترانند (زنده می‌کنند و می‌گسترانند)

۵۸

۵. إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرْنَا بَعْضُ الْهَيْئَةِ بِسُوءٍ ۗ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

ما چیزی نمی‌گوییم مگر اینکه می‌گوییم: بعضی از خدایان ما به تو زیان رسانیده‌اند.^{۵۹}

بنابر این، خدایی جز خدای یگانه نیست. شریک و مثل و مانند ندارد..

ولی اکثر افراد بشر، برای اله واحد - الله - شریک قائل شده‌اند و او را پرستش کرده برای تقرب به غیر او، اعمال خویش را انجام می‌دهند.

و گاه در بشر، کسانی مانند فرعون یافت شده‌اند که ادعای الوهیت کرده‌اند. چنان که قرآن از آن خبر داده می‌فرماید:

فرعون گفت: ای مردم! برای شما الهی جز خودم نمی‌دانم. ۶۰.

در جای دیگر نقل می‌فرماید که وی در خطاب به موسی علیه‌السلام گفت:

اگر الهی جز من اختیار کنی، تو را از زندانیان خواهم ساخت. ۶۱.

^{۵۷} . سورة نمل، آیات ۶۰ - ۶۴ .

^{۵۸} . انبیاء آیه ۲۱ برای این آیه تفاسیر متفاوتی مطرح گردیده است که ترجمه حاضر بر اساس یکی از آنان می‌باشد.

^{۵۹} . هود آیه ۵۴ .

۶۰ .

قصص: ۳۸، «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي ...» .

که در هر دو مورد ، مقصود از اله ، آن کسی است که «برای او کارگزاری و از او فرمان برداری می‌کنند» ؛ چه آن که در آیه دیگر از قول قوم فرعون ، نقل می‌فرماید که گفتند :
آیا موسی و قوم او را رها می‌کنی تا در زمین فساد کنند و تو را و اله تو را رها کنند؟^{۶۲}
از این آیه معلوم می‌شود که فرعون و فرعونیان را ، جز فرعون ، الهی دیگر بوده است ،
که قاعدتا آن اله را عبادت می‌کرده‌اند و از او حاجت می‌خواستند . بنا بر این ، الوهیت
فرعون به معنی آن بوده است که :

هر کاری را برای او و رضای او می‌بایست انجام می‌دادند .

در این آیه نیز ، اله ، به همین معنا می‌تواند باشد :

(ای رسول!) دیدی حال آن کس که هوای نفسش را خدای خود ساخت (چگونه هلاک شد)؟ آیا

می‌توانی تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) باشی؟^{۶۳}

(ای رسول ما!) می‌نگری کسی را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده و خدا او را با وجود آگاهی‌اش

(و پس از اتمام حجّت) گمراه ساخته است .^{۶۴}

از این رو اله معبودی است که برایش عبادت می‌نماییم ، و رضای او را هدف اعمال

خود قرار می‌دهیم . یک چنین موجودی می‌شود «اله» و «معبود» ؛ و فرمانبر - عبد - او ،

پرستش کننده و خواهان رضای او می‌شود .

۳-۲- میرا بودن خداوند از شریک

در میان معتقدان به تعدد خدایان، کسانی یافت می‌شوند که برای خدای سبحان دختران و پسران خیالی
تراشیده و بدان معتقد شده‌اند. خداوند در سوره صافات از قول ایشان می‌فرماید:

۶۱

شعراء: ۲۹، «قَالَ لَوْلَىٰ اِتَّخَذَتْ اِلٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِيْنَ» .

۶۲

اعراف: ۱۲۷، «... اَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَءِ اِيْهَتِكَ ...» .

۶۳

فرقان: ۴۳، «اَزْءَيْتَ مَن اِتَّخَذَ اِلٰهَهُ هُوَةَ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ عَلَيْهِ وَكِيْلًا» .

۶۴

جاثیه: ۲۳، «اَفَرءَيْتَ مَن اِتَّخَذَ اِلٰهَهُ هُوَةَ وَ اَضْلٰهُ اللهُ عَلٰى عِلْمٍ» .

{فَأَسْتَفْتِهِمَ أَلْبَنَاتُ أَلْبَنَاتُ وَلَهُمُ أَلْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا أَلْمَلَكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَوَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى أَلْبَنَاتٍ عَلَى أَلْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾}.

از ایشان بپرس: آیا پروردگارت دخترانی دارد و پسران از آن آنهاست؟! آیا ما فرشتگان را مؤنث آفریدیم و آنان ناظر بودند؟! بدانید اینها با این دروغ بزرگشان می‌گویند: «خداوند فرزند آورده!» راستی را که آنان دروغ‌گویانند! آیا خداوند دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ شما را چه شده؟ در باره خدا چگونه قضاوت می‌کنید؟!^{۶۵}

در سوره زخرف می‌فرماید:

{وَجَعَلُوا أَلْمَلَكَةَ أَلَّذِينَ هُمْ عِبَادُ أَلرَّحْمَنِ إِنثًا ۚ أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ ۚ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٦﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ أَلرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ ... }.

فرشتگان را که بندگان خدای رحمانند مؤنث پنداشتند؛ آیا آفرینش آنان را شاهد بوده‌اند؟! گواهی آنان نوشته و باز خواست می‌شوند. و گفتند: اگر خدا می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم.^{۶۶}

{أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا تَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَنَكُم بِالْبَنِينَ}.

آیا خداوند از میان آفریدگانش، دختران را برای خود گرفته و پسران را برای شما برگزیده؟!^{۶۷}

{وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ}.

در حالی که هر گاه یکی از آنان را به همان چیزی که برای خدای رحمان در پندار خود تراشیده و مثال آورده، بشارت دهند، رخسارش سیاه شده و خشکین می‌گردد!^{۶۸}

۶۵ . سوره صافات، آیات ۱۴۹-۱۵۴.
 ۶۶ . سوره زخرف، آیات ۱۹ و ۲۰.
 ۶۷ . سوره زخرف، آیه ۱۶.
 ۶۸ . سوره زخرف، آیه ۱۷.

این مشرکان، فرشته‌ها را در قالب بت‌های: لات و عزی و منات، پرستش می‌کردند؛ و این سه را پیکره و تندیس ملائک می‌دانستند.

خداوند در سورهٔ نجم می‌فرماید:

{أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾ وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةَ الْآخَرَىٰ ﴿٢٠﴾ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ﴿٢١﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ﴿٢٣﴾ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ آهْدَىٰ ﴿٢٤﴾}.

به من بگوئید: آیا بت‌های، لات و عزی و منات که سومین آنهاست [دختران خدایند]؟! آیا سهم شما پسر است و سهم خدا دختر؟! (با آن که به گمان شما دختران بی‌ارزشند!) در این صورت چنین تقسیمی ناعادلانه است! (چنین نیست بلکه) اینها نام‌هایی است که شما و پدرانتان بر آنها نهاده‌اید، خداوند هیچ دلیلی بر صحت این پندار نازل نکرده؛ آنان تنها از گمان و حدس و هوای نفس پیروی می‌کنند، در حالی که هدایت پروردگارشان به آنان رسیده است.^{۶۹}

{إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَىٰ ﴿٢٧﴾ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ۖ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾}.

آنان که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را دختران خدا می‌نامند! آنان بر این گفته خود دلیلی ندارند، تنها از حدس و گمان پیروی می‌کنند، در حالی که حدس و گمان هرگز آدمی را از حق بی‌نیاز نمی‌کند!^{۷۰}

برخی دیگر از مشرکان، اجنه را پرستش می‌کردند، خداوند در باره آنان در سوره انعام فرموده:

{وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنِّ وَخَلَقَهُمْ ۖ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اَنۢىۡ يَكُوۡنُ لَهُ وَلَدٌ وَّلَمْ تَكُنْ لَهُۥ صٰحِبَةً ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْۡءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْۡءٍ عَلِيۡمٌ ﴿١٠١﴾}.

۶۹ . سورهٔ نجم، آیات ۱۹ - ۲۳ .
۷۰ . سورهٔ نجم، آیات ۲۷ و ۲۸ .

برای خدا همتایان و انبازانی از جن قرار دادند، در حالی که آنان آفریده خدا هستند. و برای او بدون هر گونه دلیل و دانشی پسران و دختران تراشیدند، منزّه است خدا، و برتر است از آنچه توصیف می‌کنند. او پدید آوردنده آسمان‌ها و زمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد در حالی که همسری نداشته؟! او همه چیز را آفریده؛ و به همه اشیاء آگاه است.^{۷۱}

{وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْتُولَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤٢﴾}

و روزی که خداوند همه آنان را بر می‌انگیزد و به فرشتگان می‌گوید: "آیا اینان شما را می‌پرستیدند؟! می‌گویند: منزّهی! تنها تو ولی مایی نه آنان؛ بلکه جن را پرستش می‌کردند و بیشترشان به آنها ایمان داشتند!^{۷۲} این گروه از مشرکان که ملائکه را پرستش می‌کردند، در عصر ما وجود ندارند. آنان منقرض شده و تنها یادی از کردارشان به جا مانده است. اما آنان که در زمان ما هنوز باقی مانده و می‌گویند خداوند پسر دارد، نصاری هستند که در سوره توبه در باره آنان فرموده:

{وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلْتَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ }.

یهود گفتند: "عزیر پسر خداست!" و نصاری گفتند: "مسیح پسر خداست!" این سخنی است که بر زبان می‌آورند و با گفتار کافران پیشین دم‌ساز می‌شوند، خدا آنان را بکشد، از راه حق به کجا منحرف می‌شوند؟!^{۷۳}

در سوره نساء می‌فرماید:

{يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا

۷۱ . سوره انعام، آیات ۱۰۰ و ۱۰۱ .

۷۲ . سوره سباء، آیات ۴۰ و ۴۱ .

۷۳ . سوره توبه، آیه ۳۰ .

فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٧١﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ
عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٧٢﴾ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ
جَمِيعًا ﴿٧٣﴾.

ای اهل کتاب! در دین تان غلو و زیاده روی نکنید! و در باره خدا سخن به غیر حق نگوئید! عیسیای مسیح
پسر مریم فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القاء نمود؛ و روحی از طرف او بود، پس، به خدا و
پیامبرانش ایمان آورید، و نگوئید: "خداوند سه گانه است!" از چنین گفتاری باز ایستید که برای شما بهتر
است! به یقین خدا تنها معبود یگانه است؛ او منزّه است که فرزندی داشته باشد؛ هر چه در آسمانها و زمین
است از آن اوست، و همین بس که خدا مدبّر و کارگردان آنها باشد.

مسیح پسر مریم هرگز از این که بنده خدا باشد ایبا ندارد؛ و فرشتگان مقرب او نیز چنین اند، هر کس از
عبادت و بندگی خدا روی بر تابد و تکبر ورزد، به زودی همه آنان را نزد خود جمع خواهد کرد. ۷۴

و در سوره مائده می فرماید:

{لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۗ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ
وَأَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ ۗ إِنَّهُ مَنِ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ ۗ وَمَا
لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ ۗ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا
إِلَهُ وَاحِدٌ ۗ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾
أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٤﴾ مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا
رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ ۗ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ۗ أَنْظُرْ كَيْفَ
نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۗ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾}.

آنان که گفتند: "خداوند همان مسیح پسر مریم است" مسلماً کافر شدند، در حالی که خود مسیح گفت: خدا را که پروردگار من و شماست بپرستید، زیرا، هر کس شریکی برای خدا قرار دهد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است؛ و جایگاه او دوزخ است؛ و ستم‌کاران، یار و یاورى ندارند. آنان که گفتند: "خداوند، یکی از سه خداست" به یقین کافر شدند؛ هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر از آنچه می‌گویند دست بر ندارند، عذاب دردناکی به کافران آنها خواهد رسید. آیا به سوی خدا باز نمی‌گردند، و از او طلب آمرزش نمی‌کنند؟ در حالی که خداوند آمرزنده مهربان است.

مسیح پسر مریم، فقط فرستاده خدا بود که پیش از او نیز فرستادگان دیگری بوده‌اند؛ مادرش زن بسیار راست‌گویی بود؛ هر دو غذا می‌خوردند؛ بنگر چگونه نشانه‌ها را برای آنان آشکار می‌سازیم! و بنگر چگونه از حق منحرف می‌شوند. بگو: "آیا جز خداوند، چیزی را می‌پرستید که مالک سود و زیان شما نیست؟! و خداوند شنوا و داناست."^{۷۵}

و باز در همان سوره فرموده:

{لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ ۚ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝}

آنان که گفتند: "خدا همان مسیح پسر مریم است" به یقین کافر شدند؛ بگو: "اگر خدا بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و همه افراد روی زمین را نابود کند، چه کسی می‌تواند جلوگیری کند؟ حکومت آسمانها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد از آن خداست؛ هر چه بخواهد می‌آفریند؛ و او بر هر چیزی تواناست."^{۷۶}

و در سوره آل عمران فرموده:

{إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ ۙ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ ۙ كُنْ فَيَكُونُ ۝}

مثل عیسی نزد خدا همچون آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: "موجود باش" او هم فوراً موجود شد.^{۷۷}

^{۷۵} . سوره مائده، آیات ۷۲ - ۷۶ .

^{۷۶} . سوره مائده، آیه ۱۷ .

^{۷۷} . سوره آل عمران، آیه ۵۹ .

و در سوره مریم فرموده:

{وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ۗ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۝۸۸ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۝۸۹ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ۝۹۰ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۝۹۱ إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا ۝۹۲}

و گفتند: "خداوند رحمان فرزندی برای خود بر گرفته است." راستی را که سخن منکر و ناپسندی گفتید! نزدیک است به خاطر این سخن آسمانها از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود، و کوهها از هم فرو ریزد. از این رو که برای خدای رحمان فرزندی قائل شدند! در حالی که هرگز برای خداوند رحمان سزاوار نیست که فرزندی برگزیند. هیچ کس در آسمانها و زمین باقی نمی ماند مگر آن که با خضوع و بندگی به نزد خدا آید.^{۷۸}

خداوند در آیات سوره اخلاص بر همه گفتار و پندار این گروه خط بطلان کشیده و فرموده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝۱ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝۲ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝۳ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝۴}

بگو: خداوند یکتا و یگانه است؛ خداوند بی نیاز مطلق است؛ هرگز نزاده، و زاده نشده؛ و همتا و همانند برای او نیست.

شرح کلمات

برای آن که از بحث گذشته نتیجه بهتری بگیریم، برخی از الفاظ آیات را، توضیح می دهیم:

۱. **إفک:** دروغ و افترا و روی گرداندن از حق و به سوی باطل.

۲. **کظیم:** کسی که غم و اندوه شدید و جان کاه دارد.

۳. سلطان: سلطان در این جا به معنای دلیل و برهان است.

۴. ضیزی: جائزانه و ستم‌گرانه، «قسمه ضیزی»: تقسیم ناعادلانه.

۵. خرق: ادعای دروغین، ساختگی و تراشیدنی.

۶. بدیع: پدید آورنده آسمان و زمین بدون وسیله و ابزار و مدل از پیش تعیین شده، و بدون ماده و زمان و مکان. پس گفتن بدیع (= مخترع حقیقی) به غیر خدا روا نیست.

۷. یضاهئون: یشابهون، یعنی شبیه و همانند می‌کنند.

۸. اِذَا: اِذْ به معنای امر عظیم و چیز ناپسند و بسیار زشت است.

۹. هَدْ: ویرانی شدید و نابودی، کوبیدن و خراب کردن بنا.

۱۰. مسیح: مسیح لقب عیسی بن مریم و برگردان واژه عبرانی مشیح است، زیرا، آن حضرت با مسح کردن و دست کشیدن بر اندام افراد پرسی گرفته و نابینایان مادر زاده، آنان را به اذن خدای متعال شفا می‌بخشید.

۱۱. کلمه: مخلوقی که خداوند او را با لفظ: کُن (= موجود شو) او را آفریده است؛ همان گونه که زکریای پیامبر^x را مورد خطاب قرار داده و فرموده است:

{أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ}.

خداوند تو را به «یحیی» بشارت می‌دهد، کسی که کلمه خدا (= مسیح) را تصدیق می‌کند.^{۷۹}

{إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ أَسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ}.

خداوند تو را به کلمه‌ای از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است.^{۸۰}

و در آیه‌ای که گذشت آمده بود:

به یقین مسیح، عیسی بن مریم، فقط فرستاده خدا و کلمه (مخلوق) اوست.^{۸۱}

۷۹ . سوره آل عمران، آیه ۳۹.

۸۰ . سوره آل عمران، آیه ۴۵.

۸۱ . سوره نساء، آیه ۱۷۱.

نامیدن عیسی x به «کلمه» از قبیل نامیدن مسبب به اسم سبب می‌باشد، یعنی چون کلمه خدا (کُن) سبب پیدایش عیسی x که مسبب آن است گردیده، نام سبب بر مسبب نهاده شده است.

۱۲. صدیق: صدیق کسی است که هرگز دروغ نمی‌گوید، و درستی گفتارش را با کردار خوب اثبات می‌کند، صدیقین در فضل و مقام، پس از انبیاء قرار دارند، و صدیقه مؤنث صدیق است.

۱۳. عبد: عبد در این جا به معنای بنده و برده‌ای است که اختیار سود و زیان و مرگ و زندگی خود را ندارد.

۱۴. صمد: صمد همان کسی است که نه زاده و نه زاده شده و نه همتا و همانند دارد، یعنی: هیچ چیز از او بیرون نیامده است؛ چه اشیاء جرم‌دار و سنگین و پُر، مانند مثل، فرزند و امثال آن که از مخلوق زاده می‌شود، و چه اشیاء لطیف و بی‌جرم و نرم و نازک، مانند: نفس آدمی و حیوانی و ...

خدای سبحان را نه چُرت و خواب در زباید، و نه غم و اندوه فرا گیرد بیم و امید، بی‌میلی و سرور، خنده و گریه، گرسنگی و سیری، خستگی و نشاط او را عارض نگردد.

او از هیچ چیز بیرون نیامده، آن گونه که اشیاء جرم دار پُر وزن فربه از همانندان خود بیرون می‌آیند، مثل جنبنده‌ها از جنبنده، و رویدنی‌ها از زمین، و آبها از چشمه و میوه‌ها از درخت.

هم‌چنان که از هیچ یک از اشیاء لطیف و بی‌جرم هم بیرون نیامده، آن گونه که آتش از سنگ می‌جهد، یا سخن از زبان بیرون می‌آید، و شناخت و تشخیص از قلب، و روشنی از خورشید و نور از ماه/

هیچ چیز مانند او نیست، بلکه او یگانه واحد صمدی است که نه از چیزی بیرون آمده، و نه در چیزی پیچیده است، و نه بر چیزی تکیه دارد. پدید آورنده و مخترع و ایجاد کننده همه اشیاء اوست؛ و همه را با دست قدرت خود آفریده است.

هر چه را بخواهد به خواست خود نابود می‌کند، و هر چه را در علم خود صلاح بداند باقی می‌گذارد. این است آن خدای صمدی که نه زاده و نه زاده شده و کفو و همانند و همتا ندارد.

تفسیر آیات

خداوند در آیات گذشته، برخی از یهود زمان پیامبر را معرفی می‌کند، و می‌فرماید: آنان می‌گفتند: «عزیر پس خداست!» این طایفه منقرض شدند، چنان که برخی از مشرکین که می‌گفتند: «فرشتگان دختر خدایند» نیز منقرض گردیدند، ولی نصاری تا به امروز باقی مانده‌اند، و همان گونه که خدای متعال از ایشان خبر داده

می‌گویند: مسیح پسر خداست. و می‌گویند: خداوند یکی از سه خداست: آب و ابن و روح القدس. راستی را که نمی‌توان فهمید، چگونه خدای واحد سه گانه می‌شود، و همان سه گانه واحد! نصاری با این سخن‌شان با کفار همانندی و شباهت نشان دادند؛ و با این قول به خدایی مسیح معتقد شدند. در حالی که مسیح کسی جز فرستاده خدا نیست که پیش از او هم فرستادگانی بوده‌اند، مادرش نیز زنی راست‌گو و درست‌کردار بود. هر دو غذا می‌خوردند، مانند دیگران، و بدیهی است که هر کس غذا بخورد نیازمند و ناچار از تخلیه می‌گردد، و از خود مدفوع به جای می‌گذارد، و چنین فردی نمی‌تواند «اله و معبود» باشد، بلکه عیسی بن مریم کلمه خداست که او را به مریم القاء فرمود؛ اگر چه نصاری او را برای آن که بدون پدر به دنیا آمده، پسر خدا می‌گویند؛ همانند پیدایش آدم^x است که خداوند او را از خاک آفرید و به او گفت: «موجود باش» او «موجود شد». به راستی اگر بنا بر آن است که برای خدا فرزندان باشد و خدا منزّه و برتر از آن است که فرزند داشته باشد_ آدم^x که سزاوارتر است تا پسر خدا باشد؛ از این سخن باطل به خدا پناه می‌بریم. اینان همه، «آدم و عیسی» و «ملائکه و جن و انس و آسمانها و زمین» از آفریده‌های خدایند. و چه درست فرموده خدای سبحان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

۝

امام حسین^x در پاسخ به نامه مردم بصره که از معنای «صمد» پرسیده بودند، برای آنان نوشت: به نام خداوند رحمان و رحیم. اما بعد! بدون علم و دانش در قرآن فرو نروید، و در آن مجادله نکنید، و ندانسته در باره آن سخن نگویند که من از جدم رسول خدا شنیدم می‌فرمود: هر کس در باره قرآن ندانسته سخن گوید جایگاه خود را در آتش برگزیند، خدای سبحان و متعال، صمد را در قرآن تفسیر کرده و فرموده: خدا یگانه است، خدا صمد است، سپس آن را شرح داده که نه زاده و نه زاده شده، کفو و همتا و همانندی ندارد. نه چیزی مانند فرزند و امثال آن، از اشیاء ثقیل و سنگین، که از مخلوقات بیرون می‌آید_ از او بیرون آمده، و نه چیزی از اشیاء لطیف و غیر سنگین مثل نفس و جان. از چُرت و پینه‌گی، خواب و وهم، غم و اندوه، خنده و گریه، بیم و امید، تمایل و بی‌زاری، گرسنگی و سیری، منزّه و مبرّاست. او برتر از آن است که اشیاء لطیف و خشن از او بیرون آید، نه زاده شده و نه از چیزی به وجود آمده، یا از آن خارج شده_ آن گونه که اشیاء جرم‌دار از عناصر خود بیرون می‌آیند، یا جنبندگان و نباتات از زمین می‌رویند و زاده می‌شوند، یا آب از چشمه‌ساران و میوه از درختان ظهور می‌یابند_ همان گونه که از سنخ اشیاء لطیفه هم نیست، اشیائی که

به مراکز خود وابسته‌اند، مانند: دیدن که از چشم است و شنیدن که از گوش، و بوییدن که از بینی و چشیدن از دهان و سخن گفتن از زبان و معرفت و شناخت از قلب و آتش از سنگ. نه، هیچ یک از اینها را همانند نیست، بلکه اوست خدای یگانه بی‌همتای صمد، که نه از چیزی است، و نه در چیزی، و نه بر چیزی، پدید آورنده و مخترع اشیاء است، و خالق و ایجاد کننده آنها به دست قدرت خود، هر چه را با مشیت و خواست خود برای نابودی آفریده در هم نوردد. و هر چه را به علم خود برای بقاء و بودن آفریده باقی نگه می‌دارد. این است خدای یگانه صمد که نه زاده و نه زاده شده، همتا و همانند و هم‌تراز ندارد.

نتیجه بحث

در میان معتقدان به تعدد معبود، افرادی مانند مشرکین قریش بودند که می‌گفتند: «فرشتگان دختران خدایند»؛ این طایفه منقرض و نابود شده‌اند.

افراد دیگری بودند که می‌گفتند: «عزیر پسر خداست»؛ مثل برخی یهود زمان پیامبر، این گروه نیز منقرض گردیدند.

برخی از آنان می‌گفتند: «عیسی بن مریم پسر خداست» و خدا بکی از خدایان سه گانه است: آب و ابن و روح القدس. همه نصاری تا امروز بر این گفته پای بندند.

برخی دیگر، جن را می‌پرستیدند، این طایفه در دوره‌های مختلف دیدگاه‌ها و مذاهب گوناگونی در باره جن داشتند.

خداوند در قرآن کریم بطلان همه این گفته‌ها و اقوال را آشکار کرده است؛ آن جا از پندار فرشته پرستان خبر داد که می‌گفتند: فرشتگان دختران خدایند و مؤنث هستند، فرمود: آیا اینان آفرینش فرشتگان را ناظر بوده و دیده‌اند که آنها مؤنث هستند؟! و آن جا که از مسیح و مادرش سخن گفت فرمود: این دو غذا می‌خورند، در حالی که ما می‌دانیم هر کس غذا بخورد مدفوع دارد، و خوردن و مدفوع گذاردن از صفات بشری است. و فرمود: مثل عیسی در ولادت و آفرینش او بدون پدر، همانند آدم و آفرینش او از خاک است که علاوه بر پدر، مادر هم نداشت!

پس، به یقین عیسی و فرشتگان و جن و همه موجودات آسمانها و زمین، همه و همه، بندگان خدایند، و خدا نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده، مثل و مانند و کفو و همتا ندارد.

قرآن کریم بدین گونه الوهیت یعنی آفرینش را منحصر و ویژه خداوند یگانه و بی‌شریک می‌داند و بر آن استدلال می‌کند، و ما سوای آفریدگار یگانه را مخلوق او می‌داند.

در بحث آینده اصناف مخلوقات خدا را، بر اساس سلسله مراتبشان در هستی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

فصل سوم: انواع مخلوقات خدا در قرآن کریم

۱-۳- ملائکه

مفرد آن ملک یعنی فرشته، صنفی از مخلوقات بالدار^{۸۲} خدا، و دارای مرگ و زندگی هستند. آنان بندگانی مطیع‌اند که خدا را پرستش می‌کنند، دستوراتش را اطاعت کرده و هرگز از فرمان او سرپیچی نمی‌کنند. گاهی در انجام دستورات و فرمان‌برداری از خدا به صورت انسان نیز، ظاهر می‌شوند. خداوند رسولان خود را از ایشان برگزیده و در سوره فاطر فرموده:

{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}.

حمد و ستایش مخصوص خداوند آفریننده آسمانها و زمین است. خداوندی که فرشتگان را پیام‌رسانانی قرار داد دارای بال‌های دو گانه و سه گانه و چهار گانه، و هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، خداوند بر هر چیزی تواناست.^{۸۳}

در سوره زخرف می‌فرماید:

{وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ}.

اینان فرشتگان را که بندگان خداوند رحمانند مؤنث پنداشتند؛ آیا شاهد آفرینش آنان بوده‌اند؟!^{۸۴}

در سوره شوری می‌فرماید:

^{۸۲} . بالدار را بنابر آنچه قرآن کریم فرموده می‌گوییم، کیفیت و چگونگی آن را نمی‌دانیم.

^{۸۳} . سوره فاطر، آیه ۱.

^{۸۴} . سوره زخرف، آیه ۱۹.

{وَالْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ}.

فرشتگان پیوسته تسبیح گو و ستایش گر پروردگارشان بوده و برای کسانی که در زمین هستند از خدا آمرزش می خواهند.^{۸۵}

در سوره نحل می فرماید:

{يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}.

آنان تنها از مخالفت پروردگارشان که حاکم بر آنهاست، می ترسند؛ و هر چه را مأمور شوند به انجام می - رسانند.^{۸۶}

در باره این که گاهی به صورت انسان نیز در می آیند، در سوره مریم فرموده:

{فَاَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿٧﴾ قَالَتْ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتُ تَقِيًّا ﴿٨﴾ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلَمًا زَكِيًّا ﴿٩﴾}.

ما روح خود را به سوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی متعادل و بی عیب بر مریم ظاهر شد! مریم سخت ترسید و گفت: من از شر تو، به خدای رحمان پناه می برم اگر پرهیزگاری! فرشته گفت: «من فرستاده پروردگار تو هستم»؛ آمده ام تا پسر باک و پاکیزه ای به تو ببخشم!^{۸۷}

در سوره هود در باره فرو فرستادن عذاب بر قوم لوط، از آمدن فرشتگان به صورت انسان خبر داده و فرموده:

{وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيْمَ بِالْبَشْرِىِٔ قَالُوْا سَلٰمًا قَالِ سَلٰمٌ فَمَا لَبِثَ اَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِیْدٍ ﴿٦٩﴾ فَاَمَّا رَاَ اٰیٰتِهِمْ لَا تَصِلُ اِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَاَوْجَسَ مِنْهُمْ خِیْفَةً قَالُوْا لَا تَخَفْ اِنَّا اَرْسَلْنَا اِلٰی قَوْمِ لُوْطٍ ﴿٧٠﴾ ... وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِیْءَ بِهٖمْ وَضَاقَ بِهٖمْ ذَرْعًا وَقَالَ هٰذَا

^{۸۵} . سوره شوری، آیه ۵ .

^{۸۶} . سوره نحل، آیه ۵۰ .

^{۸۷} . سوره مریم، آیات ۱۷ - ۱۹ .

يَوْمَ عَصِيبٍ ﴿٧٧﴾ ... قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٧٨﴾ قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ ... {.

رسولان ما برای ابراهیم بشارت آوردند و گفتند: سلام! او نیز بر آنان سلام گفت و طولی نکشید که گوساله بریانی برای آنها آورد. اما هنگامی که دید دست آنها به آن نمی‌رسد و از آن نمی‌خورند، ناپسندشان دید و در دل از آنان احساس ترس کرد. آنان به او گفتند: نترس؛ ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم ... و هنگامی که فرستادگان ما، [= فرشتگان عذاب]، به نزد لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت شد، و قلبش فشرده گشت و گفت: «امروز روز بسیار سختی است»... فرشتگان گفتند: ای لوط ما رسولان پروردگار تویم! آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت...^{۸۸}.

در سوره انفال در باره فرشتگان و اینکه چگونه در سیمای جنگجویان در جنگ بدر به یاری مسلمانان آمدند، فرمود:

{إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ}

به یاد آورید هنگامی را که از شدت ناراحتی در میدان بدر، از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت و فرمود: من شما را با یک هزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.^{۸۹}

و به دنبال آن می‌فرماید:

{إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا ۖ سَالِقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ}

هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم» کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم؛ ضربه‌ها را بر بالای گردن فرو آرید و همه انگشتان‌شان را قطع کنید.^{۹۰}

۸۸ . سوره هود، آیات ۶۹ - ۸۱ .

۸۹ . سوره انفال، آیه ۱۲ .

۹۰ . سوره انفال، آیه ۱۲ .

و در سوره آل عمران فرموده:

{إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰ إِنَّ تَصَبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾}

هنگامی که به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را کافی نیست که پروردگارتان به سه هزار فرشته‌ای که از آسمان فرود می‌آیند یاری‌تان کند؟! آری، اگر استقامت ورزید و تقوی پیشه کنید، و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوندتان به پنج هزار فرشته نشان‌دار یاری خواهد کرد!^{۹۱}

در باره گزینش فرشتگان به پیام‌رسانی می‌فرماید:

{اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ}

خداوند از فرشتگان رسولانی بر می‌گزیند، و از مردمان نیز.^{۹۲}

در باره فرستادن وحی به توسط آنان فرموده:

{إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٢٦﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿١٢٧﴾ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿١٢٨﴾}

این سخن رسولی بزرگوار (= جبرئیل) است. صاحب قدرت، که نزد خداوند صاحب عرش مقام والایی دارد. در آسمانها مطاع و امین است.^{۹۳}

در سوره بقره فرموده:

{قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ}

بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد [در حقیقت دشمن خداست] زیرا او به فرمان خدا، قرآن را بر تو نازل کرده است.^{۹۴}

۹۱ . سوره آل عمران، آیات ۱۲۴ - ۱۲۵.

۹۲ . سوره حج، آیه ۷۵.

۹۳ . سوره تکویر، آیه ۱۹ - ۲۱.

۹۴ . سوره بقره، آیه ۹۷.

در سوره شعراء می فرماید:

{وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾}

به یقین این قرآن، از سوی پروردگار عالمیان فرستاده شده. روح الامین آن را نازل کرده است. بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی.^{۹۵}

در سوره نحل فرموده:

{قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ}

بگو: این قرآن را، روح القدس از جانب پروردگارت به حق نازل کرده است، تا افراد با ایمان را ثابت قدم بدارد، و مسلمانان را مایه هدایت و بشارت باشد.^{۹۶}

در سوره بقره فرموده:

{وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ}

و عیسی بن مریم را دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس یاری کردیم.^{۹۷}

فرشتگان در شب قدر برای تقدیر امور فرود می آیند، خداوند در سوره قدر فرموده:

{تَنزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ}

فرشتگان و روح در شب قدر به اذن پروردگارشان برای تقدیر هر کاری فرود می آیند.^{۹۸}

برخی از آنان مراقب و نگهبان انسانند، چنانکه در سوره ق می فرماید:

۹۵ . سوره شعراء، آیات ۱۹۲ - ۱۹۴ .

۹۶ . سوره نحل، آیه ۱۰۲ .

۹۷ . سوره بقره، آیه ۸۷ و ۲۵۳ .

۹۸ . سوره قدر، آیه ۴ .

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ^ط وَخَنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

﴿١٨﴾ إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ

رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ }

ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس و درون او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم. آن هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم او هستند اعمالش را دریافت می‌دارند، هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر آنکه همان دم فرشته‌ای مراقب و آماده دریافت و ضبط آن است.^{۹۹}

یکی از فرشتگان «ملک الموت» است، خدای سبحان فرموده:

{قُلْ يَتَوَفَّنَا مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ }

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، روح شما را می‌گیرد؛ سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شود.^{۱۰۰}

برخی از آنان معاونین ملک الموت‌اند، چنانکه فرموده:

{حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ }

هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما جانش را می‌گیرند؛ آنان در انجام وظایف کوتاهی نمی‌کنند.^{۱۰۱}

در سوره نحل می‌فرماید:

{الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ^ط فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ

اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا... ﴿٢٩﴾ ﴿٣٠﴾ الَّذِينَ

تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ^ل يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣١﴾ }

۹۹ . سوره ق، آیات ۱۶-۱۸.

۱۰۰ . سوره سجده، آیه ۱۱.

۱۰۱ . سوره انعام، آیه ۶۱.

آنان که فرشتگان مرگ، روحشان را می‌گیرند در حالی که به خود ستم کرده‌اند! در این موقع تسلیم می‌شوند و می‌گویند: ما کار بدی انجام نمی‌دادیم! آری، خداوند به آنچه انجام می‌دادید آگاه است! اکنون از درهای جهنم وارد شوید که جاودانه در آن خواهید بود! ... آنان که فرشتگان مرگ روحشان را می‌گیرند در حالی که پاک و پاکیزه‌اند؛ به آنان می‌گویند: سلام بر شما! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید.^{۱۰۲}

خدای سبحان از موقعیت و کار فرشتگان در روز قیامت نیز، خبر داده، و می‌فرماید:

{ تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ }

فرشتگان و روح به سوی او بالا می‌روند، در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.^{۱۰۳}

در سوره نبا فرموده:

{ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا }

روزی که روح و فرشتگان در یک صف می‌ایستند و هیچ یک جز به اذن خداوند رحمان سخن نمی‌گویند، و آنگاه که بگویند درست می‌گویند!^{۱۰۴}

خداوند ایمان به فرشتگان را بر ما واجب کرده و در سوره بقره فرموده:

{ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ }

نیکی تنها این نیست که [به هنگام نماز] روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب کنید؛ بلکه نیکی و نیکوکار آن کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد.^{۱۰۵}

و باز در همان سوره فرموده:

۱۰۲ . سوره نحل، آیات ۲۸ - ۳۲ .
 ۱۰۳ . سوره معارج، آیه ۴ .
 ۱۰۴ . سوره نبا، آیه ۳۸ .
 ۱۰۵ . سوره بقره، آیه ۱۷۷ .

{ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ }

هر کس دشمن خدا و فرشتگان و رسولان خدا و جبرئیل و میکائیل باشد [باید بداند که] خداوند دشمن کافران است.^{۱۰۶}

شرح کلمات

۱. فاطر: خالق و پدید آورنده.
۲. حنید: کباب و بریان.
۳. نکرهم: از آنان ترسید و بدش آمد.
۴. مُردفین: به دنبال هم، ملائکه مردفین یعنی، گروه گروه در پر هم.
۵. تَبَتُّوا: سستی را از آنان دور کنید و استوارشان دارید.
۶. مُسَوِّمِينَ: نشانداران، ملائکه مسوِّمین یعنی، فرشتگانی که بر خود یا بر اسبان خود علامت نهاده بودند.
۷. مکین: بزرگوار، و در اینجا به معنای مقرب و ارزشمند نزد خدا.
۸. مُطَاع: اطاعت شده، و مطاع از ملائکه یعنی، فرمانده فرشتگان که زیر دستانش او را اطاعت می کنند.
۹. بَيِّنَات: و اوضحات، آیات بینات یعنی، نشانه های روشن.
۱۰. حبل الوريد: شاهرگ، در اینجا به ریسمان تشبیه شده است.
۱۱. متلقیان: دو فرشته مأمور و مراقب انسان که، هر چه از کردار و گفتارش را می گیرند - در نامه ای که روز قیامت آن را فراروی خود گشوده می بیند - ثبت می کنند.
۱۲. رقیب: حافظ و نگهبان.
۱۳. عتید: آماده و مهیا.

۱۴. تَوَفَّى: قبض کردن و دریافت داشتن تام و تمام، خداوند یا فرشتگان که انسان را توفی می‌کنند، یعنی روح او را به هنگام مردن تمام و کمال می‌گیرند.

۱۵. روح: آنچه حیات و زندگی تن وابسته به آن است، و اگر از انسان یا حیوان بیرون رود می‌میرند. شناخت حقیقت و گُنه روح برای ما میسر نیست، چنانکه خدای متعال در سوره اسراء بدان اشاره کرده و فرموده: از تو در باره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است.^{۱۰۷}

اضافه و نسبت روح به خدای متعال، یا اضافه تشریفی است، یعنی به خاطر ارزش ویژه‌ای است که نزد خدا دارد، و یا اضافه ملکی است، یعنی چون ملک خداست آن را منسوب به خود کرده است. همان‌گونه که در داستان آفرینش آدم^x در سوره حجر آمده، و خداوند به ملائکه فرموده:

{فَإِذَا سَوَّيْتُهُرُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ}

هنگامی که کار خلقت آدم را به پایان رساندم، و از روح خود در او دمیدم، همگی برای او سجده کنید.^{۱۰۸}

و در داستان آفرینش عیسی^x در سوره تحریم فرموده:

{وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا}

مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم.^{۱۰۹}

در امثال این موارد، نسبت دادن روح به خدا، همانند نسبت دادن «بیت» است به او که در سوره حج به ابراهیم^x می‌فرماید: {وَوَطَّهَرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ} یعنی، خانه مرا برای طواف کنندگان پاکیزه گردان.^{۱۱۰} در این جا اضافه و نسبت بیت الله الحرام به خدا اضافه تشریفی است، یعنی به دلیل خصوصیت ویژه‌ای که نسبت به سایر مکان‌های زمین دارد، خداوند آن را گرامی داشته و به خود نسبت داده و فرموده: خانه من! اضافه روح به خدا در دو آیه گذشته نیز چنین است.

۱۰۷ . سوره اسراء آیه ۸۵ .

۱۰۸ . سوره حجر، آیه ۲۹ .

۱۰۹ . سوره تحریم، آیه ۱۲ .

۱۱۰ . سوره حج، آیه ۲۶ .

روح، معنی دیگری نیز دارد که آن، مایه حیات و هدایت جانها بودن است، مانند: وحی، نبوت، شرایع الهی و به ویژه قرآن، خدای سبحان در سوره نحل فرموده:

{يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ}.

فرشتگان را با روح، به فرمان خود، بر هر کدام از بندگانش بنخواهد نازل می‌کند.^{۱۱۱}

و در سوره سوری فرموده:

{وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا}.

و همان گونه [که بر پیامبران پیشین وحی نمودیم] بر تو نیز، روحی را به فرمان خود وحی کردیم.^{۱۱۲}

روح مورد اشاره در این آیات که خداوند آن را به پیامبر وحی فرموده، قرآن کریم است. این روح غیر از فرشتگان است، چنان که خداوند در سوره قدر نیز به آن اشاره کرده و فرموده:

{تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ}.

فرشتگان و "روح" در آن شت به اذن پروردگار برای تقدیر هر کاری نازل می‌شوند.^{۱۱۳}

و در سوره معارج فرموده:

{تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ}.

فرشتگان و روح به سوی او بالا می‌روند، در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.^{۱۱۴}

شرح و بیان این موضوع را از سخن امام علی^ع در صفحات آینده می‌آوریم.

۱۶. امین: ثقه و امانت‌دار در رساندن وحی، خداوند فرشته‌ای به نام روح را «امین» دانسته و در سوره شعراء

فرموده:

۱۱۱ . سوره نحل، آیه ۲ .
۱۱۲ . سوره شوری، آیه ۵۲ .
۱۱۳ . سوره قدر، آیه ۴ .
۱۱۴ . سوره معارج، آیه ۴ .

{نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٦٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٦٤﴾}

روح الامین آن را بر قلب تو نازل کرد، تا از بیم‌دهندگان باشی.^{۱۱۵}

۱۷. قدس: پاکی، و روح القدس یعنی، روح پاک و طاهر، خداوند فرشته روح را به صفت «قدس و پاکی» نیز توصیف کرده و در سوره بقره فرموده:

{وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ {

ما به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم و او را با "روح القدس" تأیید و حمایت کردیم.^{۱۱۶}

و در سوره نحل خطاب به خاتم انبیاء فرموده:

{قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى
لِلْمُسْلِمِينَ {

بگو: این قرآن را "روح القدس" از جانب پروردگارت به حق نازل کرده، تا افراد با ایمان را ثبت قدم
بدارد؛ و هدایت و بشارتی برای مسلمانان است.^{۱۱۷}

۱۸. تعرُّج: اوج می‌گیرد و بالا می‌رود، از مادهٔ عروج به معنای بالا رفتن تدریجی است.

پندارهای خیالی از جهان غیب

در بحث‌هایی همانند این مباحث که از عالم غیب و نهان صحبت می‌شود، معمولاً از جانب مردمانی که در
سطوح مختلف درک و فهم و بینش هستند، کوشش‌های گوناگونی برای شناخت این مسائل انجام می‌گیرد.
آنان می‌خواهند آنچه در قرآن کریم و احادیث شریف در باره عوالم غیر محسوس آمده، همان گونه که در
عالم حس و ماده می‌یابند، آن را شناخته و درک کنند، بدین خاطر در عالم خیال فرو می‌روند و تخیلات و
گمان خود را علم و معرفت می‌نامند. بیان و شرح آن، به اذن خدای متعال، چنین است:

ابزارهای شناخت و معرفت

^{۱۱۵} . سوره شعراء، آیات ۱۹۳ و ۱۹۴.

^{۱۱۶} . سوره بقره، آیات ۸۷ و ۲۵۳.

^{۱۱۷} . سوره نحل، آیه ۱۰۲.

ابزار ما برای شناخت. اشیا و معرفت آن‌ها- سوای آنچه در باره استنتاج عقلی در بحث میثاق آوردیم - دو گونه است: ۱. حسّی ۲. نقلی.

اول. حسّی، از آنجا که حواس ما برای این آفریده شده‌اند تا موجودات عالم ماده را تشخیص دهیم، بدیهی است که قدرت عمل در عوالم غیر محسوس را ندارند.

دوم. نقلی، یعنی آنچه را که از راه نقل و حکایت می‌شناسیم؛ مانند آنچه از اوضاع شهرها و کشورهای نادیده از راه نقل و خبر می‌دانیم، دانستنی‌های ما از این نوع در محدوده منقولات است، و شناخت حاصل از آن بستگی به ثبوت صداقت و درستی خبر و خبردهنده دارد.

آنچه که انبیای الهی و پیامبران خدا^۱ از جهان غیب می‌گویند، معرفتی از نوع دوم است. یعنی شناخت آسمان‌های مافوق ستارگان و سیارات، و جهان فرشتگان و جن، و مشاهده روزقیامت، و ... از راه اخبار و حدیث آنان برای ما حاصل می‌شود، و بالاتر از آن، سخنان و احادیث ایشان در باره صفات خدای سبحان است که علم ما در این باره - پس از آن که صدق نبوت و رسالت ایشان برای ما ثابت شد - محدود به حدودی است که آنان بیان می‌دارند، و ما نمی‌توانیم چیزی از گفته‌های آنان در باره این عوالم را از راه حس تشخیص داده و پس از آن در اختیار عقل بگذاریم تا صحت و عدم صحت آن را تعیین نماید.

فشرده بحث

فرشتگان نوعی از مخلوقات خدا، سپاهیان خدا و بندگان خدایند، آنان بال‌دارند، زندگی می‌کنند و می‌میرند، دارای اراده و عقل‌اند، و گاهی که نیاز باشد برای انجام فرمان خدا به شکل انسان ظاهر می‌شوند. آنان از حیث فضل و مقام درجات متفاوتی دارند، مانند: روح الامین، روح القدس و ... خداوند از آنان رسولانی را برای رساندن وحی و انزال مقلّرات انسان در شب قدر برگزیده است. از جمله آنان دو فرشته مأمور بر انسانند که اعمال او را ثبت می‌کنند، و نیز، ملک الموت و زیر دستان او، آنان همه در روز قیامت برانگیخته می‌شوند و به انجام فرمان خدا می‌پردازند و هرگز خدا را نافرمانی نخواهند کرد.

۱. حس و شناخت حسّی، یعنی آنچه که با آن به تشخیص و تمیز اشیا می‌رسیم.

۲. نقل و شناخت نقلی، یعنی آنچه که با خبر گرفتن از راوی مطمئن و مورد اعتماد دریافت می‌کنیم.

از آن جا که عالم فرشتگان و جن و روح و قیامت و ابتدای آفرینش برای ما محسوس و مشهود نیست، و ما راهی جز راه نقل، از طریق پیامبران خدا، برای شناخت آنها نداریم - پیامبرانی که قبلاً راستی و درستی رسالت ایشان از سوی خدا برای ما ثابت شده است - پس، افرادی که خود را صاحب نظر دانسته و سخنانی از این عوالم بر زبان و قلم آورده‌اند، چیزی بیش از گمان و وهم و خیال نیاورده‌اند، و ظنّ و گمان ما را از حق بی‌نیاز نخواهد کرد.

آنچه که در آیاتی چون: {وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ} ^{۱۱۸} یعنی: عرش او بر آب قرار داشت. یا: {ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ} ^{۱۱۹} یعنی: سپس به آفرینش آسمان پرداخت در حالی که دود بود، آمده است، معنایش این نیست که آن آب مانند همین آبی است که ما امروزه بر روی زمین می‌بینیم و از ترکیب: «اکسیژن و هیدروژن» با اندازه‌های مناسب به وجود آمده، یا دود و دخان، همان دود و دخانی است که از آتش بر می‌خیزد! ما به زودی در مبحث ربوبیت معنای عرش را، به یاری خدا، بیان می‌داریم، و در بحث و بررسی آینده معنای سماء و سماوات در قرآن کریم را می‌آوریم.

۲-۳- السماوات و الارض و سماء الأرض

نخست. السماء و السماوات

الف. سماء

۱. سماء و معنای آن در زبان عرب: سماء: آسمان، در زبان عرب به معنای ارتفاع و بلندی است، و آسمان هر چیزی قسمت بالایی آن است، یعنی هر چه از بالا بر شما سایه افکند و شما را بپوشاند همان را سماء گویند.

۲. سماء و معنای آن در قرآن کریم: سماء در قرآن کریم، آن جا که مفرد آمده، گاهی به معنای فضای پیرامون زمین و محیط بر آن است، مانند این آیات:

۱. {الْمُيَرَوْنَ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ}.

آیا آنان به پرندگانی که در جوّ و فضای آسمان مسخّرند نظر نیفکندند؟ ^{۱۲۰}

۲. {وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ}

و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. ^{۱۲۱}
 زیرا، انسان با چشم غیر مسلح هم چگونگی پرواز پرنده در فضای اطراف و بالای زمین را می‌بیند، و هم ریزش باران، از ابرهای هدایت شده در آسمان زمین را مشاهده می‌کند. انسان گاهی که از کوه بالا می‌رود در حالی که خورشید را در آسمان بالاتر در حال نور افشانی می‌بیند، ابرها را در زیر پا و در همان فضای میان زمین و آسمان یا میان آسمانی که بالای زمین و محیط بر آن است، مشاهده می‌کند.

۱۱۸ . سورة هود، آية ۷.
 ۱۱۹ . سورة فصلت، آية ۱۱.
 ۱۲۰ . سورة نحل، آية ۷۹.
 ۱۲۱ . سورة بقره، آية ۲۲.

و گاهی به معنای همه چیزهایی است که بالای زمین است، مانند: آسمان‌های هفت‌گانه، ستارگان و ... چنان که فرموده:

۱. {ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ} ^ع

سپس به آسمان پرداخت، و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب ساخت. ^{۱۲۲}

۲. {وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ}

و هیچ موجود پنهانی در آسمان و زمین نیست مگر این که در کتاب مبین ثبت است. ^{۱۲۳}

۳. {يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ...} ^ع

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم ... ^{۱۲۴}

مراد از «سما» در این آیات، همه چیزهایی است که از زمین بالاتر است، و زمین در زیر و پایین آن قرار گرفته، یعنی آسمان‌های هفت‌گانه و غیر آن که فوق زمین است.

ب. السموات

مراد از سموات در قرآن کریم، آسمان‌های هفت‌گانه است. چنان که فرموده:

{هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ} ^ع

اوست خدایی که هر چه را در زمین است، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت، و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است. ^{۱۲۵}

دوم. الأرض

أرض: زمین، در قرآن کریم (۴۵۱) مرتبه به لفظ مفرد، و یک بار با کلمه سماوات، و عطف بر آن، چنین آمده است:

{اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ...} ^ع

خداوند کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را ... ^{۱۲۶}

۱۲۲ . سورة بقره، آية ۲۹ .

۱۲۳ . سورة نمل، آية ۷۵ .

۱۲۴ . سورة انبياء، آية ۱۰۴ .

۱۲۵ . سورة بقره، آية ۲۹ .

۱۲۶ . سورة طلاق، آية ۱۲ .

ما از مشابهتی که در آیه بین زمین و آسمان‌ها آمده، چنین می‌فهمیم که این همانندی، در نحوه آفرینش است، نه در تعداد آنها، حال اگر برای زمین نیز هفت طبقه کشف شد، می‌توان گفت که مراد از این همانندی میان آسمان‌های هفت گانه و زمین، شباهت در تعداد طبقات آنها است.

سوم. آفرینش سموات و ارض

در آیات بسیاری از قرآن کریم، به خلقت ارض و سماء و ابتدای آن اشاره شده است. برای تفسیر چنین آیاتی که موضوع آنها از دسترس حسّ و تجربه ما خارج است باید تنها به کسی مراجعه کنیم که از طرف خدا مفسّر و بیان‌کننده قرآن معرفی شده است؛ کسی که خداوند به او فرموده:

{وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ}.

ما این قرآن را به سوی تو فرستادیم تا آنچه را که بر مردم نازل شده، برای آنان روشن نمایی.^{۱۲۷} در این باره، و در باره ابتدای خلقت، روایات بسیاری از رسول خدا رسیده است، لکن چون این احادیث مانند احادیث احکام نیست که توسط علمای فن از حیث متن و سند بررسی شده باشد، و چون در این جا نیز، فرصت چنین بررسی و تحقیقی نیست، به ناچار در چنین شرایطی، در بحث و بررسی مان از ابتدای آفرینش، به آنچه از ظواهر آیات فهمیده می‌شود بسنده کرده، و از روایات آنچه را به درستی‌اش اطمینان یا ظنّ قوی داریم بر می‌گزینیم و از خدای بزرگ مدد جسته و می‌گوییم:

ابتدای آفرینش

خداوند سبحان، شروع خلقت و آفرینش و پس از آن را در قرآن کریم چنین توصیف کرده است:

۱. {وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ}

اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [یا شش دوران] آفرید؛ و عرش او بر آب قرار داشت.^{۱۲۸}

۲. {إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

يُدِيرُ الْأَمْرَ}.

به یقین پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روط آفرید؛ سپس بر عرش قدرت قرار گرفت، و به تدبیر کارها پرداخت.^{۱۲۹}

۱۲۷ . سوره نحل، آیه ۴۴ .
۱۲۸ . سوره هود، آیه ۷ .
۱۲۹ . سوره یونس، آیه ۳ .

۳. {الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ
الرَّحْمَنُ فَسَعَلَ بِهِ خَيْرًا}.

خدایی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو وجود دارد، در شش روز آفرید، سپس بر عرش قدرت
قرار گرفت، خدای رحمان، [هر چه می‌خواهی] از او بخواه که از همه چیز آگاه است. ۱۳۰

۴. {أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ
كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ}.

آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر جدا کردیم؛ و هر چیز
زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!

۵. {هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ
سَمَوَاتٍ ۚ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ}.

اوست خدایی که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به
صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به همه چیز آگاه است. ۱۳۱

۶. {قُلْ أَبِئْتِكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُدًا أُنْدَادًا ۚ ذَٰلِكَ رَبُّ
الْعَالَمِينَ ﴿١٣٢﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
لِللَّسَائِلِينَ ﴿١٣٣﴾ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا
أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١٣٤﴾ فَقَضَيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ۚ وَزَيْنَا
السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٣٥﴾}.

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید و برای او همانندهایی قرار می‌دهید؟!
او پروردگار جهانیان است! او بر گرده زمین کوه‌های استواری قرار داد و در آن برکت و فزونی بخشید، و در
طی چهار روز، مواد غذایی آن را، برابر با نیاز خواستاران، مقدر فرمود. سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در
حالی که به صورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: «به وجود آید، خواه از روی اطاعت و رضا و
خواه با سختی و اکراه!» آنها گفتند: ما از روی اطاعت و رضا می‌آییم و شکل می‌گیریم! پس، آنها را به

۱۳۰ . سورة فرقان، آیه ۵۹.

۱۳۱ . سورة بقره، آیه ۲۹.

صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن را وحی ومقرر فرمود، و آسمان دنیا و پایین را با چراغهایی زینت دادیم، و از رخنه شیاطین حفظ کردیم؛ این است تقدیر خداوند توانا و دانا!^{۱۳۲}

۷. {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ...}

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را ...^{۱۳۳}

۸. {ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيْنَاهَا ﴿٢٨﴾ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ

ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ

أَرْسَلْنَا ﴿٣٢﴾ مَتَعًا لَكُمْ وَلِئِنْ نَعَمْتُمْ ﴿٣٣﴾}

آیا آفرینش شما مشکل تر است یا خلقت آسمان که خداوند بنایش نهاد؟! سقف آن را بر افراشت و آن را منظم ساخت و شبش را تاریک و روزش را آشکار نمود! و زمین را بعد از آن گسترش داد و از آن آب و چراگاهش را بیرون آورد و کوهها را ثابت و استوار کرد همه اینها برای بهره گیری شما و چهار پایان تان است.^{۱۳۴}

۹. {وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾}

قسم به آسمان و کسی که آن را بنا کرد، قسم به زمین و آن که آن را گسترانید.^{۱۳۵}

۱۰. {وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١١﴾ وَجَعَلْنَا

لَكُمْ فِيهَا مَعِيشٍ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿١٢﴾}

و زمین را گستردیم، و در آن کوههای ثابتی نهادیم؛ و از هر گیاه موزون در آن رویاندیم و برای شما و کسانی که شما روزی دهنده آنان نیستند، انواع وسائل زندگی را در آن قرار دادیم.^{۱۳۶}

۱۱. {الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿١٢﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي

الْأَلْبَابِ ﴿١٣﴾ مِّنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿١٤﴾}

۱۳۲ . سورة فضلت، آيات ۹ - ۱۲ .

۱۳۳ . سورة طلاق، آية ۱۲ .

۱۳۴ . سورة نازعات، آيات ۲۷ - ۳۳ .

۱۳۵ . سورة شمس، آيات ۵ و ۶ .

۱۳۶ . سورة حجر، آيات ۱۹ و ۲۰ .

خداوندی که زمین را برای شما محلّ آسایش قرار داد؛ و راههایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان آبی فرستاد که با آن، انواع گوناگون گیاهان را بر آوردیم. بخورید، و چهار پایان تان را به چرا برید، به یقین در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است! شما را از زمین آفریدیم؛ و در آن باز می‌گردانیم؛ و بار دیگر از آن بیرون می‌آوریم! ۱۳۷

۱۲. {الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۖ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} .

خداوندی که زمین را برای شما بستر، و آسمان را سقف قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد. بنابر این، برای خدا همتیانی که خود [ساختگی بودنشان را] می‌دانید، نترشید. ۱۳۸

۱۳. {الْمَ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا ۖ ... ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا} .

آیا ندیدید چگونه خداوند هفت آسمان را بر روی هم آفریده است و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد، تا از راه‌ها و دره‌های آن رفت و آمد کنید! ۱۳۹

۱۴. {أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ} .

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! و به آمان نگاه نمی‌کنند که چگونه بر افراشته است؟! و به کوه‌ها که چگونه در جای خود بر پا شده؟! و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! ۱۴۰

۱۵. {أَمْنَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِرَبِّ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ} .

۱۳۷ . سورة طه، آیات ۵۳ - ۵۵ .
 ۱۳۸ . سورة بقره، آیه ۲۲ .
 ۱۳۹ . سورة نوح، آیات ۱۵ و ۱۹ - ۲۰ .
 ۱۴۰ . سورة غاشیه، آیات ۱۷ - ۲۰ .

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمًا خَبِيرًا ﴿٦١﴾

آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ‌های زیبا و سرور انگیز رویانندیم، باغ‌هایی که شما هرگز نمی‌توانستید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنان گروهی همانند تراش حق ناپذیرند! یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت، و برای آن کوه‌های ثابت و پا برجا ایجاد کرد، و سنان دو دریا مانع ایجاد کرد. آیا معبودی با خداست؟! نه، بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند! ^{۱۴۱}

۱۶. { وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٦٢﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ ﴿٦٣﴾ }.

و در زمین، کوه‌های ثابت و پا برجا قرار دادیم، مبدا آنان را بلرزاند! و در آن دره‌ها و راه‌هایی قرار دادیم تا هدایت شوند! و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم، ولی آنان از آیات آن روی گردانند. ^{۱۴۲}

۱۷. { أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٦٤﴾ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ﴿٦٥﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شِمَخَاتٍ ... }.

آیا زمین را مرکز اجتماع انسان‌ها قرار ندادیم، هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟! و در آن کوه‌های استوار و بلندی برافراشتیم ... ^{۱۴۳}

۱۸. { هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي آخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦٧﴾ }.

اوست خداوندی که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید؛ خداوند این را جز به حق نیافریده؛ او آیات را برای گروهی که اهل دانش‌اند، شرح می‌دهد! به یقین در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات و نشانه‌هایی است برای گروهی که پرهیزکارند. ^{۱۴۴}

۱۴۱ . سورة نمل، آيات ۶۰ و ۶۱ .
 ۱۴۲ . سورة انبياء، آيات ۳۱ و ۳۲ .
 ۱۴۳ . سورة مرسلات، آيات ۲۵ - ۲۷ .
 ۱۴۴ . سورة يونس، آيات ۵ و ۶ .

شرح کلمات:

۱. یوم: روز، فاصله میان طلوع فجر یا خورشید تا غروب آفتاب را یوم گویند. همچنین حوادث تاریخی و به یاد ماندنی و روزهای جنگ را اگر چه مدت زیادی طول کشیده باشد، مانند یوم خندق و یوم صفین که مراد جنگ خندق و جنگ صفین است.

۲. ثُمَّ: این کلمه بر تأخر زمانی یا مکانی یا رتبه‌ای ما بعد از ماقبل خود دلالت دارد.

الف_ تأخر زمانی، مانند: {وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ...} ثُمَّ قَفَيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا

وَقَفَيْنَا بَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ}. یعنی: ما نوح و ابراهیم را فرستادیم ... و پس از آن رسولان دیگر خود را فرستادیم و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم.^{۱۴۵}

ب_ تأخر مکانی، مانند: از قم به تهران، و پس از آن به مشهد رفتیم.

ج_ تأخر رتبه‌ای، مانند آنچه در پاسخ پیامبر آمده است: شخصی پرسید: به چه کس نیکی کنم؟ پیامبر فرمود: به مادرت. پرسید: بعد از او؟ فرمود: مادرت. پرسید: بعد از او؟ فرمود: پدرت.

۳. دُخَان: دود یا آن چیزی است که از آتش متصاعد می‌شود، گاهی به بخار و هر چه شبیه بخار است نیز "دخان" می‌گویند.

۴. اِسْتَوَىٰ: استوی علیه: استولی علیه: یعنی بر آن مسلط و مستولی شد، توضیح بیشتر این عبارت همراه با معنای: (رحمان) و (عرش) و (سواء) در مبحث صفات "رب" خواهد آمد.

۵. رَتَقَ: بستن و ضمیمه کردن، و فتق به معنای گشودن است.

۶. جَعَلَ: جعل در قرآن کریم در معانی زیر آمده است:

الف_ به معنای خلق و ایجاد، مانند: {اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ}. به یاد

آوردید نعمت‌های خدا بر خودتان را هنگامی که در میان شما پیامبرانی آفرید.^{۱۴۶} {وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ

تَقِيَكُمْ الْحَرَّ}. و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که شما را از گرما حفظ می‌کند.^{۱۴۷}

ب_ به معنای گراندن، مانند: {الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَشًا}. خداوندی که زمین را برای شما

بستری گردانید.^{۱۴۸}

^{۱۴۵} .سورة حدید، آیه ۲۶ - ۲۷.

^{۱۴۶} . سورة مائده، آیه ۲۰.

^{۱۴۷} . سورة نحل، آیه ۸۱.

^{۱۴۸} . سورة بقره، آیه ۲۲.

ج_ به معنای قرار دادن و دستور، مانند: {لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا}. برای هر کدام از شما آیین و طریقه روشنی قرار دادیم.^{۱۴۹}

د_ به معنای مسخر کردن، یعنی هدایت تسخیری، مانند: {وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ} و نهرها را از زیر آنها جرای ساختیم.^{۱۵۰} یعنی نهرها را با هدایت تسخیری چنان کردیم که از زیر آنان جریان یابد.^{۱۵۱}

۷. رَواَسِن: کوه‌های ثابت و استوار، مفرد آن راسی است.

۸. قَضَاهُنَّ: قضا در این جا به معنای تقدیر و اتمام خلقت است، یعنی خلقت آسمانها را در دو روز مقدر کرد و به امام رسانید.

۹. أَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا: یعنی: وظیفه فرشتگان هر آسمان را به آنان یاد داد، و به ایشان آموخت که چه باید بکنند، و برای چه آفریده شده‌اند، سایر مخلوقات آسمانها را نیز چنان رام و مسخر فرموده که بر وفق نظامی که برای آنان آفریده حرکت کنند.

۱۰. سَمَك: سقف، فاصله هر چیزی از پایین به بالا، چنانکه عمق، فاصله هر چیز از بالا به پایین است.

۱۱. بَنَاهَا: بنا یعنی ساختن و برپا داشتن، و در آیه یعنی: آسمان را دقیق و میزان و محکم آفرید.

۱۲. سَوَّى: سَوَّاهُ، یعنی: آن را در مسیر کمال و استعداد مورد نظر قرار دارد.

۱۳. ضُحَى: طلوع خورشید و روشنایی نور آن و بر آمدن روز. أَخْرَجَ ضُحِيهَا، یعنی: روزش را آشکار کرد.

۱۵. دَحَاهَا: دحا یعنی بسط و گسترش و هموار کردن. و الْأَرْضَ دَحَاهَا، یعنی زمین را گسترانید و برای سکونت و بهره‌وری بشر، آن را مهیا و هموار ساخت.

۱۶. طَحَاهَا: بَسَطَهَا، یعنی: آن را گسترش داد.

۱۷. مَدَدْنَاهَا: مَدَّ، یعنی: گسترش طولی پیوسته، و در آیه یعنی: زمین را برای زندگی بر روی آن، گسترده و هموار کردیم.

۱۸. مَوْزُون: وزن یعنی: اندازه گیری اجسام با چیزی برابر خود از حیث سبکی و سنگینی یا درازا و پهنا و یا گرما و سرما و: انبتنا فیها من کل شیء موزون، یعنی: هر چیزی را در زمین به تناسب محیط خاص، هدف مورد نظر، مقدار نیاز و مقتضای حکمت آفریدیم.

تفسیر آیات

آنچه از معنی آیات می‌آوریم بر حسب معنای ظاهری الفاظ است، و خدا داناتر است: خداوند متعال، پیش از آن که آسمان و زمین را بیافریند، آبی را که تنها خدا حقیقتش را می‌داند و بر ما روشن نیست، آفریده

^{۱۴۹} . سورة مائده، آیه ۴۸.

^{۱۵۰} . سورة انعام، آیه ۶.

^{۱۵۱} . هدایت تسخیری را در مبحث انواع چهار گانه هدایت، در آینده بررسی می-

است. عرش خداوند، یعنی فرشتگانی که به فرمان خدا عمل می‌کردند، بر روی این آب بودند، و هنگامی که حکمت و مشیت خداوندی بر آن شد که چیزهای دیگری را بیافریند، ابتدا پیش از خلقت آسمان، زمین بالا می‌رفت. همچنین خداوند آسمان و زمین را، در حالی که به هم پیوسته بودند، از یکدیگر جدا ساخت و خدا داناتر است و همان بخار یا دود زمین، آسمان شد، این آسمان را خداوند باز و گسترش داد و آن را هفت طبقه روی هم قرار داد. این تفسیر را در کلام امام علی^ع چنین می‌یابیم:

خداوند از دریای متراکم و مواج آب، خشکی جامدی آفرید، و سپس از همان آب یا خشکی، طبقاتی را پدید آورد، و پس از پیوستگی از یکدیگر جدایشان ساخته به هفت آسمان تبدیل کرد.^{۱۵۲}

خداوند آفرینش آسمانها و زمین را در شش روز، یعنی شش دوره عملی به شرح زیر، به انجام رسانید:

اول. آفرینش زمین

خداوند زمین را در دو روز آفرید، و در آن کوه‌های ثابت و پا برجا قرار داد، و در چهار روز دیگر، خورشید را در فضای آسمان قرار داد، و آب را بر روی زمین جاری کرد، سپس به تقدیر سایر ارزاق از رویدنی‌ها و غیر آن پرداخت، یعنی: ذات آب، و طبیعت هر موجود زنده‌ای را آن چنان قرار داد که از آب به وجود آید.

سپس به آسمان پرداخت، یعنی پس از آفرینش زمین به خلق آسمان پرداخت، و آسمان در این حال، دود یا بخار بود، این بخار یا گرما، از دریا‌های زمین یا از برکه‌های آن برخاسته بود. خداوند ایمان و زمین را پس از آن که به هم پیوسته بودند از یکدیگر جدا کرده و بلندای آسمان را سقف زمین قرار داد و خداوند داناتر است. سپس به این آسمان و زمین فرمود: "به وجود آید و شکل پذیرید، خواه از روی طاعت و خواه اکراه!" آنها گفتند: "ما از روی طاعت می‌آیم و شکل می‌گیریم!"

پس آسمان به همه کهکشان‌ها و ستارگان و دیگر موجودات آن که تنها خداوند عدد و مقدار آن را می‌داند به وجود آمد. سپس زمین را در فاصله‌ای معین و دور از آسمان گسترش داد و نهرها و درختان و سایر رویدنی‌ها را در آن قرار داد، پس از آن حیوانات را آفرید.

سپس آسمان جدا شده از زمین را که محیط بر آن بود، به هفت آسمان تبدیل کرد و در هر آسمان، نظام بایسته‌اش را برای سیر و ادامه بقاء در ذات آن قرار داد، و آسمان دنیا را به چراغ‌های فروزان ستارگان آراست، و از همان ستارگان شهاب‌های ثاقب را برای حفاظت از استراق سمع شیاطین پدید آورد که بحث آن در آینده می‌آید.

خورشید را نور دهنده و ماه را روشنی‌بخش آفرید، و برای ماه در مسیر خود منازلی را تقدیر کرد تا هر شب را در یکی از این منازل سپری کند، و از خورشید به مقداری دور باشد که در یک دور خود، یک ماه قمری را تکمیل نماید، و با این گردش، ماه‌ها و سال‌ها پدید آید و مردمان شماره سال‌ها و حساب آن را

^{۱۵۲} . نهج البلاغه، خطبه ۲۰۲، تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۴۴، بحار ج ۵۸، ص ۱۰۴.

بدانند. و در زمین از هر چیزی به اندازه لازم آن آفرید، و زمین را محل سکونت و آرامش آدمیان قرار داد تا زندگان و مردگان در آن جمع آیند و در روز قیامت از آن محشور گردند.

بنابر آنچه بیان داشتیم، از آیات گذشته چنین استنباط می‌کنیم که، زمین از حیث زمان بر آسمانها، و از حیث رتبه نیز، بر سایر مخلوقات که خداوند بر روی آن آفرید تقدم دارد، و خداوند تعالی همه آنچه را که در آسمان و زمین است برای بهره‌وری مردم روی زمین و مقام اولیای خود که در میان ایشان هستند، آفریده است. همو فرموده:

۱. {الْمَرْتَرُوا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ}.

آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده است.^{۱۵۳}

۲. {وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا}.

و هر چه در آسمانها و زمین است، همه را مسخر شما کرده است.^{۱۵۴}

و نیز، از آیات گذشته چنین استنباط می‌کنیم که، آفرینش غذای انسان مثل: آب و گوشت و رویدنی‌ها همه، قبل از آفرینش انسان بوده است، چنان که برخی آیات، خلقت جن از آتش گرم و سوزان را، پیش از خلقت انسان از گل، با صراحت بیان می‌دارد، همچنان که فرشتگان نیز، قبل از انسان آفریده شده‌اند، خداوند فرموده:

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿۱۶﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ ﴿۱۷﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ...}

ما انسان را از گل خشکیده بر گرفته از گل تیره رنگ آفریدیم. و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم. و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشکیده‌ای می‌آفرینم.^{۱۵۵}

دوم. آفرینش کواکب و کهکشانها

خداوند در قرآن کریم از برجها و کواکب و شهابها خبر داده و فرموده:

۱. {وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿۱۸﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿۱۹﴾ إِلَّا مَنْ أَسْرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ بِشَهَابٍ مِّنْ مُّبِينٍ ﴿۲۰﴾}.

۱۵۳ . سورة لقمان، آية ۲۰.
۱۵۴ . سورة جاثية، آية ۱۳.
۱۵۵ . سورة حجر، آيات ۲۶ - ۲۸.

ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم. و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم؛ مگر آن کس که استراق سمع کند [و دزدانه گوش دهد] که شهاب مبین او را تعقیب می‌کند.^{۱۵۶}

۲. {إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا ۗ وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَن خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾}.

ما آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم. تا آن را از هر شیطان خبیث و سرکشی حفظ کنیم. آنها نمی‌توانند به سخنان فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند، و از هر سو به شدت مورد هدف قرار می‌گیرند! آنان به شدت دور و رانده می‌شوند؛ و برای ایشان مجازاتی دائم است! مگر آنها که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که شهاب ثاقب آنها را تعقیب می‌کند.^{۱۵۷}

۳. {تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾}.

مبارک و جاودان است خدایی که در آسمان منزل‌گاه‌هایی برای ستارگان قرار داد، و در میان آسمان چراغ روشن و ماه تابانی برافروخت.^{۱۵۸}

۴. {هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ...}.

او خدایی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد، و برای آن منزل‌گاه‌هایی مقدر کرد تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید...^{۱۵۹}

۴. {وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا}.

۵. و ماه را در میان آسمان‌ها مایه روشنایی، و خورشید را چراغی فروزان قرار داده است.^{۱۶۰}

۶. {إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۚ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ۚ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُمْ كَافَّةً ۚ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ}.

۱۵۶ . سورة حجر، آيات ۱۶ - ۱۸ .

۱۵۷ . سورة صافات، آيات ۶ - ۱۰ .

۱۵۸ . سورة فرقان، آية ۶۱ .

۱۵۹ . سورة يونس، آية ۵ .

۱۶۰ . سورة نوح، آية ۱۶ .

تعداد ماهها نزد خداوند در کتاب الهی _ از آن روزی که آسمانها و زمین را آفریده _ دوازده ماه است که چهار ماه از آن، ماه حرام است؛ این آیین ثابت و پابرجا است! بنابر این؛ در این ماهها به خود ستم نکنید، و با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آنان یک پارچه با شما پیکار می کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزکاران است.^{۱۶۱}

۷. {وَعَلَّمْتِیْ وَبِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ}.

و علامتی قرار داد؛ و به وسیله ستارگان هدایت می شوند.^{۱۶۲}

۸. {وَهُوَ الَّذِیْ جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ}.

او خدایی است که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا به وسیله آنها راه یابید...^{۱۶۳}

شرح کلمات

۱. بُرُوج: بروج که مفرد آن برج است، در زمین به معنای کاخ و قلعه، و در آسمان مجموعه ای از ستارگان است که ماه و خورشید و دیگر سیارات از مقابل آنها عبور می کنند. برخی از این برج های آسمان به گونه ای است که اگر شکل آن را بر روی کاغذ ترسیم کنیم و فاصله میان ستارگانش را با خط به هم متصل نماییم همانند خرس و عقرب و ... می شوند که عقرب یکی از منازل و ایستگاه های ماه است، و اصطلاح مشهور "قمر در عقرب" از تقارن ماه با این برج گرفته شده است.

ستاره شناسان برای ماه، در مسیر حرکتش، دوازده برج قائلند. و ما در پایان همین بحث از مخاطبه قرآن با مردم در باره آنچه از ماه به صورت آشکار می بینند سخن خواهیم گفت.

۲. رَجِیم: رانهد شده، کسی که از نیکی ها یا جایگاه عرشیان یا رحمت خدا محروم شده باشد.

۳. شِبْهَاب: شعله، شعله در حال فرود از آسمان که جمع آن شُهُب است. شرح بیشتر آن در بحث جن می آید.

۴. مَارِد: مارد و مرید از شیاطین جن و انس به معنای سرکش تهی از خیر و فرو رفته در شر و گناه است.

۵. دُحُور: دفع و طرد و دور کردن.

۶. نُجُوم: ستارگان فروزانی که مانند خورشید نور دارند.

۱۶۱ . سوره توبه، آیه ۳۶ .

۱۶۲ . سوره نحل، آیه ۱۶ .

۱۶۳ . سوره انعام، آیه ۹۷ .

۷. کواکب: اجسامی که از نجوم و ستارگان نور می‌گیرند، به همه اجسام نورانی آسمان کواکب گویند، چنان که خدای سبحان فرموده: {إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ}. ما آسمان دنیا را با کواکب آراستیم.^{۱۶۴}

۸. واصب: دایم و لازم.

۹. خَطَفَ خَطْفَةً: با سرعت گرفت و ربود، خَطْفَةً یعنی، یک بار ربودن. مراد این است که شیاطین گاهی چیزی را از فرشتگان شنیده و با سرعت می‌ربایند.

۱۰. ثاقب: نافذ و شکافنده و روشن، شهاب از آن رو به ثاقب توصیف شده که در تاریکی‌ها نفوذ می‌کند و چنان می‌نماید که با نور خود آن را می‌شکافد.

تفسیر آیات

از آیاتی که در بحث آسمان‌ها و ستارگان آوردیم دانسته می‌شود که: آسمان دنیا جای‌گاهش برتر و بالاتر از همه کواکب و ستارگان فروزان کهکشان‌هاست، و آسمان دوم از آن برتر و بالاتر، و برتر از دوم آسمان سوم، و بالای سومین آسمان چهارم است، و بدین گونه تا آسمان هفتم که رفعتش فوق سایر آسمانهاست، و ارتفاع هر یک از دیگری، ارتفاع مکانی است، بر خلاف عرش که رفعت آن رفعتی معنوی است و بیان آن در جای خود می‌آید. این توضیح دو سؤال را متوجه خود می‌کند:

۱. چرا خداوند از خواص و فوائد ستارگان تنها اموری را یاد آوری می‌کند که همه مردم می‌دانند مانند این

آیه که: {جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا}. ستارگان را برای هدایت و راهنمایی شما قرار داد.^{۱۶۵} چرا از آثار و صفاتی که دانشمندان پس از نزول قرآن آنها را کشف کرده‌اند چیزی نگفته است؟

۲. خداوند در سوره صافات فرموده: {إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ}. ما آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم.^{۱۶۶} سؤال این است که اگر ستارگان زینت آسمان دنیا است، لازمه‌اش این است که جایگاه تمامی ستارگان در زیر آسمان دنیا باشد، با آن که دانشمندان ستاره‌شناس در گذشته می‌گفتند: جایگاه بیشتر ستارگان بالای آسمان دنیا است. دیدگاه علمی زمان ما در این باره چیست؟ در پاسخ از این دو سؤال به یاری خدا می‌گوییم:

۱. جواب سؤال اول

خداوند سبحان خاتم پیامبرایش را با قرآن کریم برای آن فرستاد تا همه مردمان را به آیینی که برای آنان مقرر فرموده هدایت کند، چنان که فرموده:

۱۶۴ . سوره صافات، آیه ۶ .
۱۶۵ . سوره انعام، آیه ۹۷ .
۱۶۶ . سوره صافات، آیه ۶ .

{قُلْ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...}

بگو این مردم! من فرستاده خدا به سوی همگی شما هستم ...^{۱۶۷}

۲. {وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ ۖ وَمَنْ بَلَغَ...}

این قرآن بر من وحی شده، تا شما و همه کسانی را که این پیام به آنان می‌رسد، بترسانم ...^{۱۶۸}

بدین سبب، قرآن کریم در گفتارش همه مردمان را مورد توجه و خطاب {يَتَأْتِيهَا النَّاسُ} قرار می‌دهد، و چون همه مردم از هر صنف و گروهی مورد خطاب هستند، به ناچار سخن هم باید به فراخور حال و فهم همگان باشد، تا همه مردمان در هر موقعیت زمان و مکانی که هستند آن را بفهمند، چنان که در مقام استدلال و اقامه برهان بر یگانگی خالق و اله (توحید الوهیت) می‌فرماید:

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟!

و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟!

و به کوه‌ها که چگونه در جای خود استوار و پایر جا شده‌اند؟!

و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟!

پس تذکر بده که تو فقط تذکر دهنده‌ای!

تو سلطه‌گر و وادار کننده آنان نیستی!^{۱۶۹}

و در مقام استدلال و اقامه برهان بر نگانگی پروردگار (توحید ربوبیت) می‌فرماید:

آیا به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟!

آیا شما آن را از ابر نازل کرده‌اید یا ما آن را فرو می‌فرستیم؟!

هر گاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور می‌گردانیم، پس چرا شکر نمی‌کنید؟ ... حال که چنین است

به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن و او را منزّه بدان!^{۱۷۰}

حال، اگر خدای سبحان روشی بر خلاف این می‌پیمود، و در مقام استدلال، نظام حرکت و سکون میلیاردها ستاره در میلیون‌ها کهکشان آسمان را یادآور می‌شد، یا از انسان فقط چشم او را محور استدلال قرار می‌داد، و میلیون‌ها خطوط ریز تعبیه شده در آن را ذکر می‌کرد، و از خون او و میلیون‌ها گلبول سرخ و سفیدش سخن می‌گفت، یا از مغز او و زوایای پیچیده و میلیونی آن پرده بر می‌داشت، و یا از جهاز هاضمه او، و یا از انواع بیماری و راه درمان آن می‌گفت _ چنان که برخی می‌پرسند: چرا خداوند از این دانش‌های مربوط به جسم انسان که خود آن را آفریده، چیزی در قرآن کردیم بیان نکرده؟ آیا این از موارد کوتاهی و نقص در

^{۱۶۷} . سورة اعراف، آیه ۱۵۸ .

^{۱۶۸} . سورة انعام، آیه ۱۹ .

^{۱۶۹} . سورة غاشیه، آیات ۱۷ - ۲۲ .

^{۱۷۰} . سورة واقعه، آیات ۶۸ - ۷۰ و ۷۴ .

کتاب خدا نیست؟! به خدا پناه می‌بریم!_ شما چه فکر می‌کنید؟ اگر ویژگی‌های خلقت بدان گونه که گذشت در قرآن کریم می‌آمد، کدامین از مردمان، قبل از زمان کشف آنها، آن را می‌فهمید؟ و اگر پیامبران مثلاً به مردم می‌گفتند: زمینی که ما روی آن زندگی می‌کنیم به دور خورشید می‌گردد، و خورشید ۲۳ میلیون مایل از زمین فاصله دارد، و این منظومه شمسی در کنار کهکشان‌ها به نام راه شیری قرار گرفته که در آن کهکشان سی میلیارد ستاره است و در پشت این کهکشان صدها هزار از عوالم ناشناخته و حفره‌های پیچیده یافت می‌شود و

شما چه می‌اندیشید؟ اگر امت‌ها همانند این سخنان را از پیامبران‌شان می‌شنیدند، به انبیاء چه می‌گفتند؟ آنان که پیامبران را _تنها بدین خاطر که مردم را به یگانگی خدا دعوت می‌کردند_ دیوانه می‌خواندند و خداوند در باره آنان می‌فرماید:

۱. { كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ }.

پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، آری بنده ما نوح را دروغ‌گو پنداشتند و گفتند: او دیوانه است!^{۱۷۱}

۳. { كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْنُونٌ }.

این گونه است که هیچ پیامبری پیش از آنان به سوی قومی فرستاده نشد مگر این که گفتند: او ساحر است یا دیوانه!^{۱۷۲}

۳. { وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ }.

و می‌گویند او [پیامبر خاتم] دیوانه است.^{۱۷۳}

حال، با چنین دیدگاه و حالتی که امتها داشته‌اند، اگر امثال این گفتار را نیز، از پیامبران می‌شنیدند، چه می‌گفتند؟ اصولاً چه تعداد از مردمان مخاطب قرآن بودند که این حقایق علمی را بفهمند، حقایقی که دانشمندان تا امروز کشف کرده و پس از این کشف می‌کنند، چگونه برای آنان فهمیدنی و قابل درک بود؟!

بعلاوه، این مسائلی که دانشمندان تا به امروز کشف کرده‌اند، در چه تعداد مجموعه علمی می‌گنجد؟! در حالی که خداوند، قرآن کریم را بر خاتم پیامبران نازل کرده تا کتاب هدایت باشد، و مردم را آموزش دهد که چگونه خدای خود را بندگی کنند، و او امر و نواهی او را اطاعت نمایند، و چگونه با دیگر مردمان برخورد کنند، و از آنچه خدا برای ایشان آفریده و مسخر کرده، چگونه در راه رسیدن به درجه کمال انسانی و سعادت دنیا و آخرت بهره بگیرند.

^{۱۷۱} . سورة قمر، آیه ۹ .

^{۱۷۲} . سورة ذاریات، آیه ۵۲ .

^{۱۷۳} . سورة قلم، آیه ۵۱ .

خداوند، قرآن کریم را نازل نکرده تا مردمان را از ویژگی‌های آب و هوا و زمین و حیوان و نبات آگاه سازد، بلکه این موضوع را از وظایف عقل بشری قرار داده، عقلی که خداوند به آنان بخشیده تا به همه اینها بر حسب نیازشان، در دوران‌های پیاپی و حالت‌های مختلف، هدایتشان نماید.

با چنین عقلی که خدای سبحان به انسان بخشیده، بشر نیازمند آن نبوده تا مثلاً خداوند در قرآن کریم چگونگی شکافتن اتم را به او آموزش دهد، بلکه نیاز واقعی بشر در این است که خداوند راه بهره‌گیری و کاربری این نیرو و امثال آن را به وی نشان دهد، تا پس از کشف و تسلط بر آن، در راه منافع انسانی به کارش بگردد، نه در راه نابودی نوع بشر و حیوانات و گیاهان!

پس، حکمت واقعی همان است که قرآن کریم آورده، و در استدلال و اقامه برهان به ذکر گونه‌های مخلوقات پرداخته است. البته این سخن با آن که قرآن کریم گاهی اشاره‌ای هم به حقایق علمی مکشوفه داشته باشد، منافاتی ندارد. حقایقی که پس از زمان نزول قرآن کشف شده، و قرآن پیش از کشف به آنها اشاره کرده، از دلایل روشن و نشانه‌های تازه‌ای است بر این که قرآن کریم از طرف خالق هستی و پروردگار آن نازل شده، و همان گونه که وصی خاتم انبیاء علی مرتضی فرموده، عجایب قرآن پایان ناپیر است.^{۱۷۴} و این از شگفتی‌های قرآن کریم است که هر جا ذکری از خصائص و ویژگی‌های مخلوقات در آن شده، با حقایق علمی که بعد از آن توسط دانشمندان در طول قرون و اعصار کشف شده مخالف نیست.

۲. جواب سؤال دوم

گروهی از دانشمندان در برخی از ادوار، بعضی از آنچه را که در قرآن کریم آمده تأویل و توجیه کرده و با نظریات اشتباه و بی‌اساسی که در زمان ایشان از حقایق علمی به حساب می‌آمده تطبیق داده‌اند، مانند توجیه ایشان از آسمان‌های هفت‌گانه، به افلاک هفت‌گانه مشهور در نزد دانشمندان گذشته، بر اساس نظریه بطلمیوس که در حدود سال ۹۰ تا ۱۶۰ میلادی می‌زیسه است. بطلمیوس گفته است:

آسمانها و زمین اجسامی کروی هستند که، برخی از آنها همانند لایه‌های پیاز روی برخی دیگر قرار گرفته‌اند. مرکز این کرات زمین است که سه چهارم آن از آب بشکلی شده است. مرتبه فوقانی زمین هواست، و بالاتر از هوا آتش است، این چهار عنصر یعنی: خاک، آب، هوا و آتش را طبایع چهارگانه نامیده‌اند. بالاتر این‌ها فلک قمر است که فلک اول می‌باشد، سپس فلک عطارد، سپس فلک زهره، سپس خورشید، سپس مریخ، سپس مشتری، بعد از آن زحل. ستارگان این افلاک را هم، سبعة سیاره نامیده‌اند که فلک ستارگاخ ثابت که آن را فلک بروج گویند بر آن احاطه دارد، پس از آن فلک اطلسی است که ستاره‌ای در آن نیست. این دانشمندان آسمان‌های هفت‌گانه را به افلاک سیارات هفت‌گانه، و کرسی را به فلک بروج، و عرش را به فلک نهمین توجیه و تأویل کرده‌اند!

^{۱۷۴} . نهج البلاغه، خطبه ۱۸.

ایشان همچنین، آنچه در قرآن و حدیث در اطراف برخی از اصطلاحات اسلامی آمده، همه را با نظرات و دیدگاه‌های بی‌اساس فلسفی و نجومی زمان خودشان توجیه و تأویل کرده‌اند. و چون در برخی از این نظریات مطالبی است که با نص قرآن کریم مخالف است، کوشیده‌اند تا بین آنچه در قرآن کریم آمده را با این نظریات جمع کنند. مرحوم مجلسی & به این اشاره کرده و گفته است:

بدان! در این جا اشکال مشهوری است، و آن این که: دانشمندان علم هیئت اتفاق دارند که در آسمان اول جز ماه چیز دیگری نیست، و سایر ستارگان سیار، همگی در یک فلک و گردونه هستند، و ستارگان ثابت در فلک هشتمین‌اند، در حالی که آیه کریمه قرآن دلالت دارد که همه آنها یا بیشترشان، در آسمان دنیا هستند،^{۱۷۰} او سپس جواب‌های گفته شده را می‌آورد.

با توجه به این که آیه مورد اشاره و تفسیر آن در پی می‌آید، از ذکر وجوه مورد نقل مرحوم مجلسی در این جا صرف نظر می‌کنیم، و تنها سخن بزرگ فلاسفه زمان او، میرداماد & را در تأویل حدیثی درانی باب می‌آوریم:

مجلسی & در بحار گفته است:

بیان و تأویلی نادرست

سید داماد & در برخی تعلیقاتش که بر کتاب «من لا یحضره الفقیه»، نوشته، گفته است: عرش همان فلک الافلاک است. و این که امام x آن را مربع دانسته‌اند، برای آن است که فلک به خاطر حرکت دورانی که دارد برای او یک کمربند و دو قطب به وجود می‌آید، و هر دایره بزرگی که به دور گره‌ای کشیده شود آن گره را نصف می‌کند، و فلک هم به واسطه کمربند حرکتی و دایره‌ای که از دو قطب آن می‌گذرد به چهار بخش تقسیم می‌گردند، و نیز دایره افق که بر سطح فلک بالاتر است به وسیله نصف‌النهار و دایره مشرق و مغرب چهار بخش می‌گردد و هر بخش آن به گونه‌ای در مجموعه قرار می‌گیرد که جهات چهار گانه جنوب و شمال و مشرق و مغرب را مشخص می‌کند. فلاسفه فلک را نازل منزله انسانی فرض کرده‌اند که بر پشت خود خوابیده، سر او به سمت شمال، پاهایش به سوی جنوب، دست راستش در جهت مغرب و دست چپ او به سمت مشرق می‌باشد.

و نیز، تربیع و تسدیس اولین اشکال دایره‌اند که در جای خود روشن شده است، زیرا، تربیع با دو قطری که قائم بر یکدیگر باشند و هم‌دیگر را قطع کنند حاصل می‌شود، و تسدیس به نصف قطر، زیرا وتر یک ششم مساوی نصف قطر است، و یک چهارم دور یک قوس تمام است. و هر چه از یک چهارم کم باشد باقیمانده آن تا رسیدن به حد یک چهارم باعث تمام آن می‌شود.

^{۱۷۰} . {إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ} . سورة صافات، آیه ۶ .

و نیز، فلک نهایی دارای ماده و صورت و عقل می‌باشد که همان عقل اول است. و به آن عقل کل گفته می‌شود، و دارای نفس است که همان نفس اولی^{۱۷۶} است. و به آن نفس کل می‌گویند. و این نفس مرتعاست و اولین از مرتعات نظام هستی است.

در آن جا جهات دیگری نیز هست که مقام را گنجایش بسط آن نیست، و هر که خواهد، باید در پی فهم آن باشد.

مجلسی & می‌گوید: عدم موافقت این توجیها با قوانین شرع و مصطلحات اهل اسلام مخفی نیست. پایان آنچه مجلسی & آورده است.

اضافه بر آنچه آوردیم، برخی دانشمندان نیز، قرآن کریم را با اسرائیلیات، تفسیر کرده‌اند. برخی نیز، با روایات دروغینی که بر پیامبر خدا بسته شده، بدون تحقیق و بررسی، به تفسیر قرآن پرداخته‌اند، و بر اثر چنین برخوردها، فهم قرآن و مصطلحات اسلامی و الفاظ و واژه‌ها، بر تلاوت کنندگان قرآن و حدیث پوشیده و مشتبه گردیده است. و ما بخشی از این اشتباه‌کاریها را، در کتاب «قرآن کریم و روایات دو مکتب»، بخش «قرآن در زمان رسول خدا و بعد از آن حضرت» آورده‌ایم.

فشرده بحث

اول. سماء: آسمان، در لغت آن چیزی است که شما را از بالا بپوشاند، و آسمان هر چیزی بالا و سقف آن است، آسمان در قرآن کریم آنجا که مفرد آمده گاهی به معنای فضای پیرامون زمین است مانند:

۱. {الْمَّ يَرَوُا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ}.

آیا آنان پرندگان نگه داشته شده در فضای آسمان را ندیدند؟^{۱۷۶}

۲. {وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً}.

و از آسمان آبی فرستاد.^{۱۷۷}

و گاهی مراد از آن، ستارگان و آسمان‌های هفت‌گانه بالاست، مانند:

{ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ}.

سپس به آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت‌گانه مرتب نمود.^{۱۷۸}

سماء آنجا که به لفظ جمع آمده، مقصود از آن آسمان‌های هفت‌گانه است، چنانکه در آیه گذشته آمده بود. دوم. ابتدای خلقت: خدای سبحان خود خبر داده که پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، آب را خلق کرده بود. و ما از آیات گذشته در می‌یابیم که خدالوند زمین را از این آب آفریده، و آسمان‌ها را از بخار این آب و

۱۷۶ . سورة نحل، آیه ۷۹ .
۱۷۷ . سورة بقره، آیه ۲۲ .
۱۷۸ . سورة بقره، آیه ۲۹ .

این زمین پدید آورده است، و مراحل خلقت آسمان و زمین، و آفرینش برخی موجودات در آنها، که در ضمن آن، نیازمندی‌های زندگی انسان هم بوده، در شش دوره به پایان رسیده است. و اینکه خداوند همه ستارگان نورانی را در زیر آسمان دنیا قرار داده است. و اخباری که از خداوند در باره آفرینش به ما رسیده، به اندازه‌ای است که برای هدایت مردم مورد نیاز است، و عقل بشر بیش از این توان درک مسائل مربوط به ابتدای خلقت و حقیقت کهکشان‌ها و سیارات را ندارد.

برخی از دانشمندان خود را به زحمت انداخته، و هر چه را در قرآن در وصف آسمان‌ها و ستارگان یافته‌اند، به مسائلی که در زمان خودشان شناخته شده بود، و آن را عملی می‌دانستند، توجیه و تأویل کرده‌اند؛ مانند تأویل معنای آسمان‌ها به افلاک هفت‌گانه که آن را مسئله‌ای قطعی و علمی می‌دانستند، و امروزه بطلان آن از بدیهیات است.

همچنین، برخی آیات را با روایات اسرائیلی تفسیر کردند، روشی که هنوز هم در میان مسلمانان متداول است، و بدین سبب دیدگاه نادرستی از اصناف موجودات در جامعه اسلامی منتشر گردیده است که در بحث‌های آینده، به یاری خدا، برخی از آنها را بررسی می‌کنیم.

۳-۳- دواب، جنبندگان

خدای سبحان در باره آفرینش آنها می‌فرماید:

۱. {وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِۦ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ تَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝}

خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست.^{۱۷۹}

۲. {وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ ۗ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ۝}

هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود حرکت می‌کند، نیست مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.^{۱۸۰}

۳. {وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ ۝}

^{۱۷۹} . سورة نور، آیه ۴۵ .
^{۱۸۰} . سورة انعام، آیه ۳۸ .

تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنندگان وجود دارد، برای خدا سجده می‌کنند.^{۱۸۱}

شرح کلمه

دائبه: جنبد، هر جنبنده‌ای از صنف حیوانات که به آرامی بر روی زمین می‌رود، او را دائبه گویند، و مراد از دائبه در آیات مذکور تمام جانوران روی زمین است.

تفسیر آیات

خداوند هر جنبنده جاندار را از آب آفریده، هیچ زنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای در هوا نیست مگر آن که امتهای و طوائفی همچون آدمیانند، مورچه خود امتهای است با نظام زندگی، همان گونه که انسان نظام و برنامه زیستن دارد، همچنین است ماهی در آب، و خزندگان بر زمین، و حشرات درون آن و دیگر جانوران، همه امتهایی مانند انسانند که هر یک نظام زندگی ویژه خود را دارند. ما به یاری خدا در بحث «هدایت ربّ العالمین» چگونگی این هدایت را که برای هر یک از امتهای جنینده، نظام زیستی مشخصی را تعیین فرموده، بیان می‌داریم.

۴-۳- جن و شیاطین

الف. جنّ و جان

جنّ: مستور و پوشیده، جَنَّ الشَّيْءَ یا جَنَّ عَلَى شَيْءٍ، یعنی آن را پوشانید. چنان که خدای سبحان فرموده:

{فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ}

هنگامی که تاریکی شب او را پوشانید.^{۱۸۲}

پس جنّ و جان مخلوقاتی پوشیده و نادیدنی به شرح زیرند:

الف. خداوند در باره ساختمان وجودی جن می‌فرماید:

۱. {وَحَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ}

و جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد!^{۱۸۳}

۲. {وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ}

و جن را پیش از انسان، از آتش گرم و سوزان آفریدیم.^{۱۸۴}

^{۱۸۱} .سوره نحل، آیه ۴۹.

^{۱۸۲} .سوره انعام، آیه ۷۶.

^{۱۸۳} .سوره الرحمن، آیه ۱۵.

^{۱۸۴} .سوره حجر، آیه ۲۷.

ب. در باره این که آنان امت‌هایی همچون آدمیانند، می‌فرماید:

{فِي أُمَّرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ}.

آنان [=اجنه] به سرنوشت امت‌های گمراهی از جن و انس که پیش از آنان بودند گرفتار شدند.^{۱۸۵}

ج. در باره این که سلیمان پیامبر آنان را به خدمت گرفته است، می‌فرماید:

{وَمِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۗ وَمَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ

السَّعِيرِ ﴿۱۲﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَحِفَانٍ كَأَجْوَابٍ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ}.

و گروهی از جن پیش روی سلیمان به اذن پروردگارش کار می‌کردند؛ و هر کدام از آنان که از فرمان ما سرپیچی کند، او را عذاب آتش سوزان می‌چشانیم، آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معده‌ها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا مانند: حوضها، و دیگ‌های ثابت حمل ناشدنی!^{۱۸۶}

د. در باره این که در سپاه سلیمان افرادی از جن بودند که می‌توانستند فاصله میان فلسطین و یمن را، قبل از این که سلیمان از جای خود برخیزد، رفته و باز گردند! خداوند گفتار یکی از آنان به سلیمان را بدین گونه بیان فرموده است:

{قَالَ عِفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنَّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ ۗ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَّقَامِكَ ۖ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ}.

عفریتی از جن گفت: «من آن تخت را نزد تو می‌آورم، پیش از آن که از مجلست برخیزی، و من نسبت به این امر، توانا و امینم!».^{۱۸۷}

هـ. در باره این که اجنه از غیب بی‌اطلاع و ناآگاهند فرموده:

{فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَهَمُهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ ۖ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ ۚ فَلَمَّا خَرَّ

تَبَيَّنَتْ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ}.

هنگامی که مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، کسی آنان را بر مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [= موریانه] که عصای او را می‌خورد [تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد]؛ پس هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی‌ماندند!^{۱۸۸}

۱۸۵ . سورة فصلت، آیه ۲۵ .

۱۸۶ . سورة سبا، آیات ۱۲ - ۱۳ .

۱۸۷ . سورة نمل، آیه ۳۹ .

۱۸۸ . سورة سبا، آیه ۱۴ .

و. در باره عقاید و گفتار و کردارشان قبل از بعثت خاتم انبیاء از زبان خودشان فرموده:

۱. {وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا}.

و این که سفیه ما [= ابلیس] در باره خداوند سخنان ناروا می گفت!^{۱۸۹}

۲. {وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا}.

و این که آنان گمان کردند_ همان گونه که شما گمان می کردید_ خداوند هرگز کسی را به پیامبری مبعوث نمی کند.^{۱۹۰}

۳. {وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا}.

و این که مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و آنان سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند!^{۱۹۱}

ز. در باره استراق سمع آنان بعد از بعثت خاتم انبیاء، از قول خودشان، می فرماید:

۱. {وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلَعًا مِّنْ حَرِّهَا شَدِيدًا وَشُهَبًا}.

ما آسمان را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان قوی و تیرهای شهاب یافتیم!^{۱۹۲}

۲. {وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِّلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَحْدِ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا}.

و ما پیش از این به استراق سمع در آسمانها می نشستیم؛ اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد!^{۱۹۳}

ح. در باره اسلام آوردن جنیان می فرماید: آنان گفتند:

۱. {وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا}.

و در میان ما افرادی صالح و افرادی غیر صالحند؛ و ما گروه‌های متفاوتی هستیم!

۲. {وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا}.

گروهی از ما مسلمانند و گروهی ظالم؛ هر کس اسلام را اختیار کند راه راست را برگزیده است.^{۱۹۴}

ب. شیطان

شیطان نامی است برای هر متکبر سرکش از آدمی و جن و حیوان.

۱۸۹ . سوره جن ، آیه ۴ .
۱۹۰ . سوره جن ، آیه ۷ .
۱۹۱ . سوره جن ، آیه ۶ .
۱۹۲ . سوره جن ، آیه ۸ .
۱۹۳ . سوره جن ، آیه ۹ .
۱۹۴ . سوره جن ، آیه ۱۴ .

خداوند سبحان فرموده:

۱. {وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنْ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ فَشَاهِبُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾}.

ما در آسمان برج‌هایی قرار دادیم؛ و آن را برای بینندگان آراستیم، و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم؛ مگر آن کس که استراق سمع کند و دزدانه گوش فرا دهد که شهاب مبین او را تعقیب می‌کند و می‌راند! ۱۹۵

۲. {إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا ۖ وَهُمْ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ فَشَاهِبُ ثَاقِبٍ ﴿١٠﴾}.

ما آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم، تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم! آنان نمی‌توانند به سخنان عالم بالا گوش فرا دهند، و از هر سو هدف قرار می‌گیرند! آنان به شدت به عقب رانده می‌شوند؛ و برای آنان مجازاتی داریم است! مگر آنان که در لحظه‌ای کوتاه برای استراق سمع به آسمان نزدیک شوند، که شهاب ثاقب آنان را تعقیب می‌کند. ۱۹۶

۳. {وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ}.

ما آسمان دنیا را با چراغ‌های روشن زینت بخشیدیم، و آنها را تیرهای دور کننده شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب فروزان فراهم ساختیم. ۱۹۷

۴. {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا ۚ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْعَادُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ}.

این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آنان به طور سری سخنان فریبنده و بی‌اساس به یکدیگر می‌گویند تا مردم را فریب دهند؛ و اگر پروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند؛

۱۹۵ . سورة حجر، آيات ۱۶ - ۱۸ .
۱۹۶ . سورة صافات، آيات ۶ - ۱۰ .
۱۹۷ . سورة ملك، آية ۵ .

بنابر این آنان را با تهمت‌هاشان به حال خود واگذار! نتیجه این می‌شود که دل‌های منکران قیامت، به آنان متمایل گردد؛ و به آن راضی شوند؛ و هر گناهی که بخواهند، انجام دهند!^{۱۹۸}

۵. { إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ }.

ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند!^{۱۹۹}

۶. { إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا }.

تبذیر کنندگان، برادران شیاطینند، و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود!^{۲۰۰}

۷. { وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۱۱۸﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ

وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۱۹﴾ }.

از گام‌های شیطان پیروی نکنید! چه این که او، دشمن آشکار شما است! او شما را فقط به بدیها و کار زشت فرمان می‌دهد؛ و به این که، آنچه را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید.^{۲۰۱}

۸. { الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ ۗ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ }.

شیطان شما را وعده فقر و تهیدستی می‌دهد؛ و به فحشاء و زشتی‌ها و می‌دارد؛ ولی خداوند به شما وعده آمرزش و فزونی می‌دهد؛ آری خداوند فزونی بخش آگاه است.^{۲۰۲}

۹. { وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿۱۱۹﴾ يَعِدُهُمْ

وَيُمْنِيهِمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۲۰﴾ }.

هر کس شیطان را به جای خدا ولیّ خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. او به آنان وعده می‌دهد؛ و به آرزوها سرگرمشان می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیزنگ، به آنان وعده نمی‌دهد!^{۲۰۳}

۱۰. { إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ

عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ ۗ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ }.

۱۹۸ . سورة انعام ، آيات ۱۱۲ - ۱۱۳ .

۱۹۹ . سورة اعراف ، آية ۲۷ .

۲۰۰ . سورة اسراء ، آية ۲۷ .

۲۰۱ . سورة بقره ، آيات ۱۶۸ - ۱۶۹ .

۲۰۲ . سورة بقره ، آية ۲۶۸ .

۲۰۳ . سورة نساء ، آيات ۱۱۹ - ۱۲۰ .

شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. آیا خود داری خواهید کرد؟!^{۲۰۴}

۱۱. {يَبْنِيْ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ الشَّيْطٰنُ كَمَا اَخْرَجَ اَبْوٰيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا ۗ اِنَّهٗ يَرٰكُمْ هُوَ وَقَبِيْلُهٗ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ }.

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبند، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباس آنان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنان نشان دهد! چه این که او و هم‌کارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنان را نمی‌بینند!^{۲۰۵}

ج. ابلیس

الف. ابلیس در لغت به معنای کسی است که از روی حزن و اندوه و حیرت و نومیدی وادار به سکوت شده، و دستش از دلیل و برهان کوتاه است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

{وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ }.

آن روز که قیامت بر پا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه، فرو می‌روند!^{۲۰۶}

ب. ابلیس در قرآن کریم، اسمی است عَلَم برای شیطانی که استکبار ورزید و از سجده برای آدم سرپیچی کرد، لفظ شیطان در قرآن کریم هر جا مفرد و با الف و لام آمده مقصود همین ابلیس است. داستان ابلیس با همین نام در قرآن کریم در آیات زیر آمده است:

۱. {وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلٰیْسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ ۗ فَتَتَّخِذُوْنَهُ وَاُوْلٰٓئِهٖٓ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِيْ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّۢ بِئْسَ لِلظَّٰلِمِيْنَ بَدَلًا }.

ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش بیرون شد! آیا او و فرزندان او را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنان دشمن شما هستند؟! چه جای‌گزینی بدی است برای ستم‌کاران!^{۲۰۷}

۲. {وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ اِبْلٰیْسُ ظَنُّهٗ فَاتَّبَعُوْهُ اِلَّا فَرِیْقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۲۰۸﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ... }.

۲۰۴ . سورة مائده، آیه ۹۱.
۲۰۵ . سورة اعراف، آیه ۲۷.
۲۰۶ . سورة روم، آیه ۱۲.
۲۰۷ . سورة كهف، آیه ۵۰.

به راستی که ابلیس گمان خودش را در باره آنان محقق ساخت. همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان! او هیچ گونه سلطه‌ای برایشان نداشت ... ۲۰۸

داستان او با نام شیطان در آیات دیگر چنین است:

۱. {فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا... ﴿٢٠﴾... ﴿٢١﴾ وَنَادَاهُمَا رَبُّمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنِ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾}. پس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد ... و پروردگارش آنان را ندا داد که: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟! ۲۰۹

۲. {أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَیْ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٣٠﴾}.

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را پیروی نکنید که او برای شما دشمن آشکاری است؟! ۲۱۰

۳. {إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٣٦﴾}.

به یقین شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان باشند! ۲۱۱

شرح کلمات

۱. مارج: مَرَج به معنای خلط و مارج شعله مختلط با سیاهی آتش است.
۲. سَمُوم: باد بسیار گرم نیم‌روزی را سموم گویند، از آن رو که همانند سم در منافذ و سوراخ‌های بدن اثر می‌کند.
۳. يَزِغ: منحرف شود، {وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا}، یعنی: هر یک از آنان که از مسیر خدایی منحرف شود.
۴. محاریب: جمع محراب، به معنای صدر مجلس یا بهترین جای آن می‌باشد، همان جای گاهی که پادشاه را از دیگران ممتاز می‌کند. غرفه‌ای که پیش آروی عبادگاه است، یا مساجدی که در آنها عبادت می‌شود.
۵. جِفَان: جمع جَفَنه، ظروف ویژه غذا خوردن.
۶. جَوَاب: ظروف بسیار بزرگ غذا که از جهت وسعت و بزرگی همانند حوض آب باشد.
۷. راسیات: جمع راسیه، چیز ثابت و پابر جا را گویند.
۸. عَفْرِيت: قوی‌ترین و خبیث‌ترین جنیان.
۹. رَصَد: در کمین نشستن، مراقبت کردن، راصد و رَصَد یعنی: پاسدار و نگهبان، و "رَصَدًا" در آیه به معنای نگهبان در کمین است.

۲۰۸ . سورة سبا، آیات ۲۰ - ۲۱ .
 ۲۰۹ . سورة اعراف، آیات ۲۰ و ۲۲ .
 ۲۱۰ . سورة يس، آیه ۶۰ .
 ۲۱۱ . سورة فاطر، آیه ۶ .

۱۰. طرائق: جمع طریقه یعنی: روش و حالت, خوب باشد یابد.
- قَدَدًا: جمع قَدَّة به معنای جماعت و گروهی است که دیدگاه‌های متفاوت دارند, و طرائق قَدَدًا, یعنی: جمعیت‌هایی که خواسته‌ها و سلیقه‌هایشان گوناگون است.
۱۱. قاسِطون: جمع قاسِط به معنای ظالم است, و قاسطان جن یعنی ستم‌گرانی که اسلام را نپذیرفته‌اند.
۱۲. رَشَدًا: درستی و سداد و دوری از گمراهی و ضلالت.
۱۳. سفیه: جاهل در دین یا سبک سر و بی‌عقل.
۱۴. شطط: افراط و زیاده روی در دوری از حق, ﴿و قلنا علی الله شططا﴾, یعنی: در گفتن سخنان دور از حق و نسبت‌های ظالمانه به خدا, زیاده روی می‌کردیم.
۱۵. یَعُوذون: پناه می‌برند, یعوذ به یعنی: به او پناه می‌برد و خود را به او می‌چسباند.
۱۶. رَهَقًا: طغیاناً و سفهاً, "زاد و هم رهقا", یعنی: بر طغیان و سفاهت و ذلت ایشان افزود.
۱۷. دَابَّةُ الْأَرْضِ: جنبنده زمین, دابّه نامی است برای همه حیوانات, نر یا ماده, عاقل یا غیر عاقل, لکن بیشتر در باره غیر عاقل به کار برده شده است. مراد از "دَابَّةُ الْأَرْضِ" در این جا, موریانه است که چوب را می‌خورد.
۱۸. مَنَسَّاتِه: عصای او, عرب به چوبی که با آن چهار پایان را می‌راند مَنَسَّاهُ گوید.
۱۹. غَیْب: غیر محسوس, چیزی که در حواس نگنجد و از دسترس حس دور یا مستور باشد, مانند: خدای خالق و پروردگار پرورشگر که انسان با عقل خود و از راه تدبّر و دقت در اسباب و مسببات, به وجود او پی می‌برد و او را می‌شناسد, نه از راه حواس که: دیده‌ها او را در نیابند. ذات بی‌مثالش از دسترس دور و حواس از درک او عاجزند. و نیز, آنچه پوشیده و مستور است مانند: حوادثی که در آینده به وجود می‌آید, یا هم اکنون هست ولی از ما دور است و از حواس ما مستور, یا هر چه به وسیله اخبار پیامبران به ما می‌رسد, از هر دو نوع: غیب دست نیافتنی و دور از طور حواس, و غیب مستور از حیث زمان و مکان یا خبرهایی که از مردم در مکان‌های دور به ما می‌رسد, همه از ما غایب‌اند و مستور.
۲۰. رُجُوم: جمع رَجَم و رُجْم, یعنی: وسیله راندن و طرد کردن.
۲۱. رُحْرَفٌ: زینت, زخرف القول: آراستن سخن با دروغ.
۲۲. یوحی: یُوسِوس, ایحاء در این جا یعنی: وسوسه کردن.
۲۳. غُرُور: فریب و به طمع انداختن از راه باطل.
۲۴. یقترف و مقترفون: یقترف الحسنه او السیئه, یعنی کسب می‌کند نیکی یا بدی را, و مقترف, یعنی کسب کننده و عمل کننده.
۲۵. مَبْدَرین: ضایع کنندگان, یعنی کسانی که اموال را از راه اسراف حیف و میل می‌کنند, و آن را در غیر مورد مصرف به کار می‌برند اینها مَبْدَرینند.

۲۶. خطوات الشیطان: گام‌های شیطان، خطوه یعنی یک گام، {وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ}، یعنی: دنباله‌رو آثار شیطان نباشید. به وسوسه‌های او توجه نکنید.

۲۷. فحشاء: گفتار و کردار زشت و قبیح، و در اصطلاح اسلامی گاهی به معنای گناهان زشت به کار برده می‌شود.

۲۸. میسر: قمار، قمار عرب در جاهلیت به وسیله ازلام و قداح بوده است.

ازلام: جمع زَلَمَ: قطعه چوبی تیر مانند که بر یکی از آنها می‌نوشتند: پروردگارم مرا امر کرده، و بر دیگری: پروردگارم مرا نهی کرده، و سومی را بدون نوشته در ظرفی می‌نهادند، و هر یک از امر و نهی که بیرون می‌آمد به همان عمل می‌کردند، و اگر نانوشته بیرون می‌آمد دو باره تیرها را در ظرف نهاده و تکرار می‌کردند.

ازلام قریش را در جاهلیت در کعبه می‌گذاشتند تا خادمان و کلید داران خانه به کار قرعه کشی بپردازند.

قداح: جمع قِدَح: قطعه چوبی به طول ده تا پانزده سانتیمتر، با عرض کم و صاف که روی یکی، «آری» و روی دیگری «نه» و سومی بدون نوشته بوده و به وسیله آنها قمار و قرعه انجام می‌گرفت.

۲۹. سؤاتهما: عوراتهما، یعنی: شرمگاه‌های آن دو.

۳۰. قبیل: صنف و گروه همانند، جماعت، پیروان، که در آیه: {إِنَّهُمْ يَرَانَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ} مقصود همانندان و پیروان شیطان است.

۳۱. فسق: فسق در لغت به معنای بیرون شدن و از حد گذشتن است. و در اصطلاح اسلامی به معنای دوری فاحش از طاعت خدا و حدود شرع است، یعنی: فرو رفتن در منجلاب گفتار و کردار زشت و قبیح، فسق اعم از کفر و نفاق و گمراهی است، چنان که خدای سبحان فرموده:

۱. {وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ}.

هیچ کس جز فاسقان به آیات ما کفر نمی‌ورزد.^{۲۱۲}

۲. {إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ}.

به یقین منافقان همان فاسقانند!^{۲۱۳}

۳. {فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ}.

برخی از آنان هدایت یافته‌اند، و بسیاری از ایشان گمراهند.^{۲۱۴}

فسق با ایمان مقابل می‌کند، چنان که فرموده:

{مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ}.

۲۱۲ . سوره بقره، آیه ۹۹.

۲۱۳ . سوره توبه، آیه ۶۷.

۲۱۴ . سوره حدید، آیه ۲۶.

برخی از آنها مؤمنند، و بیشتر ایشان فاسقند.^{۲۱۵}

د. جن در تفسیر روایی

سیوطی در تفسیر سوره جن آورده است:

جنیان در فاصله میان حضرت عیسی[×] و حضرت محمد[|] آزاد بودند و به آسمانها می رفتند، هنگامی که خداوند محمد[|] را مبعوث کرد، ورودشان به آسمان دنیا ممنوع شد و آنان را با شهابهای روشی تعقیب و دور می کردند، جنیان نزد ابلیس گرد آمدند و او به آنان گفت: در زمین حادثه‌ای پدید آمده، بگردید و شناسایی کنید و ما را از این رویداد باخبر سازید، این حادثه چیست؟ سپس گروهی از اشراف و بزرگان جن را به اطراف یمن و تهامه فرستاد، آنان پیامبر اکرم[|] را در حال انجام نماز صبح مشاهده کردند که در کنار نخل خرمایی قرآن می خواند، هنگامی که نزدیک شدند به یکدیگر گفتند: خاموش باشید، و چون از نماز فارغ شد، آنان به سوی قوم خود باز گشتند و در حالی که ایمان آورده بودند به انداز آنان پرداختند، پیامبر هم متوجه آنان نشده بود تا وقتی که این آیه نازل شد:

{قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ}

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده‌اند.^{۲۱۶}
گفته شده این گروه، هفت نفر از اهل نصیبین بوده‌اند.^{۲۱۷}

* * *

آنچه گذشت برخی از شرح حال جن و شیاطین و ابلیس در قرآن کریم بود، آنچه در روایات آمده به شرح زیر است:

۱. امام باقر[×] در باره سلیمان[×] فرموده: سلیمان بن داوود روزی به یاران خود فرمود: خدای تبارک و تعالی مرا سلطنتی بخشیده که برای احدی پس از من سزاوار نیست، باد را در اختیارم قرار داده، و انسان و جن و پرندگان و وحوش را سر به فرمان و مطیع من کرده است، سخن گفتن با پرندگان آموخته، و از هر چیزی به من عطا فرموده است، ولی با این همه نعمت و سلطنتی که به من داده شده، یک روز را در شادی به شب نرسانده‌ام، حال دوست دارم فردا وارد قصر خود شوم، و بر بلندای آن رفته، و سرزمینهای تحت فرمانم را نظاره کنم، پس، هیچ کس را اجازه ورود به نزد من ندهید، تا آسوده خاطر باشم، و چیز ناخواسته‌ای که این روز را کدر کند نشنوم، آنان گفتند: آری، چنین می کنیم.

فردای آن روز عصای خود را به دست گرفت و به بالاتری موضع قصر خویش رفت، و بر عصای خود تکیه کرد و در حالی که شاد و خرسند به تماشای سرزمینهایش پرداخته و از آنچه به او عطا شده بود فرحناک می نمود، بناگاه چشمش به جوان زیباروی شیک‌پوشی افتاد که از برخی زوایای قصر به سوی او می آمد. سلیمان از او پرسید: چه کسی تو را وارد این قصر کرده در حالی که من بنا داشتم امروز در آن تنها باشم؟ بگو بدانم با اجازه چه کسی وارد شدی؟ آن جوان گفت:

^{۲۱۵} .سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

^{۲۱۶} .سوره جن، آیه ۱.

^{۲۱۷} .تفسیر در المنثور، ج ۶، ص ۲۷۰.

پروردگار این قصر، مرا به این جا آورد، و من با اجازه او وارد شدم؟ سلیمان گفت: آری، پروردگار قصر از من به آن سزاوارتر است، تو که هستی؟ گفت: من فرشته مرگم، سلیمان x گفت: برای چه کار آمده‌ای؟ گفت: آمده‌ام تا روح تو را بگیرم! گفت: به هر چه مأموری همان کن که امروز روز شادی من است، و خدای عزّ و جلّ نمی‌خواهد برای من سروری جز ملاقت او باشد! پس ملک الموت در همان حال که سلیمان به عصا تکیه کرده بود او را قبض روح کرد.

سلیمان در همان حالتی که بر عصا تکیه داشت، مدت‌های مدید بر جای بود و مردمان او را می‌دیدند، و زنده می‌پنداشتند، سپس به اختلاف و فتنه در افتادند. برخی از آنان گفتند: سلیمان تمام این مدت را بدون آن که بخوابد یا خسته شود یا بخورد و بیاشامد بر عصای خود تکیه کرده! پس این همان پروردگار ماست که باید او را عبادت کنیم! گروه دیگری گفتند: سلیمان سحر کرده، او با سحر کردن چشمان، چنین می‌نماید که ایستاده است و بر عصای خود تکیه زده، در حالی که چنین نیست! و مؤمنان گفتند: سلیمان بنده و نبیّ خداست، خداوند هر گونه بخواهد کار او را سامان می‌دهد. پس از این اختلاف، خداوند موریانه را فرستاد تا در عصای سلیمان رفت، و درون آن را خورد، عصا شکست و سلیمان از قصر خود به رو افتاد، این فرموده خدای عزّ و جلّ است که:

{فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ}

هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی‌ماندند!^{۲۱۸}

۲. امام صادق x در پاسخ به این سؤال که: برای چه خدای عزّ و جلّ آدم x را بدون پدر و مادر آفرید، و عیسی x را بدون پدر خلق کرد، و بقیه مردمان را از پدر و مادر پدید آورد؟ فرمود:

برای آن که مردم تمامیت و کمال قدرت خدا را بدانند، و بفهمند که او همان گونه که قادر است موجودی را از ماده بدون نر بیافریند، هم چنان می‌تواند این موجود را بدون وجود نر یا ماده خلق نماید. خدای عزّ و جلّ این چنین کرد تا دانسته شود که او بر هر چیزی تواناست.^{۲۱۹}

در قصص الانبیاء آمده است که فرمود:

خداوند ابلیس را فرمان داد تا برای آدم سجده کند، ابلیس گفت: پروردگارا به عزّت سوگند! اگر مرا از سجده آدم معاف داری، آن چنان تو را عبادت کنم که هرگز احدی مانند آن عبادت نکرده باشد، خدای جلیل فرمود: من دوست دارم آن گونه که خواسته‌ام اطاعت شوم...!^{۲۲۰}

^{۲۱۸} . سورة سباء، آية ۱۴ و بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۳۶ - ۱۳۷ به نقل از علل الشرایع و عیون اخبار الرضا.

^{۲۱۹} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۰۸.

^{۲۲۰} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۴.

از آن حضرت در باره ابلیس پرسیدند: آیا ابلیس از فرشتگان بوده یا از جنیان؟ فرمود فرشتگان او را از خود می دانستند، و تنها خداوند می دانست که ابلیس از آنان نیست. پس، هنگامی که مأمور به سجده شد ماهیت خود را آشکار کرد.

از آن حضرت در باره بهشت آدم^x پرسیدند، فرمود: آن جا باغی از باغهای دنیا بوده که ماه و خورشید بر آن می تابیده اند، چه اگر آن باغ از باغهای جاودانی بود، هرگز از آن جا بیرون نمی شد.^{۲۲۱}

و در باره سخن خدای تعالی: {فَبَدَّتْ هُمَا سَوْءَ تَهُمَا}. یعنی: «زشتی هایشان بر آنها نمایان شد»^{۲۲۲} فرموده:

شرمگاههای آن دو چنان بود که دیده نمی شد، و پس از آن آشکار و نمایان گردید.^{۲۲۳}

زندیقی از امام صادق^x پرسید:

کھانت [= اختر شناسی، غیب گویی] چگونه و از چه راه پدید آمده؟ و از کجا مردمان را از حوادث خبر می دادند؟ امام^x فرمود: کھانت در دوره جاهلی و در فاصله میان بعثت پیامبران بود، کاهن به منزله قاضی و داور بود و مردم در مسائلی که بر آنان مشتبه می شد به او مراجعه می کردند، و او از حوادث و رویدادها به آنان خبر می داد، این خبر دادن از راههای مختلف مانند، تیزیابی، ذکاوت، وسوسه نفس و زیرکی روح همراه با القای مطلب در قلب کاهن توسط شیطان بود، زیرا، شیطان این مطالب را می دانست و آن را به کاهن می رسانید، و او را از حوادث و رویدادهای اطراف با خبر می کرد.

اما خبرهای آسمان: شیاطین در هنگامی که با شهابها از آسمان رانده نمی شدند و حجاب و مانعی از شنیدن اخبار آسمانی نداشتند، در جایگاههای استراق سمع می نشستند و این اخبار را گوش می دادند، علت جلوگیری از استراق سمع آنان هم این بود که در زمین، چیزی همانند وحی که از آسمان خبر می دهد، به وجود نیاید تا مردم را به شبهه اندازد و حقیقت وحی خداوندی را بر آنان پپوشانند، وحیی که خداوند برای اثبات حجّت و بر طرف کردن شبهات می فرستد نباید همانندی داشته باشد.

شیطانی از راه استراق سمع، کلمه واحدی از اخبار آسمانی در باره حوادث زمین را می شنید و می ربود و آن را به زمین آورده و به کاهن القاء می کرد، کاهن نیز کلماتی از پیش خود بر آن می افزود و حق و باطل را در هم می آمیخت، پس، هر چه از اخبار کاهن درست می آمد همانی بود که شیطان او شنیده و به وی رسانده بود، و هر چه نادرست می شد از باطل خودش بود که بر آن می افزود، و هنگامی که شیاطین از استراق سمع ممنوع گردیدند، کھانت نیز از میان رفت.

۲۲۱ . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۲۲۲ . سورة طه، آیه ۱۲۱.

۲۲۳ . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۵.

امروزه شیاطین تنها اخبار مردمان را به کاهن‌های خود می‌رسانند، چیزهایی که مردم در میان خود از آن سخن می‌گویند، و کارهایی که می‌خواهند انجام دهند، شیاطین حوادث و رویدادهای دور و مخفی مانند: سرقت و قتل و گم شدن افراد را به دیگر شیاطین می‌رسانند، آنان در این کار نیز، همانند مردم، راستگو و دروغگو هستند.

زندقی گفت: شیاطین چگونه به آسمان می‌رفتند، در حالی که آنان در آفرینش، همانند سایر مردمان جسم پُر و غلیظ دارند، و برای سلیمان بن داوود بناهایی می‌ساختند که از عهده بنی آدم خارج بود؟ امام^x فرمود: آنان همان گونه که مُسَخَّر سلیمان گردیدند برای او غلیظ و پُر وزن شدند، وگرنه آنان مخلوقاتی نرم و رقیق‌اند که غذای آنان بوییدن است، دلیل آن هم بالا رفتن آنان به آسمان برای استراق سمع است، جسم پُر و غلیظ قدرت بالا رفتن ندارد مگر با نردبان یا وسیله دیگر.^{۲۲۴}

و در پاسخ به سؤالی در باره ابلیس که پرسیدند: آیا ابلیس از فرشتگان است؟ و آیا در چیزی از کار آسمانها دخالت دارد؟ فرمود:

ابلیس نه از فرشتگان بود و نه در چیزی از امور آسمانها دخالت داشت، او همراه فرشتگان بود، و ملائکه او را از خودشان می‌پنداشتند، و تنها خدا بود که می‌دانست او از آنان نیست، هنگامی که مأمور شد به آدم^x سجده کند همان چیزی از او سر زد که بود!^{۲۲۵}

فشرده بحث در باره جن و شیطان و ابلیس

۱. جن: موجودی پوشیده که دیده نمی‌شود، خداوند در قرآن کریم خبر داده که جنیان را از شعله آتش آمیخته با سیاهی آفریده است.

۲. شیطان: شیطان نامی است برای هر مستکبر سرکش از آدمی و جن و حیوان. مراد از شیطان در این مبحث شیاطین جن است.

۳. ابلیس: محزون، حیرت زده، ساکت و نومید از دلیل و برهان. ابلیس مورد بحث ما همان مخلوق جَنّی است که از سجده برای آدم سر پیچی کرد.

خداوند از سر گذشت جنیان و سر به فرمان کردن آنان برای سلیمان، و از این که برای او تماثیل و محراب و ظروف بزرگ می‌ساخته‌اند، و این که در میان آنان کسی بوده که قدرت آوردن تخت بلقیس از یمن به شام_قبل از برخاستن از جای خود_ را داشته، خبر داده است، همچنین، از اشراف سلیمان بر آنان در حالتی که بر عصای خویش تکیه داده بود و

^{۲۲۴} . خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۵۲.
^{۲۲۵} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

خداوند قبض روحش کرد، و این که با همان حالت مدتها پس از مردن بر جای خود باقی ماند، و جنیان سرگرم کار خود بودند و این را نمی‌دانستند، تا آن که موربانه داخل عصایش را خورد و سلیمان فرو افتاد، و به این خاطر دانسته شد که اگر جنیان از غیب آگاهی داشتند، این همه مدت را در حال سختی و رنج کارشان درنگ نمی‌کردند، خداوند همه اینها را در قرآن کریم برای ما بیان داشته است.

خدای سبحان فرمود: شیاطین از اجنه هستند، آنان در جایگاه‌های استراق سمع می‌نشستند تا مکالمات فرشتگان را دزدانه گوش کنند، پس از بعثت خاتم انبیاء| خداوند آنان را از چنین کاری باز داشت و فرشتگان را فرمود تا با شهاب آتشین آنان را رانده و بسوزانند. خداوند، همچنین داستان ابلیس و چگونگی وسوسه آدم و حوا، تا بیرون کردنشان از بهشت را، در قرآن کریم بیان فرموده است. مشروح آن در بحث آینده می‌آید.

۵-۳-انسان

خداوند داستان آفرینش انسان و شروع آن را در قرآن کریم بیان داشته و فرمود:

۱. {فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهْمَ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنِ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَّازِبٍ ﴿۱۱﴾}.

ما انسانها را از گل چسبنده‌ای آفریدیم.^{۲۲۶}

۲. {وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿۱۱﴾}.

ما انسان را از گل خشکیده‌ای که از گل بد بوی تیره رنگی گرفته شده بود آفریدیم.^{۲۲۷}

۳. {خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ﴿۱۴﴾}.

انسان را از گل خشکیده همچون سفال آفرید.^{۲۲۸}

۴. {الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۖ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ﴿۷۷﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُُلَالَةٍ مِنْ مَّاءٍ

مَّهِينٍ ﴿۸﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ ۖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا

تَشْكُرُونَ ﴿۹۰﴾}.

۲۲۶ . سوره صافات، آیه ۱۱.

۲۲۷ . سوره حجر، آیه ۲۶.

۲۲۸ . سوره رحمن، آیه ۱۴.

خداوندی که هر چه را آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. سپس او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت‌های او را به جا می‌آورید! ۲۲۹

۵. {يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ۗ وَمِنْكُمْ مَّن يُّتَوَفَّىٰ ۗ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْبِتَتْ مِّن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾}

ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، [توجه کنید که:] ما شما را از خاک آفریدیم. سپس از نطفه، و بعد، از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و برخی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم [که بر هر چیز قادریم!] و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم مادران قرار می‌دهیم؛ بعد شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس برای آن که به حد رشد و بلوغ برسید. در این میان برخی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی می‌رسند؛ آن چنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! ۲۳۰

۶. {وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿٦﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أُنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيْتُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٠﴾}

ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای در قرار گاه مطمئن قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه، و علقه را به صورت مضغه، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛

سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! سپس شما بعد از آن می‌میرید؛ سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید. ۲۳۱

۷. {هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلِعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧﴾}.

او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس شما را به صورت طفلی بیرون می‌فرستد، بعد به مرحله کمال قوت خود می‌رسید، و بعد از آن پیر می‌شوید، و گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می‌رسید؛ و شاید اندیشه کنید! ۲۳۲

۸. {فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٨﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٩﴾ تَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾}.

انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! از یک آب جهنده خلق شده است، آبی که از میان پشت و سینه‌ها خارج می‌شود. ۲۳۳

۹. {خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا}.

او شما را از یک نفس آفرید، و همسرش را از آن خلق کرد. ۲۳۴

۱۰. {وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ}.

او کسی است که شما را از یک نفس آفرید، برخی از شما پایدار و بعضی ناپایدارید. ۲۳۵

۱۱. {وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنسَىٰ وَلَمْ يُخَذْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١﴾ فَقُلْنَا يَتَّعِدُمْ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ

فَتَشْتَقِي ﴿١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ ﴿١٩﴾ فَوَسْوَسَ

إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَتَّعِدُمْ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَىٰ ﴿٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا

سَوَاءٌ تَهُمَا وَطَفِقَا مَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَجْتَبَهُ رَبُّهُ فَتَابَ

عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿٢٢﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ

۲۳۱ . سورة مؤمنون، آيات ۱۲ - ۱۶ .

۲۳۲ . سورة مؤمن، آي ۶۷ .

۲۳۳ . سورة طارق، آيات ۵ - ۷ .

۲۳۴ . سورة زمر، آي ۶ .

۲۳۵ . سورة انعام، آي ۹۸ .

هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾ .

ما پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم! اما او فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم! و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد! پس گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و دشمن همسر توست! مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد! تو در بهشت هیچ گاه گرسنه و برهنه نخواهی شد؛ و هرگز تشنه و گرما زده نمی‌شوی! ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟! پس هر دو از آن خوردند و شرم‌گاهشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگ‌های بهشتی جامه دوختند! آری، آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد! سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و هدایتش نمود. و فرمود: هر دو از آن فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هر گاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود! و هر کس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم! ^{۳۳۶}

۱۲. {وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿١٢٣﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ^ط قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿١٢٤﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٢٥﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٢٦﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٢٧﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٢٨﴾ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ^ط وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٢٩﴾ قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ^ط لِمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٠﴾ وَيَتَّعَدُّمْ أَسْكَنَ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٣١﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿١٣٢﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿١٣٣﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ^ج فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ ^ط وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا

أَلَمْ أَنهَكُمَا عَن تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٣﴾ قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٤﴾ قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٦﴾ {

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنان همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود خداوند به او فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده نکنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل!» فرمود: «از آن مقام فرود آی! تو حق نداری در آن مقام تکبر کنی! بیرون شو که تو از افراد پست و بی‌مقداری!» گفت: «مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده!» فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!».

گفت: «اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو در برابر آنان کمین می‌کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنان، به سراغشان می‌روم؛ و بیشتر آنان را شکر گزار نخواهی یافت!» فرمود: «از آن مقام با ننگ و عار و خواری و ذلت، بیرون شو! به یقین هر کس از آنان تو را پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می‌کنم!» وای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید، اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستم‌کاران خواهید بود! سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد، و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر این که با خوردن آن فرشته می‌شوید، یا جاودانگی می‌یابید! و برای آنان سوگند خورد که من خیرخواه شما هستم».

بدین ترتیب، آنان را فریب داد، و هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرم‌گاهشان بر آنان آشکار شد؛ و شروع کردند به فرار دادن برگ‌های بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنان را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان براب شما دشمن آشکاری است؟!».

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیان‌کاران خواهیم بود!» فرمود: «از مقام خویش فرود آید، در حالی که برخی از شما نسبت به برخی دیگر، دشمن خواهید بود! و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود».

فرمود: «در آن زنده می‌شوید؛ و در آن می‌میرید؛ و از آن خارج خواهید شد».^{۲۳۷}

۱۳. {وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٢٦﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ بِذُرِّيَّتِهِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٧﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا ﴿٢٨﴾ وَأَسْتَفْزِرُّ مِنْ أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ

وَأَجَلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٥﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٦﴾}.

ابلیس گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟ سپس گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای [به چه دلیل بوده است؟] اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانم را، جز عده کمی، گمراه و ریشه کن خواهم ساخت!»!

فرمود: «برو! هر کس از آنان از تو تبعیت کند، جهنم کیفر شماسست، کیفری است فراوان!»
«هر کدام از آنان را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و سپاه سواره و پیاده‌ات را بر آنان گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! ولی شیطان، جز فریب و دروغ، و عده‌ای به آنان نمی‌دهد. تو هرگز سلطه‌ای بر بندگان من، نخواهی یافت! و همین بس که پروردگارت حافظ آنان باشد». ^{۲۳۸}

۱۴. {قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٦٦﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ}.

ابلیس گفت: «پروردگارا! حال که مرا گمراه ساختی، من نیز [نعمت‌های مادی] زمین را در نظر آنان زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را. فرمود: این راه مستقیمی است که بر عهده من است، تو بر بندگان من تسلط نخواهی یافت، مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند، و جهنم میعادگاه همه آنان است». ^{۲۳۹}

شرح کلمات

۱. لَازِبٌ: گل سفت شده به هم چسبیده.
۲. صَلْصَالٌ: گل خشک شده حرارت ندیده.
۳. حَمَأٌ: گل سیاه بد بو.
۴. مَسْنُونٌ: گل صاف شده شکل گرفته.
۵. مُنْخَلَقَةٌ: جنین صورت بندی شده تام و تمام.
۶. صُلْبٌ و تَرَائِبٌ: صلب مرد، ستون فقرات و مجرای نطفه اوست، و ترائب زن، (بنا به نظر لغت شناسان) استخوان‌های فوقانی سینه‌اش می‌باشد.

۷. وسوسه: فراخوانی در گوشی و بی صدا به کاری، حدیث نفس، یعنی آنچه در درون جان و ضمیر می‌گذرد، فریب انسان و برانگیختن او به سوی شرّ از طرف شیطان. تفسیر این کلمه در سخن خدای متعال آمده، آنجا که فرموده: **فَلَوْلَا إِذْ**

جَاءَهُمْ بِأَسْنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۴۰﴾ «شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داده!»^{۲۴۰} و فرموده: **زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ** «شیطان اعمال آنها را در نظرشان جلوه داده.»^{۲۴۱}

۸. سَوَاءٌ: چیزی که نشان دادن آن قبیح و پوشاندنش لازم است.

۹. عَزَمًا: عزم به معنای صبر و شکیبایی، جدّی بودن، و نیز به معنای تصمیم قاطع بر انجام کار می‌باشد.

۱۰. جَنَّةٌ: هر باغ پر درختی که با درختانش زمین را پوشاند. جنت به همین معنی در کلام خدای متعال نیز آمده، آنجا که فرموده:

الف. **{وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا** ﴿۲۴۱﴾ **أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ خَيْلٍ** {

گفتند: «ما به تو ایمان نمی‌آوریم تا اینکه چشمه جوشانی از این سرزمین برای ما خارج سازی. یا "باغی" از درختان نخل و انگور از آن تو باشد!»^{۲۴۲}

ب. **{لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَأَشْكُرُوا لَهُ رَبِّدَّةٌ طَبِيبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ** ﴿۲۴۲﴾ **فَاعْرَضُوا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكُلٍ خَمْطٍ وَاَثَلٍ وَشِیْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِیْلِ** ﴿۲۴۳﴾ {

«برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای [از قدرت الهی] بود: دو "باغ" [بزرگ و گسترده] از راست و چپ، [به آنها گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید ... اما آنان روی گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر ایشان فرستادیم، و دو "باغ" [بی ارزش] با میوه‌های تلخ و درختان شوره‌گز. و اندکی درخت سدر مبدل ساختیم.»^{۲۴۳}

۱۱. خَمْطٌ: رویدنی‌هایی که مَرّه تلخ یا ترش زننده دارند.

۱۲. اَثَلٌ: درخت بلند راست قامت خوش چوب پر شاخه، با گره‌های زیاد و برگ‌های دراز و نازک، میوه آن دانه سرخ رنگ ناخوردنی است.

۲۴۰ . سورة انعام ، آية ۴۳ .
۲۴۱ . سورة انفال ، آية ۴۸ ، سورة نحل ، آية ۲۴ ، سورة عنكبوت ، آية ۳۸ .
۲۴۲ . سورة اسراء ، آية ۹۰ - ۹۲ .
۲۴۳ . سورة سبا ، آية ۱۵ - ۱۶ .

توضیح: آنکه: بهشت آخرت، جنت و باغ نامیده شده، چون با باغ‌های روی زمین شباهت دارد - اگر چه، تفاوت از زمین تا آسمان است - و بهشت جاودان توصیف شده، زیرا وارد شونده در آن جاویدان است. بدین سبب نیز، خداوند بهشتیان را، خالدان و جاودانان توصیف کرده، و فرموده:

الف. {قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمَّ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ^ع كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٦﴾ هُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ}.

«بگو: آیا این [جهنم] بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟ ... هر چه بخواهند در آنجا برای آنان فراهم است، جاودانه در آن خواهند زیست.^{۲۴۴} ب. {؟؟؟}»

«آنان که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، آنان اهل بهشت‌اند، و در آن جاودان خواهند بود. پس، جنت در قرآن کریم، به هر دو معنای مذکور، به کار رفته است.

اما جنت و باغی که خداوند آدم^خ را در آن جای داد - و سپس او را، بعد از خوردن از درخت ممنوعه، از آنجا فرود آورد - از باغ‌های دنیا بوده است. ما پس از این، در مبحث بهشت آدم^خ در کجا بوده؟ از آن یاد می‌کنیم.

۱۳. تَضْحَى: ضَحَى الرَّجُلِ، یعنی: حرارت خورشید بر او اُسیب رساند. و لَأُتَضْحَى، یعنی: حرارت خورشید و گرمای سوزان را احساس نمی‌کنی.

۱۴. غَوَى: از جمله معانی غَوَى، تبه کردن زندگی است، و مراد آیه همین است، یعنی آدم^خ با خوردن از درخت ممنوعه، زندگی در رفاه خود را تبه کرد.

۱۵. طَفِقَا: شروع کردند به کار ...

۱۶. يَخْصِفَان: خصف به معنای چسباندن و قرار دادن است. یعنی شروع کردند به چسباندن و قرار دادن برگ‌ها بر اندام خود.

۱۷. ضَنَكَا: ضنک یعنی زندگی سخت و دشوار و در تنگنا قرار گرفتن.

۱۸. وُورَى: پوشیده و پنهان شده.

۱۹. دَلَّاهُمَا: آن دو را همانگونه که می‌خواست فریب داد، و از راه به چاه انداخت، یعنی از بهشت بیرون کرد.

۲۰. لَأُحْتَنِكَنَّ: دهانه و لگام می‌زنم، یعنی همه اولاد آدم را با افسار و سوسه و زینت دادن به دنبال خودم می‌کشم.

۲۱. إِهْبَطُوا: فرود آید، هبوط در باره انسان بر سبیل استخفاف به کار رفته، بر خلاف انزال که خداوند آن را در موارد شرف و ارزش مقام آورده است، مانند: انزال و فرشتگان و قرآن کریم و باران.

هنگامی که گفته می‌شود: هَبَطَ فِي الشَّرِّ، یعنی به شر مبتلا شد، و هَبَطَ فَلَان، یعنی ذلیل و پس گردید، و هَبَطَ مِنْ مَنزِلِهِ، یعنی از جایگاه خود سقوط کرد.

۲۲. اِسْتَفْرِزِ بِصَوْتِكَ: با وسوسه‌ات تحریک کن و برانگیز، یعنی: هر گونه می‌توانی نسل آدم را با وسوسه به گناه واداری، وادار!

۲۳. وَاَجْلِبْ عَلَيْهِم: با صدای بلند آنان را بران.

۲۴. بِخَيْلِكَ وَرَجْلِكَ: با سواران و پیادگان، یعنی هر چه در توان داری از حيله و مکر و نیرو به خدمت بگیر.

۲۵. و شَارِكِهِم فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ: در اموال بدست آمده از راه حرام، و فرزندان زاده شده از زناى آنان مشارکت کن!

۲۶. عِدْهُمْ: وعده باطل به آنان بده، آنان را به نبودن روز جزا امیدوار کن!

۲۷. سلطان: تسلط و چیرگی قدرت‌مندان، سلطان به معنای دلیل و برهان نیز آمده، چنانکه خدای سبحان فرموده: اَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمِّيْتُمْوهَا اَنْتُمْ و اباوءكم ما انزل الله بها من سلطان. "آیا در باره نام‌هایی که شما و پدرانتان [بر آنها] گذارده‌اید، با من مجادله می‌کنید، در حالی که خداوند هیچ دلیلی در باره آن نازل نکرده است؟!" پس، معنای: ان عبادی لیس لک علیهم سلطان تو بر بندگان من سلطانی نداری، این می‌شود که: تو هیچگونه قدرتی بر آنان نداری، و نمی‌توان بر ایشان چیره و غالب گردی.

تفسیر آیات

خدای سبحان در آیات گذشته، از شروع آفرینش اولین انسان، آگاهی داد و فرمود: او را از گل سیاه بدبوی سخت در هم شده همچون سفال، که از سختی و صلابت سفال گونه‌اش صدا دار است، آفریده است. سپس نسل او را از چکیده‌ای از اب پست، که از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید قرار داد. سپس او را علقه گردانید و از علقه به مضغه و از مضغه به استخوان تبدیل کرد، و استخوان‌ها را گوشت پوشانید، سپس آفرینش دیگری به او داد و از روح خود در وی دمید، و برای او چشم و گوش و دل قرار داد، پس بلند مرتبه است خدا که بهترین آفرینندگان است. سپس او را به صورت کودکی از رحم مادر بیرون فرستاد تا به مرحله بلوغ و رشد برسد، و به هنگام آفرینش از همان چکیده آب، با نفس واحد انسانی، نر و ماده قرار داد، تا هر یک در زندگی دنیا به وظایف ویژه خود بپردازند، و تا به سن کهولت و پیری و افتادگی رسند، سپس آنان را می‌میراند و در زمین جای می‌دهد، پس از آن در روز قیامت از زمین بیرون شده و به محشر در می‌آیند تا پاداش و کیفر کردار خود را بر اساس حکمت پروردگار عزیز و دانا در یابند.

امتحان خدا از مخلوقات با شعور

اول. فرشتگان و ابلیس: خداوند فرشتگان را که ابلیس هم با آنان بود، به وسیله سجده برای خلیفه خود در زمین، آدم، امتحان کرد، سخنان فرشتگان می‌رساند که آنان فهمیده بودند، موجود زمینی خون‌ریز است، زیرا از مخلوقات گذشته روی زمین چنین روشی را شاهد بوده‌اند، و خداوند خود، آن‌گونه که در روایات آمده،^{۲۴۵} دستور نابودی آنان را به فرشتگان داده بود.

^{۲۴۵} . در روایات "ابتدای آفرینش اوصیاء" به آنان اشاره خواهد شد.

هنگامی که خداوند فرشتگان را به علم و دانشی که به آدم بخشیده بود آگاه کرد، و فرمان سجده برای آدم را به ایشان داد، فرشتگان برای آدم سجده کردند، ولی ابلیس سر باز زد و خود را برتر از آن دانست که برای آدم سجده کند، و دلیل آورد که خداوند او را از آتش آفریده و آدم را از گل. او در این امتحان مردود گشت.

دوم. آدم و حوا: خداوند برای آدم همسرش حوا را آفرید، و آن دو را در بهشتی غیر جاوید جای داد و به آنان فرمود: هر چه خواستید از این بهشت بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد، آدم را آگاه کرد که در این بهشت نه گرسنه می شود و نه برهنه، او را از ابلیس بر حذر داشت و فرمود: این شخص دشمن تو و دشمن همسر توست، مواظب باشید از بهشت بیرونتان نکند که به زحمت خواهید افتاد، شیطان خوردن از درخت ممنوعه را برای آنان زیبا جلوه داد تا شرمگاه‌های مستورشان هویدا گردد، او آدم و حوا را فریب داد و به این خیال انداخت که اگر از آن درخت بجشند، حالات آنان همچون فرشتگان شده و جاودان می گردند. و برای اطمینان آن دو به نام خدای سبحان سوگند خورد، آدم و حوا که گمان می کردند هیچ کس نمی تواند با نام خدا سوگند دروغ بخورد، فریض را خورده، و در دام باطل او گرفتار آمده، و از آن درخت ممنوعه چشیدند، و شرمگاه‌هاشان نمایان شد، آنان شروع به پوشاندن آن با برگ درختان بهشت کردند، پروردگارشان ندا داد، من شما دو نفر را از نزدیک شدن به این درخت نهی نکردم؟ به شما نگفتم شیطان دشمن آشکار شماست؟ گفتند: پروردگارا! ما به خودمان ستم کردیم! اگر ما را نبخشی و مورد رحمت خویش قرار ندهی از زیانکاران خواهیم بود.

بهشت آدم در کجا بود؟

خدای سبحان فرموده: در این زمین خلیفه‌ای قرار داده، و خاکی را که با آن آدم سجده را آفرید از مخلوط همین زمین بر گرفته، همچنین بر روی این زمین فرشتگان را دستور سجده برای آدم داده، و ابلیس از سجده برای آدم سر باز زده، و همین طور آدم را در بهشتی که در این زمین بوده وارد کرده، و او را پس از آفریدن، از این زمین به جای دیگر از جمله بهشت جاودان منتقل نکرده، تا اخراجش از بهشت جاودان به زمین باشد.

دلیل ما بر این مطلب، علاوه بر ظهور آیات، این است که: هر کس وارد بهشت جاودان شود، جاودان است، و هرگز از آن بیرون نخواهد آمد، چنان که روایات بر آن صراحت دارد.^{۲۴۶}

ما چنان می بینیم که این بهشت در عراق و در جزایره‌ای عربی بوده، و آنچه صاحب کتاب "قموس کتاب مقدس" از بسیاری از دانشمندان نقل کرده که، این بهشت در سرزمین فرات بوده، درست است.^{۲۴۷}

مؤید این مطلب این که، عبارت تورات با صراحت می گوید: رودخانه بهشت آدم به چهار شاخه تقسیم شده که عبارتند از: رود فرات، دجله، جیحون و فیشون.^{۲۴۸}

^{۲۴۶} در روایات "آفرینش اوصیاء" به آن اشاره خواهد شد.

^{۲۴۷} . قاموس کتاب مقدس ماده: عدن.

^{۲۴۸} . کتاب عهد عتیق (توارة) چاپ ریچارد و اتس لندن ۱۸۳۹، سفر تکوین، باب

در کتاب «قاموس کتاب مقدس» آمده که، برخی از پژوهش‌گران احتمال داده‌اند جیحون و فیشون در بابل [عراق] باشد.^{۲۴۹}

بنابر این است که مراد از جیحون رودخانه جیحون معروف نیست، رودخانه‌ای که در دریاچه نزدیک خوارزم [آرال] می‌ریزد، و یاقوت حموی آن را در *معجم البلدان* آورده است.

هنگامی که آدم از بهشت فرود آمد، در منطقه بابل فرات سکنی گزید. چون وفات کرد، فرزندش شیث او را در غاری در کوه ابو قبیس مکه دفن کرد، سپس نوح استخوان‌های او را در سقیفه خود گذارد و پس از پیاده شدن از کشتی در نجف اشرف دفن کرد.^{۲۵۰}

پس، چنان که می‌بینیم، خروج آدم^x از بهشتی است که در عراق بوده، و هنگامی که از آن جا بیرون شد، به سرزمینی نزدیک آن در عراق رفت.

او از درختان و دانه‌های این باغ، نهال‌ها و بذرهایی را بر گرفت، تا به آموزشی که خداوند به او داده بود، درختان را غرس کند و دانه‌ها را بکارد، چنان که صریح روایات این مطلب را می‌رساند.

اما سکونتش در عراق، در ماده: "بلبلیون" *معجم البلدان* آمده است:

اهل تورات گفته‌اند: جایگاه آدم^x در بابل بوده است، و بابل سرزمینی است میان فرات و دجله، و در ماده بابل، در قاموس کتاب مقدس، چیزی آمده که خلاصه آن چنین است: آبهای فرات و دجله در همه اراضی این سرزمین جریان داشت، بدین خاطر ارضی آنجا به فراوانی و برکت مشهور بوده و انواع میوه‌ها و حبوبات در آن جا به دست می‌آمد، و نام قدیم آن شنغار بوده است.^{۲۵۱}

در ماده *بابل معجم البلدان* آمده که، برخی از اهل تورات گفته‌اند: بابل همان کوفه است، و نوح^x پس از آن که از کشتی پیاده شد با همراهانش در پی محل سکونت و سرپناه شدند و در بابل سکنی گزیدند، و بعد از نوح^x گسترش یافتند.

اما دفن آدم^x، در روایات مکتب خلفا آمده است که، نوح او را در بیت المقدس دفن کرده است، و در روایات مکتب اهل بیت آمده که، نوح، آدم^x را در نجف، در همین محلی که امام علی^x دفن گردیده، دفن کرده است، و نوح^x نیز در همین محل دفن شده است. سکونت آدم^x در عراق را آنچه در روایات زیر آمده تأیید می‌کند:

^{۲۴۹} قاموس کتاب مقدس. ماده: جیحون و فیشون. دانشمند محقق استاد سامی البدری در یکی از مباحث چاپ نشده خود در باره بهشت آدم، برای من نوشته است: رودهای چهارگانه مذکور شاخه‌های فرات‌اند، وی یاد آور شده که در بحث خود به ترجمه آرامی تورات عبری و سامری استناد می‌کند، و از اسامی شاخه‌های فرات و شهرهای واقع شده در مسیر آنها در آثار خطی میخی و هیرو گلیفی پیروی می‌کند، اضافه بر آن که بررسی واقعی در جغرافیا و رودهای فرعی نهر فرات و اسامی آنها در سرزمین‌های اسلامی نیز، آن را تأیید می‌کند.

^{۲۵۰} بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

^{۲۵۱} سفر تکوین: باب ۱۰ و ۱۱ و ماده شنغار قاموس کتاب مقدس.

اول: آدم × به مکه رفت و در عرفات و مشعر و منی وقوف کرد، و توبه او در عرفات پذیرفته شد، پس از آن در مکه به حوا پیوست، و خداوند او را مأمور ساختن بیت الله کرد. و بعید می‌نماید که آدم × از مکان دوری مانند هند، مأمور به حج شده باشد، چنان که در برخی از روایات _ که درستی‌اش نزد من ثابت نشده _ آمده است.

دوم: در روایات دیگری آمده که، آدم × در منطقه غرآی نجف دفن شده است.^{۲۵۲} و در روایات دفن خاتم انبیاء | آمده است: هر پیامبری در همان جا که قبض روح شده دفن می‌گردد.^{۲۵۳}

از مجموع آنچه بیان داشتیم چنین نتیجه می‌شود که: بهشت آدم × در اراضی فرات بوده، و هنگامی که از آن بیرون شد، در نزدیکی آن فرود آمد، و خداوند آن باغ را خشکانید، و از صفحه روزگار بر انداخت، و آدم × محلّ دیگری را با درختان و کشت و کار احیا و آباد کرد، و خدا داناتر است.

امتحان الهی و دگرگونی احوال

اول. فرشتگان و ابلیس: فرشتگان که ابلیس هم در کنارشان بود، خدا را عبادت می‌کردند، و هر چه را به آنان فرمان می‌داد، در آسمانها و زمین، اطاعت نموده، و چشم بر هم زدنی نافرمانی و عصیان نداشتند، تا آن که خدای متعال به آنان خبر داد که می‌خواهد در زمین خلیفه قرار دهد، آنان حکمت این آفرینش را جویا شدند، و هنگامی که خداوند از حکمت آن آگاهی‌شان داد، و فرمود تا برای او سجده کنند _ همان گونه در سایر موارد مطیع و خاضع بودند _ همگی اطاعت کردند، جز ابلیس، او که خدا را در سایر دستوراتی که مخالف هوای نفس وی نبود و با خوی استکباریش برخوردی نداشت، اطاعت می‌کرد، در فرمان سجده برای آدم × از هوای نفشش پیروی کرده و از دستور خدا سر باز زد، بدین سبب همین که چنین راهی را برای خود برگزید از درجه فرشتگان _ کسانی که خدا را در هر چه فرمان دهد عصیان نکرده و همواره به فرمان او عمل می‌کنند _^{۲۵۴} به درجه عاصیان و هوا پرستان تنزل کرد. و خداوند به او فرمود: از این مقام فرود آی، تو را نرسد که در این جایگاه بزرگ‌نمایی کنی!

ابلیس در چنین حالتی نیز، از عصیان خود در برابر پروردگار عالمیان پشیمان نشد، و به سوی خدا باز نگشت، و از او در خواست بخشش نکرد، بلکه به خواست خود بر سقوط خویش افزود و گفت: مرا تا روز قیامت مهلت بده! خداوند فرمود: تو از مهلت داده شدگانی.^{۲۵۵}

آن ملعون پس از دریافت وعده خدا و رسیدن به خواسته خویش، بدون درنگ موضع خود در مقابل خدا را مشخص کرد و گفت: این کسی را که بر من برتری دادی، از او انتقام می‌گیرم، و ذریه او را با لگام و افسار به دنبال خود می‌کشم، و

^{۲۵۲} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

^{۲۵۳} . طبقات ابن سعد، ج ۲، قسمت دوم ص ۷۱؛ سنن ترمذی کتاب جنائز، ج ۴، ص ۲۳۵.

^{۲۵۴} . سورة تحریم، آیه ۶.

^{۲۵۵} . سورة اعراف، آیات ۱۴ و ۱۵.

از پیش رو و پشت سر و راست و چپ آنان وارد می‌شودم، و اعمال و رفتار بد آنان را در نظرشان زیبا جلوه می‌دهم، تا آن‌جا که بیشتر آنان را سپاس‌گزار نخواهی یافت. خدای سبحان فرمود:

{ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٢٥٦﴾ }

برو! هر یک از آنان که تو را پیروی کند، جهنم کیفر شماسست، کیفری فراوان.^{۲۵۶}

آری، ابلیس به محض انتخاب این راه، از درجه فرشتگام معصوم به درجه عاصیان فرمان خدا منتقل گردید. و در این درجه نیز، راه نادمان از گناه و توبه کنندگان به سوی خدا را پیشه نکرد، بلکه با اختیار خود به ادنی درجه پستی و حضيض ذلت افتاد، درجه کسانی که مردم را گمراه می‌کنند و همیشه دوران، بر آن اصرار می‌ورزند.

دوم: آدم و حوا

خدای متعال پس از آن که آفرینش آدم^x را تمام کرد و فرشتگان را به سجده برای او واداشت، و حوا را آفرید، هر دو را در آن بهشت جای داد، بهشتی که باید بر روی این زمین باشد، زیرا خدای سبحان آدم را از گل همین زمین آفریده، و او را برای زندگی بر روی این زمین آماده کرده_ و در کتاب و سنت هم نصّ صریحی نداریم، که بگوید خداوند آدم را، پس از آفرینش، از این زمین به بهشتی که در یکی از ستارگان دیگر بوده منتقل کرده، و دوباره او را به این زمین باز گردانده است_ پس به ناچار باید این بهشت، چنان که گفتیم، بر روی این زمین بوده باشد، جز آن که، این بهشت چنان که می- نماید، در نوع خود بی‌نظیر و یگانه، و مخصوص این مرحله از مراحل آفرینش آدم و حوا بوده است. و وجود آن با سر آمدن این مرحله از خلقت، پایان پذیرفته است_ و خدا داناتر است.

این بهشت ویژگی‌ها و امتیازات مخصوصی داشته است که خداوند به بخشی از آن اشاره کرده و از جمله به آدم^x فرموده: تو در این بهشت نه گرسنه می‌شوی، نه تشنه، نه عریان می‌گردی و نه از حرارت خورشید آسیب می‌بینی، و به او و حوا فرموده:

از این باغ هر چه را خواستید بخورید، ولی نزدیک این درخت نروید که از ستم‌کران به خودتان خواهید شد.

و به آدم^x گوشزد کرد که شیطان دشمن تو و دشمن همسر توست، مواظب باشید از این بهشت بیرون‌تان نکند.

آدم^x پس از آن که شیطان بارها به خدا سوگند خورد و گفت که خیرخواه اوست، به اختیار خود با همسرش حوا، به وسوسه‌های شیطان گوش فرا دادند و از حالت اطمینان و اعتصامی که به فرموده خدا نداشتند تنزل کرده و به حالت

وسوسه پذیری افتادند. کيفر آن عمل نیز فرود آمدن از بهشت راحت، به دنیای زحمت بود، دنیای رنج و زحمت و تکلیف و آمادگی برای عالم جاوید، در نعمت‌های بهشتی یا عذاب جهنمی.

بدین گونه بود که انسان حمل امانت را پذیرفت، امانتی که خدای سبحان از آن خبر داده و فرموده:

{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ تَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٣﴾}.

ما امانت [تعهد و تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر بر تافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود؛ هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان با ایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است!^{۲۵۷}

مراد از امانت در این آیه _ و خدا داناتر است _ تکالیف الهی و آن چیزی است که انسان را به زیور انسانیت آراسته می‌کند.

مراد از عرضه آن بر آسمانها و زمین، عرضه بر غیر مکلفین از مخلوقات است، این عرضه و قبول مقدمه‌ای برای گزینش الهی است، تا مخلصین و افراد ناب را جدا سازد.

بنابر این، عصیان آدم در حمل امانت بود، امانتی که از آثار آن تأثیر پذیری از وسوسه شیطان است؛ تمام این برنامه‌ها در مرحله‌ای از مراحل آفرینش آدم^x بوده که با مرحله اخیر زندگی او در عالم خاکی ما شباهتی ندارد، و در سلسله مراحل هستی بخشیدن و ایجاد، پیش از هبوط و فرود معنوی او از آن بهشت ویژه و یگانه، و ورود به خارج آن در این زمین بوده است. چه آن که انبیاء[^] در این عالم معصوم، و از گناه مبرا هستند، و آدم^x با انتخاب و اختیار خود به عالمی که برای آن آفریده شده بود، فرود آمد، بنابر این، عصیان آدم^x نمادی از آن امر معنوی است _ و خدا داناتر است _.

شرح آیات و تفسیر آن در روایات

اول. روایات وارد از پیامبر|

۱. احمد بن حنبل و ابن سعد و ابو داوود و ترمذی با اسناد خود از رسول خدا| آورده اند که فرموده:

خداوند تعالی آدم× را از مشتی خاک، که از همه اطراف زمین بر گرفته بود، آفرید. پس بنی آدم، همسوی با زمین شدند، برخی سرخ، برخی سفید، گروهی سیاه و جمعی میانه این گروه‌ها هستند ...^{۲۵۸}

۲. ابن سعد از رسول خدا روایتی آورده که فشرده آن چنین است:

هنگامی که آن خطا از آدم× سر زد شرمگاهش برای او آشکار شد، در حالی که پیش‌تر آن را نمی‌دید.^{۲۵۹}

۳. صدوق در خصال با سند خود از رسول خدا آورده است:

درنگ آدم و حوا در آن بهشت تا هنگام خروج هفت ساعت از روزهای دنیا بود، تا آن که خداوند در همان روز از بهشت فرودشان آورد.^{۲۶۰}

دوم: روایات وارد از امام علی×

الف. در باره آفرینش فرشتگان:

در کتاب *بحار الأنوار* است که آن حضرت به خدا عرض می‌کند:

... و فرشتگانی که آفریدی و در آسمانهایت جای دادی، سستی در آنان راه ندارد و فراموشی به سراغشان نیاید، و نافرمانی در ذاتشان نیست، آنان داناترین آفریدگانت به تو هستند، و بیمناک‌ترین آنان از تو، و نزدیک‌ترین ایشان به سوی تو، و عامل‌ترین مخلوقات به طاعت تو، خواب چشم‌ها آنان را فرا نگیرد، و اشتباه عقول عارضشان نگردد، و سستی تن‌ها در ایشان راه نیابد، آنان در صلب پدران و رحم مادران جای نگرفته، و از آب بی‌مقدار آفریده نشده‌اند، تو خود آنان را بدان گونه که باید ایجاد کردی، و در آسمانهایت جای دادی، و در کنار خود گرامی داشتی، و بر وحی خود امین فرمودی، و از آفات به دور، و از بلاها نگاه دار، و از گناهان پاکیزه‌شان کردی. اگر توانشان نمی‌دادی توان‌مند نبودند، و اگر پا بر جای‌شان نمی‌داشتی بر جای نمی‌ماندند، و اگر مشمول رحمت نبودند اطاعی نداشتند، و اگر نبودی نبودند. آنان با همه قرباتی که به تو دارند و اطاعتی که از تو می‌کنند، و جایگاه ویژه‌ای که نزد تو از آن برخوردارند، و کمی غفلتی که از فرمان تو دارند، اگر مقامات مستور تو را که از دید آنان پوشیده است، مشاهده نمایند، اعمال خود را کوچک دانسته، و به سرزنش و ملامت خویش می‌پردازند، و به راستی در می‌یابند آن گونه که حق عبادت و بندگی توست عبادت نکرده‌اند. منزهی بو، این خالق و ای معبود، و که امتحان و گزینش تو نزد مخلوقات، چقدر زیبا و شکوه‌مند است.^{۲۶۱}

ب. ابتدای آفرینش:

امام علی× در باره پیدایش خلقت سخنانی دارد که فشرده تفسیر آن چنین است:

^{۲۵۸} سنن ترمذی، ج ۱۱، ص ۱۶؛ سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۲۲۲، حدیث ۴۶۹۳؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۰ و طبقات ابن سعد اروپا، ج ۱، قسمت اول، ص ۵ و ۶.
^{۲۵۹} طبقات ابن سعد، ط اروپا، ج ۱، قسمت اول، ص ۱۰.
^{۲۶۰} بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۴۲.
^{۲۶۱} بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

خدای سبحان فضاها را خلق کرده و بر بلندای آن آبی متلاطم و موج آفرید، آبی سرکش و ناآرام، با موج‌های بلند که بر هم فزونی می‌گرفتند، سپس آن را بر پشت تند بادی سخت و کوبنده قرار داد تا با تکان‌های بسیار شدید، همان‌گونه که ماست و شیر را در مشک می‌زنند و می‌جنبانند و از آن سر شیر و کرده می‌گیرند کف‌های آن بر فراز آمد، آب کف‌ها را پراکنده ساخت، کف‌ها در هوای باز و جو گسترده فضا بالا رفتند و خداوند از آنها هفت آسمان پدید آورد، پایین‌ترین آنها را موجی ممنوع از سر ریز و سیلان قرار داد، و بالاترین‌شان را سقفی محفوظ، بدون آن که ستونی داشته و یا با وسائل و ابزار اتصال و پیوند، به هم مرتبط باشند. آسمان دنیا را با ستارگان آراست، سپس میانه آسمان‌های فوقانی را که بالای آسمان دنیا هستند گشود و آنها را از انواع فرشتگان انباشت، برخی ایستاده و مستقیم و استوار با صفوف منظم در جای خود، بی حرکت هستند، خدای را تسبیح گویند، و هرگز خسته نمی‌شوند، خواب چشم‌ها و غفلت عقل‌ها و سستی تن‌ها و فراموشی و بی‌توجهی در آنان راهی ندارد، برخی امینان وحی خدایند، و زبان پیغام رسان او به رسولان، و برای رساندن حکم و فرمان خدا دائم در آمد و شد هستند، برخی نگهبان بندگان او و دربان درب‌های بهشت‌اند، برخی از آنان چنانند که قدم‌هایشان بر سرزمین‌های پست قرار گرفته و سرهایشان از آسمان بالا بیرون رفته است ... آنان پروردگار خود را با توهم و خیال تصویر نمی‌کنند، و صفات مخلوقات مصنوع را به خدا نسبت نمی‌دهند، او را به وسیله مکان محدود نمی‌کنند، و به وسیله نظایر و امثال مورد اشاره قرار نمی‌دهند.

ج. آفرینش انسان:

امام فرموده: سپس از مکان‌های مختلف زمین، از سخت و نرم و شور و شیرین آن، خاکی را برگرفت و با آب در آمیخت تا خالص شد، و با نمدار کردن مجدد آن، جلا و صیقلش داد، و از صورت و شکلی دارای اعضا و جوارح پدید آورد، آن را خشکانید تا خود را گرفت، و استحکامش بخشید تا محکم و متین شد، برای روز مشخص و معلوم. سپس از روح خود در آن دمید، پس به شکل انسان هشیاری در آمد که به تحرک برخاسته و ذهن و فکر و اعضای خود را به خدمت می‌گیرد، و از ابزار جابه‌جایی استفاده می‌کند، حق و باطل را می‌شناسد، و از حواس چشیدن و بوییدن و دیدن برخوردار است معجونی است با سرشتی از رنگ‌های مختلف و اشیای گرد آمده که برخی ضد یکدیگر بوده و برخی با هم متباین هستند، مانند: گرمی و سردی، تری و خشکی، بدحالی و خوش‌حالی.^{۲۶۲}

د. آفرینش جن و شیطان و ابلیس:

امام علی^ع فرموده: خداوند سبحان پس از آن که هفت هزار سال از زندگی جن و نسناس بر روی زمین گذشت، چون دوست داشت مخلوقی را به دست قدرت خود بیافریند، و آن مخلوق باید آدم باشد که تدبیر و تقدیر آسمانها و زمین برای او منظور شده بود، پرده از طبقات آسمانها برگرفت و به فرشتگان فرمود: مخلوقات من _ جن و نسناس _ را در زمین مشاهده کنید.

آنان هنگامی که رفتار عاصیانه و خونریزی ناحق و فساد اهل زمین را دیدند، بر ایشان گران آمد، و برای خدا به خشم آمدند، و بر زمینیان تأسف خوردند، و در حالی که نمی‌توانستند خشم خود را کنترل کنند گفتند: پروردگارا! تو عزیزِ قادر

جبارِ قاهرِ بزرگواری، و اینان مخلوقات ضعیف و ذلیل تو هستند که در قبضه قدرتت جا به جا شده، و از رزق تو روزی می‌خورند، و از بخشش تو بهره می‌برند، و با این گناهان بزرگ نافرمانی‌ات می‌کنند، حال آن که نه ناراحت می‌شوی و نه خشم می‌گیری، و نه از آنچه از ایشان می‌شنوی و می‌بینی انتقام می‌کشی، این مسئله بر ما بسیار گران است، و آن را در باره تو خیلی بزرگ می‌شماریم! خدای سبحان که این سخنان را از فرشتگان شنید. فرمود: «من در روی زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم» تا جانشین و حجت من بر خلقم باشد، فرشتگان گفتند: منزهی تو! «آیا در زمین کسی را قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند، در حالی که ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم» و گفتند: این جانشینی را در بین ما قرار ده که نه در زمین فساد می‌کنیم، و نه خونریزی می‌نماییم.

خدای عزّ و جلّ فرمود: فرشتگان من! «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید» من بنا دارم مخلوقی را به دست خود بیافرینم و ذریه او را پیامبران مرسل، و بندگان صالح، و امامان راه یافته گردانم، و آنان را در بین آفریدگانم جانشینان زمینی خود قرار دهم، تا ایشان را از گناهان باز دارند، و از عذاب من بترسانند، و به اطاعتم راهنمایی کنند، و به راه من بیاورند، و آنان را برهان آگاهی‌بخش، و دلیل عذر خود گردانم، و نسناس^{۲۶۳} را از زمین خود دور کرده، و آن جا را از لوث وجودشان نمایم، و گردنکشان جن را از بین مخلوقات خود در زمین بیرون کرده، و آنان را در هوا و مکان‌های دور دست آن جای دهم، تا در مجاورت نسل آدم نباشند، و با آنان انس نگیرند، و معاشرت ننمایند، پس هر که از نسل این آفریده من که آنان را برای خود برگزیده‌ام مرا نافرمانی کند او را در جایگاه سرکشان جای داده و به منزلگاه‌های ایشان وارد می‌کنم، و اهمیتی نمی‌دهم! فرشتگان گفتند: پروردگارا! هر چه می‌خواهی بکن که: "ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم، تو دانا و حکیمی"^{۲۶۴}.

هـ روح:

امام علی[×] در باره روح بیانی دارند که خلاصه آن چنین است:

روح جبرئیل نیست، جبرئیل از فرشتگان است و روح غیر از جبرئیل است. زیرا خداوند به پیامبرش فرموده:

{يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۝}

فرشتگان را با روح - به فرمانش - بر هر کس از بندگان بخواند نازل می‌کند.^{۲۶۵} پس روح غیر از فرشتگان است. و فرموده:

{لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝}

شب قدر بهتر از هزار ماه است، فرشتگان و روح در این شب به اذن پروردگارشان فرود می‌آیند.^{۲۶۶} و

^{۲۶۳} . حقیقت نسناس بر ما روشن نیست، در بحار این چنین آمده است.

^{۲۶۴} . بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۸۲ و ۸۳ به نقل از علل الشرایع.

^{۲۶۵} . سوره نحل، آیه ۲.

^{۲۶۶} . سوره قدر، آیه‌های ۳ و ۴.

فرموده:

{يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا}

روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند.^{۲۶۷} و در باره آدم x به فرشتگان که جبرئیل نیز با آنان بود، فرموده:

{إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾}. من بشری را از گل می آفرینم، پس هنگامیکه آن را نظام بخشیدم و از روح خود در او دمیدم، برای او به سجده افتید!^{۲۶۸} پس جبرئیل همراه با فرشتگان برای این روح سجده کردند. و در باره مریم فرموده: {فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا}. ما روح خود را به سوی او فرستادیم، و او به مانند انسانی تمام عیار بر مریم نمایان شد.^{۲۶۹} و به پیامبر| فرموده: {نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ. عَلَى قَلْبِكَ}. روح الامین آن را نازل کرده است. بر قلب تو.

سپس فرموده: {لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٤٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٤٥﴾}. تا از بیم دهندگان باشی! به زبان عربی آشکارا!^{۲۷۰}

پس روح حقیقتی است واحد با صورت های گوناگون.^{۲۷۱} - پایان کلام امام x -

بنابر این، روح - و خدا بهتر می داند - آن چیزی است که در آدم x دمیده شد، و آن چیزی است که فرشته مرسل به سوی مریم، آن را با خود داشت، و آن چیزی است که فرشته حامل وحی بر پیامبر، با خود می آورد، گاهی نیز به فرشته ای که حامل وحی برای پیامبر| بوده روح الامین گفته شده است. همچنین روح همان روح القدس است که خداوند عیسی x را به او تأیید فرموده است، و روز قیامت خود روح شخصاً با فرشتگان در یک صف قرار می گیرد، و این همان روح است که خدا در باره اش فرموده:

{وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا}. از تو در باره روح سؤال می کنند، «بگو: روح از فرمان پروردگار من است».^{۲۷۲}

پروردگارا! ما را از خطای در فهم و لغزش در گفتار مصون دار.

و. معنای سجده فرشتگان برای آدم x

امام علی x در این باره سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

۲۶۷ . سورة نبا، آیه ۳۸ .
۲۶۸ . سورة ص، آیه های ۷۱ و ۷۲ .
۲۶۹ . سورة مریم، آیه ۱۷ .
۲۷۰ . سورة شعراء، آیه های ۱۹۴ و ۱۹۵ .
۲۷۱ . الغارات ثقفی، تحقیق استاد میر جلال حسینی ارمون "محدث" جلد اول ص ۱۸۴ و ۱۸۵ .
۲۷۲ . سورة اسراء، آیه ۸۵ .

سجده فرشتگان برای آدم × سجده طاعت نبود، و فرشتگان با این سجده، غیر خدا، یعنی آدم را عبادت و بندگی نکردند، بلکه به برتری آدم و فضل و رحمتی که خدا به او داده بود اعتراف کردند.^{۲۷۳}

شرح کلام امام علی ×

امام علی × در بیانات گذشته فرشتگان را به چهار گروه تقسیم کرده است:

گروه اول: عبادت کنندگان، برخی در حال رکوع، برخی سجده‌کنان، برخی ایستاده، و گروهی تسبیح گوی.

گروه دوم: امینان وحی خدا در رساندن آن به پیامبران، و زبان گویا در دهان رسولان، و رفت و آمد کنندگان در پی امور بندگان که خداوند به وسیله آنان، کار خلق را سامان می‌دهد.

گروه سوم: پاسداران عباد، به گونه نیروهای امانی و ذخیره در تن و جان بشر که خداوند همراهانشان را بدین وسیله از مهالک و مفساسد نگه می‌دارد، و اگر چنین نبود هلاکت و مفسده بیش از سلامت و امان به انسان می‌رسید، برخی از ایشان نیز خادم بهشت‌اند، یعنی نگهبان و خدمت‌گزار.

گروه چهارم: حاملان عرش‌اند، و شاید اینانند که مأمور تدبیر امر جهان از فرستادن باران و رویاندن نبات و امثال آنند، اموری که به ربوبیت پروردگار جهانیان مربوط می‌شود، و برای عالم مخلوقات تدبیر گردیده است.

سوم. روایات وارد از امام باقر ×

امام باقر × در معنای: و نفحت فیه من روحی فرمود:

این روح، روحی است که خدا خود آن را آفریده، آن را به خود منسوب داشته، و بر جمیع ارواح برتری داده است.^{۲۷۴} و در روایت دیگری فرموده:

خداوند این روح را تنها از آن رو به خود نسبت داده که آن را بر سایر ارواح برتری بخشیده، همان گونه که خانه‌ای از خانه‌ها را نیز، برای خود اختیار کرده و فرموده: خانه من! و به پیامبری از پیامبران، فرموده: خلیل من و همانند آن. اینها همه مخلوق و مصنوع و محدث و مربوب و مدبرند.^{۲۷۵} یعنی: اضافه آنها به خدا اضافه تشریفی است. در روایت دیگری، راوی می‌گوید:

از امام باقر × پرسیدم: روحی که در آدم است و روحی که در عیسی است چه هستند؟

فرمود: آنها دو روح آفریده شده‌اند، خداوند آنها را اختیار کرد و برگزید: روح آدم و روح عیسی × را.^{۲۷۶}

چهارم. روایات امام صادق ×

امام صادق × در باره سخن خدای تعالی در باره آدم و حوا که فرموده: فبدت لهما سؤاتهما، شرمگاه‌هاشان بر آنان هویدا شد فرموده:

شرمگاه‌های آنان که ناپیدا بود ظاهر شد، یعنی پیش از آن در درون بود.^{۲۷۷}

^{۲۷۳} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۳۹.

^{۲۷۴} . بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۱.

^{۲۷۵} . بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۲ به نقل از معانی الأخبار و توحید صدوق.

^{۲۷۶} . بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۳.

^{۲۷۷} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۰، به نقل از تفسیر قمی، ص ۲۳۱.

امام × در باره گفت و گوی جبرئیل با آدم × فرموده:

هنگامی که آدم از بهشت بیرون شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای آدم! آیا چنین نیست که خداوند تو را به دست خود آفرید، و از روح خود در تو دمید، و فرشتگان را به سجده برای تو واداشت، و کنیز خود حوا را به همسری تو داد، در بهشت جایگزینت کرد، و آن را برایت حلال و روا دانست، و مشافهه^{۲۷۸} تو را نهی کرد که: از این درخت نخوری! تو از آن خوردی و خدا را نافرمانی کردی؟

آدم گفت: ای جبرئیل! ابلیس برای من به خدا سوگند خورد که او خیرخواه من است، و من گمان نداشتم کسی از خلق خدا سوگند دروغ به خدا را یاد کند.^{۲۷۸}

امام × در باره توبه آدم × فرموده:

خدای متعال چون خواست از آدم × در گذرد، جبرئیل را به سوی او فرستاد جبرئیل به او گفت: سلام بر تو ای آدم صابر بر بالای خود، و توبه کننده از خطای خویش، خداوند تبارک و تعالی مرا به سوی تو فرستاده تا مناسکی را که می‌خواهد با آنها توبهات را بپذیرد به تو بیاموزم، جبرئیل دستش را گرفت و با او به سوی بیت روانه شد، در این هنگام ابری در آسمان پدیدار شد، جبرئیل گفت هر جا را که این ابر بر تو سایه افکنده با پای خود خط بکش، سپس او را حرکت داد تا به منی رسید و جای مسجد منی را به وی نشان داد و حدود آن را خط کشید، پس از آن که محل بیت را مشخص کرد و حدود حرم را خط کشید، او را به عرفات برد و بر بلندای آن به پا داشت و به وی گفت: هنگامی که خورشید غروب کرد هفت مرتبه به گناه خود اعتراف کن، و آدم × چنان کرد.^{۲۷۹}

پنجم. روایات امام رضا ×

امام رضا × در معنای سخن خدای عزّ و جلّ که فرموده: خلقت بیدی، فرمود: یعنی آن را به قدرت و قوت خود آفریدم.^{۲۸۰}

آن حضرت در باره عصمت انبیاء در پاسخ سؤال مأمون که پرسید:

ای فرزند رسول خدا! مگر نه آن است که شما می‌گویید: پیامبران معصومند؟

فرمود: آری. گفت: پس معنای سخن خدای عزّ و جلّ که می‌فرماید: فَعَصَى آدَمَ رَبَّهُ فَغَوَى چیست؟

فرمود: خدای تبارک و تعالی به آدم فرمود: «تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و هر چه از آن خواستید بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید که از ستم‌کاران می‌شوید» و درخت گندم را به آنان نشان داد. خداوند به آنان نفرمود: از این درخت و هر چه از جنس آن است نخورید، پس آدم و حوا به آن درخت نزدیک نشدند، آن دو هنگامی که شیطان و سوسه‌شان کرد و گفت: «خداوند از این درخت نهی‌بان نکرده، بلکه شما را از نزدیک شدن به غیر آن نهی کرده، و شما را از خوردن آن نهی نکرده مگر آن که دو فرشته شوید یا از جاودانیان گردید»، بعد هم را آن دو سوگند خورد که «من خیر خواه شما هستم»، و تنها از غیر آن خوردند».

۲۷۸ . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۳.

۲۷۹ . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

۲۸۰ . تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۷۲، به نقل از عیون اخبار الرضا.

آدم و حوا که پیش از آن ندیده بودند کسی سوگند دروغ به خدا یاد کند، فریفته شدند و با اعتماد به سوگندی که به خدا یاد کرد، از آن درخت خوردند، و این کار قبل از نبوت آدم^{۲۸۱} بود.

بقیه روایات مربوط به ابتدای آفرینش را، به یاری خدا، در پیوست‌های پایان کتاب می‌آوریم.

* * *

فشرده بحث

مخلوقات مذکور در فصل اول این بحث به گروه‌های چهار گانه زیر تقسیم می‌گردند:

۱. آنان که مرگ و زندگی و اراده و ادراک کامل دارند، و نفس اماره بالسوء ندارند، آنان سپاهیان خدا، فرشتگانند.
 ۲. کسانی که مرگ و زندگی و اراده و نفس ادراک کننده و اماره بالسوء دارند، این گروه دو نوعند:
 - الف. آنان که از خاک آفریده شده‌اند، فرزندان آدم، انسان‌ها.
 - ب. آنان که از آتش سوزان آفریده شده‌اند، جنیان.
 ۳. گروهی که مرگ و زندگی و اراده دارند، ولی نفس ادراک کننده ندارند، و اندیشه نمی‌کنند، حیوانات.
 ۴. آشیایی که زندگی حیوانی و ادراک و اراده ندارند، مانند: نباتات، آبها، ماه و خورشید و ستارگان.
- ما با دقت در مجموع انواع و اصناف این مخلوقات، در می‌یابیم که در زندگی ویژه هر یک از آنها، نظام دقیق و متقن و استواری نهفته است که هر یک را در مسیر خود به اعلی درجه کمال وجودی‌اش می‌رساند. حال می‌پرسیم: آن که هر یک از این انواع و اصناف، برنامه و نظام زیستن را اندازه‌گیری و منظم کرده کیست؟ و نام او چیست؟ این آن چیزی است که ما، به یاری خدا، آن را در مبحث ربوبیت بررسی می‌کنیم.

فصل چهارم: مباحث ربوبیت

۱-۴-رب و معنای آن

اصطلاح «رب» از مهم‌ترین اصطلاحات اسلامی است که درک معنای روشن آن برای مباحث آینده ما ضروری است. چنان که فهم بسیاری از آیات قرآن کریم به نحو عام، و شناخت خدای عزیز به طور خاص، بستگی به فهم واضح و درست این واژه دارد. و نیز شناخت پیامبر و وحی و امام و روز قیامت، و شناخت موحد از مشرک، متوقف بر فهم آن است. و ما، به یاری خدا، ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. معنای ربّ در لغت عرب

راغب اصفهانی لغت‌شناس معتبر و مشهور می‌گوید:

الرب فی الاصل التریبۃ و هو انشاء الشیء حالاً فحلاً، الی حدّ اتمام.

رب در اصل مصدر است، و به معنای تربیت کردن می‌آید. تربیت کردن عبارت است از پرورش و رشد دادن یک چیز از حالتی به حالتی تا به حد تمامیت و کمال برسد.

^{۲۸۱} . بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۴، به نقل از عیون اخبار الرضا <۷>.

آن کسی که چیزی یا حیوان یا انسانی را از اوّلین مرحله وجود تا حد کمال و تمام ، پرورش و رشد می‌دهد ، آن چیز یا حیوان یا انسان را تربیت کرده است . پس رب در اصل مصدر بوده و به این معنا آمده است . راغب اضافه می‌کند : «عرب اینک رب را برای فاعل استعاره کرده و به عنوان اسم فاعل به کار می‌برد .» ۲۸۲ علاوه بر جهت پرورش و رشد

و کمال دادن ، در کلمه رب ، مالکیت نیز محفوظ است . به این مسأله اکثر لغویین تصریح کرده‌اند . ۲۸۳ بنا بر این ، می‌توان گفت : «رب مالک مدبّر و مربّی اشیاست» . ۲۸۴ اگر کسی مرغداری داشته باشد ، تخم مرغ‌ها را رسیدگی و مواظبت می‌کند تا این که جوجه شوند ؛ جوجه را دانه و غذا و آب می‌دهد ؛ با بیماری‌های او مبارزه می‌کند تا این که جوجه رشد کرده به مرغ تبدیل گردد . او که مالک و در ضمن پرورش‌دهنده این مرغ است ، «رب» آن محسوب می‌شود . همچنین به صاحب خانه‌ای که خانه‌اش را اداره می‌کند و همه جوانب امور آن را خود به عهده دارد ، «ربّ البيت» گفته می‌شود .

پس «رب» در زبان عرب هم به معنای مربّی و تدبیر کننده امور است، و هم به معنای مالک و صاحب اختیار، «ربّ البيت» یعنی: مالک خانه، و «ربّ الضیعة» یعنی: مدبّر یا مالک اموال، و «ربّ الفرس» یعنی: تربیت کننده است یا مالک آن.

ب. معنای ربّ در اصطلاح اسلامی

«رب» در اصطلاح اسلامی از اسمان حسناى خداوند است، و نامی است برای آفریدگار و مالک مخلوقات و بنیان‌گذار نظام زندگی و مربّی آنها در طی مراحل حیات، تا هر یک به درجه کمال وجود خود برسند.^{۲۸۵} «رب» در قرآن کریم گاهی به معنای لغوی آمده و ما این معنی را از قرینه‌ای که دلالت دارد مقصود معنای لغوی «رب» است می‌فهمیم، مانند سخن یوسف[×] به همراهان زندانی خود که به آنان فرمود:

۲۸۲

مفردات ألفاظ القرآن ، ماده ر ب / ۱۸۲ ، چاپ تهران . دیگر لغویین مضمونی که راغب با تفصیل نسبی آورده بود ، با الفاظ و عبارتهای مختصرتری آورده‌اند . جوهری با لفظ اصلاح و تربیت می‌آورد : ربّ الضیعة ای اصلحها و اتمها و ربّ فلان ولده ای ربّاه . الصحاح ، ج ۱ ص ۱۳۰ . قیومی با لفظ سیاست و قیام به تدبیر تعبیر کرده است : «رب زید الامر ربّنا من باب قتل اذا ساسه و قام بتدبیره» ، المصباح المنیر ، ص ۲۵۹ .

۲۸۳

«ربّ کلّ شیء مالک» الصحاح، ماده رب ج ۱ ص ۱۳۰. «ربّ کلّ شیء مالک و مستحقّه ای صاحبه» (القاموس، ج ۱ ص ۷۳). الرب: المالك (الکشاف، ج ۱ ص ۵۳). و يطلق علی مالک الشیء (المصباح المنیر، ج ۱ ص ۲۵۹)؛ و نیز رجوع کنید به: لسان العرب، المحيط، تاج العروس فی اللغة و... گاه نیز لفظ رب، در جزء معنی که مالک تنها یا مدبّر تنها باشد، استعمال می‌شود، و این استعمال مجازی است.

۲۸۴

رجوع کنید به : میزان فی تفسیر القرآن ، ج ۱ ص ۱۹ ، تفسیر آیه ۲ از سوره اول قرآن کریم ؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، ج ۱ ص ۲۱ ، تفسیر همین آیه شریفه ؛ جوامع الجامع ، ج ۱ ص ۶ ؛ الکشاف ، ج ۱ ص ۸ ، ج مصر ، ۱۳۷۳ ، التنهیل العلوم التنزیل ، ج ۱ ص ۳۳ .

۲۸۵

راغب اصفهانی در ماده «رب» معنای اصطلاحی و معنای لغوی آن را خلط نموده، و از یکدیگر ممتاز نکرده است، زیرا مربّی شیء در طی مراحل تا رسیدن به درجه کمال از معنای ویژه ربّ در اصطلاح اسلامی است، در حالی که راغب آن را در معنای عام ربّ آورده است.

۱. {ءَأَرْيَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ}.

آیا مالکان چند گانه بهترند یا خدای یگانه پیروز؟^{۲۸۶}

۲. {وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ}.

و به آن کسی که می دانست رهایی می یابد گفت: مرا نزد مالک خود به یاد آر.^{۲۸۷}

«رب» آن جا که مطلق آمده و به چیزی اضافه نشده، مراد از آن خدای متعال است، چنان که در قرآن کریم آمده:

{بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ}.

سرزمینی پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده.^{۲۸۸}

بنابر آنچه آوردیم، «رب» در لغت عرب و اصطلاح اسلامی هر دو، به معنای مالک و مربی آمده است، اضافه بر آن، در اصطلاح اسلامی معنای بیان گذار نظام زندگی در طی مراحل پرورش، تا رسیدن به درجه کمال،^{۲۸۹} بر معنای مربی افزون شده، و معنای مربی کامل گردیده، و «رب» اصطلاحی دو معنی پیدا کرده، یا معنای آن دارای دو بخش است.

راغب اصفهانی در ذیل ماده «قرء» می گوید:

هر اسمی که برای دو معنی در کنار هم وضع شده باشد، هر گاه تنها آورده شود، به هر یک از آن دو اطلاق می گردد، مانند «مائده» که برای سفره و غذا با هم وضع شده، ولی به هر یک از آن دو، به تنهایی نیز، «مائده» گویند.

معنای «رب» در لغت عرب نیز این گونه است، گاهی به معنای مالک و گاهی به معنای مربی است، و در اصطلاح اسلامی نیز، گاهی به معنای مالک تربیت کننده، و گاهی در بخشی از معنای آن، یعنی: بانی و قانونگذار نظام زندگی استعمال شده است، مانند سخن خدای متعال که فرموده:

{اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ}.

[یهود و نصاری] دانشمندان و راهبان خود را قانونگذارانی در برابر خدا قرار دادند.^{۲۹۰}

۲-۴-رب العالمین و انواع هدایت

بحث «رب العالمین» به بخش های زیر تقسیم می شود:

الف. شرح و بیان معنی «رب العالمین».

ب. انحصار آن در خدای جلیل.

ج. بیان انواع چهارگانه هدایت از سوی رب العالمین به شرح زیر:

۲۸۶ . سوره یوسف، آیه ۳۹ .
۲۸۷ . سوره یوسف، آیه ۴۲ .
۲۸۸ . سوره سبا، آیه ۱۵ .
۲۸۹ . واژه «رب» همانند واژه «صلاة» است که در لغت عرب به معنای هر گونه دعا است، و در شریعت اسلام به معنای «صلاة معروف» یعنی «نماز» است.
۲۹۰ . سوره توبه، آیه ۳۱ .

۱. هدایت فرشتگان که مرگ و زندگی و اراده و عقل دارند، و نفس اماره بالسوء ندارند، هدایت به وسیله آموزش مستقیم از سوی خداوند.

۲. هدایت انسان و جن که مرگ و زندگی و اراده و عقل و نفس اماره بالسوء دارند، هدایت به وسیله پیامبران با آموزش و بیم دادن.

۳. هدایت حیوانات دارای مرگ و زندگی و اراده که عقل و نفس اماره بالسوء ندارند، هدایت به وسیله الهام غریزی.

۴. هدایت موجودات بی جان و بی اراده، مسخرات.

نخست - معنای ربّ العالمین در قرآن کریم

خدای متعال فرموده:

{بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾}

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى }.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

منزه شمار نام «رب» بلند مرتبهات را، خداوندی که آفرید و منظم کرد، همو که اندازه گیری کرد و هدایت نمود، و او که چراگاه را به وجود آورد، سپس آن را خشک و تیره قرار داد.^{۲۹۱}

۲. { رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى }.

پروردگار ما همه کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است؟^{۲۹۲}

۳. { وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا }.

همه چیز را آفرید و به دقت اندازه گیری نمود.^{۲۹۳}

۴. { وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

﴿٥﴾ قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٦﴾ }.

و علم اسماء [= اسرار آفرینش] را همگی به آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید اسمی اینها را به من خبر دهید!

فرشتگان گفتند: منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده ای، نمی دانیم؛ تو دانا و حکیمی.^{۲۹۴}

۲۹۱ . سورة اعلی، آیه ۱ - ۵ .

۲۹۲ . سورة طه، آیه ۵۰ .

۲۹۳ . سورة فرقان، آیه ۲ .

۲۹۴ . سورة بقره، آیه ۳۱ و ۳۲ .

ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از خود شما به نزدتان نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو کنند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم دهند؟! ^{۲۹۹}

گفتند: [آری] بر ضد خود گواهی می‌دهیم؛ و زندگی دنیا آنان را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند! ^{۲۹۹}

۱۰. {وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِينَ ﴿۲۱﴾ قَالُوا يَنْقُومَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۲۲﴾ يَنْقُومَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَءَامِنُوا بِهِ ۗ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيَجْزِيكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۲۳﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۲۴﴾}

و هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم تا قرآن را بشنوند؛ و چون حضور یافتند به یکدیگر گفتند: خاموش باشید! و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنان را بیم دادند! و گفتند: ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، در حالی که کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند، به سوی حق و راه راست هدایت می‌نماید. ای قرم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی دردناک پناه دهد! و هر کس دعوت کننده الهی را اجابت نکند، هرگز نمی‌تواند از عذاب الهی در زمین فرار کند، و غیر از خدا یابوری ندارد، اینان در گمراهی آشکارند! ^{۳۰۰}

۱۱. {قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿۱﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿۲﴾ وَأَنَّهُ تَعَلَّىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿۳﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَاقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿۴﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿۵﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿۶﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿۷﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجدْنَهَا مِائَتَ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿۸﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿۹﴾ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ بِيَمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

﴿١٠﴾ وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرِيقَ قَدَدًا ﴿١١﴾ وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ؕ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ؕ فَلَا تَخَافُ خَضًّا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ ﴿١٤﴾ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٥﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٦﴾ وَأَلْوِ اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لِأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٧﴾ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ؕ وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٨﴾.

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده و گفته‌اند: ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم که به راه راست هدایت می‌کند، پس ما به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نمی‌دهیم! و اینکه بلند است مقام پروردگار ما، و او هرگز همسر و فرزندی انتخاب نکرده است! و این سفیه ما [= ابلیس] بود که در باره خداوند سخنان ناروا می‌گفت! و ما گمان می‌کردیم که انس و جن هرگز بر خدا دروغ نمی‌بندند! و اینکه مردانی از انس به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنان بر گمراهی و طغیانشان افزودند! و آنان همچون شما، گمان کردند که خداوند هرگز کسی را مبعوث نمی‌کند!

و ما آسمانها را جستجو کردیم و همه را پر از محافظان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم! و ما پیش از این به استراق سمع در آسمان‌ها می‌نشستیم؛ اما اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می‌یابد! و ما نمی‌دانیم آیا اراده شری در باره اهل زمین شده یا پروردگارشان خواسته است آنان را هدایت کند؟! و در میان ما افراد صالح و غیر صالح وجود دارد، و ما گروه‌های متفاوتی هستیم! و ما یقین داریم که هرگز نمی‌توانیم بر اراده خداوند در زمین غالب شویم و نمی‌توانیم از ید قدرت او بگریزیم! و ما آنگاه که هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان آورد، از نقصان و ظلم نمی‌هراسد!

و این که گروهی از ما مسلمان و گروهی ظالمند، پس هر که اسلام آورده، راه رشد و برتری را یافته است، اما ستمگران همیشه دوزخند! و اگر آنان [= جن و انس] در راه اسلام پایداری کنند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم! با این هدف که آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد!^{۳۰۱}

۱۲. {وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا ۚ تَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾}.

و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [= الهام غریزی] نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم بالا می‌برند، خانه‌هایی برگزین! سپس از تمام ثمرات بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، رام و هموار ببیما! از درون آنها شربتی با رنگ‌های مختلف بیرون می‌آید که در آن، شفای مردمانست؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند. ۳۰۲

۱۳. {إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝}

پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان پرداخت، شب را - که با سرعت به دنبال روز است - بر روز می‌پوشاند؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید؛ که مسخر فرمان اویند. آگاه باشید که آفرینش و تربیر از آن اوست! بلند مرتبه و مبارک است خداوندی که پروردگار جهانیان است.
دوم - انحصار ربوبیت در خدای ذولجلال
خدای سبحان در این باره فرموده:

۱. {إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۗ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٤﴾ ... ﴿٦٥﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ...}.

پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت، و به تدبیر کار پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، چیز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس از را پرستش کنید! آیا متذکر نمی‌شوید؟! ...

اوست که خورشید را روشنگر، و ما را تابنده قرار داد و برای آن منزل‌گاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سال‌ها و حساب را بداند. ۳۰۳

۲. {قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰۱﴾
وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامًا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ﴿۱۰۲﴾ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ
إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿۱۰۳﴾ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ
سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا ﴿۱۰۴﴾ وَزَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ
الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱۰۵﴾}

بگو: آیا شما به آن کس که زمین را در دو روز آفرید کفر می‌ورزید و برای او هانندهایی قرار می‌دهید؟! او پروردگار جهانیان است! او که در چهار روز بر گرده زمین کوه‌های استواری قرار داد و در آن برکت و فزونی بخشید و مواد غذایی را برابر با نیاز خواستاران در آن جای داد! سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که به صورت دود بود؛ به آن و به زمین دستور داد: به وجود آید، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه. آنها گفتند: ما از روی اطاعت می‌آییم! پس آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و در هر آسمانی کار آن را وحی فرمود، و آسمان پایین را با نور دهنده‌ها آراستیم و از رخنه شیاطین حفظ کردیم؛ این است تقدیر خداوند توانا و دانا! ۳۰۴

شرح کلمات

۱. سَبَّحَ: نَزَّه، یعنی خدا را به پاکیزه‌ترین وجه یاد کرد، یا «سبحان الله» گفت، یعنی خدا را از هر گونه نقص و آلودگی مبرا دانست. تسبیح به معنای مطلق عبادت و پرستش در رفتار و کردار و نیت نیز آمده است.

۲. اسم: اسم، چنان که در گذشته آوردیم، دو معنی دارد:

الف. لفظی که برای نام گذاری بر اشیاء می‌نهند، مانند: «مکه» نشان شهری که قبله مسلمانان، کعبه، در آن است؛ و «قرآن»، نشان کتابی که خداوند بر خاتم انبیاء فرستاده است.

ب. اسم الشیء، یعنی صفات ویژه هر چیز که حقیقت آن را روشن می‌کند. مراد از اسم در آیه همین معنی است.

۳. رَبَّكَ: پروردگار تو، نظام دهنده و قانون گذار چنان که گذشت.

۳۰۳ . سورة یونس، آیات ۳ و ۵ .
۳۰۴ . سورة فصلت، آیات ۹ - ۱۲ .

۴. اعلی: برتر، و در آیه یعنی خدا برتر از آن است که با چیزی مقایسه شود.

۵. خَلَقَ: آفرید، تفسیر خَلَقَ را در آنچه خداوند از زبان موسی به فرعون بیان می‌دارد می‌جویم: پروردگار ما آن کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است.^{۳۰۵} یعنی پروردگار ما همه چیز را دقیق و میزان و کامل آفریده است.

۶. سَوَى: اندازه کرد و سامان داد، یعنی متعادل و میزان و پیراسته از کژی و کاستی آفرید، تسویه هر چیز، سامان دادن به آن در مسیر کمال و استعدادی است که برای آن ایجاد گردیده است.

خداوند در سوره انفطار فرموده: «ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟! همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت؟!»^{۳۰۶} در این آیه هر دو معنای: به سامن کردن و در مسیر کمال بردن، مورد توجه است. تسویه خلق یا به سامان کردن او چهار گونه است:

نخست. تسویه و به سامان کردن انسان: انسان ابتدا از نطفه آفریده می‌شود، و در مراحل معینی از آفرینش، خلقت اولیه او در دوران جنینی‌اش به پایان می‌رسد، و خداوند تمامی اعضاء و جوارحی را که به وسیله آنها هدایت می‌یابد، مانند: گوش و چشم و دیگر حواس گیرنده دانش را، به وی می‌بخشد، و قوای فکری و مغزی‌اش را به باید خزینه معلومات او گردد، و عقل و خردش را که با آن درست و نادرست دانسته‌ها را جدا می‌کند، در سرنوشت او جایگزین می‌نماید، و قابلیت داد و ستد دانسته‌ها را جدا می‌کند، در سرشت او جایگزین می‌نماید، و قابلیت داد و ستد دانسته‌ها باهم‌تایان خود را به وسیله زبان و قلم در او ایجاد می‌کند، چنان که فرموده:

۱. { خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۚ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۖ }.

انسان را آفرید، و سخن گفتن را به او آموخت.^{۳۰۷}

۲. { أَقْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۖ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۖ أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۖ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۖ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ }.

بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از خون بسته خلق کرد. بخوان که پروردگارت بزرگوارتر است. آن که به وسیله قلم آموزش داد، و به انسان آنچه را نمی‌دانست تعلیم نمود.^{۳۰۸}

۳۰۵ . سوره طه، آیه ۵۰ .
۳۰۶ . سوره انفطار، آیات ۶ و ۷ .
۳۰۷ . سوره الرحمن، آیات ۳ و ۴ .
۳۰۸ . سوره علق، آیات ۱-۵ .

یاد گرفتن و یاد دادن به وسیله بیان و قلم موهبتی است که خدای جلیل تنها انسان را به آن دو ویژگی بخشیده است.

دوم. بسامانی حیوان: تسویه و سامان دادن حیوان در آفرینش با ایجاد غریزه در او پایان می‌پذیرد، غریزه‌ای که بتواند به وسیله آن چگونه زیستن را، متناسب با سرشت حیوان خویش، تنظیم نماید.

سوم. بسامانی در مسخرات خلقت: خدای سبحان فرموده:

۱. {وَسَخَّرُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ}.

خورشید و ماه را مسخر کرده، هر یک تا سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند؛ این است خداوند، پروردگار شما.^{۳۰۹}

۲. {وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْخَرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ}.

خورشید و ماه و ستارگان مسخر فرمان اویند، آگاه باشید که آفرینش و تدبیر از آن اوست، بلند مرتبه و مبارک است خدا، پروردگار جهانیان.^{۳۱۰}

چهارم. بسامانی فرشتگان: سامان دادن فرشتگان به این است که خدای متعال آنان را به گونه‌ای سرشته که: {لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}. هیچ‌گاه از فرمان خدا سرباز نمی‌زنند و هر چه را بدان مأمور شوند اجرا می‌نمایند.^{۳۱۱}

معنای کامل تسویه و سامان دادن مادی در تفسیر: قدر فهدی در ضمن تفسیر آیات آینده می‌آید.

۷. قدر: اندازه کرد، تقدیر و اندازه کردن خداوند در مواردی که ما به دنبال تفسیر آن هستیم یعنی: نظام زیست هر چیزی را به گونه‌ای تنظیم کرد که با سرنوشت او تناسب و هم‌خوانی داشته باشد، چنان که فرموده: {وَوَخَّلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا}. همه چیز را آفرید و بسیار دقیق اندازه کرد.^{۳۱۲}

۸. هدی: هدایت کرد، هدایت کردن آفریدگان از سوی خداوند چهار گونه است:

الف. آموزش دادن.

ب. الهام غریزی.

۳۰۹ . سوره فاطر، آیه ۱۳ .
۳۱۰ . سوره اعراف، آیه ۵۴ .
۳۱۱ . سوره تحریم، آیه ۶ .
۳۱۲ . سوره فرقان، آیه ۲ .

ج. مسخر ردن.

د. تبلیغ وحی به وسیله پیامبران.

تفسیر کامل دو کلمه: قَدَرَ و هَدَى در بخش تفسیر آیات خواهد آمد.

۹. عُتَاء: گیاه خشکی که از هم جدا گردد.

۱۰. أَحوی: گیاهی که از شدت سبزی به سیاهی می‌زند.

۱۱. وَحَى:

الف. وحی در لغت: وحی در لغت به معنای: اشاره ایماء، سخن گفتن آهسته و در گوشی، الهام، فرمان دادن و القای سخن می‌باشد.

ب. وحی در اصطلاح اسلامی: وحی در اصطلاح اسلامی کلام الهی است که آن را بر پیامبران خود القا می‌کند، چه

پیامبر فرشته وحی را ببیند و سخنش را بشنود، مانند پیام رساندن جبرئیل به خاتم انبیا با فقط سخن خدا را بشنود و

چیزی را نبیند، به گونه‌ای که موسی × سخن خدا را می‌شنید، یا آن که به وسیله رؤیا در خواب باشد، چنان که خداوند از

قول ابراهیم × به فرزندش اسماعیل این گونه خبر داد: {إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْنُحُكَ}. من در خواب می‌بینم که تو

را ذبح می‌کنم.^{۳۱۳} و یا گونه‌های دیگری از وحی که تنها خدا می‌داند و پیامبرانش[^] آن را درک می‌کنند.

برخی از موارد استعمال "وحی در اصطلاح اسلامی" را که در قرآن کریم آمده، قریباً در بخش "وحی خداوند به

پیامبران"، آوردیم، اما استعمال وحی در معانی لغوی که در قرآن آمده چنین است:

۱. {فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا}.

[زکریا] از محرات عبادت به سوی قومش بیرون آمد؛ و به آنان "اشاره" کرد: صبح و شام خدا را تسبیح گوید!^{۳۱۴}

۲. {وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ}.

شیاطین به دوستان خود مطالبی را «القا» می‌کنند، یعنی در دل آنان خیالات بد و زشت می‌اندازند.^{۳۱۵}

۳. {وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ...}.

ما به مادر موسی «الهام» کردیم که: او را شیر بده و...^{۳۱۶}

۴. {وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّخْلِ}.

۳۱۳ . سورة صافات، آية ۱۰۲ .
۳۱۴ . سورة مریم، آية ۱۱ .
۳۱۵ . سورة انعام، آية ۱۲۱ .
۳۱۶ . سورة قصص، آية ۷ .

پرورگار تو به زنبور عسل «الهام» کرد.^{۳۱۷} یعنی زنبور عسل را با الهام غریزی بر این گونه زیستن هدایت فرموده، زیرا خداوند به مقتضای ربوبیتش در هر صنفی از اصناف حیوانات، غریزه‌ای نهاده که او را متناسب با سرنوشت و فطرتش را می‌برد.

۱۲. اِسْتَوَى: چیره گشت، کلمه استوی هر گاه با «علی» متعدی شود به معنای استیلا و چیرگی است. چنان که در بحث صفات ربّ می‌آید.

۱۳. عَرْش: عرش در لغت جای بلند سر پوشیده است، تخت پادشاه را نیز به اعتبار بلندیش عرش گویند، و آن را کنایه از قدرت و سلطه و حکومت می‌دانند. در لسان العرب آمده: ثَلَّ عَرْشَهُمْ، یعنی: خداوند سلطنت آنان را نابود کرد.^{۳۱۸}

۱۴. ضیاء: آنچه از اجسام نورانی پخش می‌گردد، از نور قوی‌تر و فراگیرتر است، ضوء، روشنی بخش است، مانند: نور خورشید و آتش، و نور، روشنی را از غیر خود می‌گیرد، مانند نور ماه.

۱۵. أمر: امر دو معنی دارد: الف_ خواستن انجام کار که ضد نهی است و جمع آن اوامر. ب_ شأن و کار و حال، که جمع آن امور است.

۱۶. سَخَّرَ: رام کرد، خاضع و ذلیل نمود، و آن را در مسیر هدف معینی روانه ساخت. مسخَّر: آنچه با قهر و زور رام می‌گردد.

۱۷. رواسی: جمع راسی، کوه ثابت و استوار و پا بر جا.

تفسیر آیات

تفسیر مشروح آیات را برای تفسیر کلمات قَدَّرَ فهدای می‌آوریم:

الف. تفسیر قَدَّرَ: خداوند عزیز در آیات سوره فصلت، آفرینش را منحصر و مخصوص ذات اقدس خود "رب العالمین" دانسته، سپس به بیان سامان دادن و چگونگی تقدیر نظام و ادامه بقای آن پرداخته و فرموده:

{وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ}.

او در چهار روز بر گرده زمین کوه‌های استواری قرار داد، و در آن برکت و فزونی بخشید و مواد غذایی را برابر با نیاز خواستاران در آن جای داد.^{۳۱۹}

و در باره آسمان فرموده: ایجاد آن به صورت هفت آسمان را در دو روز به پایان برده است، و در هر آسمانی کار آن را وحی فرموده، و آسمان دنیا را با نور دهندگان آراسته، و اینها همه را از تقدیر و سامان دادن پروردگار عزیز دانا شمرده است.

در باره این که چگونه فرمان پروردگار، برای ادامه بقا بر وفق نظام آفرینش به آنها صادر شد، فرموده است:

{إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ}.

^{۳۱۷} . سوره نحل، آیه ۶۸.

^{۳۱۸} . به ماده «عرش» مفردات راغب، معجم الوسيط و قاموس قرآن مراجعه شود.

^{۳۱۹} . سوره فصلت، آیه ۱۰.

پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت و به تدبیر کارها پرداخت. ۳۲۰

تدبیر امر آنها، یعنی تربیت و پرورش آنها پس از آفرینش، و این که پروردگار شما انسان‌ها تنها اوست، پس فقط او را عبادت کنید، خداوند پس از آن، اندکی تفصیل داده و فرموده: این پروردگار همان است که خورشید را روشنگر، و ماه را تابنده قرار داد، و برای آن منزلگاه‌ها تعیین فرمود.

پس، از این آیات چنین بهره بردیم که: قدره تقدیراً، یعنی: برای آن نظام مدبرانه معین و بسامان قرار داد.

ب. هدی: در سوره فصلت و یونس که سخن از ربوبیت خدا برای آسمان‌ها و زمین و ماه و خورشید است، ذکر "تربیت رب" نیز تنها در باره آنها آمده، ولی در سوره "اعلی" که سخن از تربیت همه مخلوقات است، و فرمود: {الَّذِي خَلَقَ

فَسَوَّيْ ۝ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ۝}. مرادش این است که، پروردگاری که این مخلوقات را آفریده، خود او نیز آنها را بسامان کرده، و با تقدیری که برای زیستی هر یک از انواع و اصنافشان قرار داده آنها را برای پذیرش هدایت آماده ساخته است، و برای نمونه، چراگاه حیوان را مثال زده و قریب به این مضمون فرموده: پروردگار تمام مخلوقات همان کسی است که چراگاه حیوان را از دل زمین بیرون آورد، و آن را تا رسیدن به درجه کمال وجودی‌اش پرورش داد تا به سبزی شدید متمایل به سیاهی رسید، سپس آن را به همان سبزی شدید خشکانید! خدای سبحان چگونگی هدایت اصناف چهار گانه خلق را در آیات فراوان دیگری بیان فرموده که در بحث آینده می‌آوریم.

۳-۴-انواع هدایت رب العالمی برای اصناف خلق

در این بخش که انواع هدایت الهی، برای اصناف موجودات را، بررسی می‌کنیم، بحث را به ترتیب زمان آفرینش آنها پی می‌گیریم. خداوند ابتدا فرشتگان را آفرید زیرا آنها سپاه خدا در خلق، و حاملان عرش ربوبی هستند، پس از آن به آفرینش زمان و مکان و آسمان و زمین پرداخت، و هر چه مورد نیاز جانداران آن بود، از آب و گیاه و سایر مایحتاج، در اختیارشان قرار داد. سپس جن و حیوان را آفرید و انسان را پس از خلق همه نیازمندی‌هایش به دنیا آورد. شرح انواع هدایت «رب العالمین» برای اصناف مذکور را به ترتیب زیر پی می‌گیریم:

نخست. آموزش مستقیم فرشتگان

خداوند متعال در باره فرشتگان فرمود:

{وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً ۗ قَالُوْۤا اَتَجْعَلُ فِیْهَا مَنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَیَسْفِكُ
الدِّمَآءَ وَیَخُنُّ نُسُبَہُمْ وَیُفْسِدُ سُبُوٰلَہُمْ اَیْۤاُنَہُمْ وَیُفْسِدُ فِی الْاَرْضِ کُلَّهَا ثُمَّ یَرْجِئُہُمْ عَلَیْہَا یَوْمَ الْقٰیٰمَةِ ۗ قَالَ اِنِّیْۤ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝۱۰۱} وَعَلَّمَ آدَمَ الْاَسْمَآءَ کُلَّهَا ثُمَّ
عَرَضَہُمْ عَلَی الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْبِئُوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ کُنْتُمْ صٰدِقِیْنَ ۝۱۰۲} قَالُوْۤا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا بِاِلَآ

مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣١﴾ قَالَ يَتَّبِعُكُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٢﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٣﴾

و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم. فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

سپس علم اسماء [= اسرار آفرینش] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید اسمی اینها را به من خبر دهید! گفتند: منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما آموزش داده‌ای نمی‌دانیم، تو دانا و حکیمی. فرمود: ای آدم! آنان را از اسمی [= حقایق] این موجودات آگاه کن. و هنگامی که آنان را آگاه کرد، فرمود: آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمانها و زمین را می‌دانی؟! و نیز می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید، و آنچه را پنهان می‌داشتید! و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید! همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، و از کافران شد.^{۳۲۱}

شرح کلمات

۱. خلیفه و خلیفه الله فی الأرض.

الف. خَلَفَ: خَلَفَ زید عمرًا، یعنی: زید بعد از عمر آمد، یا زید بعد از عمرو به اداره امور پرداخت.^{۳۲۲} معنای اول مانند

این آیه: {فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ} یعنی: بعد از آنان فرزندان آمدند.^{۳۲۳}

و معنای دوم مانند: {وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي} یعنی: موسی به برادرش هارون گفت بعد

از من [در نبود من] به اداره و اصلاح امور قومم پرداز.^{۳۲۴}

ب. خِلَافَةٌ: جانشینی از غیر به خاطر غیبت، مرگ، ناتوانی، و یا برای بالا بردن مقام جانشین.

ج. خلیفه: کسی که به خاطر مرگ و ناتوانی و غیبت، یا رفعت مقام، جانشین دیگری می‌شود. معنای اول مانند:

{وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ} به یاد آرید هنگامی را که خداوند شما را جانشینان قوم نوح

قرار دارد.^{۳۲۵}

۳۲۱ . سورة بقره، آیات ۳۰ - ۳۴ .

۳۲۲ . معجم الفاظ القرآن الکریم، ماده: خلف.

۳۲۳ . سورة اعراف، آیه ۱۶۹، و نیز ماده: خلف از مفردات راغب.

۳۲۴ . سورة اعراف، آیه ۱۴۲ .

۳۲۵ . سورة اعراف، آیه ۶۹ و نیز ماده: خلف از مفردات راغب.

و معنای دوم مانند: {يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ} ای داوود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم.^{۳۲۶} و مانند سخن رسول خدا:

اللهم ارحم خلفايي! اللهم ارحم خلفايي! اللهم ارحم خلفايي! قيل له: يا رسول الله من خلفاؤك؟ قال: الذين يأتون من بعدي يروون حديثي و سنتي.

خدایا جانشینان مرا ببخشای! خدایا جانشینان مرا ببخشای! خدایا جانشینان مرا ببخشای! گفته شد: ای رسول خدا جانشینان شما کیانند؟ فرمود: کسانی که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا روایت می کنند.^{۳۲۷}

با مراجعه به روایات دانسته می شود که خلیفه خدا، یا پیامبر است و یا وصی پیامبر که خداوند او را برای هدایت مردمان به شرایع آسمانی، تعیین فرموده است. شرح آن، به یاری خدا، در مبحث "رسولان الهی" می آید.

۲. سَجَدَ: خضوع کرده سجده یعنی خضوع و فروتنی، و در باره انسان، پیشانی را بر زمین نهادن بر آن افزوده شده است.

معنای اول، خضوع و فروتنی، مانند: {وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلْنُهُمْ بِالْغُدُوِّ

وَالْأَصَالِ}. یعنی: تمامی کسانی که در آسمانها و زمین هستند، و سایه هاشان از روی اطاعت یا اکراه هر صبح و عصر، برای خدا سجده [= خضوع و فروتنی] می کنند.^{۳۲۸}

{سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ}.

نشانه آنان در چهره هاشان از اثر سجده نمایان است.^{۳۲۹}

خلاصه تفسیر آیات

خداوند ایمان به فرشتگان را در ردیف ایمان به خدا و روز قیامت و کتاب های آسمانی و پیامبران قرار داده، و دشمنی با اینان. آنان را بندگان خاص خود شمرده، بندگان که تسبیح گوی پروردگار خویشند، برای اهل زمین طلب آمرزش می کنند، و هر چه را خداوند فرمانشان دهد انجام می دهند.

خداوند از اینکه فرشتگان را از چه آفریده، یاد نکرده - در برخی روایات آمده که آنان را از نور آفریده -^{۳۳۰} تنها خبر داده که برای آنان بال های: دوتایی، سه تایی و چهارتایی قرار داده، و اینکه هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، و آنان به شکل انسان در می آیند و مأموریت خود را اجرا می کنند و شناخت کیفیت و چگونگی بال فرشتگان - با مقایسه آنها به بال پرندگان - برای ما ممکن نیست، زیرا فرشتگان مانند پرندگان اجسام مادی نیستند، و با ابزارهای شناختی که ما انسان ها در

۳۲۶ . سورة ص، آية ۲۶ .
۳۲۷ . معانی الأخبار صدوق، ص ۳۷۵ - ۳۷۴ .
۳۲۸ . سورة رعد، آية ۱۵ .
۳۲۹ . سورة فتح، آية ۲۹ .
۳۳۰ . صحیح مسلم کتاب زهد، باب احادیث متفرقه، ص ۲۲۹۴ و مسند احمد، ج ۶، ص ۱۵۳ و

اختیار داریم، یعنی شناخت حسی اجسام، راهی به درک حقیقت آنان، جز راه نقل، نداریم، همان‌گونه که شناخت شهرهای ندیده، و سرزمین‌های دور از ما تنها از راه شنیدن میسر است، با این تفاوت که ما می‌توانیم محسوسات را با همانندشان مقایسه کنیم، و با نتیجه‌گیری عقلی، درستی و نادرستی شنیده و گوینده را به داوری بنشینیم - در این جا مجال شرح آن نیست - ولی قیاس عالم نادیده به آنچه در دنیای مادی ماست امکان ندارد.

خدای متعال، در ضمن گزارش حال فرشتگان، فرموده: خداوند هر چه را که فرشتگان می‌بایست بدانند، به آنان آموخته است، آموزشی که بناچار باید در حدود مأموریت و وظایف آنان باشد. و نیز، آنان را از اینکه می‌خواهد در روی زمین خلیفه قرار دهد آگاه کرده، و آدم ابوالبشر را به آنان نشان داده است. و فرموده فرشتگان گفتند:

{أَجْعَلْ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ} ^ط

آیا در زمین کسی را قرار می‌دهی که فساد و خون‌ریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را

تقدیس می‌کنیم. ^{۳۳۱}

در روایات آمده که فرشتگان این سخن را از آن رو گفتند که خداوند قبل از آدم x مخلوقاتی را در زمین آفریده بود که خون‌ریزی و فساد می‌کردند، و به خاطر همین کارها خداوند آنان را نابود کرد. فرشتگان حالت مخلوق جدید را به آنچه از مخلوق قبلی خدا دیده بودند مقایسه کردند.

پاسخ خداوند به آنان این بود که: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید! سپس آدم را آفرید، و همه اسامی، یعنی حقایق اشیاء همه را به او یاد داد. زیرا اسماء در این جا جمع اسم به معنای صفات ویژه شیء و بیان‌کننده حقیقت آن آمده، و این بدان خاطر است که خداوند، هر چه را در آسمان و زمین است به سود انسان مسخر فرموده، پس بناچار صفات و خواص آنها را نیز باید به او آموزش دهد. شرح آن در پایان این بحث می‌آید.

خداوند خواص همه مسخرات را به آدم آموخت تا با آنها به سود خود عمل نماید، و هر یک از فرشتگان را تنها نسبت به چیزی که برای انجام آن آفریده شده بود، آگاه کرد، مثلاً: فرشتگانی را که برای عبادت آفریده بود، چگونگی تهلیل و تسبیح و تکبیر برای خدا را آنگونه که سزاوار اوست، یاد داد، و فرشتگانی را که برای ثبت اعمال انسان آفریده بود، از چگونگی ثبت خیر و شر آدمی آگاه کرد، و به فرشتگان قبض روح کیفیت قبض آن را آموزش داد، و دیگران را آنچه برای آن آفریده شده بودند.

بنابراین، فرشتگان نمی‌توانستند آنچه را خداوند به آدم^x آموخته بود، درک نمایند، و هنگامی که خداوند از فرشتگان، از آن اسما و حقایقی که به آدم^x یاد داده بود پرسید، گفتند: منزهی تو! ما چیزی جز به آنچه به ما آموخته‌ای، نمی‌دانیم! خداوند به آدم^x دستور داد آنان را از آنچه خدا به او یاد داده آگاه کند، سپس ملائکه را فرمود برای آدم^x سجده کنند، هم سجده کردند جز ابلیس که سر باز زد و استکبار ورزید و ...

نتیجه آنکه: این صنف از خلق، یعنی فرشتگانی که خداوند آنان را در آسمان‌ها و زمین جای داده، و دارای مرگ و زندگی و عقل مدرک هستند، و هوای نفس ندارند، در مقام هدایت، آنان را همین بس که، آنچه را به خاطر آن آفریده شده‌اند فرا بگیرند تا در طول زندگی‌شان بدان قیام نمایند و آن را به اجرا گذارند. اما داستان پرسش آنان در اخبار سجده آدم^x بیش از این نیست که آنان نمی‌دانستند آدم برای چه آفریده شده، و هنگامی که این را به واسطه آدم^x دانستند، و او اسما و حقایق اشیاء را به آنان آموخت، دستورات خدا را اطاعت کردند، و برای آدم^x سجده نمودند مگر ابلیس که از سجده برای آدم^x سر باز زد، استکبار ورزید و از هوای نفس خود پیروی کرد.

بنابر این، هدایت فرشتگان با آموزش خداوند است، آموزش چیزی که از آنان خواسته است.

دوم - تسخیر مسخرات

در بحث هدایت تسخیری در این جا، تنها برخی از آیاتی را می‌آوریم که با صراحت می‌گوید خداوند این مسخرات را به سود انسان تسخیر کرده است، چنانکه فرموده:

۱. {وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}.

خداوند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را، از سوی خودش، برای شما مسخر ساخته، راستی را که در این کار، نشانه‌هاست برای آنان که می‌اندیشند.^{۳۳۲}

۲. {اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً}.

خداوندی که زمین را برای شما جایگاه امن و آرامش قرار داد، و آسمان را همچون سقفی برافراشت.^{۳۳۳}

۳. {الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ}.

آن کسی که زمین را مهد آسایش شما قرار داد، و برای شما در آن راه‌هایی آفرید که هدایت شوید.^{۳۳۴}

۳۳۲ . سوره جاثیه، آیه ۱۳ .
 ۳۳۳ . سوره مؤمن، آیه ۶۴ .
 ۳۳۴ . سوره زخرف، آیه ۱۰ .

۴. {وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَكِيهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٣﴾}.

و زمین را برای خلائق آفرید، که در آن میوه‌ها و نخل‌های پر شکوفه است، و دانه‌های همراه با ساقه و برگ‌ها که به صورت گاه در می‌آید، پس کدامین نهمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟^{۳۳۵}

۵. {هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٤﴾}.

او خداوندی است که زمین را برای شما رام کرد، پس بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و [بدانید] بازگشت همه به سوی اوست.^{۳۳۶}

۶. {أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ ...}.

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است مسخر و رام شما کرد ...^{۳۳۷}

۷. {وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿١٥﴾}.

به یقین آدمیان را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا راه بردیم، و از پاکیزه‌ها به آنان روزی دادیم، و ایشان را بر بسیاری از آفریدگان برتری بخشیدیم.^{۳۳۸}

۸. {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿١٦﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآبِّينَ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿١٧﴾ وَءَاتَاكُمْ مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ ۗ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿١٨﴾}.

خداوندی که آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و با آن میوه‌ها را برای روزی شما بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را مسخر و رام شما گردانید، تا در دریاها به فرمان او حرکت کنند، و نهرها را مسخر شما نمود. و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در کارند - و شب و روز را، به سود شما مسخر ساخت. و از هر چه از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نهمت‌های خدا را بشمارید، هرگز شماره‌شان را در نیابید! راستی را که انسان، ستمگر و ناسپاس است.^{۳۳۹}

۳۳۵ . سوره رحمن، آیات ۱۰ - ۱۳ .
 ۳۳۶ . سوره ملک، آیه ۱۵ .
 ۳۳۷ . سوره حج، آیه ۶۵ .
 ۳۳۸ . سوره اسراء، آیه ۷۰ .
 ۳۳۹ . سوره ابراهیم، آیات ۳۲ - ۳۴ .

۹. {وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾ وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَّاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لِعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَّمَتِ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿١٦﴾}.

و بر خداست که راه راست را نشان دهد؛ اما برخی از راه‌ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد همه شما را هدایت می‌کند؛ او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد که نوشیدنی شما از آن است، و گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن می‌چرانید، نیز از آن است. خداوند با آن آب، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه‌ها می‌رویانند؛ مسلماً در این کار نشانه روشنی برای اندیشمندان است. او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت، و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند، همانا در این تدبیر نشانه‌هایی است برای گروهی که از عقل خود بهره می‌گیرند! و مخلوقاتی را که در زمین به رنگ‌های گوناگون به سود شما آفریده، در این آفرینش نشانه روشنی است برای آنان که پند می‌گیرند! او کسی است که دریا را رام کرد تا از آن، گوشت تازه بخورید، و زیور پوشیدنی بیرون بیاورید، و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما از فضل خدا بهره بگیرید، شاید شکر او را به جا آورید! و در زمین کوه‌های ثابت و استوار قرار داد تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد، و نه‌رها و راه‌هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید. و علاماتی قرار داد، و به وسیله ستارگان راه می‌یابند.^{۳۴۰}

۱۰. {وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَبِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ}.

و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید، در این، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند.^{۳۴۱}

۳۴۰ . سورة نحل، آیات ۹ - ۱۶ .
 ۳۴۱ . سورة نحل، آیه ۶۷ .

شرح کلمات

۱. سَخَّرَ: رام و خاضع کرد تا برای هدف مشخصی به کار گیرد. مسخَّر، یعنی آنچه با زور خاضع و رام شده است.
۲. أَكْمَام: جمع كِمٍّ: غلاف و پوشش میوه درخت و دانه زراعت.
۳. حَبّ: دانه؛ مراد از آن، گندم و جو و برنج است.
۴. عَصْف: برگ خشک، گاه و پوسته حبوبات.
۵. رِيحَان: گیاه خوشبو.
۶. آلاء: نعمت‌ها.
۷. ذلول: رام، مرکب سواری که پس از چموشی رام و آرام شده باشد.
۸. مَنَاقِب: جمع مَنَكِب، محل پیوند بازو و کتف انسان و غیر اوست. مَنَاقِبِ زمین، بنا بر تشبیه به شانه‌های شتر که بر جسته است به کوه‌ها تفسیر شده، و بنا بر تشبیه به پهلوهای آن که در دو طرف قرار دارد، به اطراف و نواحی زمین تفسیر گردیده است.
۹. دَائِبِينَ: تشبیه دائب، به معنای کوشنده دایم در کار، یعنی ماه و خورشید دایم در حرکتند و تا پایان جهان سستی نگیرند.
۱۰. تُسِيمُونَ: می چرانید، به چرا می‌برید.
۱۱. ذُرّاً: پدید آورد، از روی نو آوری بی سابقه، و بسط و گسترش داد.
۱۲. مَوَآخِر: جمع مَآخِرَة: کشتی شکافنده آب دریا.
۱۳. تَمِيدَ بَكْمٍ: شما را بلرزاند، مید: لرزش شدید مانند زمین لرزه است. یعنی کوه‌ها را در زمین قرار دادیم تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد.

نتیجه بحث

خداوند متعال، زمین و موجودات درون و برون آن، مانند: دریاها و رودها، درختان و گیاهان و معادن، آسمان و کهکشان‌ها، ماه و خورشید و ستارگان، همه را، برای انسان آفریده است، چنان که می‌فرماید: {وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ} . یعنی: هر چه در آسمان و زمین است، همه را از سوی خودش مسخَّر شما گردانید.^{۳۴۲}

خداوند این گونه مخلوقات را، با هدایت تسخیری، چنان ساخت که مطابق با نظامی که خود به مقتضای ربوبیتش برای آنها تعیین فرموده، حرکت کنند. این نوع از هدایت در قرآن کریم، بیشتر با لفظ «سَخَّر» و گاهی با عبارت «جَعَلَ» آمده است، مانند: جعل الشمس ضياءً و القمر نوراً یعنی: خورشید را روشنگر و ماه را تابنده قرار داد.

سوم. هدایت حیوانات با الهام غریزی

خداوند سبحان در سوره نحل می‌فرماید:

۱. {وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تَرْتَحُونَ
وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ
رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ﴿٨﴾ وَخَلَقُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾}.

و چهار پایان را آفرید؛ برای شما در آنها وسیله پوشش، و منافع دیگری است؛ و از شیر و گوشت آنها می‌خورید؛ و مایه
زینت و جمال شمایند: گاهی که آنان را باز می‌گردانید و هنگامی که به صحرا می‌فرستید! بارهای سنگین شما را، به جایی
که جز با مشقت زیاد به آن نمی‌رسید، حمل می‌کند. پروردگار شما مهربان و بخشایشگر است. اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها
را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد. و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید.^{۳۴۳}

۲. {وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَمِ لَعِبْرَةً ۖ نَسْتَكْمِرُكُمْ ۖ مِمَّا فِي بُطُونِهِ ۚ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبْنَا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِبِ ۚ
بِه راستی که در وجود چهار پایان برای شما عبرتی است: از آنچه در شکم آنهاست، از میان غذاهای جویده و خون، شیر

ناب گوارای نوشندگان، به شما می‌نوشانیم.^{۳۴۴}

۳. {وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّخْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنْ أَجْبَالِ بَيْوَتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿١٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ
الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ تَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٩﴾}.

پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم بالا می‌برند، خانه‌هایی برگزین!
سپس از تمام ثمرات بخور و راه‌های هموار پروردگارت را بیما! از درون شکم آنها شربتی با رنگ‌های گوناگون بیرون
می‌آید که در آن، شفای مردمان است. به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند.^{۳۴۵}

۴. {وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ ۖ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ ۚ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن
يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ ۚ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۗ}.

خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر
چهار پا راه می‌روند؛ هر چه را بخواهد می‌آفریند، خداوند بر همه چیز تواناست.^{۳۴۶}

۳۴۳ . سوره نحل، آیات ۵ - ۸ .
۳۴۴ . سوره نحل، آیه ۶۶ .
۳۴۵ . سوره نحل، آیه ۶۸ - ۶۹ .
۳۴۶ . سوره نور، آیه ۴۵ .

ه. {وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ ۚ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ}.

هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر آن که امت‌هایی مانند شما هستند، هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همه به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.^{۳۴۷}

شرح کلمات

۱. فَرَّطَ: آنچه در معده است.

۲. وحی خداوند ب حیوانات: الهام و هدایت غریزی به انجام کاری که زندگی و صلاح آنها به آن کار بسته است، و گاهی نیز با دقت و تیز بینی همراه است. کار حیوان تقریباً همانند کاری است که صنف تسخیر شده انجام می‌دهند.

۳. یعرشون: از ماده عرش به معنای داربست و سقف، یعنی بر بلندای داربست‌هایی که بالا می‌برند نیز، خانه بگیر.

۴. ذُلُّلاً: آرام و هموار.

نتیجه بحث

خداوند برای موجوداتی که در محدوده زیرین آسمان دنیا آفریده، موجوداتی که مرگ و زندگی و نفس حیوانی دارند ولی عقل ندارند، در فضا باشند یا در زمین، در درون آن باشند یا در دل دریاها، خداوند برای هر یک از انواع و اصناف آنها نظامی قرار داده که با ساختار فطری و حیات حیوانی‌اش تناسب دارد، و هر نوعی را به وسیله غریزه‌ای که در فطرتش نهاده، الهام فرموده که در زندگی براساس آن نظام حرکت کند. او خود چگونگی هدایت این گونه مخلوقات را، در خبری که از زندگی زنبور عسل می‌دهد، این‌گونه بیان فرموده است: پروردگار تو به زنبور عسل وحی نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم بالا می‌برند، خانه‌هایی برگزین! سپس از تمام ثمرات بخور و راه‌های هموار پروردگارت را بیما! از درون شکم آنها شربتی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن، شفای مردمان است. به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند.^{۳۴۸}

بنابر این، آنچه که زنبور عسل با مهارت و زیرکی انجام می‌دهد، و حکیمانه و دقیق می‌نماید، با الهام پروردگار ما، ربّ العالمین است. این بیان، نمونه‌ای توضیحی برای نوع هدایت این گونه جانداران است که در آیات (۵-۸) همین سوره، در باره صنف چهار پایان، و حکمت آفرینش و نظام زندگی، و نفعی که در آنهاست، از آن سخن رفته است؛ و تعبیر اوحی^۱ ربّک اشاره به آن دارد که، همان پروردگاری که زنبور عسل را هدایت کرده، تا در زندگی برابر با نظام تعیین شده متناسب با فطرتش سیر کند، همو پروردگار ماست که برای ما هم نظامی هماهنگ با فطرتمان، قرار داده است، فطرتی که ما را حکیمانه و مقتن بر آن سرشته است.

چهارم. آموزش انسان و جن به واسطه پیامبران

^{۳۴۷} . سوره انعام، آیه ۳۸.
^{۳۴۸} . سوره نحل، آیات ۶۸ و ۶۹.

انسان و جن مصداق سخن خدای متعال در آیات: خلق فسوی و قدر فهدی از سوره اعلی هستند.
 نخست- انسان: پروردگار عالمیان انسان را آفرید، و برای او نظام زندگی تعیین فرمود، و در ذات او، هم هوای نفس را قرار داد که به خواسته دل می‌رود، و هم عقل ممیز بخشید تا سود و زیان خود را با آن تشخیص دهد، و او را برای پذیرش هدایت از دو راه آماده کرد:

۱- از راه سخن گفتن با زبان، چه، سخن گفتن و تفاهم با دیگران را خداوند به انسان الهام فرموده است:

{ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ }^{۳۴۹}.

انسان را آفرید، و او را سخن گفتن آموخت.^{۳۴۹}

۲- از راه خواندن و نوشتن و نقل افکار، از انسانی به انسان دیگر و از نسلی به نسل بعد، چنانکه فرموده:

{ أَقْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ }^{۳۵۰} { الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ }^{۳۵۱} { عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ }^{۳۵۲}.

بخوان که پروردگارت بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم آموزش داد، و به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت.^{۳۵۰}

خدای سبحان پس از آن، نظام زندگی و قانون زیستن را متناسب با فطرت انسانی انسان برای او تعیین کرد. چنان که فرموده:

{ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا }.

روی خود را متوجه آیین ناب و استوار پروردگار کن! فطرت خداوندی که مردمان را بر آن آفریده.^{۳۵۱}
 خداوند با فرستادن وحی بر پیامبران، انسان را به سوی این دین که با فطرت او تناسب و سازگاری دارد هدایت کرده است. چنان که فرموده:

۱. { إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ }.

ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم ...^{۳۵۲}

۲. { شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى

أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ ... }^{۳۵۳}

دینی را برای شما تشریح کرد که به نوح سفارش کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم این بود که: دین را بر پا دارید و ...^{۳۵۳}

۳۴۹ . سورة الرحمن، آيات ۳ و ۴ .
 ۳۵۰ . سورة علق، آيات ۳ - ۵ .
 ۳۵۱ . سورة روم، آية ۳۰ .
 ۳۵۲ . سورة نساء، آية ۱۶۳ .
 ۳۵۳ . سورة شوری، آية ۱۳ .

خداوند این دینی را که بر پیامبران فرستاده، اسلام نامیده، چنان که فرموده:

{إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ}.

دوم. جن: خداوند جن را آفرید، و زندگی او را مانند انسان قرار داد، چه در سرشت او نیز هوای نفس است که به سوی خواسته دل می‌راند، و عقل است که سود و زیان خویش را با آن درک می‌کند. چنان که ما را از حال ابلیس که از جی بود با خبر ساخت و فرمود:

{وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهِ...}

هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس، که از جن بود و از فرمان پروردگارش بیرون شد...^{۳۵۴}

خداوند داستان ابلیس را در سوره اعراف مشروح‌تر بیان داشته و فرموده:

{وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّٰجِدِيْنَ ﴿۱۱﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اَمَرْتُكَ ﴿۱۲﴾ قَالَ اَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ ﴿۱۳﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُوْنُ لَكَ اَنْ تَتَكَبَّرَ فِيْهَا فَاخْرُجْ اِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِيْنَ ﴿۱۴﴾ قَالَ اَنْظِرْنِيْ اِلٰى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ ﴿۱۵﴾ قَالَ اِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ ﴿۱۶﴾ قَالَ فَبِمَا اَغْوَيْتَنِيْ لَاقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرٰطَكَ الْمُسْتَقِيْمَ ﴿۱۷﴾ ثُمَّ لَا تَجِدُنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ اَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شٰكِرِيْنَ ﴿۱۸﴾ قَالَ اَخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُوْمًا مَّدْحُوْرًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَآ مَلٰٓئِكَةٌ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۹﴾}

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: "برای آدم سجده کنید!" آنان همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. خداوند به او فرمود: در آن هنگام که به تو دستور دادم، چه چیز تو را از سجده باز داشت؟ گفت: "من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از گل!" فرمود: از آن مقام فرود آی! تو حق نداری در آن جا تکبر بورزی! بیرون شو که تو از افراد پست و فرومایه هستی! ابلیس گفت: مرا تا روزی که بر انگیخته می‌شوند مهلت ده! فرمود: تو از مهلت داده شدگانی! گفت: اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آنان کمین می‌کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آنان، به سراغشان می‌روم؛ و بیشتر آنان را شکر گزار نخواهی یافت! فرمود: از آن مقام، با ننگ و خواری، بیرون شو! سوگند که هر کس از آنان، تو را پیروی کند، جهنم را از همگی شما پر خواهم کرد.^{۳۵۵}

^{۳۵۴} . سوره کهف، آیه ۵۰ .

^{۳۵۵} . سوره اعراف، آیات ۱۱ - ۱۸ .

معلوم می‌شود هوای نفس در این موجود جنی سرکش بر خدای عزیز جبّار، از هوای نفس همه هواداران بیشتر و قوی‌تر است.

خداوند متعال در سوره جن از وجود هوای نفس در همه جنیان نیز خبر داده، و فرموده: اجنه در پیروی از هوای نفس به حدی پیش رفتند که استراق سمع سخنان فرشتگان می‌نشستند، و از این روش دست نکشیدند تا خاتم پیامبران | مبعوث گردید، و خداوند آنان را هدف شهاب‌های سوزان قرار داد. در روایت آمده که، آنان هر چه از فرشتگان می‌شنیدند برای کاهنان بازگو می‌کردند، و از روی ستم و انحراف دروغ‌هایی را برای آزار و اذیت آدمیان بر آن می‌افزودند.

خداوند از این روش نیز، در سوره جن، خبر داده و فرموده: **{فَزَادُوهُمْ رَهَقًا}**. یعنی: جنیان بر گمراهی آدمیان می‌افزودند! و از این که اجنه در پیروی از هوای نفس همانند آدمیانند، و در میان آنان مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد، نیز خبر داده است.

در سوره احقاف آمده است: گروهی از جنیان هنگامی که پیامبر اکرم | قرآن را تلاوت می‌کرد، حاضر شدند و آن را شنیدند و به سوی قوم خود بازگشتند و آنان را بیم دادند و گفتند: خداوند بعد از موسی x کتابی به نام قرآن فرستاده، و از آنان خواستند که به این کتاب ایمان آوردند همچنین در سوره جن از یکسانی دیدگاه برخی از جنیان با بعضی آدمیان در باره معاد، و گمان آنان به خدا، خبر داده که می‌گویند! خداوند هرگز کسی را در روز قیامت مبعوث نخواهد کرد! از تمامی آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که: در جن هم مانند انسان، دریافت عقلی و ادراک کامل وجوه دارد، و آنان سخنان انسان را می‌فهمند، و در یادگیری از راه سخن گفتن با انسان شریکند، این موضوع را به صورت آشکار، در داستانی که خداوند از مکالمه سلیمان x با آنان در آیات ۱۷ و ۳۹ سوره نمل آورده، در می‌یابیم.

بدین‌گونه، این دو صنف جن و انس، در همه حالات نفسانی مشترکند، همان‌گونه که در جولانگاه‌های رفتاری نیز مانند هم عمل می‌کنند، خدای سبحان در سوره سبا فرموده:

{يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ}

جنیان برای سلیمان هر چه می‌خواست انجام می‌دادند، محراب و تماثیل و ظروف بسیار بزرگ، می‌ساختند.^{۳۵۶} و در سوره انبیاء می‌فرماید:

{وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ}

برخی از شیاطین برای سلیمان غواصی می‌کردند، و گاهی غیر از آن نیز انجام می‌دادند.^{۳۵۷} خداوند این دو گروه جن و انس را در هدایت به اسلام، و فرستادن پیامبران به سوی آنان، برای بشارت و بیم دادن و آموزش، برابر دانسته، تا به خدای یگانه ایمان آورند و هیچ کس را شریک او نسازند، و به پیامبران و فرشتگان و قیامت و مشاهد و مواقف آن نیز ایمان بیاورند.

^{۳۵۶} . سوره سبا، آیه ۱۳ .
^{۳۵۷} . سوره انبیاء، آیه ۸۲ .

اما احکام اسلامی، آنچه که در باره آداب اجتماعی مانند: یاری رساندن به ناتوانان و نیازمندان مؤمنان، و ترک آزار دیگران، و مانند آنهاست، هر دو گروه در آن مشترکند، اما عبادات مانند: نماز، روزه، حج و دیگر احکام مربوط به جن، بناچار باید با حالات آنان سازگار باشد، چنانکه آدمیان نیز برخی با برخی دیگر در احکام اختلاف دارند، مانند احکام ویژه زن و مرد یا مریض، سالم، مسافر، مقیم و امثال آن.

نتیجه مباحث

خداوند فرشتگان را آفرید تا سپاهیان «الوهیت و ربوبیت» او باشند، چنانکه خود در آیات گذشته و آیاتی که از فرشتگان^{۳۵۸} یاد شده، از آن خبر داده، و بدین خاطر هم آنان را پیش از سایرین آفریده است. آنان زمانی که عرش خدا بر آب بود حاملان عرش بوده‌اند،^{۳۵۹} چنانکه در سوره هود فرموده:

{وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...}

او خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید؛ و عرش او بر آب قرار داشت...^{۳۶۰} و نیز، خدای سبحان آسمان‌ها را با هر چه در درون و برون آنهاست آفرید: فرشتگانی که می‌دانیم، و آن‌هایی که نمی‌دانیم و هر چه در زیر آسمان‌هاست از کهکشان‌ها و ستارگان و ماه و خورشید که می‌دانیم، و آنها که نمی‌دانیم و زمین را با آنچه بر روی آن است، و هر چه در درون دارد، از آب‌ها و گیاهان و معادن که در زندگی مفید است، و هر چه در بین آسمان‌ها و زمین است، از گازها و غیر آنها، آنچه را می‌شناسیم و آنها را که نمی‌شناسیم، همه این‌ها چیزهایی است که این اصناف سه گانه، یعنی: حیوان و جن و انسان، در زندگی نیازمند آنهایند، و حیوان را پیش از جن و انس آفرید، زیرا این دو صنف در زندگی به آن نیاز دارند، و جن را نیز پیش از انسان آفرید، چنان‌که خود در داستان آفرینش آدم فرموده: بعد از خلقت آدم × ملایکه را - که ابلیس جَنی هم در میان آنان بود - دستور داد تا برای آدم سجده کنند، سپس انسان را، بعد از آفرینش همه اصناف مخلوقات آفرید.

این‌ها اخبار اصناف چهارگانه مخلوقات خدای سبحان بود که از آیات قرآن کریم و روایات، به مقتضای ترتیب آن، استنباط کردیم. اما انواع هدایت آنها بدین قرار است:

چون خداوند "ربّ العالمین"، فرشتگان و جن و انس را عقل و ادراک بخشید، هدایت آنان را به دو گونه: آموزش مستقیم و آموزش غیر مستقیم، قرار داد، چنان‌که از قول فرشتگان خبر داده که در داستان خلقت آدم گفتند: سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا منزهی تو! ما چیزی جز آنچه به ما یاد داده‌ای نمی‌دانیم! و در باره صنف انسان فرموده: علم آدم الاسماء کلها خداوند همه اسامی [= اسرار آفرینش] را به آدم یاد داد، و فرموده: عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ به انسان آنچه را

^{۳۵۸} . به ماده: ملک معجم المفهرس قرآن کریم مراجعه شود.
^{۳۵۹} . مراد از عرش، محل سپاهیان خدا، فرشتگان کارگزار الوهیت و ربوبیت است که جایگاه آنان پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین بر روی آب بوده است.
^{۳۶۰} . سوره هود، آیه ۷.

نمی‌دانست یاد داد^{۳۶۱} و در باره جن، در داستانی که از خود آنان می‌آورد چنین است: آنان قرآن را یاد گرفتند، و به وسیله آن هدایت شدند، و این طمانی بود که تلاوت قرآن کریم را از رسول خدا شنیدند.

از آنجا که خدای سبحان صنف حیوان، و همه دواب و جنبندگان را، اندکی از ادراک بخشیده است، نوع هدایت برای هر یک از آنان، با الهام غریزی است. و چون سایر مخلوقات مانند: ستارگان و سیارات و جمادات، حتی اتم را چیزی از حیات و ادراک نداده است، هدایت آن‌ها هدایت تسخیری است، همان‌گونه که مشروح آن را در قرآن کریم بیان فرموده است.

فصل بنجم: برخی از صفات و اسماء رب العالمین

۱-۵- معنای اسم

"اسم" در اصطلاح قرآنی به معنای صفات و خواصّ اشیاء و بیان‌کننده حقیقت آنها است. بنابراین، آنجا که خدای متعال می‌فرماید: "وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا" خداوند علم اسماء را همگی به آدم آموخت.^{۳۶۲} معنایش این می‌شود که: خداوند علم خواصّ اشیاء و سایر علوم را همگی به آدم آموخت - جز علم غیب را که هیچ کس در آن با خدا شرکت نمی‌کند مگر کسی که او بخواهد و بخشی از اخبار نهران را در اختیارش بگذارد.

۲-۵- معنای رحمان و رحیم

در قرآن کریم برای خداوند متعال نام‌ها و صفات ویژه‌ای آمده که برخی از آنها آثار دنیائی، برخی آثار اخروی و برخی آثار هر دو سرائی دارند. از جمله این نام‌ها و صفات واژه‌های "رحمان و رحیم" اند که معنای آنها را بررسی می‌نمائیم:

در کتاب‌های لغت "رَحْمٌ و رَحْمَتٌ و مَرَحْمَتٌ" به معنای "مهربانی و نرمی و رقت قلب" آمده است. راغب در کتاب "مفردات الفاظ القرآن" در ماده "رحم" سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

رحمت: رقت قلبی و مهربانی است بگونه‌ای که باعث احسان به رحمت شده گردد. این واژه گاهی در معنای رقت صِرف، و گاهی در معنای احسان بدون رقت استعمال شده است: هنگامی که از رحمت خدای متعال سخن می‌گوئیم مقصود تنها احسان مجرد بی‌رقت است، و بدین خاطر در روایت آمده است: رحمتی که از سوی خدا باشد بخشش و بخشودن، و رحمتی که از سوی آدمیان باشد رقت و مهربانی است.

واژه "رحمان" ویژه خدای متعال است و معنای آن جز بر خدا راست نیاید، زیرا تنها اوست که رحمتش همه چیز را فراگرفته است.

^{۳۶۱} . سورة علق آیه ۵ .
^{۳۶۲} - بقره / ۳۰ .

واژه "رحیم" درباره خدا و غیر خدا استعمال می‌شود. خداوند درباره خود فرموده: "إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" خداوند آمرزنده مهربان است. و درباره پیامبر 7 فرموده: "لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ". براستی رسولی از شما بسویتان آمد که رنجهای شما بر او گران است. بر هدایت شما پای فشار و با مؤمنان رئوف و مهربان است.^{۳۶۳}

و نیز، گفته شده: خدای متعال رحمان دنیا و رحیم آخرت است. زیرا، احسان خداوند در دنیا عام است و شامل مؤمنان و کافران، و در آخرت مخصوص مؤمنان است. خداوند در سوره اعراف فرموده: "وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ". "رحمت من همه چیز را فراگرفته، و بزودی آن را ویژه کسانی می‌گردانم که تقوا پیشه کنند.^{۳۶۴} یعنی: رحمت من در دنیا برای مؤمنان و کافران هر دو است و در آخرت ویژه مؤمنان است. صاحب کتاب "تاج العروس" نیز در این باره سخنی دارد که فشرده آن چنین است:

"رحمان" نامی است مخصوص خداوند که به غیر او راست نیاید. زیرا، رحمت او همه موجودات را از طریق "خلق و رزق و سودرسانی" شامل است.

"رحیم" نامی است عام برای هر که به صفت رحمت متصف گردد. بعد گوید: این همان معنای سخن [امام] جعفر صادق U است که فرموده: "رحمان" اسمی خاص برای صفتی عام است و "رحیم" اسمی عام برای صفتی خاص.

مؤید آنچه گفته‌اند این است که، "رحیم" در چهل و هفت مورد از قرآن کریم با "غفور" و "بر" و "رئوف" و "ودود" قرین و همراه آمده است.^{۳۶۵}

واژه "رحمان" در سوره "الرَّحْمَن" اسم و صفت کسی آمده که انسان را پس از خلقت و آموزش بیان، با نعمت هدایت قرآنی گرامی داشته، و زمین را با هرچه در آن است از میوه‌ها و نخل‌ها و دانه‌ها و ریاحین برای بهره‌وری او آفریده است. سپس جن و انس را مخاطب ساخته و فرموده: "فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ" پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید! و پس از ارشاد به برخی نعمت‌های دنیائی، پاره‌ای نعمت‌های آخرت را یادآور شده و می‌فرماید: "وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ" و برای آن کس که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی خواهد بود. تا پایان سوره که می‌فرماید: "تَبَرَّكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ" خجسته و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو!

^{۳۶۳} - توبه/۱۲۸.

^{۳۶۴} - اعراف/۱۵۶.

^{۳۶۵} - به معجم الفهرس ماده "رحم" مراجعه شود.

از جمله آیاتی که در قرآن کریم از "عرش خدا" سخن گفته آیات زیر است:

۱ - در سوره هود می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ...

اوست خدائی که آسمانها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید و "عرش" او بر آب قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید...^{۳۶۶}

۲ - در سوره یونس فرموده:

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ...

پروردگار شما "الله" است همان که آسمانها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت و به تدبیر کار پرداخت...^{۳۶۷}

۳ - در سوره فرقان فرموده:

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَسَأَلْ بِهِ خَبِيرًا.

خداوندی که آسمانها و زمین و هرچه را میان آنهاست در شش روز [= دوران] آفرید، سپس بر عرش قرار گرفت، خدای رحمان، از او بخواه که از همه چیز آگاه است.^{۳۶۸}

۴ - در سوره غافر فرموده:

... الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ.

... آنان که عرش خدا را حمل می‌کنند و آنان که پیرامون آنند، پروردگارشان را تسبیح و ستایش کرده و به او ایمان دارند و برای مؤمنان [بدین گونه] آمرزش خواهند: پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است، پس کسانی را که توبه کرده و به راه تو آمده‌اند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ نگاه‌دار!^{۳۶۹}

۵ - در سوره زمر می‌فرماید:

۳۶۶ - هود/۷.
۳۶۷ - یونس/۳.
۳۶۸ - فرقان/۵۹.
۳۶۹ - غافر/۷.

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ نَحْمَدُ رَبَّهُمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و فرشتگان را می بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده اند و به ستایش پروردگارشان تسبیح گویند. میان آنان به حق داوری گردد و گفته شود: ستایش ویژه "الله" پروردگار جهانیان است!^{۳۷۰}
۶ - در سوره حاقه می فرماید:

... وَتَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ.

... آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته بر فراز آنها حمل می کنند.^{۳۷۱}
شرح کلمات

الْعَرْش: عرش در لغت جای سقف دار و جمع آن عروش است. تخت حکومت را به اعتبار بلندی جایگاه و عزت و شوکت حاکم عرش نامیده اند. عرش به معنای ملک و مملکت نیز آمده است. در کتاب *لسان العرب* گوید: «ثَلَّ اللهُ عَرْشَهُمْ» یعنی: خداوند آنان را نابود کرد.^{۳۷۲} شاعر عرب زبانی در این باره گفته است:

نُو مَرَوَانَ "ثَلَّتْ عُرُوشَهُمْ" ن: كَمَا أودَتْ إِيَادُ وِجْمِيرِ
د شد ملک مروانیان ت چون جَمِیر و ایدیان^{۳۷۳}

۲ - استنوی: الف - در کتاب "التحقیق فی کلمات القرآن" ماده "سوی" آمده است: معنای "استواء" به اقتضای محل، تغییر می کند؛ یعنی در هر جایی بر حسب حال و اقتضای آنجاست.

ب - در کتاب "مفردات راغب" آمده است: "استواء" هرگاه با "علی" متعدی شود معنای "استیلا" یعنی: چیرگی و استقرار یافتن می دهد، مانند: "الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى" خدای رحمان بر عرش تسلط و چیرگی دارد.
ج - در کتاب "المعجم الوسیط" آمده است: اینکه گفته می شود: "استنوی علی سریر الملک أو علی العرش"، بر تخت حکومت قرار گرفت یا بر کرسی سلطنت نشست، مقصود آن است که: اختیار مملکت را به دست گرفت.

اخطل شاعر در مدح بشر بن مروان اموی گفته است:

قد استوی بشرٌ علی العراق من غیر سیفِ اودمِ مهراق
بشر مملکت عراق را بدون شمشیر و خونریزی در اختیار گرفت.^{۳۷۴}

۳۷۰ - زمر/۷۵.
۳۷۱ - حاقه/۱۷.
۳۷۲ - به مفردات راغب و المعجم الوسیط ماده: عرش، و لسان العرب ماده: ثَلَّ مراجعه شود.
۳۷۳ - بحار (جلد ۵۸ ص ۷).
۳۷۴ - بشر بن مروان برادر عبد الملک مروان خلیفه اموی است که در سال ۷۴ هجری در بصره درگذشت. سرگذشت او را در تاریخ دمشق ابن عساکر می یابید.

تفسیر آیات

پس از آنکه دانستیم "رحمان و رحیم" در اسمای الهی از صفات "ربّ العالمین" است و هر یک را در دنیا و آخرت آثاری است، و دانستیم که "اسم" در اصطلاح قرآنی به معنای صفات و خواصّ اشیاء و بیان کننده حقیقت آنهاست و "عرش" در لغت عرب کنایه از حکومت و قدرت است، و نیز، دانستیم که "استواء" هرگاه با "علی" متعدی شود معنای "استیلا و چیرگی" می‌دهد، و اینکه گفته می‌شود: "استوی علی سریر الملک او علی العرش" بر تخت سلطنت یا بر عرش حکومت نشست، یعنی: "تولّی الملک" اختیار مملکت و حکومت را در دست گرفت. اکنون اگر به موارد هفت‌گانه‌ای که قرآن کریم از "استوای بر عرش" یاد کرده مراجعه کنیم می‌بینیم در همه آنها "استواء" با "علی" متعدی شده است، مانند:

"أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ" ^ط، بر عرش قرار گرفت و به تدبیر کار پرداخت ^{۳۷۵}

"ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ... يُدَبِّرُ الْأَمْرَ" ^ط، سپس بر عرش قرار گرفت... به تدبیر کار پرداخت. ^{۳۷۶}

در این آیات [بدون اشاره به نوع تدبیر] با صراحت می‌فرماید: بر عرش قرار گرفت و به تدبیر امر پرداخت. در سوره اعراف (۵۴) به انواعی از تدبیر نیز اشاره کرده و می‌فرماید: "أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ" ... "بر عرش قرار گرفت، با شب روز را می‌پوشاند... و در سوره حدید (۴) تدبیر کار را با کنایه آورده و می‌فرماید:

"أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا" ^ع بر عرش قرار گرفت، آنچه در زمین فرومی‌رود و آنچه از آن خارج می‌شود همه را می‌داند. یعنی خداوند به هرچه در مملکتش جریان یابد آگاه است و همه با تدبیر خود او می‌گردند.

از اینجا معنای آیه ۵۹ سوره فرقان را نیز درمی‌یابیم، آنجا که می‌فرماید: "أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ" ^ع

فَسَأَلَ بِهِ ^ع خَبِيرًا" بر عرش قدرت قرار گرفت، خدای رحمان، تنها از او بخواه که از همه چیز آگاه است! یعنی: آنکه بر عرش قدرت قرار گرفته همان خدای رحمان است که همه عالمیان را با رحمت گسترده خویش پرورش داده و هر که در مملکت او کاری انجام می‌دهد به اقتضای رحمت و رحمانیت اوست.

این موضوع در سوره طه (۵) با تأکید بیشتری آمده، می‌فرماید: "الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أَسْتَوَى" خدای

رحمان است که بر عرش قدرت قرار گرفته و تسلط دارد.

بنابراین، از آنچه در سوره هود (۷) می‌فرماید: "خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ"

^{۳۷۵} - یونس/۳.

^{۳۷۶} - سجده ۴ و ۵ و رعد ۲.

عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ " آسمانها و زمین را در شش روز [= دوران] آفرید و عرش قدرت او بر آب قرار داشت. از آن دانسته می‌شود که در مملکت خداوندی پیش از خلقت آسمانها و زمین، جز همان آبی که تنها خدا حقیقتش را می‌داند، چیز دیگری وجود نداشته است.

و از آنچه که در سوره غافر (۷) می‌فرماید: " الَّذِينَ تَحْمِلُونَ الْعَرْشَ " آنانکه عرش را حمل می‌کنند، دانسته می‌شود که مقصود فرشتگان کارگزار درگاه الهی‌اند که برخی را رسولان قرار داده و برخی را به امداد پیامبران فرستاده است، برخی حاملان عذاب بر امت‌هایی مانند قوم لوطاند و برخی آدمیان را قبض روح می‌کنند، و خلاصه، هر یک به کاری ویژه و متناسب با آنچه مقتضای ربوبیت خدای متعال در عالم ماست مشغولند.

و نیز، از آنچه در سوره حاقه (۱۷) می‌فرماید: " وَتَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ " و عرش قدرت پروردگارت را در آن روز هشت فرشته حمل می‌کنند، دانسته می‌شود که مقصود این است که فرشتگان اجرا کننده فرمان خداوند در روز قیامت هشت گروه‌اند.

و در سوره نحل (۱۴) که فرموده: " وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ " اوست خدائی که دریا را مسخر شما گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری که می‌پوشید بیرون آورید، و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند. معنایش این است که دریا را رام ما کرد تا از "خواص" آن سود ببریم، و این یکی از موارد آموزش به آدم U است. چنانکه پیش از این در همان سوره (۵ - ۸) می‌فرماید:

وَالْأَنْعَمَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ % وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْتَحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ % وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ % وَالْحَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ...

و چهارپایان را آفرید که در آنها برای شما وسیله پوشش و منافع دیگر است، و از گوشت آنها می‌خورید % و مایه شکوه و زینت شما: گاهی که از صحرا بازمان می‌گردانید و هنگامی که به صحرا روانه‌شان می‌دارید % و بارهای سنگین شما را، به جاهائی که جز با مشقت زیاد به آن نمیرسید، حمل می‌کنند. راستی را که پروردگار شما رئوف و مهربان است % و اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد و...

خداوند علاوه بر آنکه آنها را رام و مسخر ما گردانید، راه بهره‌وری از آنها را نیز به ما آموخت تا از گوشت و پوست و سواری و حمل بارشان استفاده نمائیم.

در سوره زخرف آیات ۱۲ و ۱۳ می‌فرماید:

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَمِ مَا تَرْكَبُونَ % لِيَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ

تَذَكُّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ .

خداوندی که همه زوج‌ها را آفرید و برای شما از کشتیها و چهارپایان وسیله سواری ساخت تا بر پشت آن سوار شوید ۵٪ و چون بر آن استقرار یافتید نعمت پروردگارتان را یاد کنید و بگوئید: منزه است خداوندی که این را مسخر و رام ما گردانید و گرنه ما را توان تسخیر آن نبود.

آری، همان خداوندی که روش بهره‌گیری از آنچه در این آیات آمده را به ما آموزش داده و به مقتضای "ربوبیت" خود آنها را مسخر و رام ما ساخته است، همو زنبور عسل را الهام کرد تا در کوهها و داربست‌ها خانه گیرد و از گلها و شکوفه‌ها بمکد و عسل بسازد، و همو دریا را در اختیار ماهیان قرار داد و با الهام غریزی روش بهره‌وری از آن را به آنها آموخت و ... و بدینگونه، با رحمت و وسعه خویش نیاز هر یک از مخلوقات را به وسیله موجودات دیگر در اختیار او نهاد و خواص اشیا مورد نیازش را به او آموخت تا از آن بهره گیرد. به عبارت دیگر، به زنبور عسل اسامی و خواص آنچه را برای ادامه زندگی نیاز داشت بیاموخت، و به ماهیان نیز اسامی و خواص اشیا مورد نیازشان را آموزش داد تا در زندگی به کار گیرند و...

اما انسان که خداوند پس از تکمیل خلقتش در معرفی او فرمود: "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" بزرگ و خجسته است خدائی که بهترین آفرینندگان است! خداوند همه اسامی و خواص اشیا را به او آموخت. چنانکه در سوره جاثیه (۱۳) فرموده:

" وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ "

خداوند هر چه در آسمانها و زمین است همه را خود مسخر شما ساخته است.
و در سوره لقمان (۲۰) فرموده:

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ .

آیا ندیدید خداوند آنچه در آسمانها و زمین است همه را مسخر شما کرده است؟
بنابراین، پروردگار رحمان هر یک از اصناف مخلوقاتش را در بهره‌گیری از سایر مخلوقات، در حد نیاز هدایت فرموده، و مخلوقی را که مورد نیاز مخلوق دیگر بوده تکویناً مسخر او ساخته است.
انسان نیز، با استعداد خدادادی و عقل کاوشگری که توان درک خواص همه اشیا را داراست، اگر بکوشد و در فراگیری علوم مجاهده نماید، خواهد دید که همه مخلوقات برای به کارگیری در اختیار او نهاده شده‌اند، مثلاً اگر بکوشد تا خواص "اتم" را دریابد یقیناً به آن خواهد رسید، و چون "اتم" از اشیائی است که مسخر انسان گردیده، مسلماً توان شکافتن و به کارگیری آن را در مسیر اهداف خود دارد، همان‌گونه که خداوند خواص آتش و الکتریسیته و دیگر شاخه‌های علوم فیزیک و شیمی را در اختیارش نهاد و آنها را مسخر او ساخت تا از فلزات مختلف سفینه فضائی بسازد و آن را در اطراف زمین به گردش درآورد و ...

اما این انسان [از آن رو که سرکش و سیری ناپذیر است] نیازمند کسی است که به راه صحیح بهره‌وری از مسخرات هدایتش نماید تا آنچه را آموخته و در اختیار گرفته در راه زیان خود و دیگران به کار نگیرد، و "حرث و

نسل " را با آن به نابودی نکشاند، "ربّ رحمان" انبیای والامقام را برای هدایت او فرستاده تا روش درست به کارگیری و بهره‌وری از مسخرّات را به او نشان دهند. پس، از جمله آثار رحمت "ربّ رحمان"، فرستادن پیامبران و انزال کتابهای آسمانی و تعلیم مردمان است. بیان این موضوع در سوره "الرّحمن" با تفسیر لفظ "رحمان" چنین است:

"الرّحمنُ % عَلَّمَ الْقُرْآنَ". خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.

"خَلَقَ الْإِنْسَانَ % عَلَّمَهُ الْبَيَانَ". انسان را آفرید، و به او سخن گفتن آموخت.

"الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانٍ" خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند.

"وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ" و گیاه و درخت برای او سجده و فروتنی می‌کنند.

"وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ" آسمان را برافراشت و میزان و قانون برنها.

"وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ" و زمین را برای خلائق آفرید.

"فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ" در آن میوه‌ها و نخلهای پرشکوفه است.

"وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ" و دانه‌های همراه با کاه و گیاهان خوشبو.

"فَبِأَيِّ آءِ الْآءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ" پس کدام یک از نعمت‌های "ربّ"تان را تکذیب می‌کنید؟

"تَبْرَكَ أَسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ" بزرگ و خجسته است اسم "رب" تو، آن صاحب جلال و اکرام.

و نیز "رب" است که: "يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ" روزی را برای هر که بخواهد گسترش داده و

تنگ گرداند.^{۳۷۷}

آنچه از آثار رحمت "رب" در دنیا آوردیم، همه مردمان از مؤمن و کافر را در برمی‌گیرد. بنابراین، "رحمان" از

صفات "ربّ العالمین" در دنیا است و رحمت او همه خلائق و از جمله مؤمنان و کافران را شامل می‌گردد.

و چون "ربّ العالمین" مردمان را به وسیله "وحی" بر پیامبران هدایت می‌کنند، قرآن کریم "وحی" را به نام

"رب" که از اسمای حسناى الهی است نسبت داده و می‌فرماید:

... ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۞

این، از حکمت‌هایی است که "رب" تو به تو وحی کرده است.^{۳۷۸}

^{۳۷۷} - سبأ/ ۳۶ و ۳۹.

^{۳۷۸} - اسراء/ ۳۹.

و فرموده:

أَتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ .^ع

از آنچه که از سوی "رب" تو بر تو وحی شده پیروی کن.^{۳۷۹}

قرآن همچنین، فرستادن رسولان و انزال کتابهای آسمانی را به "رب العالمین" نسبت می‌دهد و در شرح حال هود U می‌فرماید: او به قومش گفت:

يَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ % أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي .

ای قوم من! هیچ‌گونه سفاهتی در من نیست، ولی من فرستاده‌ای از سوی "رب العالمین" ام % [که] رسالت‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم.^{۳۸۰}

و درباره نوح U می‌فرماید: او به قومش گفت:

يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ % أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي ...^{۳۸۱}

ای قوم من! هیچ‌گونه گمراهی در من نیست، ولی من فرستاده‌ای از سوی "رب العالمین" ام % [که] رسالت‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم.

و درباره موسی U می‌فرماید: او به فرعون گفت:

يَنْفِرَعُونَ إِيَّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

ای فرعون! من فرستاده‌ای از سوی "رب العالمین" هستم.^{۳۸۲}

و درباره انزال کتابهای آسمانی فرموده:

وَأْتَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ .^ع

آنچه را از کتاب "رب" تو به تو وحی شده تلاوت کن!^{۳۸۳}

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

نازل شدن این کتاب، که شک و تردیدی در آن نیست، از سوی "رب العالمین" است.^{۳۸۴}

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ... تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ .

براستی که آن، قرآن کریمی است... نازل شده از سوی "رب العالمین"^{۳۸۵}

۳۷۹ - انعام / ۱۰۶ .

۳۸۰ - اعراف ۶۷ و ۶۸ .

۳۸۱ - اعراف / ۶۱ و ۶۲ .

۳۸۲ - اعراف / ۱۰۴ .

۳۸۳ - کهف / ۲۷ .

۳۸۴ - سجده / ۲ .

۳۸۵ - واقعه ۷۷ و ۸۰ .

و نیز، امر و فرمان را به "رب" نسبت داده و می‌فرماید:

قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ .

بگو: "رب" من به عدالت فرمان داده است، و اینکه، روی خود را در هر مسجد به سوی او بدارید.^{۳۸۶}

بدین سبب باید تنها از فرمان "رب" اطاعت کرد، چنانکه از قول خاتم انبیا 7 و مؤمنان می‌فرماید:

ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ... وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا...

پیامبر به آنچه از سوی "رب"ش بر او نازل شده ایمان آورده است، و همه مؤمنان نیز ایمان آورده‌اند... و گفتند:

شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزش تو را...^{۳۸۷}

پیامبران نیز، بدان سبب که اوامر "رب العالمین" را تبلیغ می‌کنند، خدای متعال اطاعت آنان را در ردیف اطاعت

خود قرار داده و فرموده:

... أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ .

... اطاعت کنید خدا را، و اطاعت کنید رسول را، و اعمال خویش را تباه نسازید!^{۳۸۸}

همچنین است گناه و معصیت که از هر کس سرزند "رب العالمین" را نافرمانی کرده است، چنانکه فرموده:

... فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۗ

... فرشتگان همگی سجده کردند جز ابلیس - که از جن بود - و از فرمان "رب"ش بیرون شد.^{۳۸۹}

و نیز فرموده:

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ .

[قوم ثمود] "ناقه" را پی کردند، و از فرمان "رب"شان سرباز زدند!^{۳۹۰}

گاهی نیز لفظ "امر" و فرمان از جمله حذف شده ولی معنای آن باقی است، چنانکه درباره آدم U فرموده:

وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى .

آدم "رب"ش را نافرمانی کرد، و از پاداش محروم شد!^{۳۹۱}

یعنی آدم U "امر" ربش را نافرمانی کرد.

پیامبران نیز چون اوامر "رب" را به مردم می‌رسانند، نافرمانی آنان سرپیچی از فرمان "رب" به حساب آید،

چنانکه خداوند درباره فرعون و قوم او و کسانی که پیش از آنان بوده‌اند می‌فرماید:

۳۸۶ - اعراف/۲۹ .

۳۸۷ - بقره/۲۸۵ .

۳۸۸ - نوح/۳۳ .

۳۸۹ - کهف/۵۰ .

۳۹۰ - اعراف/۷۷ .

۳۹۱ - طه/۱۲۱ .

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ ... فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ ...

فرعون و کسانی که پیش از او بودند... با فرستاده "رب" شان مخالفت کردند.^{۳۹۲}

انسان پس از نافرمانی نیز، هرگاه توبه می‌کند از "رب" خویش آمرزش می‌خواهد، چنانکه فرموده:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمْنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .

آنان که می‌گویند: "پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببامرز!^{۳۹۳}

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .

و سخنان تنها این بود که: "پروردگارا! گناهان ما را ببامرز!^{۳۹۴}

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا .

"پروردگارا! گناهان ما را ببامرز، و بدیهای ما را بپوشان!^{۳۹۵}

در سوره قصص از قول موسی U می‌فرماید:

... رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ .

... پروردگارا! من به خویشتم ستم کردم، مرا ببخش! و خداوند او را بخشید.^{۳۹۶} بدین سبب "غفور و غفار" نیز، از صفات "رب" است چنانکه فرموده:

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ .

آنان که گناه کردند و بعد از آن توبه نموده و ایمان آوردند، [بدانند که] "پروردگار" تو پس از آن، "غفور و مهربان" است.^{۳۹۷}

و از قول نوح به قومش می‌فرماید:

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا .

[نوح گفت به آنان] گفتم: از "پروردگار"تان "آمرزش" بخواهید که او بسیار "آمرزنده و غفار" است.^{۳۹۸}

در سوره بقره فرموده:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

۳۹۲ - حاقه ۹/ و ۱۰ .

۳۹۳ - آل عمران / ۱۶ .

۳۹۴ - آل عمران / ۱۴۷ .

۳۹۵ - آل عمران / ۱۹۳ .

۳۹۶ - قصص / ۱۶ .

۳۹۷ - اعراف / ۱۵۳ .

۳۹۸ - نوح / ۱۰ .

پس آدم از "پروردگار" ش کلماتی را دریافت، و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا او "توبه‌پذیر و مهربان" است.^{۳۹۹} و کسانی که گناه را با توبه جبران نکنند، کیفر کردارشان با "ربّ العالمین" است، چنانکه فرموده:

قُلْ يٰعِبَادِىَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ ... وَاَنْبِئُوْا اِلٰى رَبِّكُمْ وَاَسْلِمُوْا لَهٗ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاتِيَكُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُوْنَ .

بگو: ای بندگان من که بر خویشتن اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید... به سوی "پروردگار" تان بازگردید و سر به فرمان او گزارید، پیش از آنکه عذاب به سراغتان آید، سپس یاری نگردید!^{۴۰۰} پاداش "رب" در برابر اعمال نیز، گاهی در دنیا است، گاهی در آخرت و گاهی در دنیا و آخرت، که قرآن کریم همه را به "رب" نسبت داده و می‌فرماید:

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِى مَسْكِنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنِ يَمِيْنِ وَشِمَالِ كُلُوْا مِنْ رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاَشْكُرُوْا لَهٗٓ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُوْرٌ ۝ فَاَعْرَضُوْا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتِيْنِ ذَوَاتِىْٓ اُكُلِ خَمْطٍ وَاَثَلٍ وَشِىْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيْلٍ ۝ ذٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوْا وَهَلْ يُجْزٰى اِلَّا الْكٰفِرُوْنَ .^{۴۰۱}

برای قوم "سبأ" در محل سکونتشان نشانه‌ای بود: دو باغ از راست و چپ. [به آنان گفتیم:] از روزی "پروردگار" تان بخورید و سپاس او بگزارید. شهری پاکیزه و "پروردگار"ی آمرزنده! ۵٪ آنان روی گرداندند، و ما سیل ویرانگر را بر سرشان فرستادیم و دو باغ [پر بار]شان را به دو باغ با میوه‌های تلخ و شورگز و اندکی از درخت سدر مبدل ساختیم ۵٪ این کیفر را به خاطر کفرانشان به آنان دادیم. و آیا جز کفران کننده را کیفر می‌دهیم؟! اما پاداش نهائی در قیامت پس از برانگیختن و حسابرسی است. قرآن کریم برانگیختن و حسابرسی را نیز به "رب" نسبت داده و می‌فرماید:

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يُحْشِرُهُمْ .

"پروردگار" تو، همو آنان را بر می‌انگیزد.^{۴۰۲}

و می‌فرماید:

مَا فَرَطْنَا فِى الْكِتٰبِ مِنْ شِىْءٍ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ يُحْشَرُوْنَ .

هیچ چیز را در "این کتاب" فروگذار نکردیم. سپس همگی به سوی "پروردگار" شان گرد آورده می‌شوند.^{۴۰۳} و می‌فرماید:

۳۹۹ - بقره / ۳۷ .
 ۴۰۰ - زمر / ۵۳ و ۵۴ .
 ۴۰۱ - سبأ / ۱۵ .
 ۴۰۲ - حجر / ۲۵ .
 ۴۰۳ - انعام / ۳۸ .

إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ .

[نوح گفت:] حساب آنان تنها با "پروردگار" من است اگر درک کنید!^{۴۰۴}

مردم پس از حسابرسی یا مؤمنند که به هر حال مشمول "رحمت" خدا قرار می‌گیرند و یا غیر مؤمن که از رحمت خدائی بدورند. خداوند درباره مؤمنان فرموده:

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا .

روزی که پرهیزکاران را دسته‌جمعی به سوی خدای "رحمان" برمی‌انگیزیم.^{۴۰۵}

آری، رحمت "ربّ العالمین" در آن روز ویژه مؤمنان است، بدین خاطر نیز خداوند، "رحیم" آخرت نامیده می‌شود و واژه "رحیم" پس از "رحمان" می‌آید، چنانکه فرموده:

"الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ % الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .

ستایش ویژه "الله" پروردگار جهانیان است % آن خدای "رحمان" و "رحیم". زیرا رحمت «رحمان» در این دنیا همه عالمیان را در برمی‌گیرد، ولی رحمت «رحیم» ویژه مؤمنان است. و درباره غیر مؤمنان و کافران فرموده:

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا % لِلطَّغْيِينَ مَآبًا ... جَزَاءً وَفَاقًا .

راستی را که جهنم کمینگاهی است سخت % و بازگشتگاهی برای نافرمانان... کیفری برابر [با آنچه می‌کردند]^{۴۰۶} به همین سبب نیز، "ربّ العالمین" مالک روز جزا نامیده شده، چنانکه فرموده:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ % الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ % مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ .

بنابر آنچه آوردیم، "ربّ" هم "رحمان" است و هم "رازق"، هم "رحیم" است و هم "تواب" و هم "غفور" و هم واجد دیگر اسمای حسناست.

نتیجه بحث

خداوند در سوره "اعلی" فرمود: "ربّ" مخلوقات همان است که آنان را به بهترین وجه آفرید، سپس آماده پذیرش هدایتشان فرمود، پس از آن حدود و اندازه زندگی هر یک را معین و آنها را هدایت نمود. در آیات بعدی چراگاه حیوان را مثال زد و فرمود: "ربّ" همان است که چراگاه حیوانات را بیرون آورد و آن را پرورش داد تا پس از سبزی شدید به پایان رشد خود یعنی "گیاه خشکیده" برسد.

همچنین در سوره "رحمان" که آیات آن را آوردیم و همه در وصف "ربوبیت" بود در ابتدای آن به پرورش انسان - از راه آموزش بیان - اشاره کرد و فرمود:

^{۴۰۴} - شعر ۱/۱۱۳ .

^{۴۰۵} - مریم / ۸۵ .

^{۴۰۶} - نبأ / ۲۱ و ۲۲ و ۲۶ .

" خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ "

انسان را آفرید و او را سخن گفتن آموخت. یعنی او را برای پذیرش هدایت آماده کرد.
و در سوره "علق" به گوشه دیگری از صفات "ربوبیت" در پرورش انسان اشاره کرد و فرمود:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ... الَّذِي عَلَّمَهُ بِالْقَلَمِ % عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.

انسان را از خون بسته آفرید... همان کسی که به وسیله قلم آموزش داد % و به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم فرمود.

یعنی او را برای پذیرش هدایت آماده ساخت.

هر دو مورد مذکور [= آموزش بیان و تعلیم با قلم] شرح کلمه "سَوَى" است که در سوره "اعلی" آمده است.
در سوره "شوری و نساء و آل عمران" چگونگی هدایت انسان به وسیله "رَبِّ الْعَالَمِينَ" را شرح و بسط داده و فرمود: برای انسان دین "اسلام" را مقرر داشت و آن را در کتاب‌های خود به سوی پیامبرانش فرستاد و...
در سوره "یونس و اعراف" فرمود: پروردگار شما همان خداوندی است که آسمانها و زمین را آفرید و آنها را هدایت تسخیری فرمود.

در سوره "انعام" پس از یادآوری انواع مخلوقات در آیات (۹۵ - ۱۰۱) در آیه (۱۰۲) فرمود:

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ.

این است پروردگار شما، هیچ الهی جز او نیست، آفریننده همه چیز اوست. پس، تنها او را عبادت کنید.

≈≈≈

آنچه تا اینجا در بحث‌های ربوبیت از صفات "رب" و اسمای او آوردیم، همگی از صفات "الله" و اسمای حسنای اوست. در بحث از "اسمای حسنات الهی" - به یاری خدا - اسمای دیگری را که ویژه "الله" است می آوریم.

۴-۵- اسماء حسنی الهی

۱ - الله

برخی از دانشمندان لغت‌شناس گفته‌اند: "الله" در اصل "إله" بوده که اسم جنس "آلهه" است، الف و لام تعریف بر سر آن آمده و "الإله" گردیده، سپس الف را حذف کرده و دو لام را در هم ادغام کرده‌اند تا "الله" شده است. یعنی: "إله" و "الله" مانند: "رجل" و "الرَّجُل" اند، دو تای اول: "إله و رجل" اسم جنس "آلهه" و "رجال" اند، و دو تای دوم: "الله و الرجل" با الف و لام تعریف معرفه شده و "رجل" و "إله" مورد نظر را مشخص کرده‌اند. بنابراین، معنای "الإله

أَلَا اللَّهُ " می‌شود: هیچ الهی نیست مگر آن الهی که مورد نظر و قصد گوینده است.

و این پنداری اشتباه است، زیرا:

لفظ "الله" - به اصطلاح نحویان - "عَلَّمَ مُرْتَجِلًا" [= منحصر به فرد] است و مخصوص ذات باری تعالی است؛ آنکه صفاتش جامع جمیع اسمای حسناست و هیچکس در این نام با او شریک و انباز نمی‌شود، چنانکه هیچ کس در "الْوَهِيَّتِ وَ رُبُوبِيَّتِ" با او شریک نگردد.

پس، "الله" در اصطلاح اسلامی اسمی است مخصوص برای ذاتی که دربردارنده جمیع صفات کمال است، چنانکه

خود سبحانه و تعالی فرموده: "وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ" همه اسمای حسنی از آن "الله" است^{۴۰۷} و فرموده:

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ"

خداوندی که معبودی جز او نیست، همه اسمای حسنی از آن اوست.^{۴۰۸}

بنابراین، "لا إله إلا الله" یعنی: هیچ خالق و مؤثری در هستی وجود ندارد، و جز ذات در بردارنده همه صفات کمال و

صاحب همه اسمای حسنی، معبود دیگری نیست.

یکی از اسمای حسنی الهی "قَيُّومٌ" است. "قَيُّومٌ" یعنی: پاینده، کسی که قائم به ذات خویش است، نگهدارنده هر

چیز و کسی که مایه قوام موجودات را به آنها می‌دهد. این معنی در آیه (۵۰) سوره طه آمده است:

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ

پروردگار ما آن کسی است که به هر موجودی آنچه لازمه آفرینش و قوام او بوده داده، سپس هدایت کرده است!

پس، همان "الله" جامع جمیع صفات کمال و اسمای حسناست که "رَبٌّ" است و "رحمان" است و "رزاق" است و

"تَوَّابٌ" است و "غَفَّارٌ" است و "رحیم" است و "مالک یوم الدین" است و ... بدین خاطر نیز، لفظ "الله" در قرآن

کریم گاهی به جای ربّ نشسته یعنی آنجا که شایسته ذکر نام "رَبٌّ" بوده به جای "رَبٌّ" آمده و صفات "رَبٌّ" را بر

خود گرفته است مانند: "رزاق و تَوَّابٌ و غفور و رحیم" و کسی که به انسان پاداش کارش را می‌دهد، چنانکه فرموده:

۱ - اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ

"الله" است و روزی را برای هر کس بخواهد گسترش داده و تنگ می‌گرداند.^{۴۰۹}

۲ - وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

و براستی که "الله" همو توبه‌پذیر و مهربان است.^{۴۱۰}

۳ - إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

۴۰۷ - اعراف/۱۸۰ .

۴۰۸ - طه/۸ .

۴۰۹ - رعد/۲۶ .

۴۱۰ - توبه/۱۰۴ .

راستی را که "الله" آمرزنده و مهربان است.^{۴۱}

۴ - لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

تا "الله" پاداششان دهد، پاداش بهتری کاری که می کرده‌اند.^{۴۲}

در آیاتی که گذشت، چنانکه دیدیم، صفات "رزاق و غفور و رحیم" و پاداش دهنده که ویژه «رب العالمین» است به "الله" داده شده، زیرا "الله" جامع جمیع صفات کمال و خود «رب العالمین» است. برخی اسماء و صفات آمده در قرآن کریم نیز، صفت ویژه "الله" است مانند:

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ .

هیچ معبودی نیست جز "الله" که "حی و قیوم" و پاینده است. هرگز خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد، هرچه در آسمانها و زمین است از آن اوست. چه کسی است که نزد او، جز به فرمانش، شفاعت کند؟ آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است می‌داند، و به چیزی از علم او آگاه نمی‌گردند، جز آنچه خود بخواهد. "کرسی" حکومت او آسمانها و زمین را در برگرفته، و نگاهداری آنها خسته‌اش نمی‌کند، و اوست که "علی و عظیم" [= بلند مرتبه و با عظمت] است.^{۴۳}

همه اسماء و صفات وارد در این آیه ویژه "الله" است و از صفات "إله" خالق و "رب" پرورشگر جهانیان نیست. و نیز، صفاتی مانند: "عزیز، حکیم، قدیر، سمیع، بصیر، خبیر، غنی، حمید، ذوالفضل العظیم، واسع علیم، فعّال ما یشاء و ... از صفات مخصوص "الله" است.

بنابراین، "الله" نامی است برای هر یک از این صفات و حقیقت "الله" همین صفات و اسمای حسناست.

در زبان عبری نیز، "يَهُوه" را به جای "الله" و "الوهیم" را به جای "إله" می‌آورند.

یکی از صفات "الله" این است که "کرسی حکومت" او آسمانها و زمین را در برگرفته است. اکنون به بررسی معنای

"کرسی" می‌پردازیم:

^{۴۱} - بقره / ۱۸۲ .

^{۴۲} - توبه / ۱۲۱ .

^{۴۳} - بقره / ۲۵۵ .

۲ - کرسی

کرسی در لغت به معنای "تخت و علم" است.

طبری و قرطبی و ابن کثیر از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته است: «کرسی خدا علم اوست.»
طبری گوید: «خداوند همان‌گونه که از سخن فرشتگان خبر داده که در دعای خود گفتند:

"رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا" پروردگارا! علم تو همه چیز را فراگرفته، در این آیه، نیز، خبر داده که: "وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ" علم او آسمان و زمین را فراگرفته است. زیرا، "کرسی" در اصل به معنای علم است، و اینکه عرب به جزوه علمی "کُرَّاسه" گوید از همین باب است، چنانکه به علما و دانشمندان هم گفته می‌شود "کراسی" و ...»
- پایان سخن طبری.

اضافه بر آنچه طبری گفته، ما نیز - به یاری خدا - می‌گوئیم: خداوند متعال سخن ابراهیم U به قوم خود را آورده که به ایشان گفته است:

وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ .

علم پروردگار من همه چیز را در برگرفته، آیا پند نمی‌گیرید؟^{۴۱۴}
و سخن شعیب U به قوم خود را که گفته است:

وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا .

علم پروردگار ما همه چیز را در برگرفته است.^{۴۱۵}
و سخن موسی U به سامری را که گفته است:

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا .

معبود شما تنها "الله" است، همان که جز او معبودی نیست، علم او همه چیز را فراگرفته است.^{۴۱۶}

ششمین وصی از اوصیای رسول خدا 7 یعنی امام جعفر صادق U نیز، در پاسخ کسی که پرسید: معنای "کرسی" در

۴۱۴ - انعام / ۸۰ .

۴۱۵ - اعراف / ۸۹ .

۴۱۶ - طه / ۹۸ .

جمله: "وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ" چیست؟ فرمود: علم خداست.^{۴۱۷}

"کرسی" در قرآن کریم به هر دو معنای: "تخت و علم" آمده است. خداوند در داستان سلیمان U در سوره: "ص" فرموده:

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا.

ما سلیمان را آزمودیم و بر کرسی [=تخت] او جسدی افکندیم...^{۴۱۸}

و در این آیه می‌فرماید:

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ...

خداوند، پیشاروی آنان و پشت سرشان را می‌داند، و به چیزی از «علم» او آگاه نگردند، جز آنچه خود بخواهد. کرسی [=علم] او آسمانها و زمین را فراگرفته است.^{۴۱۹}

«کرسی» چنانکه در آیه شریفه مشهود است پس از "عِلْمِهِ" آمده که با این قرینه معنای آن می‌شود: به چیزی از "علم خدا" - جز آنچه خود بخواهد - آگاه نگردند، "علم او" آسمانها و زمین را در برگرفته است.

بنابراین، معنای برخی از روایات که می‌گویند: كُلُّ شَيْءٍ فِي الْكُرْسِيِّ همه چیز در "کرسی" است، این می‌شود که: همه چیز در علم خداوند است.

در اینجا بحث "اسمای حسناى الهى" را پایان می‌دهیم و بحث «عُبُودِيَّة» را که با آن مرتبط است بررسی می‌نمائیم.

^{۴۱۷} - توحيد صدوق ص ۳۲۷ باب معنى قول الله عز و جل: "وسع كرسيه السموات

والارض".

^{۴۱۸} - ص/۳۴.

^{۴۱۹} - بقره/۲۵۵.

عبد و عبادت:

"عَبْدٌ" یعنی: اطاعت کرد، "عُبُودِيَّةٌ" یعنی: اطاعت با خضوع و فروتنی و "عبادت" یعنی: اطاعت با نهایت خضوع و فروتنی که از "عُبُودِيَّةٌ" رساتر است.

الف - عبودیت

در جمله *إِيَّاكَ نَعْبُدُ* در سوره "حمد" که پس از ذکر «رَبِّ الْعَالَمِينَ» آمده، "عُبُودِيَّةٌ" به معنای اطاعت است، یعنی: تنها تو را اطاعت می‌کنیم.

در حدیث امام صادق ع نیز که فرموده: "مَنْ أَطَاعَ رَجُلًا فِي مَعْصِيَةِ فَقَدْ عَبَدَهُ" هر کس انسانی را در گناهی اطاعت کند او را عبادت کرده. ^{۴۲۰} چنانکه مشهود است، "عبادت و اطاعت" قرین هم و به یک معنی آمده‌اند.

در سخن امام رضا ع نیز، گوش فرادادن به سخن دیگران که نوعی اطاعت و پیروی از آنان است "عبادت" دانسته شده، چنانکه فرموده:

مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ، وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ.

هر کس به گوینده‌ای گوش بسپارد او را "عبادت" کرده است، حال اگر گوینده از خدای عزّ و جلّ سخن گوید، خدا را "عبادت" کرده و اگر از ابلیس سخن گوید، ابلیس را "عبادت" کرده است. ^{۴۲۱}

"عبادت" برای موجودات باشعور، اختیاری، و برای دیگران با تسخیر است. چنانکه خدای سبحان به انسانها فرموده:

يَتَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ ...

ای مردم! پروردگارتان را "عبادت" کنید، همان که شما و پیشینیان شما را آفرید... ^{۴۲۲}

و درباره دیگر موجودات فرموده:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ.

تمام آنچه در آسمانها و زمین است از جنبندگان و فرشتگان برای خدا سجده [= فروتنی] می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند. ^{۴۲۳}

^{۴۲۰} - اصول کافی جلد ۲ ص ۳۹۸.

^{۴۲۱} - عیون اخبار الرضا ع جلد ۵ ص ۳۰۳ حدیث ۶۳، وسائل الشیعه جلد ۱۸ ص ۹۲

حدیث ۱۲.

^{۴۲۲} - بقره/۲۱.

ب - عبد

برای "عبد" چهار معنی است:

۱ - "عبد" به معنای "برده" مانند آنچه خدای متعال در سوره نحل فرموده:

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ .

خداوند مثالی زده: برده مملوکی را که قادر بر هیچ چیز نیست.^{۴۲۴}

جمع این عبد "عبید" است، چنانکه از قول رسول خدا 7 آورده‌اند که فرموده:

مَنْ خَرَجَ إِلَيْنَا مِنَ الْعَبِيدِ فَهُوَ حُرٌّ .

هر یک از "برندگان" که به سوی ما [= اسلام] بیاید آزاد است.^{۴۲۵}

۲ - "عبد" به معنای "بنده شدن"، روشن‌ترین مثال آن در سخن خدای متعال است که فرموده:

إِن كُنتُمْ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا .

هیچ کس در آسمانها و زمین نیست مگر آنکه به حال "بندگی" نزد خدا رحمان آید.^{۴۲۶}

در این معنی نیز جمع عبد "عبید" [= بندگان] است مانند: "وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ" خداوند نسبت به

بندگان ستم نمی‌کند.^{۴۲۷}

۳ و ۴ - "عبد" به معنای بنده عبادتگر و خدمت کننده که تعبیر "عابد" درباره آن رساتر است، و این بر دو قسم

است:

الف - "عبد" و بنده خالص و حقیقی خدا بودن که جمع آن "عباد" است، مانند سخن خدای متعال در حکایت از

موسی و جوان همراهش که می‌فرماید:

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا .

در آنجا "بنده" ای از "بندگان" ما را یافتند که از نزد خود رحمتی به او داده بودیم.^{۴۲۸}

ب - "عبد" و بنده دنیا بودن یعنی کسی که همه توان خود را وقف دنیا و دنیاخواهی کند، در اینجا نیز جمع عبد

"عبید" است، چنانکه پیامبر 7 فرموده: تَعَسَّ عَبْدُ الدَّرْهِمِ وَ عَبْدُ الدِّينَارِ "بنده درهم و دینار [= طلا و نقره] هلاک شده

است.^{۴۲۹}

و چون پروردگار عالمیان برای هدایت مردمان "امر و نهی" دارد به کسی که فرمان خدا را اطاعت می‌کند می‌گویند:

۴۲۳ - نحل/۴۹ .

۴۲۴ - نحل/۷۵ .

۴۲۵ - مسند احمد جلد ۱ ص ۲۴۸ .

۴۲۶ - مریم/۹۳ .

۴۲۷ - انفال/۵۱ .

۴۲۸ - کهف/۶۵ .

۴۲۹ - سنن ابن ماجه (ص ۱۳۸۶) .

"عَبْدُ الرَّبِّ" بندگی پروردگار نمود، او "عابد" است، یعنی: اطاعت خدا کرده و مطیع پروردگار است. و نیز، چون "إله" به معنای معبود است، و برای او مراسم دینی برگزار می‌شود، می‌گویند: "عَبْدُ فُلَانٍ الْإِلَه" فلانی خدا را عبادت [= پرستش] کرد، او عابد [= پرستنده] است، یعنی: او مراسم دینی را برای خدا به جا می‌آورد.^{۴۳۰} همه آنچه را که در بحث‌های "الوهیت" از صفات "إله" برشمردیم، و در بحث‌های "ربوبیت" از صفات "رب" دانستیم، همگی از صفات "الله" رب العالمین است. یکی دیگر از صفات «رب العالمین» اینست که: جریان هر چیزی به مشیت و خواست اوست، و ما - به یاری خدا - در بحث آینده آن را توضیح می‌دهیم.

فصل ششم: رب العالمین و پاداش اعمال انسان

1-7- انسان و پاداش کار در دنیا

همه ما انسانها نتایج کار خود را در زندگی دنیا می‌بینیم: هر که گندم کاشت گندم بدرود، و آنکه جو کارید جو حاصل برد. بدینگونه هر انسانی نتیجه دسترنج خود را می‌خورد. اینها نمونه‌ای از آثار مادی عملکرد ما در حیات دنیوی است. اعمال ما در زندگی دنیا علاوه بر آثار مادی، نتایج و آثار معنوی بسیاری نیز، دارد. برای مثال آثار "صِلَةُ رَحِمٍ" در زندگی انسانهاست که رسول خدا⁷ از آن خبر داده، و فرموده: «صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ وَ تَنْفِي الْفَقْرَ» رسیدگی به خویشاوندان، عمر را زیاد و فقر را می‌زداید. و نیز فرموده:

صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ، وَ صَدَقَةُ السَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ أَنْ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَ الْيَمِينَ لَتَدْرَانَ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ مِنْ أَهْلِهَا وَ يَثْقَلَانَ الرَّحِمِ، وَ أَنْ تَثَقَلَ الرَّحِمُ انْقِطَاعُ النَّسْلِ.

رسیدگی به خویشاوند، عمر را طولانی و صدقه دادن پنهان، خشم پروردگار را خاموش می‌کند. راستی را که قطع پیوند با خویشاوند و سوگند دروغ، سرزمین‌های آباد را برهوت و رَحِم‌های بارور را عقیم می‌سازد. و رحم عقیم مساوی با نابودی نسل است.^{۴۳۱}

اینکه فرموده: (تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ) صدقه پنهانی، خشم خدا را خاموش می‌کند، مقصود این است که، اگر انسان با رفتار خود مستحق خشم و کیفر دنیائی خدا شده و بنابر آن باشد که به جان و مال یا مربوطین او آسیبی برسد، صدقه پنهانی این بلا را از او دور می‌کند.

بِلَاقِعٍ جَمْعُ بَلْقَعٍ، سرزمین خشک و بی‌آب و علف، کویر و برهوت است.^{۴۳۲} و چون چنین است امیر المؤمنین **U** فرموده:

^{۴۳۰} - آنچه درباره "عبد" آوردیم فشرده‌ای است از مطالب ماده "عبد" در کتاب صحاح جوهری، مفردات القرآن راغب، قاموس اللغة فیروز آبادی و معجم القرآن الکریم چاپ مصر که عبارات آنها را ممزوج کرده و با سیاق یکسان بیان داشتیم.

^{۴۳۱} - سفینة البحار ماده "رحم".

^{۴۳۲} - المعجم الوسیط ماده بَلْقَع .

... وَصِلَةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ وَ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَجَلِ، وَ صَدَقَةُ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُكَفِّرُ الْخَطِيئَةَ.
... و رسیدگی به خویشاوند که، مال را افزون و مرگ را به تأخیر اندازد، و صدقه پنهانی که، گناه را می پوشاند^{۴۳}. و نیز فرموده:

... وَ صِلَةُ الرَّحِمِ مَنْمَاءٌ لِلْعَدَدِ.

... و رسیدگی به خویشاوند فزونی افراد است^{۴۴}.

از اینها در می یابیم که، خداوند به حکمت خود چنین خواسته تا فراوانی روزی و ازدیاد نسل در "صله رحم" و تنگدستی و ناباروری در "قطع رحم" باشد.

بدین سبب است که گاهی دو نفر بازرگان که نوع واحدی از جنس را به بازار عرضه می کنند، یکی زیان کرده و دیگری سود می برد و منشأ زیانکاری اوّل و سودمندی دوم، قطع اوّل و پیوند ثانی با خویشاوندان است: پاداشی برابر با عمل هر یک از سوی خدا.

پاداش چنین اعمالی وابسته به ایمان و عدم ایمان انسان به خدا نیست. زیرا خداوند برای عملکرد انسان در دنیا آثاری دنیایی و نتایجی عقابایی قرار داده است که هرگاه در حال بیداری و هوشیاری و با اراده کاری را انجام داد، پی آمد دنیائی آن در دنیا، و نتیجه آخرتی آن در عقبی به او می رسد.

همچنین خداوند برای رفتار انسان با خدا و کردارش با خلق، جزا و پاداشی برابر و متناسب با آن قرار داده است. این مخلوق انسان باشد یا حیوان یا یکی از نعمت های خدا که ارزانش داشته، برای هر یک پاداشی مناسب است. و همه آنها از خواست و حکمت الهی سرچشمه می گیرد. "رب العالمین" خود به ما خبر داده که برای انسان چیزی جز نتیجه کردارش نیست:

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى .

برای انسان بهره ای جز نتیجه تلاش او نیست^{۴۵}.

همچنین خبر داد که، هر کس برای دنیا کار کند خداوند سبحان نتیجه کار او را در دنیا به او نشان دهد، و هر کس برای آخرت بکوشد پاداش کارش را در آخرت به او می نماید:

وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ .

هر کس پاداش دنیا را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می دهیم؛ و به زودی سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد^{۴۶}.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ % أُولَئِكَ الَّذِينَ

۴۳ - نهج البلاغه خطبه ۱۰۸.

۴۴ - نهج البلاغه حکمت ۲۵۲.

۴۵ - نجم/۳۹.

۴۶ - آل عمران/۱۴۵.

لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ...

کسانی که [تنها] زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، نتیجه کامل اعمالشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم، و چیزی از آنان کاسته نمی‌شود. این گروه کسانی‌اند که در آخرت نصیبی جز آتش ندارند^{۴۳۷} ...

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا ... % وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعِيهِمْ مَشْكُورًا % كَلَّا نُمِدُّ هَهُنَا وَهَهُنَا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا .

هر کس که زندگی زودگذر دنیا را بخواهد، در دنیا به او می‌دهیم...% و هر کس سرای آخرت را طلب کند و کوشش مناسب آن نماید و مؤمن باشد، سعی و تلاش آنان پاداش داده خواهد شد% هر یک از دو گروه را از اعطای پروردگارت بهره‌مند می‌سازیم؛ و عطای پروردگار تو هرگز منع نشده است^{۴۳۸}.

شرک کلمات

نُوفًا إِلَيْهِمْ: حق آنان را تمام و کمال می‌دهیم.

لَا يُبْخَسُونَ: چیزی از حقشان کاسته نمی‌شود.

مَحْظُورًا: ممنوعاً، حَظْرٌ یعنی منع.

پاداش دنیا و آخرت

بنابر آنچه آوردیم، پاره‌ای از اعمال چنان است که انسان جزای آن را در دنیا می‌بیند، ولی بخشی از آنها تنها در روز قیامت به انسان می‌رسد.

مثلاً، شهیدی که در راه خدا جنگیده تا به فیض شهادت نائل آمده، امکان دریافت پاداش دنیوی را ندارد تا از آن بهره گیرد؛ لذا خداوند پاداش او را در آخرت می‌دهد، چنانکه فرموده:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ % فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ % يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ .

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند% آنان به خاطر نعمت‌هایی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است، خشنودند و به خاطر کسانی که هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادمانند که نه ترسی بر ایشانست و نه اندوهی خواهند داشت% [آنان] از نعمت خدا و بخشش او و اینکه

۴۳۷ - هود/۱۵-۱۶ .

۴۳۸ - اسراء/۱۸-۲۰ .

خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند، خوشحال و مسرورند.^{۴۳۹}

همچنین است حال انسان سلطه‌گر و کسی که انسان مؤمنی را با ظلم و تجاوز به قتل رسانده است؛ چنین کسی نیز، جزای خود را در آخرت می‌یابد، چنانکه خدای سبحان فرموده:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا.

و هر کس انسان با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، جزای او دوزخ است، و در آن جاودانه می‌ماند، و خداوند بر او خشم کرده، و از رحمت خود دورش ساخته، و عذاب بزرگی برایش تهیه دیده است.^{۴۴۰}

همچنین است حال کسی که معلول جسمی به دنیا می‌آید، مانند: کور و کر و ناقص‌الخلقه که اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورد و دوستدار اولیای خدا باشد و بر نقص عضو خویش برای خدا شکیبائی ورزد، چنین کسی را خداوند در زندگی جاوید آخرت پاداشی می‌دهد که با این کمبود دنیائی و رنج و زحمتی که برای آن در راه خدا تحمل کرده، قابل قیاس نباشد.^{۴۴۱}

بنابر آنچه آوردیم، عدل الهی بدون دریافت پاداش عمل در آخرت، تحقق نمی‌یابد، خداوند برای دریافت پاداش اعمال، پس از زندگی دنیا، مراحل متعددی قرار داده که در بحث‌های بعدی آن را پی می‌گیریم.

^{۴۳۹} - آل عمران/۱۶۹-۱۷۱.

^{۴۴۰} - نساء/۹۳.

^{۴۴۱} - به ثواب الاعمال صدوق رحمه الله باب: ثواب کسی که خدا را در حال کوری ملاقات کند و آن را برای خدا تحمل کرده باشد، حدیث ۲۱. و نیز، به معالم المدرستین. جلد اول بحث شفاعت- روایت کوری که نزد پیامبر p آمد و از آن حضرت خواست تا دعا کند خدا شفایش دهد- مراجعه گردد.

انسان خود در کشتزار خویش گاهی گندم و ذرت و سبزه می‌کارد و پس از چند ماه محصول آن را درو و برداشت می‌کند.

گاهی نیز، انگور و انجیر و زیتون و سیب و پرتقال می‌کارد و پس از سه یا چهار سال، محصول آن را می‌چیند. و گاهی خرما و گردو می‌کارد و پس از هشت سال یا بیشتر، از آن بهره می‌گیرد. بدینگونه، انسان نتیجه کار عادی و روزمره خود را به دست آورده و خانواده خویش و دیگران را از آن بهره‌مند می‌سازد؛ با این وجود خداوند سبحان می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ .

خداوند روزی دهنده است، خداوند قوی قدرتمند^{۴۴۲}.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ .

خداوندی که شما را آفرید سپس روزی‌تان داد^{۴۴۳}.

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِبْنِكُمْ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ .

فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم^{۴۴۴}.

وَكَايِنٍ مِّنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاهُمْ .

چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد^{۴۴۵}.

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ .

خداوند برخی از شما را بر برخی دیگر در روزی برتری داد^{۴۴۶}.

آری، انسان زمین را شخم می‌زند، دانه را می‌کارد، درخت را غرس می‌کند، همه آنها را آب می‌دهد، آفت‌هاشان را می‌زداید و آنها را پرورش می‌دهد تا دانه برگردد و میوه بچیند و از آن بخورد و به هر که خواست بخوراند، ولی خدای سبحان می‌فرماید:

«نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» ما شما و آنان را روزی می‌دهیم! و درست هم فرموده، زیرا، آنکه در آب و خاک خواص روایند گیاه را قرار داده و چگونه کاشتن و غرس کردن را به ما آموخته، همو روزی دهنده ماست. مثال روزی دادن خدا و روزی خوردن انسان در دنیا، همانند غذا دادن میزبان به میهمان در غذاخوریهای خودکار امروزی [= سلف سرویس‌ها] است که عملاً به میهمان گفته می‌شود: خودت را پذیرائی کن! در این غذاخوری‌ها، غذای میهمان را میزبان می‌دهد، و هر

۴۴۲ - ذاریات/۵۸.

۴۴۳ - روم/۴۰.

۴۴۴ - انعام/۱۵۱.

۴۴۵ - عنکبوت/۶۰.

۴۴۶ - نحل/۷۱.

گونه خوردنی که میهمان با آزادی کامل برای خود انتخاب می‌کند از فرآورده‌های میزبان است، اما میهمانی که وارد چنین غذاخوری‌ها می‌شود اگر خود اقدام نکند و از قاشق و چنگال و بشقاب‌هایی که میزبان تهیه دیده بر ندارد و با پای خود به سوی غذای آماده نرود و با دست خود هرچه خواست برنگیرد، چیزی نخواهد خورد، با این حال، آنکه میهمانان را غذا داده میزبان غذاخوری [= سلف سرویس] است. در چنین حالتی زیان احتمالی بد خوردن نیز، بر عهده میهمان است که خود غذای زیانبار و غیر مفید را برگرفته است. و چه درست و صادق است آنچه خدای عظیم در سوره ابراهیم فرموده:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْيَلَّ وَالنَّهَارَ.

خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه‌ها را برای روزی شما از زمین بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید تا در پهنه دریا به فرمان او روان گردند، و نهرها را در اختیار شما قرار داد% و خورشید و ماه را - با گردشی منظم و مستمر - مسخر شما کرد و شب و روز را به تسخیر شما درآورد^{۴۷}.
و در سوره نحل می‌فرماید:

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۗ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ۗ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۗ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۗ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا ۗ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ .

خداوند از آسمانها آبی فرستاد؛ و زمین را پس از آنکه مرده بود حیات بخشید. راستی را که در این، نشانه روشنی است برای قومی که می‌شنوند% و در وجود چهارپایان، برای شما عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذای جویده و خون، شیر ناب گوارای نوشندگان به شما می‌نوشانیم% و از میوه‌های درخت نخل و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید. راستی را که در این، نشانه روشنی است برای قومی که می‌اندیشند% و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که: از کوهها و درختان و داربست‌هایی که مردم بنا می‌کنند، خانه‌هایی برگزین% سپس از تمام ثمرات بخور و راههای را که پروردگارت برای تو تعیین فرموده، به راحتی بپیما، از درون شکم آنها، نوشیدنی، با رنگهای مختلف خارج

می‌شود که در آن، شفای مردمان است. براستی که در این امر، نشانه روشنی است برای قومی که اندیشه می‌کنند.^{۴۴۸}

شرح کلمات

۱ - دَائِبِينَ: مستمرّین: یعنی همیشه درگردشند، حرکت در مسیر تعیین شده، شأن و عادت همیشگی آنها شده است.

۲ - فَرْتٌ: غذای جویده در شکمبه و معده حیوانات.

۳ - مِمَّا يَعْرِشُونَ: از آنچه بالا می‌برند، داربست‌هایی که مردم بالا برده و شاخه‌های درخت مو را روی آن قرار می‌دهند، یا سقفی که بر روی درختان خرما بنا می‌کنند و...

بازگشت به آغاز

پروردگار روزی‌بخش، نعمت‌هایی را برای میهمانان خود، انسان، در این جهان فراهم آورده و چگونگی دست‌یابی و بهره‌وری مفید و بی‌ضرر برای دنیای زودگذر و آخرت جاویدان را، به وسیله انبیا و اوصیا و علما تعلیمش داده و فرموده:

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَاشْكُرُوْا لِلّٰهِ .

ای اهل ایمان! از پاکیزه‌هایی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شاکر باشید^{۴۴۹}.
و نیز فرموده:

يَسْئَلُوْنَكَ مَاذَا اٰحَلَّ لَهُمْ قُلْ اٰحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبٰتُ .

از تو می‌پرسند: چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: همه پاکیزه‌ها برای شما حلال گردیده است^{۴۵۰}.
و نیز، در وصف خاتم انبیای خود^۷ فرموده:

وَ اٰحَلَّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَ اٰحْرَمَ عَلَيْهِمُ الْخَبٰثٰتِ .

او [= پیامبر] پاکیزه‌ها را برای آنان حلال، و ناپاک‌ها را برایشان حرام می‌کند^{۴۵۱}.

بنابراین، پروردگار سبحان ما را آفرید، هرچه در اطرافمان بود مسخر ما گردانید و در این دنیا از پاکیزه‌ها که نتیجه زراعت و کشت خود ما بود، روزی‌مان داد. او همچنین، نتیجه اعمالمان را روزی آخرتمان می‌گرداند، چنانکه فرموده:

وَ الَّذِيْنَ هٰاجَرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ قَتَلُوْا اَوْ مَاتُوْا لَيَرْزُقْنَهُمُ اللّٰهُ رِزْقًا حَسَنًا .

آنانکه در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، خداوند روزی نیکوئی به آنان خواهد داد^{۴۵۲}.
و نیز می‌فرماید:

... اِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا فَاُوْلٰئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُوْنَ شَيْئًا % جَنَّتِ عَدْنِ اَلَّتِي

۴۴۸ - نحل/۶۵-۶۹ .

۴۴۹ - بقره/۱۷۲ .

۴۵۰ - مائده/۴ .

۴۵۱ - اعراف/۱۵۷ .

۴۵۲ - حج/۵۸ .

وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا % لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلْمًا ۖ وَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا .

... مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند. پس، این گروه داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد% بهشت‌های جاودانی که خداوند رحمان بندگان را غیباً به آن وعده داده، مسلماً وعده خدا شدنی است% در آنجا هرگز گفتار بیهوده نشنوند و جز سلام نیابند و روزی آنان صبح و شام در آن مقرر است%^{۴۵۳} پس، ربّ حکیم جزای انسان را که نتیجه عملکرد اوست، در دنیا سریع و در آخرت پس از مدت معلوم به او باز می‌گرداند؛ همانگونه که خود در سوره‌های بسیاری از آن خبر داده و در سوره «زلزال» فرموده:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ % وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ .

پس، هر که به مقدار ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند% و هر که به اندازه ذره‌ای بدی نماید، آن را می‌بیند^{۴۵۴}.
و در سوره یس فرموده:

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .

پس، در آن روز به هیچکس ذره‌ای ستم نمی‌شود، و پاداشی جز آنچه عمل می‌کردید داده نمی‌شوید^{۴۵۵}.
آری، آنکه در این دنیا حنظل تلخ می‌کارد، برداشتی جز حنظل ندارد، و کسی که درختان بارور غرس می‌کند، میوه‌های نیکو می‌چیند، همانگونه که خدای سبحان در سوره "نجم" می‌فرماید:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى % وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى .

و اینکه، برای انسان بهره‌ای جز سعی و تلاش او نیست% و سعی او به زودی دیده می‌شود^{۴۵۶}.
انسان پاداش عملکرد خود را تنها در دنیا نمی‌بیند، بلکه در حالت‌ها و عوالم پنج‌گانه ذیل نیز، نتایج آن را می‌بیند:

- ۱ - به هنگام مرگ.
- ۲ - در قبر.
- ۳ - در محشر.
- ۴ - در بهشت و جهنم.
- ۵ - در بازماندگانی که پاداش عمل را برای آنان به ارث می‌گذارد.



در این بحث، نمونه‌ای از پاداش گرفتن انسان در کارهای دنیائی را بیان داشتیم، در بحث آینده - به اذن خدای متعال -

^{۴۵۳} - مریم / ۶۰-۶۳ .

^{۴۵۴} - زلزال / ۷ و ۸ .

^{۴۵۵} - یس / ۵۴ .

^{۴۵۶} - نجم / ۳۹ و ۴۰ .

چگونگی پاداش خداوند به انسان در هنگام مرگ را بررسی می‌نمائیم.

اولین مرحله از مراحل آخرت، مرگ است. خدای سبحان در وصف آن فرموده:

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ .

[ای انسان] سرانجام، سکرّات از خود شدن مرگ به حق فرا رسد، این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی^{۴۵۷}! یعنی، لحظه هولناک مرگ و شدتی که بر عقل آدمی چیره می‌شود، فرا رسد. این همان مرگی است که تو [= انسان] همیشه از آن گریزان بودی!

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ .

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، جان شما را می‌ستاند، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید^{۴۵۸}.

اینکه خداوند در این سوره فرموده: فرشته مرگ جان شما را می‌ستاند و در سوره زمر فرموده: **اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ**

خداوند جانها را می‌گیرد^{۴۵۹}. و در سوره نحل فرموده: **تَتَوَفَّيْهُمُ الْمَلَائِكَةُ** فرشتگان جان آنها را می‌گیرند^{۴۶۰}. و در سوره

انعام فرموده: **تَوَفَّيْتَهُ رُسُلُنَا** فرستادگان ما جان او را می‌گیرند^{۴۶۱}. در این سخنان، هیچگونه منافاتی نیست. زیرا:

فرشتگان رسولان خداوند و در گرفتن جانها "ملک الموت" را یاری می‌دهند، و همه آنان به فرمان خدا قبض روح می‌کنند. پس در حقیقت خدا خودش جانها را می‌گیرد که فرشتگان را به آن فرمان می‌دهد.

با شروع این مرحله از مراحل آخرت، امکان عمل در دنیا از آدمی سلب گشته و دیدار نتیجه عمل آغاز می‌گردد، و از جمله آثاری که در آن حال می‌بیند چیزی است که صدوق رحمه الله با سند خود از رسول خدا 7 روایت کرده که آن حضرت فرموده: «صَوْمٌ رَجَبٍ يَهْوُونَ سَكْرَاتِ الْمَوْتِ» روزه ماه رجب سختی‌های مرگ را آسان می‌کند.^{۴۶۲}

حال آدمی در این مرحله، بر حسب عملی که انجام داده، دوگونه است. چنانکه خدای سبحان خبر داده و فرموده:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ % فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ % وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ %

فَسَلَّمَ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ % وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ % فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ % وَتَصْلِيَةٌ

حَمِيمٍ .

اما اگر از مقربان باشد% در رَوْح و ریحان و بهشت نعیم است% اما اگر از اصحاب یمین باشد% [به او می‌گویند]: سلام

۴۵۷ - ق/۱۹ .

۴۵۸ - سجده/۱۱ .

۴۵۹ - زمر/۴۲ .

۴۶۰ - نحل/۲۸ و ۳۲ .

۴۶۱ - انعام/۶۱ .

۴۶۲ - ثواب الاعمال باب: ثواب روزه رجب حدیث/۴ .

بر تو باد از سوی اصحاب یمین% اما اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد% با آب جوشان دوزخ پذیرائی می شود% و در آتش جهنم جای می گیرد.^{۴۶۳}

خدای متعال از آنچه گروه اول - مقربان و اصحاب یمین - با آن روبرو می شوند خبر داده و می فرماید:

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ % أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً % فَأَدْخُلِي فِي عِبْدِي % وَأَدْخُلِي جَنَّتِي

ای روح آرام یافته!% به سوی پروردگارت بازگرد. در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو راضی است.% پس در سلک بندگان من در آی.% و در بهشت من وارد شو.^{۴۶۴}

و از گروه دوم - آنانکه در زندگی دنیا به خود ستم کردند - نیز خبر داده و می فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ % لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ %

تا آنگاه که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید!% شاید در آنچه ترک کردم عمل صالحی انجام دهم! این چنین نیست! این سخنی است که او بر زبان می راند! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند.^{۴۶۵}

شرح کلمات

۱ - يَتَوَفَّى: تمام و کمال دریافت می کند، یعنی: خداوند یا ملک الموت جان او را کاملاً می گیرند. در هنگام خواب نیز که قوه تمیز و برخی حواس آدمی گرفته می شود، مانند این است که روح او گرفته شده است.

۲ - حَمِيم: آب جوشان.

۳ - تَصْلِيَةٌ جَحِيم: سوزاندن با آب جوشان در جهنم.

۴ - بَرْزَخ: مانع و مرز میان دو چیز.



انسان در این مرحله، پایان زندگی دنیائی و مرگ همه اعضای خود را درک می کند، ولی ابزاری برای شناخت بعد از آن - جز آنچه انبیا خیر داده اند - ندارد. پس، اگر انبیا را تصدیق کرده و به آنان و آنچه از صفات خدا و شریعت الهی آورده اند، ایمان آورد، به عالم آخرت و مراحل مختلف آن هم ایمان می آورد. قیاس آنچه درباره آخرت گفته اند با آنچه که ما در دنیا دیده و شناخته ایم، ممکن نیست؛ زیرا، ابزارهای شناخت ما محدود و ویژه زندگی این دنیاست و برای بررسی اخبار انبیا درباره آخرت - چنانکه در گذشته بیان داشتیم - کاربردی ندارد.

از جمله روایاتی که درباره آخرین لحظات زندگی و فرارسیدن مرگ به دست ما رسیده، روایتی است از امام صادق U

^{۴۶۳} - واقعه / ۸۸-۹۴.

^{۴۶۴} - فجر / ۲۷-۳۰.

^{۴۶۵} - مؤمنون / ۹۹-۱۰۰.

که فرموده:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ دُونَ مَا مَنَعَ يَمْنَعُهُ فَلَيَمُتَ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.

هر کس مرگش فرارسد و بدون عذر موجّه حج واجب را نگزارده باشد، باید به خواست خود، یهودی یا نصرانی بمیرد^{۴۶۶}.

۴-۶- انسان و پاداش او در قبر

کتاب‌های روایی از آنچه میّت در قبر با آن روبرو می‌گردد، انباشته است: از سؤال آن دو فرشته مأمور از عقاید^{۴۶۷} گرفته تا دیدن آثار سوء خلق و حسن خلق و سایر رفتاری که داشته است. و اینکه، قبر برای میت، بوستانی از بوستانهای بهشت یا گودالی از گودالهای آتش است^{۴۶۸}. و کسی که در پی سخن چینی رود یا گاه بول کردن از نجاست پروا نکند، در قبر عذاب می‌شود^{۴۶۹} و هر که اخلاق خود را نیکو گرداند از هنگام ورود در قبر تا پایان مراحل حسابرسی قیامت، پاداش می‌گیرد^{۴۷۰}، و هر که رکوع خود را به درستی انجام دهد، هیچگونه هراسی در قبر بر او وارد نمی‌شود^{۴۷۱}.

^{۴۶۶} - ثواب الاعمال باب: عقاب کسی که حج را ترک کند حدیث/۲.

^{۴۶۷} - به ماده "نکر" در سفینه البحار مراجعه شود.

^{۴۶۸} - به ماده "قبر" در سفینه البحار مراجعه شود.

^{۴۶۹} - ثواب الاعمال صدوق رحمه الله ص ۲۹۵، حدیث ۱، صحیح مسلم کتاب الطهارة، باب:

الدلیل علی نجاسة البول ص ۲۴۰-۲۴۱، سنن دارمی کتاب الطهارة، باب الاتقاء من البول

(۱/۱۸۸) و سنن ابی داود کتاب طهارة، باب: الاستبراء من البول (۱/۳۴-۳۵) و سنن ابن ماجه

کتاب الطهارة، باب: التشدید فی البول (۱/۱۲۴-۱۲۵) و مسند احمد (۱/۲۲۵) و ۲۶۶/۵،

۴۱۷، (۴۱۹) و صحیح بخاری کتاب الوضوء، باب: من الكبائر ان لا یستر من بوله

(۱/۶۴)، و کتاب الادب، باب الغیبة (۸/۲۰)، و باب النیمة من الكبائر (۸/۲۱).

^{۴۷۰} - ثواب الاعمال ص ۱۸۰ باب: ثواب ادخال سرور بر برادر مؤمن.

^{۴۷۱} - سفینه البحار، ماده "رکع".

الف - به هنگام نفخ صور

روز محشر با دمیدن در صور برای حسابرسی آغاز می‌گردد. "صُور" در لغت عرب چیزی همانند شاخ است که در آن می‌دمند تا صدا کند. خدای سبحان می‌فرماید:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ.

در "صور" دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر آنانی که خدا بخواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، ناگهان همگی بپا خاسته و در انتظارند.^{۴۷۲}

"صَعِقَ" در اینجا صوتی است با پی آمد مرگ. در حدیث برای "نُفِخَ" تفسیری آمده که فشرده آن چنین است: دمیدن در "صور" دو نوبت خواهد بود:

نوبت اول: اسرافیل در صور می‌دمد و همه موجودات آسمانها و زمین می‌میرند، مگر آنان که خدا بخواهد: حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل و عزرائیل. پس از آن خداوند - در حالیکه خود داناتر است - به ملک الموت می‌فرماید: چه کسانی باقی مانده‌اند؟ می‌گوید: پروردگارا! جز ملک الموت و حاملان عرش و جبرئیل و میکائیل هیچ کس باقی نمانده است. خداوند می‌فرماید: به جبرئیل و میکائیل بگو: باید بمیرند و روح آنان قبض گردد! پس از آن - در حالیکه خود داناتر است - به ملک الموت می‌فرماید: که باقی مانده؟ می‌گوید: پروردگارا! جز ملک الموت و حاملان عرش کسی باقی نمانده! می‌فرماید: به حاملان عرش بگو: باید بمیرند و روحشان گرفته شود! بعد می‌فرماید: ای ملک الموت! که مانده است؟ عرض می‌کند: کسی جز ملک الموت باقی نیست. می‌فرماید: بمیر ای ملک الموت! او نیز می‌میرد و خدای ذوالجلال ندا می‌کند: **لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ**^ط امروز حکومت از آن کیست؟ هیچکس پاسخ نمی‌دهد. در این هنگام خدای جبار

ذوالجلال خود پاسخ خویشتن را داده و می‌فرماید: **لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ** از آن خدای یگانه قهار است.^{۴۷۳}

پس از آن، هرگاه خواست دوباره در "صور" می‌دمد. چنانکه خود فرمود: سپس دوباره در آن [= صور] می‌دمد، ناگهان همگی بپا خاسته و در انتظارند!^{۴۷۴}

نوبت دوم: خداوند دوباره آن می‌فرماید:

۱ - وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَمَعَنَهُمْ جَمْعًا.

^{۴۷۲} - زمز/۶۸.

^{۴۷۳} - مؤمن/۱۶.

^{۴۷۴} - در المنثور سیوطی (۳۳۶/۵-۳۳۷)، و بحار به نقل از کافی و غیر آن

(۳۲۶/۶-۳۲۷).

در "صور" دمیده می شود؛ و ما همه را جمع می کنیم.^{۴۷۵}

۲ - وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ.

روزی که در "صور" دمیده می شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند در وحشت فرو می روند، جز کسانی که خدا خواسته، و همگی با خضوع و ذلت به پیشگاه او حاضر می شوند!^{۴۷۶}

۳ - وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ % قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ % إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ % فَالْيَوْمَ لَا تُظَلِّمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

در "صور" دمیده می شود، بناگاه آنان از قبرها شتابان به سوی پروردگارشان می روند% می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! این همان است که خدای رحمان وعده داده بود، و فرستادگان او راست گفتند% این رویداد، صیحه واحدی بیش نیست که ناگهان همگی نزد ما احضار می گردند:% امروز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و پاداشی جز آنچه عمل می کردید داده نمی شوید.^{۴۷۷}

و نیز، درباره اینکه همه انسانها را جمع کرده و گرد هم می آورد، فرمود:

۱ - وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا.

و همه آنان را بر می انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار نمی کنیم!^{۴۷۸}

۲ - يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا.

روزی که در "صور" دمیده می شود و مجرمان را با بدنهای کبود در آن روز گرد هم می آوریم.^{۴۷۹}

۳ - يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا.

روزی که پرهیزکاران را دسته جمعی به پیشگاه خداوند رحمن می آوریم!^{۴۸۰}

شرح کلمات

۱ - داخِرین: ذلیلانه و با گرنش.

۲ - اَجْدَاث: قبرها.

۳ - يَنْسِلُونَ: جدا می شوند، با سرعت از قبرها بیرون می آیند.

۴۷۵ - کهف/۹۹.

۴۷۶ - نمل/۸۷.

۴۷۷ - یس/۵۱-۵۴.

۴۷۸ - کهف/۴۷.

۴۷۹ - طه/۱۰۲.

۴۸۰ - مریم/۸۵.

۴ - زُرْقًا: زُرُق جمع زَرَق یا اَزْرَق، به معنای کبودی و نیلگونی است.

۵ - وَفْدًا: وَفْد نام هیئت و گروهی است که برای دریافت پاداش یا هر گونه نیازی نزد حاکم می‌روند.

ب - در مشاهد روز قیامت

خداوند سبحان مشاهد روز قیامت را اینگونه معرفی می‌کند:

۱- ... أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ % لِيَوْمٍ عَظِيمٍ % يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ .

... آنان برانگیخته می‌شوند% در روزی بزرگ% روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان برپا می‌ایستند.^{۴۸۱}

۲- يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا .

روزی که "روح" و "فرشتگان" در یک صف می‌ایستند و هیچ یک - جز آنکه خدای رحمن اجازه‌اش دهد و درست بگویند - سخن نمی‌گویند!^{۴۸۲}

۳- وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ .

خداوند آسمانها و زمین را به حق آفریده است تا هر کس به آنچه کسب کرده پاداش داده شود، و به آنان ستم نخواهد شد.^{۴۸۳}

۴- وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلَمْنَهُ لِحَرَّتِهِ فِي عُنُقِهِ ۖ وَخُجِرُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا % أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا .

و هر انسانی، کردارش را بر گردنش آویخته‌ایم؛ و روز قیامت کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را فراروی خود گشوده بیند!% به او گفته می‌شود: کتابت را بخوان! همان بس که امروز خود حسابگر خویش باشی.^{۴۸۴}

۵- ... كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ % هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا

نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ %... وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ % وَقِيلَ

الْيَوْمَ نَنسَخُ مَا نَسَخْنَا كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَأَكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ % ذَالِكُمْ بِأَنكُم أَخَذْتُمْ

ءَايَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۖ فَالْيَوْمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ .

هر امتی به سوی کتابش خوانده می‌شود، امروز پاداش آنچه را انجام می‌دادید به شما می‌دهند% این کتاب ماست که به حق با شما سخن می‌گوید؛ ما هرچه را شما انجام می‌دادید می‌نوشتیم% ... و بدیهای آنچه انجام می‌دادند بر آنان آشکار

۴۸۱ - مطفقین/۴-۶ .

۴۸۲ - نبأ/۳۸ .

۴۸۳ - جائیه/۲۲ .

۴۸۴ - اسراء/۱۳ و ۱۴ .

می‌شود، و آنچه استهزایش می‌کردند، آنان را فرا می‌گیرد! % و به آنان گفته می‌شود: امروز شما را از یاد می‌بریم همانگونه که شما دیدار امروزتان را از یاد بردید، و جایگاه شما دوزخ است و هیچ یآوری ندارید! % این بدان خاطر است که شما آیات خدا را به سُخره گرفتید و زندگی دنیا شما را فریفت! امروز نه از دوزخ بیرون آیند و نه عذرشان پذیرفته گردد.^{۴۸۵}

۶ - فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أَرَأَيْتُ أَكْتُبِيهِ ...

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَلِيَّتِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَةَ % وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَةَ .

پس، کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده، می‌گوید: بی‌ایند نامه مرا بخوانید!... و آنکه نامه اعمالش به دست چپش داده شده می‌گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم به دست من داده نشده بود! % و نمی‌دانستم حساب من چیست!^{۴۸۶}

۷ - فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ % فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا % ... وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ % فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا .

پس، کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شده % بزودی حساب آسانی برای او می‌شود! %... و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شده % بزودی فریاد هلاکت و واویلا سر دهد.^{۴۸۷}

۸ - وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا مَخَّلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

کسانی که بخل می‌ورزند و آنچه را خدا از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند، گمان نکنند این کار به سود آنان است؛ بلکه برای آنان شر است. به زودی در روز قیامت، آنچه را نسبت به آن بخل ورزیدند، طوق گردنشان گردانند.^{۴۸۸}

۹ - ... وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ % يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ ...

... روزی که گواهان به پا خیزند % روزی که عذرخواهی ستمگران سودی برای آنان ندارد...^{۴۸۹}

۱۰ - وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ .

روزی که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنان برانگیزیم، و تو [= پیامبر] را گواه بر آنان قرار می‌دهیم!^{۴۹۰}

۱۱ - حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ ...

۴۸۵ - جاثیه / ۲۸-۲۹ و ۲۳-۲۵ .

۴۸۶ - حاقه / ۱۹-۲۶ .

۴۸۷ - انشاق / ۷-۱۱ .

۴۸۸ - آل عمران / ۱۸۰ .

۴۸۹ - غافر / ۵۱ .

۴۹۰ - نحل / ۸۹ .

هنگامی که به آن می‌رسند، گوشها و چشم‌ها و پوسته‌هایشان به آنچه می‌کردند گواهی دهند% آنان به پوستهای خود می‌گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ جواب می‌دهند: خداوندی که هر موجودی را به نطق آورده ما را گویا ساخت...^{۴۹۱}

شرح کلمات

۱ - طائره: کنایه است از عمل خیر و شر او.

۲ - تُبُور: هلاکت، یَدْعُو تُبُوراً، یعنی فریاد هلاکت سر می‌دهد.

۳ - سَيُطَوَّقُونَ: طوق کردن بر آنان زنده، یعنی بخل آنان در ادای حقوق واجب را به صورت ماری در گردنشان مجسم نمایند.

۴ - الشَّهيدُ وَ الشَّهيدَةُ: شهید گواه قاطع، و اَشهاد جمع شاهد است و مقصود از آن، انبیا و همراهان آنانند که بر امت‌های خود گواهی می‌دهند. و نیز، هر که گواه اعمالی باشد که از انسان صادر می‌شود.

درباره آثار اعمال در روز قیامت از رسول خدا 7 روایت است که:

۱ - أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطْوَالُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ.

کسانی که از شما در خانه دنیا قنوت [نمازشان] طولانی‌تر است، در روز قیامت و در جایگاه حساب، استراحتی افزون دارند.^{۴۹۲}

۲ - از وصی رسول خدا 7 روایت است که فرمود:

إِذَا سَجَدَ أَحَدُكُمْ فَلْيُبَاشِرْ بِكَفِّهِ الْأَرْضَ لَعَلَّ يَصْرِفُ عَنْهُ الْغَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هرگاه یکی از شما سجده می‌کند کف دستهای خود را بر زمین بچسباند تا شاید تشنگی روز قیامت را از او بگرداند.^{۴۹۳}

۳ - از رسول خدا 7 است که فرمود:

مَنْ بَغِيَ عَلَى فَقِيرٍ أَوْ تَطَاوَلَ عَلَيْهِ وَ اسْتَحَقَّرَهُ حَشْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِثْلَ الذَّرَّةِ عَلَى صُورَةِ رَجُلٍ يَدْخُلُ النَّارَ.

هر کس بر فقیری ستم کرده یا فخر فروشی کند و کوچکش پندارد، خداوند در روز قیامت او را همانند مورچه در سیمای انسانی، داخل آتش می‌کند.^{۴۹۴}

۴ - از امام صادق ۱۰ است که فرمود:

إِنَّ الْمُتَكَبِّرِينَ يَجْعَلُونَ فِي صُورَةِ الذَّرِّ يَتَوَطَّأُهُمُ النَّاسُ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنَ الْحِسَابِ.

متکبران در روز قیامت به صورت مورچه درآمده و مردم از روی آنها راه می‌روند تا خداوند از حساب فارغ گردد.^{۴۹۵}

۴۹۱ - فصلت/ ۲۰-۲۱.

۴۹۲ - ثواب الاعمال، ص ۵۵.

۴۹۳ - ثواب الاعمال، ص ۵۵-۵۶.

۴۹۴ - ثواب الاعمال، ص ۳۳۵ باب: عقوبات اعمال.

۴۹۵ - ثواب الاعمال، ص ۲۶۵.

خداوند انسان را در آخرت، بر حسب اعمالی که در زندگی این دنیا انجام داده و در آن سرا فرارویش مجسم می‌شوند، با نعمت‌های بهشتی پاداش و با عذاب جهنم کیفر می‌دهد؛ همانگونه که خود از آن خبر داده و فرموده:

۱ - **إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...**

خداوند کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، در باغهایی از بهشت - که از زیر درختانش نهرها جاری است - وارد می‌کند...^{۴۹۶}

۲- **وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ**

هر کس عمل شایسته‌ای انجام دهد - مرد باشد یا زن - در صورتی که مؤمن باشد داخل بهشت شده و روزی بی‌حسابی داده می‌شوند.^{۴۹۷}

۳ - **...مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا % وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا .**

هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر شود؛ و ولی و یآوری جز خدا برای خویش نیابد% و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد - چه مرد و چه زن - در صورتی که مؤمن باشد داخل بهشت شده و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد.^{۴۹۸}

۴ - **وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ % ...وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ ... وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ...**

روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که رویشان سیاه است. آیا در جهنم برای متکبران جایگاهی نیست؟% ... و به هر کس آنچه انجام داده بی‌کم و کاست داده شود... و کسانی که تقوای الهی گزیدند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند...^{۴۹۹}

۵ - **الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ % ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ .**

[به] آنان که به آیات ما ایمان آورده و مسلمان بودند. [گفته می‌شود:] شما و همسرانتان با شادکامی وارد بهشت شوید.^{۵۰۰}

۶ - **وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ... إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ خَالِدُونَ ... وَمَا**

۴۹۶ - حج/۲۳ .
 ۴۹۷ - مؤمن/۴۰ .
 ۴۹۸ - نساء/۱۲۳-۱۲۴ .
 ۴۹۹ - زمر/۶۰ و ۷۰ و ۷۳ .
 ۵۰۰ - زخرف/۶۹-۷۰ .

ظَلَمْنَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

این بهشتی است که به پاداش اعمالی که انجام می‌دادید وارث آن می‌شوید... [اما] گناهکاران در عذاب جهنم جاویدانند... ما به آنها ستم نکردیم، آنان خود ستمکار بودند!^{۵۱}

۷ - ... وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ % يَوْمَ نُحْمِي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ .

... کسانی که طلا و نقره را گنجینه و اندوخته کرده و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنان را به عذاب دردناکی بشارت ده! روزی که آن را در آتش جهنم گداخته کرده و صورتها و پهلوها و پشت‌هایشان را با آن داغ کنند [و به آنها بگویند:] این همان چیزی است که برای خود اندوختند! پس بچشید آنچه را می‌اندوختید!^{۵۲}

شیخ صدوق رحمه الله با سند خود از رسول خدا 7 روایت کرده که فرمود:

أَرْبَعَةٌ يُؤْذُونَ أَهْلَ النَّارِ عَلَى مَا بِهِمْ مِنَ الْأَذَى يُنَادُونَ بِالْوَيْلِ وَ التُّبُورِ: رَجُلٌ عَلَيْهِ تَابُوتٌ مِنْ حَجَرٍ فَإِنَّهُ مَاتَ وَ فِي غُنْتِهِ أَمْوَالُ النَّاسِ لَمْ يَجِدْ لَهَا فِي نَفْسِهِ آدَاءً وَ لَا مَخْلَصاً وَ رَجُلٌ يَجْرُ أَمْعَاءَهُ، فَإِنَّهُ كَانَ لَا يُبَالِي أَيْنَ أَصَابَ الْبَوْلُ جَسَدَهُ وَ رَجُلٌ يَسِيلُ فُوهَ قِيحاً وَ دَمًا، فَإِنَّهُ كَانَ يُحَاكِي فَيَنْظُرُ كُلَّ كَلِمَةٍ حَبِيثَةٍ فَيُفْسِدُ بِهَا وَ يُحَاكِي بِهَا وَ رَجُلٌ يَأْكُلُ لَحْمَهُ، فَإِنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبِ وَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ.

چهار گروهند که با عذابی که می‌بینند و نعره‌های هلاکت خواهی و واویلائی که سر می‌دهند، جهنمیان را به ستوه می‌آورند: ۱ - کسی که صندوقی از سنگ بر روی اوست، زیرا او در حالتی از دنیا رفته که حقوق مالی مردم بر عهده‌اش بوده و قصد پرداخت و خلاصی از آن را نداشته است. ۲ - کسی که روده‌های خود را با خود می‌کشد، او کسی بوده که از رسیدن بول به هر جای بدنش باکی نداشته است. ۳ - کسی که از دهانش چرک و خون فوران می‌کند، زیرا او سخنان زشت را از دهان این و آن گرفته و برای دیگران بازگو نموده و فساد و فتنه ایجاد می‌کرده است. ۴ - کسی که گوشت خود را می‌خورد. او کسی است که گوشت مردم را با غیبت و سخن‌چینی می‌خورده است.^{۵۳}

خدای سبحان از درهای متعدد بهشت و جهنم نیز خبر داده و فرموده:

... وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَقَابٍ % جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحِنَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ .

... برای پرهیزکاران فرجام نیکویی است % باغهای جاویدان بهشتی که دره‌ایش به روی آنان گشوده است.^{۵۴}

و خطاب به ابلیس که لعنت خدا بر او باد، فرموده:

۵۱ - زخرف/ ۷۲ و ۷۴ و ۷۶ .

۵۲ - توبه/ ۳۴-۳۵ .

۵۳ - عقاب / الاعمال ص ۲۹۵-۲۹۶ .

۵۴ - ص/ ۴۹-۵۰ .

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ % وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ % هَذَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ.

تو هرگز بر بندگان من تسلط نخواهی یافت، مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند.% و جهنم، میعادگاه همه آنهاست!% هفت در دارد و برای هر دری گروه معینی از آنان تقسیم شده‌اند!^{۵۰۵}

شرح کلمات

- ۱ - نَقِيرًا: نقیر، خال یا فرورفتگی کوچکی در پشت هسته خرماسست که اشیاء سبک و بی‌ارزش را به آن مثل می‌زنند.
- ۲ - مَثْوًى: جایگاه، محل اقامت و استقرار.
- ۳ - زُمْرًا: گروه گروه، زُمْر جمع زُمْره، به معنای فوج و گروه است.
- ۴ - مَأَبٍ: بازگشت، فرجام، عاقبت.
- ۵ - جَنَّاتٍ عَدْنٍ: بهشت‌های ثبات و آرامش.

تفسیر آیات در روایات

در تفسیر آیات مذکور از رسول خدا 7 روایتی است که فرموده:

بهشت هشت در دارد و جهنم هفت در، برخی از درها بهتر از برخی دیگر است.^{۵۰۶}

و از امام علی ۱۰ روایتی است که فرموده:

آیا می‌دانید درهای جهنم چگونه‌اند؟ راوی می‌گوید گفتیم: مانند همین درهاست، فرمود: نه، چنین است: دستش را روی دستش نهاد و آن را گشود، یعنی درهای جهنم مانند خود جهنم روی هم سوارند. و در تفسیر قرطبی بعد از آن آمده است: برخی از درها روی برخی دیگر است، و از رسول خدا 7 روایت کرده که: اهل هر طبقه در همان طبقه هستند.^{۵۰۷}

و باز از رسول خدا 7 روایت است که در تفسیر (جُزْءٌ مَّقْسُومٌ) فرموده:

برای هر دری از درهای جهنم، گروه معینی از اهل آتش تقسیم شده‌اند که هر گروهی به مقدار اعمالی که انجام داده‌اند عذاب می‌شوند.^{۵۰۸}

در خاتمه، با آوردن پاره‌ای از احادیثی که آیات گذشته را شرح کرده و نتایج اعمال را به اجمال و تفصیل بیان می‌دارد، این بحث را به پایان می‌بریم:

۱ - در اصول کافی از امام جعفر صادق ۱۰ روایت کرده که فرمود:

هر کس مؤمنی را خشنود کند خدای عزّ و جلّ از این خشنودی موجودی را بیافریند که به هنگام مرگ ملاقاتش کرده و به او می‌گوید: ای ولیّ خدا! مژده باد تو را که در کرامت و رضوان خدا هستی، پس از آن پیوسته با اوست تا به گور

^{۵۰۵} - حجر/۴۲-۴۴.

^{۵۰۶} - تفسیر سیوطی، الدر المنثور، جلد ۴ ص ۹۹-۱۰۰.

^{۵۰۷} - به تفسیر آیه در مجمع البیان و تفسیر قرطبی و سیوطی مراجعه شود.

^{۵۰۸} - تفسیر سیوطی، الدر المنثور، جلد ۴ ص ۹۹-۱۰۰.

رفته و همین مژده را به او بدهد. پس از برانگیخته شدن نیز به دیدارش رفته و همان بشارت را به او می‌دهد و در کنار او می‌ماند تا در مراحل سخت و هولناک پیوسته نویدش داده و دلشادش دارد. آن شخص به او می‌گوید: رحمت خدا بر تو باد، تو که هستی؟ می‌گوید: من همان خشنودی و سروری هستم که بر فلان کس وارد آوردی.^{۵۰۹}

۲ - در کتاب بحار به نقل از معانی الأخبار صدوق از امام صادق **U** روایت کرده که فرمود:

هر کس اندوهی را از مؤمنی بزداید خداوند غمهای آخرت را از او می‌زداید و او با دلی خنک و خجسته از قبر بیرون می‌آید. و هر کس مؤمنی را از گرسنگی برهاند خداوند از میوه‌های بهشتش بخوراند، و هر کس شربت‌ی به او بنوشاند خداوند از جام سر به مهر بهشتی سیرایش گرداند.^{۵۱۰}

۳ - در اصول کافی از امام ابی الحسن **U** است که فرموده:

خدا را در زمین بندگانی است که همیشه در پی برآوردن نیاز نیازمندان هستند. آنان آسوده خاطران روز قیامت‌اند، آری، هر کس مؤمنی را خشنود کند خداوند در روز قیامت دلش را شادمان گرداند.^{۵۱۱}

۴ - در اصول کافی از امام صادق **U** روایت کرده که فرمود:

هیچ مسلمانی نیاز مسلمان دیگری را برآورده نمی‌کند مگر آنکه خدای متعال ندایش دهد: پاداشت بر من است، و به چیزی غیر از بهشت برای تو خشنود نمی‌شوم.^{۵۱۲}

۵ - صدوق در ثواب الاعمال از قول معروف بن خربوذ آورده که گفت، شنیدم امام باقر **U** می‌فرمود:

هر مؤمنی که در دنیا به مصیبتی دچار شود و در حال مصیبت بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ما از خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم! خداوند همه گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد، مگر گناهان کبیره‌ای را که مستوجب آتش باشد! و فرمود: و هرگاه در آینده عمر خود به یاد مصیبت افتد و استرجاع نماید [«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید] و حمد خدا به جای آورد، خداوند همه گناهانی را که در فاصله استرجاع اول و استرجاع ثانی انجام داده می‌آمرزد، مگر گناهان کبیره را!^{۵۱۳}

۶ - در بحار الأنوار از امام صادق **U** از رسول خدا **7** آورده که خدای متعال فرموده: هیچ بنده‌ای را وارد بهشت نکنم مگر آنکه به آسیب جسمانی مبتلایش کنم، پس، اگر این بلا در حد کفاره گناهانش بود که بود، وگرنه سلطه‌گری را بر او چیره گردانم که اگر با آن کفاره گناهانش را پس داد به همان بسنده شود، وگرنه روزی او را در تنگنا قرار دهم تا اگر گناهانش با آن شسته شد که شد، وگرنه به هنگام مرگ چنان بر او سخت بگیرم که پاک و بی‌گناه نزد من آید و آنگاه او را وارد بهشت گردانم...^{۵۱۴}

۷ - در صحیح بخاری است که رسول خدا **7** فرمود:

هیچ مسلمانی نیست که دچار مصیبت گردد مگر آنکه خداوند گناهانش را بریزد، همان‌گونه که برگ درخت

^{۵۰۹} - اصول کافی جلد ۲ ص ۱۹۱ حدیث ۱۲.

^{۵۱۰} - بحار جلد ۶ ص ۳۵۵.

^{۵۱۱} - اصول کافی جلد ۲ ص ۱۹۷ حدیث ۲.

^{۵۱۲} - اصول کافی جلد ۱ ص ۱۹۴ حدیث ۷.

^{۵۱۳} - بحار جلد ۸۲ ص ۱۲۷-۱۲۸ به نقل از ثواب الاعمال ص ۲۳۴.

^{۵۱۴} - بحار جلد ۶ ص ۱۷۲ به نقل از کتاب التمهیص.

می‌ریزد.^{۵۱۵}

۸ - در روایت دیگری است که:

هیچ مصیبتی به شخص مسلمان نمی‌رسد مگر آنکه خداوند آن را کفاره گناهانش قرار می‌دهد، حتی اگر خاری بدن او را بخراشد.^{۵۱۶}

۹ - در صحیح بخاری و صحیح مسلم است که رسول خدا فرموده:

هیچ مسلمانی نیست که خراش خاری یا سخت‌تر از آن به او برسد مگر آنکه خداوند با آن گناهانش را می‌ریزد، همان‌گونه که درخت برگ خود را می‌ریزد.^{۵۱۷}

۱۰ - در صحیح بخاری و مسند احمد است که رسول خدا 7 فرمود:

هیچ‌گونه رنج و سختی، درد و مرض، مصیبت و اندوه، آزار و آسیب و حتی خراش خاری به مسلمانی نمی‌رسد مگر آنکه خداوند آن را کفاره گناهانش گرداند.^{۵۱۸}

۶-۷- پاداش صبر و شکیبایی

خداوند همان‌گونه که برای هر یک از اعمال انسان پاداش دنیوی و جزای اخروی قرار داده، همچنین برای صبر و شکیبائی انسان بر ناخوشیها و مصائب نیز، جزای دنیائی و پاداش آخرتی مقرر داشته است. امام علی ع از رسول اکرم 7 روایت کرده که آن حضرت فرمود:

الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ.

صبر و شکیبائی سه گونه است: خویشتن داری به هنگام مصیبت، استقامت و پایداری در اطاعت، شکیبیدن و بردباری در برابر معصیت.^{۵۱۹}

خداوند در سوره اعراف فرموده: بنی اسرائیل را به خاطر آنکه در زندگی دنیا صبر و استقامت نشان دادند، پاداش داده است:

وَأَوْزَيْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَرْنَا مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ وَ مَا كَانُوا يَعْرَشُونَ .

مشرق‌ها و مغرب‌های سرزمینی را که برکت داده بودیم، به آن قوم به ضعف کشیده شد [= بنی اسرائیل] به میراث دادیم، و

^{۵۱۵} - صحیح بخاری جلد ۳ ص ۲-۳ کتاب المرضی باب: شدة المرض.

^{۵۱۶} - صحیح بخاری کتاب المرضی باب: ما جاء في كفارة المرض.

^{۵۱۷} - صحیح بخاری جلد ۳ ص ۳ کتاب المرضی باب: شدة المرض، صحیح مسلم کتاب البر و الصلاة و الادب باب: ثواب المومن فیما یصیبه.

^{۵۱۸} - صحیح بخاری جلد ۳ ص ۲ کتاب المرضی باب: ما جاء في كفارة المرض و مسند

احمد ج ۳ ص ۱۸۰.

^{۵۱۹} - بحار جلد ۸۲ ص ۱۳۹ به نقل از مسکن القواد.

وعدۀ نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل به خاطر صبر و استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت، و آنچه فرعون و فرعونیان می ساختند و می افراشتند، درهم کوبیدیم!^{۵۲۰}
و نیز، درباره پاداش انواع سه گانه صبر و شکیبائی می فرماید:

۱ - وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَكَشِيرِ الصَّابِرِينَ %
الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ % أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.

یقیناً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و ثمرات امتحان می کنیم، و بشارت ده شکیبایان را! % آنانکه هر مصیبتی به ایشان رسید گفتند: ما از خدائیم و به سوی او باز می گردیم! % آنان، مشمول صلوات و رحمت پروردگار خود هستند، آنان، همان هدایت یافتگانند!^{۵۲۱}

۲ - لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ
السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

نیکی [تنها] این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی و نیکوکردار آن است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب و پیامبران، ایمان آورده و مال خود را، با آنکه دوستش دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان و سائلان و بردگان، انفاق می کند، و نماز را برپا می دارد، و زکات را می پردازد، و نیز، آنانی که - هرگاه عهد بستند - به عهد خود وفا می کنند، و در برابر محرومیتها و بیماریها و زمان جنگ صبر و استقامت نشان می دهند، اینان کسانی اند که راست می گویند و ایشان همان پرهیزکارانند!^{۵۲۲}

خلاصه این آیات که از سوره بقره آوردم این شد که: پرهیزکاران و هدایت یافتگان و نیکوکاران کسانی اند که کارهای شایسته انجام داده و به انواع سه گانه صبر و شکیبائی آراسته اند.

از جمله نمونه ها و مصادیق صبر بر طاعت و مصیبت، صبر و شکیبائی مؤمنان بر اذیت و آزار و سخریه و ریشخندی است که برای ایمانشان به خدا تحمل می کنند، چنانکه خدای متعال از آن خبر داده و فرموده:

۱ - إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ %

^{۵۲۰} - اعراف/۱۳۷.

^{۵۲۱} - بقره/۱۵۵-۱۵۷.

^{۵۲۲} - بقره/۱۷۷.

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ % إِنْ جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُونَ .

آری، گروهی از بندگانم می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، ما را بیمارز و بر ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی! % و شما آنان را به باد مسخره گرفتید تا یاد مرا از خاطرتان زدودند، و شما همچنان به آنها می خندیدید! % من امروز آنان را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش دادم، راستی را که آنان رستگارانند! ^{۵۲۳}

۲ - الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ % وَإِذَا يَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ءَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ % أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ % وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَّمْ عَلَيْكُمْ لَا تَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ .

آنانکه پیش از قرآن، کتاب آسمانی به آنها داده ایم، به آن ایمان می آورند! % و هنگامی که بر آنان تلاوت شود می گویند: به آن ایمان آوردیم. اینها همه حق است و از جانب پروردگار ماست. ما پیش از این هم مسلمان بودیم! % آنان به خاطر شکیبائی و صبرشان، پاداش خود را دوبار دریافت می دارند، و با نیکی ها بدی ها را دفع می کنند، و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند! % و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند از آن روی می گردانند و می گویند: اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان، سلام بر شما، ما خواهان جاهلان نیستیم! ^{۵۲۴}

۳ - خداوند در سوره رعد صابران و برپا دارندگان نماز را بشارت داده و فرموده:

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ هُمْ عُقْبَىٰ الْأَدَارِ % جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ % سَلَّمْ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَىٰ الْأَدَارِ .

و آنان که به خاطر پروردگارشان شکیبائی ورزیده، و نماز را برپا می دارند، و از آنچه روزی شان داده ایم، در نهان و آشکار، انفاق کرده و با حسنات سیئات را دفع می کنند؛ فرجام نیک آن سرا، ویژه آنان است: % بهشت های جاویدان که - با پدران و همسران و فرزندان صالح خود - در آنها جایگزین می گردند و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد شده! % [و گویند: سلام بر شما که صبوری کردید! و ه که چه نیکوست فرجام آن سرا! ^{۵۲۵}

^{۵۲۳} - مؤمنون/ ۱۰۹-۱۱۱ .

^{۵۲۴} - قصص/ ۵۲-۵۵ .

^{۵۲۵} - رعد/ ۲۲-۲۴ .

شرح کلمات

- ۱ - يَعْرِشُونَ: بالا می‌برند. در اینجا مراد بناهای مستحکمی است که فرعونیان در املاک خود می‌ساختند.
- ۲ - الْبَأْسَ وَالْبَأْسَاء: سختی و ناخوشی و جنگ که در اینجا، مراد از "بأساء" سختی و ناخوشی و مراد از "بأس" زمان جنگ است.
- ۳ - يَدْرُونَ: يَدْفَعُونَ: دفع می‌کنند، از خود می‌رانند.

پاداش صابران در روایات

در بحار با سند خود از امام صادق **U** روایت کرده که فرموده: رسول خدا **7** فرموده: هنگامی که پرونده‌های اعمال گشوده و ترازوهای سنجش برقرار گردد، برای بلا دیدگان صابر، نه ترازوی سنجش نهند و نه پرونده عمل گشایند! و این آیه را تلاوت فرمود: **(إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)** صابران پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند!^{۵۲۶}

و باز در بحار با سند خود از امام زین العابدین **U** روایت کرده که فرمود: هنگامیکه خداوند همه اولین و آخرین را گرد آورد، جازنده‌ای فریاد می‌زند: کجایند صابران تا بی حساب وارد بهشت شوند؟! فرمود: افرادی سرافراز به پا می‌خیزند، فرشتگان نزد آنان رفته و می‌گویند: ای فرزندان آدم به کجا می‌روید؟ می‌گویند: به سوی بهشت! می‌گویند: پیش از حساب؟ می‌گویند: آری، می‌گویند: مگر شما که هستید؟ می‌گویند: صابران! می‌گویند: صبر شما چگونه بوده؟ می‌گویند: در طاعت خدا استقامت کردیم و از معصیت او خویشتن داری نمودیم تا خدای عزّ و جلّ ما را میرانید و روحمان را دریافت کرد. فرشتگان می‌گویند: شما همانگونه‌اید که گفتید، وارد بهشت شوید که پاداش عمل کنندگان بسیار نیکوست!^{۵۲۷}

و نیز، صدوق رحمه الله در **ثواب الاعمال** با سند خود از امام باقر **U** آورده است که فرموده: هر کس نابینا از دنیا رود، در حالی که برای خدا صبوری کرده و دوستدار آل محمد **7** باشد، بی حساب به ملاقات خدا نائل گردد.^{۵۲۸}



اینها نمونه‌هایی از پاداش‌هاست که انسان برای عمل یا صبر بر ناخوشی‌ها دریافت می‌دارد. در بحث آینده - به یاری خدا - چگونگی به ارث ماندن نتایج اعمال را بررسی می‌نمائیم.

^{۵۲۶} - بحار جلد ۸۲ ص ۱۴۵، و زمر/۱۰.

^{۵۲۷} - بحار جلد ۸۲ ص ۱۳۸.

^{۵۲۸} - ثواب الاعمال، ص ۶۱ و ۲۳۴.

خداوند سبحان خبر داده که پاداش و نتیجه عمل برای نسل‌های بعدی نیز، باقی می‌ماند. چنانکه در سوره نساء می‌فرماید:

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا %
 إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا .

کسانی که اگر فرزندان صغیر و ناتوانی از خود بر جای گذارند از آینده آنان بیمناکند، باید بترسند و از خدا بپرهیزند و سخنی سنجیده و استوار گویند% آنانکه اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، تنها در اندرون خود آتش می‌خورند و بزودی در شعله‌های آتش بریان می‌شوند.

در سوره کهف می‌فرماید:

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ
 يَنْقُضَ فَأَقَامَهُ ۗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا % ... % وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي
 الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا
 رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ...

[خضر و موسی] به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند و از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد، [خضر] آن را برپا داشت. موسی گفت: می‌خواستی در برابر این کار مزدی بگیری!%...% اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی بود متعلق به آن دو؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می‌خواست آنان به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج نمایند؛ این رحمتی از پروردگارت بود^{۵۲۹} ...

شرح کلمات

- ۱ - سَدِيد: درست، قول سدید یعنی سخن درست و استوار که موافق عدل و شرع باشد.
- ۲ - سَعِير: آتش برافراخته سرکش که مراد از آن جهنم است.
- ۳ - يَنْقُضُ: فروریزد، یعنی آن دیوار در حال فروریختن و انهدام بود.
- ۴ - أَشُدَّهُمَا: قوت و توانشان، و (يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا) یعنی به سن رشد و توانمندی برسند.

آثار عمل بعد از مرگ

آثار برخی از اعمال پس از مرگ انسان نیز، باقی مانده و سود و زیان آن به صاحب عمل برمی‌گردد. صدوق در کتاب خصال از امام صادق **ص** آورده است که فرمود:

انسان پس از مرگ هیچگونه ثواب و پاداشی به دنبال خود ندارد مگر پاداش سه کار نیک را: ۱ - صدقه جاریه، صدقه‌ای که در حال حیات به راه انداخته باشد، مانند موقوفه‌ای که ارث برده نشود، این جریان، پس از مرگ او تا روز قیامت ادامه می‌یابد. ۲ - سنت هدایت و راهنمایی که خود به آن عمل کرده و پس از او مورد عمل دیگران قرار گیرد. ۳ - فرزند شایسته‌ای که برای او آموزش بخواند.^{۵۳۰}

شرح این حدیث در روایت دیگری چنین است که امام **ص** فرموده:

شش چیز است که مؤمن پس از مرگ خود از آنها سود می‌برد: ۱ - فرزند شایسته‌ای که برایش آموزش بخواند ۲ - کتاب و قرآنی که خوانده شود ۳ - چاه آبی که حفر کند ۴ - درختی که بکارد ۵ - جریان آبی که برای صدقه وقف نماید ۶ - سنت پسندیده‌ای که پس از وی به کار آید.^{۵۳۱}



تا اینجا، آثار عمل در دنیا و آخرت و به ارث ماندن آن را بیان داشتیم، از جمله آثار و نتایج اعمال نیک "حق شفاعت" است که پروردگار عالمیان آن را به برخی از بندگان خود عطا می‌کند و ما در بحث آینده - به یاری خدا - آن را بررسی می‌نمائیم.

^{۵۳۰} - خصال صدوق ج ۱ ص ۱۵۳.
^{۵۳۱} - خصال صدوق ج ۱ ص ۳۲۳.

الف - تعریف شفاعت

شفاعت در زبان عرب به معنای ضمیمه کردن دو چیز همانند و درخواست عفو و بخشش برای گناهکار است؛ شفیع و شافع کسی است که برای یاری رساندن به گناهکار با او همراه شده و در حق وی شفاعت می‌کند.

ب - شفاعت در قرآن

خدای متعال در سوره طه می‌فرماید:

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ ... يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أِذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا .

روزی که در صور دمیده شود...% ... در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نبخشد مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.^{۵۳۲}

و در سوره مریم می‌فرماید:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَنْ أَخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا .

آنان هرگز حق شفاعت ندارند، مگر کسی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی دارد.^{۵۳۳}
و در سوره اسراء فرموده:

... عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا .

... امید است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش [=مقام شفاعت] برانگیزد.^{۵۳۴}
و در سوره انبیا فرموده:

... لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ حَشِيَّتِهِۦ مُشْفِقُونَ .

... آنان [=بندگان شایسته] جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی‌کنند. آنان از ترس خدا بیمناکند.^{۵۳۵}
و در سوره اعراف می‌فرماید:

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ نَنْسَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ

هٰذَا ... % ... يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُۥ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَّنَا

مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا ...

^{۵۳۲} - طه / ۱۰۲ و ۱۰۹ .

^{۵۳۳} - مریم / ۸۷ .

^{۵۳۴} - اسراء / ۷۹ .

^{۵۳۵} - انبیا / ۲۸ .

آنان که دین خود را بیهودگی و بازیچه گرفتند؛ و زندگانی دنیا مغرورشان ساخت؛ امروز [= قیامت] فراموششان می‌کنیم، همان‌گونه که دیدار این روزشان را فراموش کردند...%...%... روزی که حقیقت امر فرارسد، کسانی که در گذشته آن را فراموش کرده بودند می‌گویند: راستی را که رسولان پروردگار ما حق را آوردند؛ آیا شفیعیانی برای ما وجود دارد که شفاعت‌مان کنند؟^{۵۳۶}

تفسیر آیات

روزی که در صور دمیده شود شفاعت هیچ کس کارساز نیست مگر شفاعت بندگان صالح خدا که اجازه‌شان داده و از گفتار راضی است.

و نیز، هیچکس مالک شفاعت نیست مگر کسانی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی دارند، یعنی انبیا و اوصیا و بندگان شایسته خدا که با ایشانند.

شفاعت، همان مقام محمودی است که خداوند به خاتم انبیا⁷ وعده داده است، و انبیا⁸ تنها از کسانی شفاعت می‌کنند که خداوند از شفاعت برای آنان راضی باشد؛ و در همین روز است که مغروران و کسانی که زندگانی دنیا فریشتان داده در حالیکه هیچ شفاعت‌کننده‌ای ندارند، می‌گویند: آیا برای ما شفیعیانی هست که شفاعت‌مان کند؟

ج - شفاعت در روایات

در بحار به نقل از کتاب عیون اخبار الرضا⁹ آورده است که امام رضا¹⁰ از قول پدرش امام کاظم¹¹ و او از پدرش تا امیر المؤمنین¹² روایت کرده که فرمود: رسول خدا¹³ فرموده:

مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِحَوْضِي - الْحَوْضُ: الْكُوْتَرُ - فَلَا أَوْزَدُهُ اللهُ حَوْضِي وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالُهُ اللهُ شَفَاعَتِي...
هر کس به حوض من ایمان نیاورد - حوض کوثر - خداوند او را بر حوض من وارد نسازد، و هر کس به شفاعت من ایمان نیاورد، خداوند شفاعت مرا به او نرساند...

راوی در پایان روایت از امام رضا¹⁴ می‌پرسد: ای فرزند رسول خدا¹⁵! پس معنای فرموده خدای عز و جل چیست که می‌فرماید: "وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ آرْتَضَى" شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا راضی است. فرمود: معنای آیه این است که: شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خداوند دینش را پسندیده است.^{۵۳۷}

در مسند احمد آورده است که رسول خدا¹⁶ فرموده:

الصِّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقُولُ الصَّيَّامُ: أَيْ رَبِّ مَنْعْتَهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفَّعْنِي^{۵۳۸} فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنْعْتَهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفَّعْنِي فِيهِ، قَالَ: فَيَشْفَعَانِ.

روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده خدا شفاعت می‌کنند، روزه گوید: پروردگارا! من او را در طول روز از همه غذاها و شهوات بازداشتی، حال، مرا شفیع او گردان. و قرآن گوید: من او را از خواب شب بازداشتی، کنون مرا شفیع او

^{۵۳۶} - اعراف/۵۱-۵۳.

^{۵۳۷} - بحار ج ۸ ص ۳۴، و انبیا/۲۸.

^{۵۳۸} - در متن کتاب "فیشفعنی" آمده که اشتباه است.

قرار ده. فرمود: و بدینگونه او را شفاعت می‌کنند.^{۵۳۹}

در روایت دیگری از امام علی **ع** است که فرمود: رسول خدا **ﷺ** فرموده است: ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشْفَعُونَ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.

سه گروه‌اند که نزد خدای عز و جل شفاعت کرده و شفاعتشان پذیرفته می‌شود: انبیا و علما و شهدا.^{۵۴۰}

در سنن ابن ماجه آورده است که رسول خدا **ﷺ** فرمود: يَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ.

سه گروه در روز قیامت شفاعت می‌کنند: انبیا و علما و شهدا.^{۵۴۱}

در بحار از امام صادق **ع** درباره شفاعت رسول خدا **ﷺ** در روز قیامت حدیثی آورده که در آخر آن آمده است: ... إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ **ﷺ** يَوْمَئِذٍ يَخِرُّ سَاجِدًا فَيَمْكُثُ مَا شَاءَ اللَّهُ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اِرْفَعْ رَأْسَكَ وَاشْفَعْ تُشْفَعُ، وَسَلِّ تَعْطَ. وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: "عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا".

... رسول خدا **ﷺ** در آن روز به سجده می‌افتد و تا هنگامی که خدا بخواهد درنگ می‌کند، پس از آن خدای عز و جل می‌فرماید: سِرِّ خُودِ رَا بَرْدَارٍ وَ شَفَاعَتِ كُن تَا شَفَاعَتِ تَا پَذِيرَفْتِه گَرْدَد، وَ دَرخَوَاسْتِ كُن تَا خَوَاسْتِهَاتِ عَطَا شُود. وَ اَيْنِ هِمَانِ سَخْنِ خُدَايِ مَتَعَالِ اسْتِ كِه فَرْمُودِه: اَمِيدِ اسْتِ پَرُورْدِگَارْتِ تُو رَا بِه مَقَامِي دَرخُورِ سَتَايشِ بَرَانْگِيْزْد.^{۵۴۲} مشروح این خبر در تفسیر ابن کثیر و طبری و دیگران با عباراتی متفاوت نیز، آمده است.^{۵۴۳}

ترمذی از امام صادق **ع** روایت کرده که رسول خدا **ﷺ** فرمود: شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي.

شفاعت من برای صاحبان کبائر از امتم می‌باشد.^{۵۴۴}

نتیجه بحث

از مجموع آیات و احادیث وارد درباره شفاعت دانسته می‌شود که، شفاعت در روز قیامت برای هر کس هرگونه بخواهد نیست؛ بلکه شفاعت برابر با مشیت خدای حکیم، پاداش اعمالی است که خداوند آنها را اسباب شفاعت قرار داده است؛ مانند اینکه، بنده مسلمانی در واجبی از واجباتش کوتاهی کرده و در مقابل آن در زندگی دنیائی‌اش از صمیم قلب دوستدار رسول الله **ﷺ** و اهل بیت او علیهم السلام بوده، و آنان را از آن رو که اولیای خدا بوده‌اند دوست داشته است؛ یا آنکه عالمی را بدان سبب که عالم اسلامی بوده گرامی داشته، یا به مؤمن صالحی که بعدها به شهادت رسیده نیکوئی نموده است. خداوند نیز او را به خاطر آن حب قلبی و این اقدام علمی‌اش پاداشی می‌دهد که تقصیر و کوتاهی‌اش در آن واجب

^{۵۳۹} - مسند احمد ج ۲ ص ۱۷۴.

^{۵۴۰} - بحار ج ۸ ص ۳۴.

^{۵۴۱} - سنن ابن ماجه باب ذکر شفاعت حدیث ۴۳۱۳.

^{۵۴۲} - بحار ج ۸ ص ۳۶، و اسراء/۷۹.

^{۵۴۳} - به تفسیر آیه در تفسیر طبری و قرطبی و ابن کثیر و صحیح بخاری کتاب تفسیر ج ۳ ص ۱۰۲ و سنن ابن ماجه حدیث (۴۳۱۲) و سنن ترمذی ج ۹ ص ۲۶۷ مراجعه شود.

^{۵۴۴} - سنن ترمذی کتاب « صفة يوم القيامة ».

را جبران نماید.

در نقطه مقابل نیز، آثار اعمال زشت و گناهان است که پاداش اعمال نیک را تباہ و نابود می‌کند و ما در بحث آینده - به یاری خدا - آن را بررسی می‌نمائیم.

۱۰-۶- تباهی پاداش، کیفر برخی اعمال

الف - تعریف حبط و تباهی عمل

حبط عمل و کار، بطلان و تباہ شدن نتیجه آن است. نتیجه اعمال آدمی در آخرت به دلایل زیر تباہ می‌گردد:

۱ - اینکه به خدا و روز قیامت ایمان نیاورد یا مشرک باشد و با خدا و رسول بستیزد.

۲ - اینکه عمل را به قصد نفع دنیائی انجام داده باشد که پاداش آن را نیز همان‌گونه که خواسته در دنیا دریافت می‌کند.

۳ - اینکه بی‌تقوا باشد و آداب اسلامی را سبک بشمارد و ریا کند و...

ب - حبط عمل در قرآن کریم

خدای سبحان در قرآن کریم چگونگی حبط و تباهی اعمال نیک آدمیان را، از هر صنف و گروهی که باشند، همراه با دلایل آن بیان داشته و در سوره اعراف درباره کافران به آیات خدا و قیامت می‌فرماید:

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

آنان که آیات خدا و دیدار قیامت را تکذیب می‌کنند، اعمالشان تباہ می‌گردد. آیا جز آنچه عمل می‌کردند پاداش داده می‌شوند؟!^{۵۵}

در سوره توبه درباره مشرکان می‌فرماید:

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ ۚ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ۚ % إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ ۖ فَعَسَىٰ ۗ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ .

مشرکان را نشاید که مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! این گروه اعمالشان تباہ گردیده و در آتش دوزخ جاودانند. % مساجد خدا را تنها آن کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است این گروه از راه‌یافتگان باشند.^{۵۶}

در سوره بقره درباره مرتدین و از دین برگشته‌ها می‌فرماید:

^{۵۵} - اعراف/۱۴۷.

^{۵۶} - توبه/۱۷ و ۱۸.

... وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^ط
وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ .

... هر کس از شما که از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد. چنین کسانی همه اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.^{۵۴۷}

در سوره محمد 7 درباره کافران و ستیزه جویان با رسول خدا 7 می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا
وَسِيحِبُّوا أَعْمَالَهُمْ % يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ .

آنان که کافر شدند و [مردمان] را از راه خدا بازداشتند و بعد از آنکه راه هدایت برایشان روشن شد [باز هم] با رسول خدا ستیزه جوئی کردند، هرگز زبانی به خدا نمی رسانند [بلکه خداوند] بزودی اعمالشان را تباه و نابود می کند% ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و اعمال خود را تباه نسازید!
حبط و تباهی اعمال - چنانکه گذشت و می آید - تنها دامن کافران را نمی گیرد بلکه مسلمانان را نیز شامل می گردد، خداوند در سوره حجرات می فرماید:

يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ
أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ .

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و با او به آواز بلند - بدان گونه که با یکدیگر سخن می گوئید - سخن مگوئید که اعمالتان تباه گردد و شما ندانید!
در سوره بقره می فرماید:

يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ...

ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات و بخشوده های خود را با منت و آزار تباه و باطل مسازید، همانند کسی که مال خود را برای ریا و خودنمایی انفاق می کند و...

ج - حبط عمل در روایات

در روایات اسلامی به بسیاری از دلایل و اسباب حبط اعمال اشاره شده است که در زیر نمونه هائی از آنها را می آوریم:
شیخ صدوق در کتاب *ثواب الاعمال* از رسول خدا 7 روایتی آورده که آن حضرت فرموده:
هر کس بگوید: "سبحان الله" خداوند برای او در بهشت درختی را غرس می کند.
هر کس بگوید: "الحمد لله" خداوند برای او در بهشت درختی را می کارد.

و هر کس بگوید: " لا اله الا الله " خداوند برای او در بهشت درختی را می‌نشانند.

و هر کس بگوید: " الله اکبر " خداوند برای او در بهشت درختی را برآورد.

یکی از مردان قریش گفت: ای رسول خدا! بنابراین، درختان ما در بهشت بسیار است! فرمود: آری، ولی بر حذر باشید

که آتشی بر آنها نفرستید تا همه را بسوزانند، زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: "يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ" ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا

را و اعمال خود را [با نافرمانی] باطل نکنید!^{۴۸}

در صحیح مسلم و غیر آن از رسول خدا 7 آورده‌اند که فرموده:

إِنَّ فِرَاطَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ وَرَدَ شَرِبَ، وَمَنْ شَرِبَ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهُ، وَلَيَرِدَنَّ عَلَى أَقْوَامٍ أَعْرَفُهُمْ وَيَعْرِفُونِي ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ.

به سوی من بر حوض کوثر سبقت جوئید که هر کس رسید می‌نوشد و هر که نوشید بعد از آن تشنه نگردد، در آنجا

گروه‌هایی بر من وارد می‌شوند که آنان را شناخته و آنان نیز مرا می‌شناسند سپس میان من و آنان جدائی می‌افتد!

در روایت دیگری است که فرموده:

لَيَرِدَنَّ عَلَى الْحَوْضِ رِجَالٌ مِمَّنْ صَاحِبِنِي حَتَّى إِذَا رَأَيْتَهُمْ اخْتَلَجُوا دُونِي، فَلَأَقُولَنَّ أَيُّ رَبِّ أَصْحَابِي أَصْحَابِي، فَيَقَالَنَّ لِي: إِنَّكَ لَا تَذَرِي مَا أَخَذْتُوا بِعَدَاكَ.

مردانی از اصحابم بر حوض کوثر نزد من می‌آیند، ولی تا آنان را می‌بینم از من جداشان می‌کنند، من [با شتاب] می‌گویم:

خدای من! یارانم! یارانم! به من گفته می‌شود: تو نمیدانی اینان بعد از تو چه کردند!^{۴۹}

در حدیث دیگری از رسول خدا 7 آمده است:

إِنَّ الْمُرَائِي يُدْعَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ: يَا كَافِرًا! يَا فَاجِرًا! يَا غَادِرًا! يَا خَاسِرًا! حَبِطَ عَمَلُكَ وَ بَطَلَ أَجْرُكَ وَ لَا خَلَاقَ لَكَ الْيَوْمَ، فَالْتَمِسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ.

روز قیامت شخص ریاکار را با چهار نام صدا می‌زنند می‌گویند: ای کافر! ای فاجر! ای غادر! ای زیانکار! کردارت تباه و

پاداشت باطل گردید، امروز بهره‌ای نداری، اکنون پاداش خود را از کسی درخواست کن که برایش کار می‌کردی!^{۵۰}

خلاصه بحث

تا اینجا، نمونه‌هایی از پاداش "رب العالمین" به انسان را بیان داشتیم. در بحث آینده - به یاری خدا - شرکت جن و

انس در پاداش و کیفر الهی را بیان می‌داریم.

^{۴۸} - ثواب الاعمال ص ۳۲، و سورة محمد p آیه ۳۳.

^{۴۹} - صحیح مسلم، کتاب الفضائل، حدیث ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۲ و ۴۰.

^{۵۰} - بحار ج ۷۲ ص ۲۹۵ به نقل از أمالی صدوق ص ۳۴۶.

در بحث خلقت آدم ﷺ آوردیم که خداوند همه فرشتگان را فرمان داد تا برای آدم سجده کنند، آنان همه سجده کردند جز ابلیس که از جنیان بود، خدای سبحان نیز او را کیفری درخور داده و از درگاه خود بیرونش راند. آنچه در اینجا می‌آوریم بیان خداوند از سرانجام او و همزادان جنی‌اش در روز قیامت خواهد بود.

۱ - خداوند در سوره انعام می‌فرماید:

وَيَوْمَ تَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَمَعَشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ... يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَعَرَّيْتَهُمُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ .

روزی که خداوند همه آنان را گرد هم آورد [می‌گوید]: ای جماعت جنیان! شما بسیاری از انسانها را گمراه ساختید... ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از خود شما به سویتان نیامدند که آیات مرا بازگو می‌کردند و شما را از دیدار چنین روزی بیم می‌دادند؟! آنان می‌گویند: ما بر ضد خودمان گواهی می‌دهیم! [آری] زندگی دنیا آنان را فریفت و به زیان خود گواهی دهند که کافر بودند.^{۵۱}

۲ - در سوره جن از زبان خود جنیان برای قوم خویش می‌فرماید:

وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا % وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا .

[آنان گفتند]: گروهی از ما مسلمان و گروهی ستمگرند. و هر کس اسلام آورد راه رشد و هدایت را برگزیده است % اما ستمگران هیزم و آتشگیره دوزخند!^{۵۲}

۳ - در سوره اعراف می‌فرماید:

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آذَرَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَبْتُمْ وَأَوْلَيْتُمْ رَبَّنَا هَتُّوْا لَنَا فَمَا لَكُم مِّنَ النَّارِ قَالِ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ % وَقَالَتْ أُولَهُمْ لِأُخْرَبْتُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ .

[خداوند به ستمگران] می‌فرماید: در ردیف گروه‌های مشابه خود، از جن و انس، در آتش درآید! هرگاه دسته‌ای وارد می‌شود همتای خود را لعن می‌کند تا چون همگی در آنجا به هم رسند، گروه دنباله رو درباره پیشوایان خود می‌گویند:

^{۵۱} - انعام/ ۱۲۸ و ۱۳۰ .

^{۵۲} - جن/ ۱۴ و ۱۵ .

پروردگارا! اینان بودند که ما را گمراه ساختند. پس کیفر دوزخی آنان را مضاعف کن! خداوند می‌فرماید: عذاب همه مضاعف است ولی شما نمی‌دانید! ۵۰۳ پیشوایان به دنباله روان گویند: شما بهتر از ما نبودید، پس بچشید عذاب را که محصول کار خودتان است! ۵۰۳

۴ - در سوره هود می‌فرماید:

... وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ .

... و فرمان پروردگارت قطعی شده که: جهنم را از همه جن و انس انباشته گردانم! ۵۰۴ اینها برخی از آیات قرآن کریم درباره رفتار جنیان و مجازات آنان در دنیا و آخرت بود. قرآن کریم، شرح و تفصیل حالات ویژه جن در قیامت را - بدان‌گونه که درباره انسان آورده - نیاورده است.

خلاصه بحث پاداش و کیفر

گفتیم: انسان، خود، گندم و جو و حبوبات را می‌کارد و پس از چند ماه که بگذرد، محصول آن را برداشت می‌کند. و نیز، انواع درختان میوه را می‌نشانند و پس از چند سال که گذشت، میوه آن را برمی‌گیرد. یعنی انسان محصول دسترنج خود را می‌خورد، با این حال، خدای سبحان می‌فرماید: "كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ" از آنچه خداوند، روزی‌تان داده، بخورید! ۵۰۵

و نیز می‌فرماید: "يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ" ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌های آنچه روزی‌تان دادیم بخورید. ۵۰۶ و می‌فرماید: "وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ" فرزندان‌تان را از ترس فقر و گرسنگی نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم! ۵۰۷

و گفتیم: این برای آن است که انسان در این مجموعه هستی همانند کسی است که به "سلف سرویس" می‌رود و باید با دست خود از خویشتن پذیرائی کند، در چنین مکان‌ها آن کسی که میهمانان را اطعام کرده و انواع خوردنی‌ها را برای آنان فراهم می‌نماید میزبان است، ولی میهمان نیز در انتخاب غذا و آماده کردن آن برای خویشتن آزاد است و اگر اقدام نکند و بشقاب و قاشق بر ندارد و نزدیک دیگ غذا نشود و هرچه خواست برنگیرد گرسنه می‌ماند و حق اعتراض هم ندارد، همچنانکه اگر پرخوری کند یا غذای ناباب بخورد نیز، تبعات آن بر خود اوست که چنین کرده است.

انسان در بهره‌گیری از نتایج اعمال معنوی خویش نیز بگونه‌ای است که برخی از نتایج کردار خود را تمام و کمال در همین دنیا دریافت می‌کند، مانند آثار صِلَةُ رَحِمِ كَافِرٍ که برای او پاداش دنیائی دارد. برخی را نیز تنها در آخرت می‌یابد، مانند آثار شهادت که ویژه مؤمنین است. برخی از اعمال نیز بهره هر دو سرائی دارد مانند صِلَةُ رَحِمِ مُؤْمِنٍ که پاداش دنیائی و آخرتی آن را تماماً دریافت می‌دارد.

۵۰۳ - اعراف/۳۸ و ۳۹ .

۵۰۴ - هود/۱۱۹ .

۵۰۵ - مائده/۸۸ و نحل/۱۱۴ .

۵۰۶ - بقره/۱۷۲ .

۵۰۷ - اسراء/۳۱ .

بنابر آنچه آوردیم، انسان نتیجه رفتار معنوی خود را، بدانگونه که نتیجه رفتار مادی‌اش را می‌گیرد، تماماً دریافت می‌دارد، یا در دنیا و یا در آخرت، و یا در دنیا و آخرت هر دو، همچنین است نتایج اعمال سوء و زشت! حق شفاعت در روز قیامت و اینکه خدای رحمان به برخی از انسانها چنین کرامتی را عطا می‌فرماید، نیز، محصول اعمالی است که انسان در دنیا انجام می‌دهد. همچنین است حبط و تباهی اعمال انسانها در روز قیامت که نتیجه برخی کردار دنیائی آنان است، زیرا: **"لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى"** برای انسان پاداشی جز آنچه خود کرده نیست!^{۵۵۸}

قرآن کریم همچنین خبر داده که جنیان هم بمانند انسیان پاداش اعمالشان را در آخرت تماماً دریافت می‌دارند. همه آنچه را آوردیم بر اساس تقدیر **"رَبِّ الْعَالَمِينَ"** و به اقتضای برخی از صفات پروردگاری اوست، در بحث آینده - به یاری خدا - صفات دیگری از ربّ العالمین را بررسی خواهیم کرد.

فصل هفتم: مشیت رب العالمین

۱-۷- مشیت در لغت و قرآن کریم

الف- **"مشیت"** در لغت به معنای **"اراده و خواستن"** است و به این معنی، مردم نیز دارای مشیتند، خداوند در قرآن کریم فرموده:

"إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا"

این هشدار و تذکری است، پس هر کس **"بخواهد"** راهی به سوی پروردگارش برمی‌گزیند!^{۵۵۹}
یعنی: انسان اگر **"بخواهد"** و ارده **"کند"** که راهی به سوی پروردگارش برگزیند با کمال آزادی و به اختیار خود بر آن قادر است، مانند این آیه، در سوره‌های مدثر (۵۵)، عبس (۱۲)، تکویر (۲۸)، کهف (۲۹)، و غیر آنها نیز آمده است. خداوند مشیت به معنای لغوی را به خود نیز نسبت داده و فرموده:

۱ - **أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا.**

آیا ندیدی چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟ و اگر **"می‌خواست"** آن را ساکن قرار می‌داد.^{۵۶۰}

۲ - **فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُّوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ % خَلْدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ**

^{۵۵۸} - نجم / ۳۹ .

^{۵۵۹} - مزمل ۱۹ و انسان ۲۹ .

^{۵۶۰} - فرقان / ۴۵ .

إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ^ج إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ % وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ^ط عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوزٍ.

اما آنان که بدبخت شدند، در آتشند و برای آنان در آنجا "زفیر و شهیق" [= ناله‌های بلند دم و بازدم] است % و تا آسمانها و زمین برپاست جاودانه در آن می‌مانند، مگر آنچه پروردگارت "بخواهد" که پروردگار تو هر چه را بخواهد انجام می‌دهد % و اما آنان که خوشبخت شدند، در بهشت‌اند و تا آسمانها و زمین برپاست جاودانه در آن می‌مانند، مگر آنچه پروردگارت "بخواهد"، بخششی است پیوسته.^{۵۱}

همانند این دو آیه در سوره‌های اسراء (۸۶) و فرقان (۵۱) نیز آمده است.

اما معنای آیات گذشته چنین است:

۱ - خداوند سبحان در مورد اول فرمود: "أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظَّلَّ" آیا ندیدی خداوند چگونه - بعد از ظهر - به تناسب نزدیکی خورشید به مغرب، سایه را به سوی مشرق گسترش داد تا آنگاه که غروب کرد به حد نهائی اش در شب رسانید و اگر "می‌خواست" سایه را همیشه ساکن قرار می‌داد، یعنی: گسترش سایه و حرکت آن به "مشیت و اراده" الهی است و از خواست خدا بیرون نیست.

۲ - خداوند در مورد دوم فرمود: اهل جهنم برای همیشه در آتشند، و اهل بهشت برای همیشه در بهشت، و این با قدرت و "مشیت" خداوندی است و از خواست خدا بیرون نیست.

ب - مشیت در اصطلاح قرآنی

هرگاه پس از واژه‌های: رزق، هدایت، عذاب، رحمت و مشتقات آنها در قرآن کریم، بحث از "مشیت خدا" آمده، مقصود آن است که جریان رزق و روزی و هدایت و امثال آنها، بر اساس سنت‌هایی است که خداوند به مقتضای حکمت خویش مقرر داشته است، و سنت خداوندی در این امور تغییر ناپذیر است و آنها از مصادیق این آیه شریفه‌اند که می‌فرماید: "سُنَّةَ اللَّهِ... وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" این سنت الهی است... و در سنت الهی هیچ‌گونه تبدیلی نخواهی یافت!^{۵۲} چنانکه در سوره فاطر نیز می‌فرماید:

"فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^ط وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا.

هرگز در سنت خدا تبدیلی نخواهی یافت، و هرگز در سنت الهی تغییری نمی‌یابی!

۲-۷- مشیت خدا در رزق و روزی

۱ - خداوند در سوره شوری می‌فرماید:

^{۵۱} - هود/۱۰۶-۱۰۸.

^{۵۲} - احزاب/۶۲ و فتح/۲۳.

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.

کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. "روزی" را برای هر کس "بخواهد" گسترش می‌دهد یا تنگ می‌گرداند. او به همه چیز آگاه است.^{۵۶۳}

۲ - در سوره عنکبوت فرموده:

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ % وَلِئِن سَأَلْتَهُم مَّن خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ % اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ % وَلِئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ .

چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل "روزی" خود را ندارد، خداوند او و شما را "روزی" می‌دهد و او شنوا و داناست % و هرگاه از آنان بپرسی: چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ می‌گویند: "الله!" پس با این حال، چگونه به انحراف کشیده می‌شوند؟! % خداوند "روزی" را برای هر کس از بندگانش که "بخواهد" گسترش داده و تنگ می‌گرداند، خداوند به همه چیز آگاه است % و اگر از آنان بپرسی: چه کسی از آسمان آبی فرستاد و با آن زمین را، پس از مردنش، زنده کرد؟ می‌گویند: "الله" بگو: حمد و ستایش ویژه خداست، اما بیشتر آنان نمی‌دانند.^{۵۶۴}

۳ - در سوره سبا فرموده:

قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ .

بگو: پروردگار من "روزی" را برای هر یک از بندگانش که "بخواهد" وسعت داده و یا تنگ می‌گرداند. و هر چه را انفاق کنید، جای آن را پُر می‌کند و او بهترین "روزی" دهندگان است.^{۵۶۵}

۴ - در سوره اسراء می‌فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا % إِنْ رَبُّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا % وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطَاً كَبِيرًا ... وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ

۵۶۳ - شوری / ۱۲ .

۵۶۴ - عنکبوت / ۶۰-۶۳ .

۵۶۵ - سبا / ۳۹ .

أَشَدُّهُ^ج وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ^ط إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا % وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ^ع ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا .

نه دست خود را بسته و آویزه گردن کن [تا از انفاق باز مانی] و نه به یکباره آن را بگشای که سرزنش دیده و حسرتبار گردی % مسلماً پروردگارت "روزی" را برای هر کس "بخواهد" گشاده یا تنگ می‌گرداند، او به حال بندگانش آگاه است % فرزندان خود را از بیم فقر نکشید! ما آنان و شما را "روزی" می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناه بزرگی است... و به مال یتیم، جز به نیکوترین وجه، نزدیک نشوید تا آنگاه که به حد بلوغش رسد، و به عهد خویش وفا کنید که از عهد و پیمان سؤال می‌گردد! % و چون چیزی را پیمان‌ه کنید، حق پیمان‌ه را ادا نمائید، و با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر و نیک فرجامتر است.^{۵۶۶}

۵ - در سوره آل عمران فرموده:

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِنْ تَشَاءٍ وَتُعْزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ^ط بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ % تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ^ط وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ^ط وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ .

بگو: بار خدایا! مالک حکومتها توئی؛ به هر کس "بخواهی" حکومت می‌بخشی، و از هر کس "بخواهی" حکومت می‌گیری؛ هر کس را "بخواهی" عزت بخشیده و هر کس را "بخواهی" خوار گردانی. خوبی‌ها همه به دست توست و تو بر هر چیزی توانائی. شب را در روز داخل کرده و روز را در شب می‌بری، و زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده، و به هر کس "بخواهی" بدون حساب "روزی" می‌دهی.^{۵۶۷}

مشیت خدا چگونه است؟

در بحث پاداش اعمال آوردیم که خداوند متعال وسعت رزق را در «صله رحم» قرار داده، و اولاد آدمی آثار صلاح و درستی پدرش را به ارث می‌برد، چنانکه در داستان موسی و عبد صالح خدا [= خضر و] گذشت که دیوار در حال فروریختن را برپا داشت تا گنج مدفون زیر آن برای دو یتیمی که پدرشان مرد صالحی بود، باقی بماند و آن دو پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد خود، آن را بیرون آورند. این دو، نمونه‌ای از "مشیت" و خواست خدا در امر روزی دادن است که بر اساس "سنت‌های ثابت الهی" جریان می‌یابد.

۳-۷- مشیت خدا در هدایت و راهنمایی

هدایت انسان در قرآن کریم دو گونه است:

^{۵۶۶} - اسراء / ۲۹-۳۵ .

^{۵۶۷} - آل عمران / ۲۶-۲۴ .

۱- هدایت به معنای آموزش عقاید و احکام اسلام.

۲- هدایت به معنای توفیق در ایمان و عمل صالح.

قرآن کریم هدایت نوع اول را بیشتر به پیامبرانی نسبت میدهد که خداوند برای تبلیغ و رساندن عقاید و احکام اسلام به انسانها فرستاده است. گاهی نیز، آن را به خود خدا که پیامبران را با دین اسلام فرستاده نسبت می‌دهد.

قرآن کریم هدایت نوع دوم را تنها به خدا نسبت می‌دهد، گاهی با ذکر "میشت" و اینکه این هدایت خواسته خداوند است، و گاهی بدون ذکر "مشیت".

خداوند شرط بهره‌گیری از هر دو نوع هدایت را، پسند و گزینش مردم و اقدام عملی آنان برای رسیدن به آن قرار داده است. بیان آن در مباحث سه‌گانه زیر می‌آید:

الف - هدایت آموزشی

قرآن هدایت آموزشی مردمان به معنای تبلیغ اسلام را گاهی به انبیا نسبت داده و می‌فرماید:

وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ % صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ .

براستی که تو به سوی راه راست هدایت می‌کنی % راه خداوندی که هر چه در آسمانها و زمین است از آن اوست. آگاه باشید! همه کارها به سوی خدا باز می‌گردد.^{۵۶۸}

گاهی نیز، هدایت انبیا را به خدا نسبت داده و می‌فرماید:

۱ - وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا .

آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.^{۵۶۹}

۲ - هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ .

او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند.^{۵۷۰}

به همین معنی، هدایت را به کتابهای آسمانی نیز، نسبت داده و فرموده:

۱ - شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ

ماه رمضان ماهی که قرآن هدایتگر مردمان، و نشانه‌هایی از ره یافت و جدائی حق و باطل، در آن ماه نازل گردیده است.^{۵۷۱}

^{۵۶۸} - شوری/ ۵۲ و ۵۳ .

^{۵۶۹} - انبیاء/ ۷۳ .

^{۵۷۰} - توبه/ ۳۳ .

^{۵۷۱} - بقره/ ۱۸۵ .

۲ - وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ % مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ .

و تورات و انجیل را، از پیش، برای هدایت مردم فرستاده است.^{۵۷۲}

گاهی نیز، هدایت آموزشی را مستقیماً به خدای ذوالجلال نسبت داده و فرموده:

۱ - أَلَمْ نُجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ % وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ % وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ .

آیا برای انسان دو چشم قرار ندادیم؟ و یک زبان و دو لب؟ و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم؟!^{۵۷۳}

۲ - وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ .

اما قوم ثمود را هدایت کردیم، ولی آنان بی‌بصری را بر هدایت ترجیح دادند!^{۵۷۴}

بنابراین، خدای متعال هدایت تعلیمی و آموزش اسلام را گاهی به پیامبران و کتاب‌های خویش نسبت می‌دهد، و گاهی

به ذات پاک خویشان! و این از آن روست که خود او پیامبران را با این کتاب‌ها برای آموزش مردم فرستاده است.

در بحث آینده چگونگی برخورد انسان با پذیرش یا رد این هدایت را - به یاری خدا - بررسی می‌نمائیم.

ب - انسان و گزینش هدایت یا گمراهی

با دقت در آیات قرآن درمی‌یابیم که مردم همیشه پس از آمدن انبیا و کتابهای آسمانی، به دو گروه تقسیم شده‌اند:

دسته‌ای هدایت را بر گمراهی برمی‌گزیدند، و دسته‌ای گمراهی را بر هدایت ترجیح می‌دادند، به آیات زیر توجه فرمائید:

۱ - إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ ... وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ

وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ .

[بگو:] من مأمور شده‌ام پروردگار این شهر را عبادت کنم... و اینکه قرآن را تلاوت نمایم، پس هر کس هدایت یافت به

سود خود هدایت شده، و هر کس گمراه شد، بگو: من تنها از بیم دهندگانم!^{۵۷۵}

۲ - قُلْ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ

فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ .

بگو: ای مردم! حق از سوی پروردگارتان به سراغ شما آمده، هر کس هدایت یابد، به سود خویش هدایت یافته، و هر کس

گمراه شود، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد، و من وکیل بر شما نیستم.^{۵۷۶}

۳ - مَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا

^{۵۷۲} - آل عمران/ ۳ و ۴ .

^{۵۷۳} - بلد/ ۸-۱۰ .

^{۵۷۴} - فصلت/ ۱۷ .

^{۵۷۵} - نمل/ ۹۱ و ۹۲ .

^{۵۷۶} - یونس/ ۱۰۸ .

مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا.

هر کس هدایت یابد، به سود خویش هدایت یافته، و هر کس گمراه شود، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد؛ و هیچ کس بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد؛ و ما هرگز [کسی را] مجازات نمی‌کنیم مگر آنکه پیامبری برانگیخته باشیم.^{۵۷۷}

انسانِ هدایت جو و امداد الهی

خداوند در سوره مریم درباره هدایت خواهانِ هدایت جو می‌فرماید:

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى .

آنان که در مسیر هدایت افتاده‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید.^{۵۷۸}

و در سوره "محمد" 7 می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ .

آنان که هدایت یافتند، خداوند بر هدایتشان افزود و ایشان روح تقوی بخشید.^{۵۷۹}

آنان که بعد از آمدن رسولان الهی هدایت را برگزیده و در راه خدا به تلاش برمی‌خیزند، سزاوار توفیق خداوندی می‌گردند. ولی کسانی که پیامبران را تکذیب کرده و از هوای نفس پیروی کنند، گمراهی آنان حتمی و یقینی است. خدای سبحان از هر دو گروه خبر داده و فرموده:

۱ - وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ .

آنان که در راه ما به تلاش برخیزند، یقیناً به راههای خود، هدایتشان می‌کنیم. و خداوند با نیکوکاران است.^{۵۸۰}

۲ - وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ . %
تَحْرِصَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ .

ما در بین امتی رسولی برانگیختیم که: خدای را عبادت کنید و از طاغوت دوری گزینید! برخی را خداوند هدایت کرد، و برخی گمراهی‌شان به اثبات رسید. پس، در روی زمین بگردید و بنگرید سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود! % اگر بر هدایتشان اصرار بورزی [بدان که] خداوند هر کس را گمراه ساخت هدایت نمی‌کند، و آنان هیچ یاورى ندارند.^{۵۸۱}

۳ - فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ

۵۷۷ - اسراء/ ۱۵ .

۵۷۸ - مریم/ ۷۶ .

۵۷۹ - محمد/ ۱۷ .

۵۸۰ - عنكبوت/ ۶۹ .

۵۸۱ - نحل/ ۳۶-۳۷ .

أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ .

خداوند، گروهی را هدایت کرده، و گروهی گمراهی‌شان به اثبات رسیده، آنان شیاطین را به جای خداوند اولیای خود برگزیدند، و می‌پندارند که هدایت یافته‌گاند: ^{۵۸۲}

این نوع از «هدایت»، هدایتی است با «مشیت» الهی. شرح آن چنان است که می‌آید:

ج - هدایت به معنای توفیق ایمان و عمل با مشیت خداوندی

هدایت به معنای امداد الهی در ایمان و عمل با اشاره به مشیت الهی در آیات زیر در سوره‌های بقره، نور و یونس، چنین آمده است:

وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .

خداوند هر کس را "بخواهد" به راه راست هدایت می‌کند. ^{۵۸۳}

در سوره انعام آمده است:

مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأْ تَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ .

خداوند هر کس را "بخواهد" گمراه می‌کند، و هر کس را "بخواهد" بر صراط مستقیم قرار می‌دهد. ^{۵۸۴}

در سوره قصص آمده است:

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ .

تو نمی‌توانی هر که را دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر که را "بخواهد" هدایت می‌کند، و او به هدایت یافتگان آگاهتر است. ^{۵۸۵}

شرح کلمات

۱ - صراط مستقیم: صراط، راه آشکار، و مستقیم، راست و بدون کژی است.

"صراط مستقیم" دین را خداوند در سوره فاتحه چنین بیان داشته است:

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ .

راه آشکار کسانی که نعمتشان دادی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای، و نه گمراهان. ^{۵۸۶}

خداوند در سوره مریم کسانی را که نعمت داده بیان داشته و پس از ذکر داستان "زکریا و یحیی و مریم و عیسی ص" می‌فرماید: "واذکر فی الكتاب ابراهیم" ... در این کتاب [= قرآن] ابراهیم را یاد کن... "واذکر فی الكتاب موسی" ... در این کتاب موسی را یاد کن... "واذکر فی الكتاب اسماعیل" ... "واذکر فی الكتاب ادریس" ...

^{۵۸۲} - اعراف/۳۰ .

^{۵۸۳} - بقره/۱۴۲ و ۲۱۳ و نور/۴۶ و یونس/۲۵ .

^{۵۸۴} - انعام/۳۹ .

^{۵۸۵} - قصص/۵۶ .

^{۵۸۶} - فاتحه/۷ .

سپس می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ... وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا .

آنان پیامبرانی بودند که خداوند نعمتشان داده بود، از فرزندان آدم... و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. کسانی که هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می‌شد، سجده‌کنان و اشکریزان به خاک می‌افتادند.^{۵۸۷}

صراط و راه اینان دین اسلام، و سیره و روش زندگی‌شان عمل به آن بود، همان که مردم را به آن فرا می‌خواندند.

۲ - مغضوبٌ علیهم: کسانی که بر آنان غضب شده، اینان تنها قوم یهود بودند که خدای متعال در سوره بقره آنان را معرفی کرده و فرموده:

وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ .

ذلت و خواری و بیچارگی بر آنان مقرر شد، و با خشم خدا قرین آمدند، و این بدان سبب بود که به آیات الهی کفر می‌ورزیدند، و پیامبران را به ناروا می‌کشتند، و این برای آن بود که نافرمانی کرده و تجاوز می‌نمودند.^{۵۸۸}

همانند این تعبیرات درباره آنان، در سوره آل عمران (۱۱۲)، نیز، آمده است.

۳ - و لا الضَّالِّينَ: ضالین: گمراهان، همه کسانی که از اسلام روی گردانند، چنانکه در سوره آل عمران (۸۵ - ۹۰) با صراحت فرموده:

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ... وَأُولَئِكَ إِنَّهُمْ الضَّالُّونَ

هر کس جز اسلام دینی را برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد... و آنان همان گمراهانند.

۴ - يَهْدِي: هدایت می‌کند، شرح آن را در بحث هدایت «رب العالمین» بجویید.

۴-۷- مشیت الهی در عذاب و رحمت:

بیان مشیت الهی در عذاب و رحمت، در مواردی از قرآن کریم از جمله در سوره اعراف آمده است. خداوند با اشاره به دعای موسی U می‌فرماید:

وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ^ط وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ %

۵۸۷ - مریم / ۵۸ .

۵۸۸ - بقره / ۶۱ .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ ۖ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .

[موسی گفت:] و برای ما در این دنیا و در آخرت، نیکی مقرر فرما، ما به سوی تو بازگشته‌ایم. فرمود: عذاب خود را به هر کس "بخواهم" می‌رسانم، و رحمت من همه چیز را فراگرفته است. آن را برای کسانی که تقوا پیشه کنند و زکات بپردازند، و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر خواهم داشت % آنان که از این پیامبر و نبی "امی" پیروی می‌کنند. پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل نزد خود می‌یابند. آنان را به معروف فرمان داده و از منکر باز می‌دارد، پاکیزه‌ها را بر آنان حلال شمرده و ناپاکیها را حرام می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنان بود برمی‌دارد. پس، کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی‌اش داشتند و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آن همان رستگارانند.^{۵۸۹}

در سوره انبیا می‌فرماید:

أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ % مَا يَأْتِيهِمْ مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ % لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسْرَأُ النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ ۗ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ % قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ % بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمُ بَلْ أَفْتَرْتَهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ % مَا ءَامَنْتَ قَبْلَهُمْ مِّن قَرِيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ % وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ % وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ % ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ % لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ .

[روز] حساب مردم به آنان نزدیک شد و آنان همچنان در غفلت و بی‌خبری روی گردانند! % هیچ یادآور تازه‌ای از سوی پروردگارشان برای آنان نمی‌آید مگر آنکه آن را شنیده و به بازی می‌گیرند % دلهاشان در لهو و بی‌خبری فرورفته، و آنان که ستم کردند پنهان و درگوشی گفتند: آیا او جز بشری همانند شماست؟! آیا با آنکه می‌بینید از پی سحر می‌روید؟! %

[پیامبر] گفت: پروردگارم همه سخنان آسمان و زمین را می‌داند، و او شنوا و داناست % گفتند: [اینها وحی نیست] بلکه خوابهای آشفته است، یا آن را به دروغ به خدا نسبت داده، نه، بلکه او یک شاعر است! باید برای ما معجزه‌ای بیاورد، همان‌گونه که پیامبران پیشین فرستاده شدند % هیچ یک از آبدیهای پیش از اینان - که نابودشان کردیم - ایمان نیاوردند. آیا اینان ایمان می‌آورند؟ % ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم [موجود دیگری] نفرستادیم. اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید % ما پیامبران را کالدهایی که غذا نخورند قرار نداده بودیم، آنان عمر جاویدان هم نداشتند! % سپس وعده‌ای را که به آنان داده بودیم راست گردانیدیم، و مسرفان را هلاک نمودیم! % ما بر شما کتابی نازل کردیم که مایه تذکر و اعتلای شما در آن است، آیا درک نمی‌کنید؟! ^{۹۰}

در سوره "اسراء" فرموده:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلِّيْنَهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا % وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا % كَلَّا نُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا .

هر کس که زندگی زودگذر دنیا را بخواهد، هر چه "بخواهیم" و به هر کس "اراده" کنیم در دنیا به او می‌دهیم، سپس جهنم را برایش مقرر داریم تا نکوهیده و رانده شده ملازم آن گردد % و هر کس خواهان آخرت باشد و برای آن بکوشد - در حالی که مؤمن باشد - پاداش سعی او داده خواهد شد % هر یک از دو گروه را از اعطای پروردگارت افزونی دهیم که عطای پروردگارت هیچ‌گاه [از کسی] دریغ نشده است. ^{۹۱}

در سوره "انسان" می‌فرماید:

إِنَّ هَؤُلَاءِ حُجُبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذْرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا *... * إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا * وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا * يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا .

اینان زندگی زودگذر دنیا را دوست داشته و روز سختی را پشت‌سر خود رها می‌کنند! *... * این یک یادآوری است، پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند * و شما چیزی نمی‌خواهید مگر آنکه خدا "بخواهد" خداوند دانا و حکیم است * هر کس را "بخواهد" در رحمت خود وارد می‌کند. و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده است. ^{۹۲}

۹۰ - انبیاء / ۱-۱۰ .
 ۹۱ - اسراء / ۱۸-۲۰ .
 ۹۲ - انسان / ۲۷-۳۱ .